

کمک به رشد مسیحیان

(مطالعه‌ای در باب تعلیم و تربیت مسیحی)

نوشته: دُوین ای. ترنر

ترجمه: آریان رُشدی

ویرایش و انطباق: آرمان رُشدی

انتشارات ایلام - انگلستان ۲۰۰۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ می‌باشد

شابک: ۱-۹۰۴۹۹۲-۳۴-X

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

Helping Christians Grow

A Study in Christian Education

Dwayne E. Turner

Translated into Persian by: Arian Roshdi

Edited by: Arman Roshdi

GLOBAL UNIVERSITY
1211 South Glenstone Ave
Springfield, MO 65804
U.S.A.

Published by
ELAM PUBLICATIONS
P.O. BOX 75
GODALMING
GU8 6YP
ENGLAND

Persian Translation Copyright © Elam Ministries 2006

ISBN 1-904992-34-X

کمک به رشد مسیحیان، دوره خدمات مسیحی CSB 434

کلیه آیات نقل شده، از کتاب مقدس ترجمه قدیم می‌باشد. در صورتی که این ترجمه برای تان دشوار است، می‌توانید آیه‌ها را از ترجمه جدید «هزاره نو»، «مژده برای عصر جدید» و یا ترجمه «تفسیری» بیابید و بخوانید.

فهرست مطالب

۵

مقدمه

بخش اول: تغذیه و رشد روحانی

۱۳

درس ۱: زنده و در حال رشد

۴۳

درس ۲: به سوی بلوغ

۷۱

درس ۳: کمک به رشد مسیحیان

بخش دوم: رشد و یادگیری

۱۰۷

درس ۴: کشف و انجام

۱۳۹

درس ۵: رشد و یادگیری

۱۸۵

درس ۶: شباهت شاگرد به معلم

۲۱۷

درس ۷: هدایت کردن روند یادگیری

بخش سوم: رشد کردن به همراه دیگران

۲۴۷

درس ۸: رشد در خانواده

۲۷۳

درس ۹: رشد در گروه‌های مشارکتی

۳۰۵

درس ۱۰: رشد در کلیسا

۳۳۱

پاسخ خودآزمایی‌ها

۳۳۹

آزمون‌های میانی

توجه

مطالعه و کسب دانش در زمینه کتاب مقدس و الهیات به تنهایی هیچ کس را خادم نمی سازد. فقط کسانی افتخار خدمت به خداوند را دریافت می دارند که حاضر باشند «خدمت» کنند، نه «ریاست»؛ حاضر باشند، آخر باشند، نه اول؛ حاضر باشند افتخار را به دیگران بدهند و از حق خود بگذرند!

آنچه که یک مسیحی را شایسته خدمت به خداوند می سازد، روحیه خدمتکاری است. اگر چنین روحیه ای در وجود مسیحی شکل گرفته باشد، آنگاه، و فقط آنگاه است که دانش الهیات و کتاب مقدس می توانند او را برای خدمت مؤثرتر مجهز سازند.

دعای ما این است که چنین روحیه ای در همه ما شکل بگیرد. آمین!

مقدمه

آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که «چرا کلیسا برنامه‌های تعلیمی را در خدمت خود گنجانده است؟» یا اینکه «چگونه تعلیم، مربوط به هدفی می‌شود که کلیسا در صدد تحقق آن است؟» پرورش مسیحی برای خدمت کلیسا بسیار مهم است. خدمت تعلیم، به رشد و بلوغ ما در ایمان مسیحی کمک می‌کند. همچنین ما را آماده می‌سازد که به دیگران نیز به‌طور مؤثر خدمت کنیم. مطالعه این کتاب درسی به شما کمک خواهد کرد تا به سمت بلوغ روحانی حرکت کرده، به نیاز خود به تعلیم و تربیت مسیحی بیشتر واقف شوید. همچنین به تربیت و تجهیز شما برای استفاده از فرصت‌ها کمک می‌کند تا در امر تعلیم اعتقادات مسیحی به دیگران سهیم گردید.

ما مسیحیان کتاب مقدس را والاترین مرجع خود در امر ایمان و عمل مسیحی می‌دانیم. ما سعی داریم که خدمات را بر پایه مفاهیم و اصول کتاب مقدس بنا کنیم. در این کتاب درسی، با مطالعه مستقیم کتاب مقدس و برخی نکات عملی در مورد تعلیم و یادگیری، به درک بهتری از خدمت آموزش و پرورش مسیحی نائل خواهید شد.

ممکن است که روش‌های تعلیمی در محل زندگی شما همان‌هایی نباشند که من با آنها مأنوس هستم، اشکالی ندارد. کتاب مقدس اصول مختلفی را برای هدایت خدمت‌مان ارائه می‌دهد. نتیجتاً ما بر حسب نیاز خود، امکان زیادی برای اجرای آن اصول از طریق روش‌های متفاوت داریم. به‌هنگام بررسی ماهیت زندگی روحانی و اصول رشد مسیحی، برخی رهنمودهای کتاب مقدس را برای رشد و تکامل زندگی روحانی‌مان مطالعه خواهیم کرد. به‌علاوه، اصول کتاب مقدس را برای ترغیب سایر مسیحیان به رشد روحانی فرا خواهیم گرفت و راه‌هایی را خواهیم آموخت تا این اصول را درست در همانجایی به‌کار ببریم که نیازهای روحانی دیگران را برطرف نماید.

این کتاب به مطالعه بنیادهای خدمات تغذیه روحانی و تعلیم و تربیت مسیحی در کتاب مقدس می‌پردازد و کاربرد عملی اصول تعلیم را در کلیسای امروزی بررسی می‌کند. تأکید این کتاب بر روی نیازهای دانش‌آموزان در مراحل گوناگون رشد و نمویشان، و نیز بر روی راه‌های مختلف تغذیه روحانی و تعلیم و تربیت مسیحی از طریق برنامه‌های مختلف کلیسای محلی و گروه‌های مشارکت و خانواده مسیحی می‌باشد.

اهداف دوره درسی

پس از مطالعه این کتاب، باید بتوانید:

- ۱- منطق کتاب مقدس را برای تغذیه روحانی و تعلیم و تربیت روحانی درک کنید.
- ۲- توضیح دهید که میان تعلیم و تربیت مسیحی، و نظریه و فرایندهای تعلیم - یادگیری چه ارتباطی هست.
- ۳- فرصت‌های موجود را برای تغذیه روحانی دیگران تشخیص دهید و از آنها استفاده کنید.
- ۴- ارتباط تغذیه روحانی (تعلیم و تربیت مسیحی) را با فرایند رشد در زندگی طبیعی و روحانی تشخیص دهید.
- ۵- اهمیت و اثرات تغذیه روحانی (تعلیم و تربیت مسیحی) را در کنش و واکنش میان معلم و دانشجو تشخیص دهید.
- ۶- نقش تغذیه روحانی (تعلیم و تربیت مسیحی) را در روابط خانوادگی مورد بحث قرار دهید.

نکته مهم در خصوص متن ترجمه شده این کتاب:

در متن انگلیسی کتاب، کلمه *nurturing* یا فعل *to nurture* به کار رفته است. در ترجمه فارسی، برای اینکه مفهوم درست کلمه را با توجه به چارچوب متن ارائه

دهیم، در مقابل این کلمات انگلیسی، از اصطلاحات مختلفی استفاده کرده‌ایم، نظیر تغذیه روحانی، پرورش مسیحی، یا تعلیم و تربیت مسیحی. همه اینها اشاره دارد به خدمت تعلیم و تربیت ایمانداران برای رشد روحانی ایشان و رسیدن به بلوغ روحانی. لذا به‌هنگام مطالعه بخش‌های مختلف کتاب توجه داشته باشید که مثلاً اصطلاح «تغذیه روحانی» می‌تواند در عین حال به خدمت «تعلیم و تربیت مسیحی» نیز اشاره داشته باشد.

نویسنده کتاب

دوین ترنر (Dwayne E. Turner) این کتاب را بر اساس زمینه تحصیلی و تجربه وسیعی که در حوزه تعلیم و تربیت مسیحی دارد، نوشته است. او در کلیساها به‌عنوان شبان، کمک شبان و معلم خدمت کرده، در زمینه‌های گوناگون خدمت، تجربه کسب نموده است. او در سال ۱۹۷۰ برای خدمت دستگذاری شد. آقای ترنر از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴ در دانشکده Northwest College در کرکلند، واشنگتن، خدمت کرده است. او هنگامی که به شهر Cebu در جمهوری فیلیپین عزیمت کرد، خدمت میسیونری خود را آغاز نمود و در آنجا به مدت سه سال به‌عنوان مدیر اداری کالج کتاب مقدس Immanuel خدمت کرد. آقای ترنر به‌عنوان معلم امور میسیونری در فیلیپین، برنامه آموزشی کالج الهیات را تدوین نمود. آقای ترنر مدرک لیسانس الهیات خود را از North Central Bible College مینیاپولیس در ایالت مینسوتا اخذ کرده، و مدرک فوق لیسانس را از دانشگاه Conservative Baptist Theological Seminary در دنور در ایالت کولورادو اخذ نمود. او دارای مدرک فوق لیسانس در امور میسیونری از Assemblies of God از Springfield میسوری بوده و در زمان نگارش این کتاب، مشغول اخذ دکترا در زمینه خدمات کلیسایی از Conservative Baptist Theological Seminary می‌باشد.

نحوه مطالعه این کتاب

کتاب حاضر به شیوه‌ای ویژه نگارش یافته است که خواننده بتواند از آن به صورت خودآموز استفاده کند.

در مقدمه درس، کلیات و اهداف درس ارائه شده است. سپس قسمت‌های مختلف درس را یک به یک مطالعه نمایید و به سؤالات مطرح شده پاسخ دهید. این سؤالات در لابلای دروس گنجانده شده‌اند. پاسخ‌های صحیح سؤالات را در آخر هر درس خواهید یافت. جواب‌های خود را با آنها مقایسه کنید. برای کمک به خودتان، بهتر است تا زمانی که خودتان به سؤالات پاسخ نداده‌اید، به پاسخ‌ها نگاه نکنید. در پایان هر درس نیز یک خودآزمایی وجود دارد. این خودآزمایی شما را در به‌خاطر سپردن مطالب درس و یادگیری نکاتی که احیاناً توجه نکرده‌اید، یاری می‌دهد. پاسخ صحیح به سؤالات خودآزمایی در پایان کتاب آمده است.

ارزش دانشگاهی این دوره

هر کتاب از دوره «خدمت مسیحی» معادل یک واحد دانشگاهی ارزش دارد (لیسانس الهیات معادل ۱۲۸ واحد می‌باشد). دانشجویان می‌توانند کتاب‌های دوره «خدمت مسیحی» را به سه شیوه مطالعه کنند:

نخست، این کتاب‌ها را می‌توانند فقط برای اطلاعات عمومی و مطالعه شخصی بخوانند؛

دوم، می‌توانند آن را مطالعه کرده، و در پایان فقط آزمون‌های میانی را به شرح زیر بگذارند؛

سوم، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، آزمون رسمی و نهایی را طبق توضیحات زیر بگذارند و یک واحد دانشگاهی اخذ کنند.

آزمون‌های میانی

در پایان کتاب، سؤالات مربوط به آزمون‌های میانی را خواهید یافت. نام و نشانی خود را بر روی پاسخنامه ارائه شده بنویسید، و سپس به سؤالات پاسخ دهید. پس از آن، پاسخنامه را برای ما ارسال دارید تا آن را اصلاح کرده، به شما عودت دهیم. پس از اتمام هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» یک گواهینامه تقدیم دانشجوی خواهد شد.

آزمون رسمی (نهایی)

دانشجویانی که مایل باشند، می‌توانند پس از گذراندن آزمون‌های میانی، برای دریافت آزمون رسمی هر کتاب، یک فرم ثبت‌نام رسمی دانشگاه گلوبال تکمیل نمایند و با پرداخت هزینه مربوطه، آزمون رسمی را بگذرانند. این آزمون از آنجا که ارزش دانشگاهی دارد، باید نزد یک شبان یا خادم رسمی کلیسا گذرانده شود. در صورت موفقیت در این آزمون (امتیاز ۸۰٪ و بالاتر)، دانشجو یک واحد کسب خواهد کرد و گواهی مربوط به آن درس را از دانشگاه گلوبال دریافت خواهد داشت. در صورت تکمیل هجده کتاب دوره «خدمت مسیحی» دانشجو هجده واحد رسمی از ۱۲۸ واحد لازم برای اخذ لیسانس الهیات را کسب می‌کند. در این صورت، دانشجو می‌تواند با ورود به دوره‌های پیشرفته‌تر دانشگاهی، تحصیل الهیات را تا حد فوق دیپلم (۶۴ واحد) یا لیسانس (۱۲۸ واحد) ادامه دهد. قابل ذکر است که واحدهای این دوره برای سطح لیسانس دوم قابل استفاده نخواهد بود.

باشد که خداوند شما را به‌هنگام مطالعه این کتاب برکت دهد. دعا می‌کنیم که این مطالعه به زندگی و خدمت مسیحی‌تان غنا بخشیده، به شما کمک کند تا به‌طرز مؤثرتری سهم خود را در بدن مسیح تحقق بخشید.

بخش اول

تغذیه و رشد روحانی



زنده و در حال رشد

مسعود و مریم شیفتهٔ پسر نوزاد خود بودند. تولد او واقعهٔ مبارکی در خانوادهٔ ایشان بود. کلمات به‌سختی می‌توانستند هیجانی را که این زندگی تازه شکل گرفته برای ایشان به ارمغان آورده بود، توصیف کنند. آنها نسبت به مسئولیتی که بر دوش‌شان نهاده شده بود واقف بودند. زندگی کودک بستگی به ایشان داشت: یعنی بستگی به مراقبت و تلاش‌هایی داشت که برای پاسخ به نیازهای او صرف می‌کردند. چقدر سریع بزرگ می‌شد! مریم هر روز می‌توانست رشد او را ببیند. روز به روز بر وزن و قدش اضافه می‌شد و آن کودک در محیطی سالم و تحت مراقبت و محبت ایشان رشد می‌کرد.

انتظار ما این است که با گذشت هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌ها، آن کودک رشد و نموی عادی داشته باشد. با نگاه کردن به مسعود، تجسم اینکه آن طفل سال‌ها بعد چه قیافه‌ای خواهد داشت، چندان دشوار نبود. همهٔ اینها به‌خاطر این بود که آن نوزاد زنده و در حال رشد بود!

به همان طریق، انتظار معقول ما از حیات روحانی فرد، این است که او به‌سمت بلوغ روحانی رشد کند. در این درس، متوجه خواهید شد که زندگی نوین روحانی باید تغذیه شود تا رشد بیابد. همچنین فرا خواهید گرفت که چه چیزی برای تغذیه روحانی مورد نیاز است.

رئوس مطالب

ماهیت رشد روحانی

تغذیه و رشد روحانی

عوامل رشد روحانی



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- عباراتی را که ماهیت رشد روحانی و نیاز به آن را توضیح می‌دهند تشخیص دهید.
- اهمیت خدمت تغذیه روحانی را توضیح دهید.
- خصوصیات سطوح مختلف رشد روحانی را تشخیص دهید.
- عوامل رشد روحانی را مشخص کرده، نقش این عوامل را در پیشرفت روحانی شخص درک کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- مقدمه کتاب را به دقت بخوانید.
 - ۲- مقدمه این درس و رئوس مطالب و اهداف درس را نیز به دقت بخوانید.
- تمرین‌ها و خودآزمایی‌ها بر پایه تمام این مطالب قرار دارند.

۳- درس را بخوانید و تمرین‌های آن را انجام دهید. آیاتی را که در متن قید شده‌اند، بخوانید. این امر برای حصول درک کامل از مفاد درس ضروری است. برای پاسخ‌های طولانی می‌توانید از دفتر یادداشت‌تان استفاده کنید. اگر عادت کنید که پیش از نگریستن به پاسخ‌ها، پاسخ خود را بنویسید، از این کتاب درسی بیشتر بهره خواهید برد. پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های ارائه شده در انتهای درس مقایسه کنید.

۵- خودآزمایی انتهای درس را بگذرانید. پاسخ‌های خود را با دقت با پاسخ‌های انتهای این کتاب مقایسه کنید.

متن درس

ماهیت رشد روحانی

معیار رشد روحانی

وقتی که مژده انجیل را می‌شنوید و به آن ایمان می‌آورید، زندگی نوین هیجان‌انگیزی را تجربه می‌کنید. این تجربه را تولد تازه یا تولد روحانی می‌نامند. هر کس که در این زندگی جدید در مسیح سهیم شود، از لحاظ روحانی تولد دوباره می‌یابد. بر خلاف زندگی بیولوژیکی که در محدوده زمان قرار دارد، حیات روحانی ابدی است. این حیات روحانی شبیه به زندگی انسان است که از طفولیت گذشته، دائماً رشد می‌کند.

عیسی در مورد این حیات چنین فرمود: «من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیاده‌تر حاصل کنند» (یوحنا ۱۰:۱۰). ما با یک زندگی پر از گناه نزد او آمدیم که باعث جدایی ما از او بود؛ و او به ما حیات نوین یعنی حیات خود را داده است. او می‌خواهد که ما این حیات نوین و وافر را در پری آن داشته باشیم.

هنگامی که در مورد پری حیات صحبت می‌کنیم، به کیفیت حیاتی اشاره می‌کنیم که شخص می‌تواند تجربه کند. چنانکه همه می‌دانیم، انسان می‌تواند با حداقل تغذیه

برای مدت کوتاهی زنده بماند. اما در این حالت، شخص نمی‌تواند زیاد فعال بوده، خلاقیت داشته باشد و یا از زندگی واقعاً لذت ببرد. این زندگی‌ای است در سطح بسیار پایین. در مقابل، وقتی انسان خوب تغذیه می‌شود، و در محیطی سالم و امن زندگی می‌کند، و به‌طور معقول ورزش می‌کند، از نیروی فراوانی برخوردار می‌شود. او سرحال، فعال، پراز انرژی بوده، می‌تواند وظایفش را به‌درستی انجام دهد. او رشد و نمو کرده، به‌طور طبیعی تکامل می‌یابد. او احساس سعادت می‌کند! و در این شرایط، اهدافی را که برای آن پرورش یافته است، متحقق می‌سازد. او زندگی را در پری آن تجربه می‌کند.

هنگامی که از لحاظ روحانی متولد شدید، روح عیسی مسیح آمد تا در شما زیست کند. این تولد، امکان بالقوه برای رشد روحانی، یعنی رشد به سمت شباهت به مسیح را ایجاد کرد (کولسیان ۱: ۲۷). اکنون که روح عیسی در شما ساکن است، او مسئولیت کنترل زندگی شما را بر عهده دارد. او به‌عنوان خداوند زندگی‌تان، تا جایی که زندگی خود را تماماً تسلیم او کنید، به‌واسطه شما زیست می‌کند (رومیان ۸: ۹-۱۱).

برای یک لحظه به یک نوزاد بیندیشید. چه کسی می‌تواند بگوید که آینده برای آن نوزاد چه چیزی را در بردارد؟ او مجموعه‌ای است از امکانات بالقوه و قابلیت‌هایی که نیاز به رشد دارند. با مراقبت و تغذیه مناسب، محیطی سالم، تشویق متناسب، و فرصت‌های گسترده، کودک بدل به شخصی کامل و بالغ می‌شود. این نوزاد در درون خود تمام آنچه را که باید بشود داراست، منتها به‌صورت نهفته که نیاز به رشد دارد. می‌توانیم تصویر رشد و نمو نوزاد را به‌سوی بلوغ، به حیات روحانی نیز اطلاق کنیم. خداوند می‌خواهد که هر یک از ما حیات را در پری آن تجربه کنیم. چنانکه در بالا یادآور شدیم، شما زمانی زندگی نوین را آغاز کردید که تولد تازه را تجربه نمودید و به‌عنوان نوزادی در مسیح یا یک نوزاد روحانی زندگی خود را آغاز کردید. شما در تمام مراحل، تماماً فرزند خدا بودید، اما هنوز کاملاً رشد نکرده‌اید. برای تجربه پری زندگی تازه، باید رشد و نمو روحانی به‌وقوع بپیوندد.

به‌طور کلی، هنگامی که شخص کنترل زندگی‌اش را به روح‌القدس می‌سپارد، شروع به رشد روحانی می‌کند. او، تحت کنترل روح در محیطی مساعد قرار می‌گیرد؛ با این وجود نیاز به تغذیه روحانی دارد. مادامی که رشد می‌کند، نه تنها متوجه امتیازات شگفت‌آور خود می‌شود بلکه همچنین نسبت به مسئولیت‌هایش آگاهی می‌یابد. درک او از حیات روحانی، با افزایش معرفتش بر کلام خدا گسترش می‌یابد. هنگامی که با روح‌القدس که کنترل زندگی‌اش را در دست دارد سلوک می‌کند، هدف خدا برای زندگی‌اش به‌طرز فزاینده‌ای روشن می‌شود (غلاطیان ۲:۵). حیات روحانی نیز همانند حیات جسمانی، باید برای رسیدن به حد اعلای رشدی که منتهی به بلوغ خلاق می‌شود، تغذیه شود و پرورش یابد.

۱- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

a) از کتاب مقدس فرا می‌گیریم که حیات روحانی به‌طور کاملاً رشد یافته و کامل نصیب هر شخص می‌شود، طوری که دیگر نیاز به رشد و پیشرفت نیست.

b) عیسی مشخص کرده است که برای حیات روحانی، سطوحی وجود ندارد. لذا وقتی که کسی از نو متولد می‌شود، حیات را بلافاصله و فوراً در پری آن تجربه می‌کند.

c) از کتاب مقدس می‌آموزیم که خداوند برای ما تدارکی دیده است تا حیات روحانی غنی و پری را تجربه کنیم، اما این امکان بالقوه باید رشد و نمو کرده، به بلوغ برسد.

d) هنگامی که شخص، روح عیسی را دعوت می‌کند تا زندگی‌اش را کنترل کند، در موضعی قرار می‌گیرد که او را به‌سوی رشد روحانی هدایت می‌کند.

e) هنگامی که شخص مسیحی تازه مولود شده در محیطی قرار می‌گیرد که رشد روحانی را ترغیب می‌کند، و از لحاظ روحانی تغذیه شده، پرورش می‌یابد، و هنگامی که تسلیم اراده روح‌القدس می‌گردد و وارد تجربه‌های روحانی عمیق‌تری می‌گردد، امکان رشد و بلوغ روحانی برای او فراهم می‌آید.

نیاز به رشد روحانی

آیا می‌توانید نوزادی را مجسم کنید که رشد نمی‌کند؟ آیا می‌توانید شخصی را در نظر آورید که به بزرگسالی رسیده، اما از مرحلهٔ کودکی پا فراتر نگذاشته باشد؟ بلافاصله متوجه خواهید شد که اشکالی در کار است. دلیل آن این است که زندگی توأم با رشد و نمو است. هر چه که زنده و طبیعی باشد، به سمت بلوغ رشد و نمو می‌کند.

عیسی اصل رشد روحانی را به شاگردانش تعلیم داد. او حیات روحانی را به تاک و شاخه‌هایش تشبیه کرد و گفت که هیچ شاخهٔ منفردی بر روی تاک نمی‌تواند به‌خودی خود مَوْلد باشد. شاخه باید در تماس حیاتی با زندگی تاک قرار داشته باشد. در آن صورت است که با رشد و نمو می‌تواند به وفور و فراوانی هر چه تمام‌تر میوه به‌بار آورد. به همان طریق، هیچ مسیحی بدون حفظ تماس حیاتی با تاک حقیقی، یعنی عیسی مسیح، نمی‌تواند بالغ شده، از لحاظ روحانی مولد باشد (یوحنا ۱۵:۱-۱۶، همچنین به آیه‌های ۴، ۵، ۸ و ۱۶ توجه مخصوص نمایید). تنها راه ممکن در مقابل رشد و نمو روحانی، تجزیه و فساد روحانی و نهایتاً موت روحانی می‌باشد (یوحنا ۱۵:۲ و ۶).

می‌دانیم که یک شخص نمی‌تواند یک روز کودک باشد و روز بعد یک فرد بالغ. رشد و نمو به سمت بلوغ فرایندی است مستلزم زمان. حیات روحانی نیز بر طبق همین اصل رشد پیش می‌رود. وقتی که نوزاد هستیم، رشد و نمو به تبع آن مورد انتظار است. درست همانگونه که یک نوزاد به سمت بلوغ رشد می‌کند، نوزاد در مسیح نیز باید به سمت بلوغ روحانی برود. این رشد از این جهت مورد انتظار است که شخص از لحاظ روحانی زنده است. و هر چه که زنده و طبیعی باشد، مادامی که به‌طرز مناسبی تغذیه شده، در محیطی تحت کنترل روح پرورش یابد، رشد و نمو می‌کند و به بلوغ می‌رسد. تنها در این هنگام است که شخص می‌تواند هدف روحانی‌ای را که خدا او را برای آن خوانده است متحقق سازد. بدین‌سان او قادر

می‌شود ثمرهٔ پر دوامی را که مورد نظر پدر است به‌بار آورد (یوحنا ۱۵:۱۶) و کار خدا را بر روی زمین به‌انجام برساند.

۲- بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

به‌طور طبیعی انتظار داریم که هر چه که زننده است.....

(a) در مرحلهٔ طفولیت باقی بماند.

(b) به‌سمت بلوغ رشد و نمو کند.

(c) بلافاصله به بلوغ برسد.

(d) اگر هم تغییری پدید می‌آورد، این تغییر باید خیلی کم باشد.

۳- رشد روحانی ضروری است چون اولاً از سوی خداوند عیسی حکم شده، و دوم اینکه..... (بهترین پاسخ را انتخاب کنید)

(a) فرایندی است تقریباً فوری که ناشی از تجربهٔ تولد تازه می‌باشد.

(b) شخص را ترغیب می‌کند تا استعداد بالقوهٔ روحانی شخص به‌طور کامل رشد

کند و از فواید پویایی روحانی که نتیجهٔ این رشد است، برخوردار شود.

(c) شخص را قادر می‌سازد که با موفقیت هدف خداوند را برای زندگی‌اش متحقق سازد و کار خداوند را به‌طرزی مؤثر انجام دهد.

تغذیه و رشد روحانی

هر مادری می‌داند که اگر قرار باشد نوزادش به زندگی ادامه دهد و رشد کند، باید تغذیه شود. یک نوزاد عاجز است و برآورده شدن نیازهایش بستگی به دیگران دارد. به همین دلیل است که مادران دلسوزانه با تغذیه و تأمین نیازهای نوزادان از آنان مراقبت می‌کنند. بدون چنین مراقبت پر عطوفتی، نوزاد زننده نخواهد ماند. نوزاد عاجز است و نیاز به رسیدگی و تغذیه دارد!

به همان طریق، حیات روحانی نیز نیاز به تغذیه دارد. کمک به اینکه کسی تولد روحانی را تجربه کند تنها شروع مسئولیت مسیحی ما در قبال شخص می‌باشد. به‌دنبال تولد دوباره، نیاز به تغذیه حیات روحانی می‌آید، تا شخص از لحاظ روحانی بقا یافته، به‌سمت بلوغ مسیحی رشد کند. نوزادان روحانی گرچه کاملاً فرزندان خدا هستند، اما زندگی روحانی ایشان تازه شروع به رشد کرده است و هنوز حیات روحانی را در حد کامل آن، آنگونه که مورد نظر خداوند ایشان بوده است، تجربه نکرده‌اند. طی اولین مراحل رشد، ایشان نیاز به حمایت و مراقبت برادران و خواهران روحانی دارند که پشتیبانی و تشویق روحانی را نثار آنان می‌کنند. با این حمایت و تغذیه روحانی مناسب، قامت روحانی ایشان رشد می‌کند. بدین‌سان نوایمانان برای بقای روحانی و رشد و نمو به‌سوی بلوغ مسیحی نیاز به تغذیه در زندگی روحانی خود دارند.

اگر زندگی نوین به‌طرز مناسبی تغذیه شود، رشد و نمو به‌سمت بلوغ مورد انتظار است. چنین رشدی از هر موجود زنده‌ای انتظار می‌رود، چه در مورد بذره‌ای زراعی، احشام، انسان‌ها یا نوایمانان. خدمت تغذیه شرایط مساعدی را به‌بار می‌آورد که در آن شرایط زندگی نوین روحانی می‌تواند به‌سمت بلوغ کامل رشد کند. شاید سخنان عیسی را به پطرس در مورد خدمتش به‌خاطر آورید. وظیفه تغذیه حیات روحانی شامل افراد در مراحل گوناگون بلوغ مسیحی می‌شود از بره گرفته تا گوسفند بالغ (یوحنا ۱۵:۲۱-۱۷). بدیهی است که پطرس نیاز را درک کرده، ضرورت مراقبت از کل گله را پذیرفت، زیرا که هم طفلان روحانی را قید می‌کند (اول پطرس ۲:۲) و هم بقیه گله را (اول پطرس ۵:۱-۴). به‌علاوه، پطرس، دیگر خادمین مسیحی را فرامی‌خواند تا به همان طریق زندگی روحانی مسیحیان را تغذیه کنند، زیرا که می‌دانست که این حیات باید تغذیه شود تا هم ادامه یابد و هم به کمال برسد.

۴- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) حیات روحانی تا زمانی که کاملاً به بلوغ نرسیده، نمی‌تواند در مقابل آزمایش‌ها مقاومت کند.

(b) حیات روحانی در حالت طفولیت نحیف بوده، نیاز به حمایت و تشویق برادرانه مسیحی دارد تا به حد کمال روحانی برسد.

(c) حیات روحانی به واسطه خدمت تغذیه روحانی، حفظ شده، رشد می‌یابد.

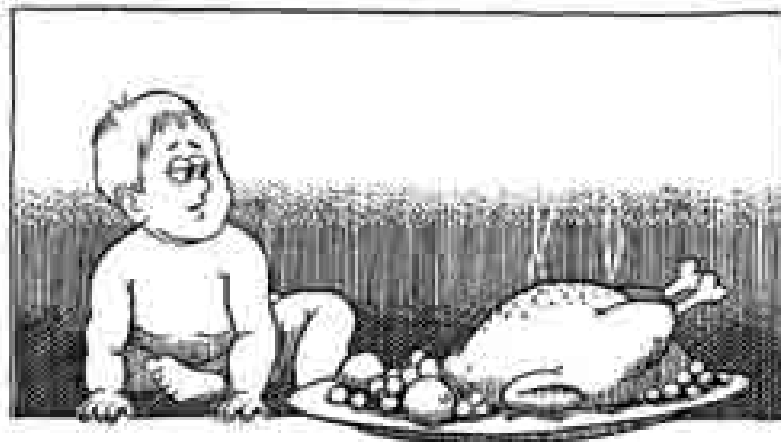
(d) در روند تغذیه حیات روحانی، ما شرایط رشد و نمو روحانی را فراهم می‌سازیم، اما نمی‌توانیم واقعاً پیش‌بینی کنیم که تلاش‌های مان به نتیجه خواهد رسید یا نه.

عوامل رشد روحانی

ما به اهمیت اموری که به حفظ حیات کمک می‌کنند، اشاره کردیم که عبارتند از خوراک، محیط مساعد، رسیدگی در دوران طفولیت، ورزش و تغذیه و محبت. به همان شکل، حیات روحانی نیز اگر عوامل ضروری رشد را در اختیار داشته باشد، رشد می‌کند و به‌طور طبیعی به بلوغ می‌رسد. در واقع، رشد و نمو و بلوغ در زندگی روحانی یک عمل طبیعی است و همچنین تحقق حکم ویژه خداوندان می‌باشد. بدین‌سان، هنگامی که شخص از لحاظ روحانی بالغ می‌شود، چرخه حیات مورد نظر را تکمیل می‌سازد یعنی: تولد، رشد، نمو، بلوغ و تولید. او هدف وجودی خود را متحقق می‌سازد. چنین عملی خدا را جلال داده و تنها پاسخ مناسبی است که شخص می‌تواند به برکات خدا بدهد یعنی به نجات و حیات روحانی. پیش از آنکه عوامل رشد روحانی را به‌طور دقیق مورد بحث قرار دهیم تا ببینیم که در پدید آوردن رشد و بلوغ روحانی چقدر مؤثرند، اجازه دهید که سطوح رشد روحانی را بررسی کنیم.

سطوح رشد روحانی

می‌دانیم که تغذیه برای رشد مناسب حیاتی است. یک نوزاد تقریباً بلافاصله بعد از تولد تغذیه می‌شود. این امر برای بقا و رشد او اساسی است. همچنین تصدیق می‌کنیم که شخص به هنگام رشد به سوی بلوغ، از سطوح مختلفی گذر می‌کند. یکی از نشانه‌های این سطوح رشد، قابلیت دریافت و هضم انواع مختلفی از غذاهاست. نوزادان صرفاً با شیر تغذیه می‌شوند، و شیر تمام آن چیزی است که برای سهولت رشد، بدن نیاز دارند. اما کمی بعد، نوزاد به غذاهایی کمی سنگین‌تر احتیاج می‌یابد. بعدها کودک نیاز به رژیم غذایی کاملاً متعادلی دارد که باید شامل گوشت نیز بشود. از این ملاحظات، دو عامل اساسی مشخص می‌شود: (۱) غذا برای رشد و نمو مناسب، اساسی است؛ و (۲) غذا باید مناسب مرحله رشد باشد.



این مثال، بار دیگر به طرز زیبایی با حیات روحانی انطباق می‌یابد. حیات روحانی مستلزم خوراک روحانی است تا رشد روحانی صورت بگیرد. با این حال خوراک روحانی چنانکه دیدیم باید متناسب با سطح رشد روحانی باشد. کتاب مقدس که کلام خداست به خوراک روحانی تشبیه شده است. این کتاب برای نوزادان روحانی به منزله شیر است و برای کسانی که از لحاظ روحانی بالغ‌ترند، همانند خوراک جامد است.

۵- اول قرن‌تینان ۱:۳-۲، اول پطرس ۲:۲، عبرانیان ۵:۱۲-۱۴ و افسسیان ۴:۱۱-۱۶ را خوانده، به سؤالات زیر که مربوط به این آیات می‌شوند پاسخ دهید.

(a) در این آیات، کدام دو نوع خوراک روحانی توصیف شده است؟.....

(b) بر طبق این آیات، برای اطفال در مسیح در نظر گرفته شده است، در حالی که برای افراد بالغ است.

(c) رژیم غذایی سخت برای افراد بالغ است، یعنی کسانی که فرا گرفته‌اند که را تمیز دهند، لذا برای آماده خواهند شد، تا بدن مسیح بنا شود، تا زمانی که همگی به برسیم و بالغ شویم یعنی به دست یابیم.

اکنون که نیاز به انطباق دادن خوراک روحانی را با سطح مناسب رشد روحانی مورد بحث قرار دادیم، اجازه دهید که سه سطح از هستی انسان را که در اول قرن‌تینان ۲:۱۰-۳:۳ توصیف شده است مورد بررسی قرار دهیم: (۱) انسان بدون روح‌القدس؛ (۲) انسان دنیوی؛ و (۳) انسان روحانی. در این آیات پولس ویژگی‌های هر سطح را توصیف می‌کند. بر مبنای این توصیف، می‌توانیم تعیین کنیم که چه چیزی برای رشد و نمو روحانی که منتهی به بلوغ کامل می‌شود مورد نیاز است.

اولین نوع انسانی که مورد ملاحظه قرار خواهیم داد، انسان بدون روح‌القدس نامیده شده است. او از لحاظ روحانی مولود نشده است، بنابراین از لحاظ روحانی مرده است (۲:۱۴). او در پایین‌ترین سطح موجودیت انسانی قرار دارد. انسان در سطح دوم به‌عنوان انسان دنیوی توصیف شده است (۳:۳). او تولد تازه را تجربه کرده و در نتیجه از لحاظ روحانی زنده است، اما هنوز فراتر از مرحله طفولیت روحانی نرفته، و رشد نیافته است. در سطح سوم، انسان روحانی را مشاهده می‌کنیم (۲:۱۲، ۱۳ و ۱۵). او در فرایند رشد، به بلوغ روحانی رسیده، قادر است بیشتر به شیوه افراد بالغ سلوک نماید.

این آیه‌ها مشخص می‌کنند که تفاوت عمده در بین این انواع، قابلیت دریافت و درک حقیقت روحانی است. در واقع، قدرت درک کلام خدا نشان می‌دهد که

شخص به چه سطحی از بلوغ روحانی رسیده است. چنانکه انتظار خواهید داشت، انسان بدون روح القدس نمی‌تواند خوراک روحانی را درک کرده، آن را ارج بدارد، زیرا که منافع او در جهاتی دیگر است. در مقابل، انسان دنیوی، نوزادی روحانی است. او فقط باید با شیر روحانی تغذیه شود و تنها می‌تواند حقیقت روحانی مقدماتی را درک کند. علاقه او به این است که شاد باشد و از برکات خداوند برخوردار گردد. در نتیجه حیطه علاقه و توجه او محدود می‌باشد، هنگامی که با مسئولیت‌های دوران بلوغ روحانی مواجه می‌شود. بدین‌سان، وی اجباری به رشد روحانی و تقویت ماهیچه‌های روحانی‌اش نمی‌بیند. او این مسأله جدی را می‌تواند به زمانی که آمادگی لازم را برای مسائل جدی دارد، موکول کند. انسان روحانی که به‌طرز کامل‌تری متعهد خداوندش می‌باشد، در رابطه‌اش با خدا به بلوغ رسیده است. او از حقایق عقیدتی عمیق‌تر یعنی گوشت یا غذای جامد کلام خدا بسیار خشنود می‌شود. به‌علاوه، او این حقیقت را با دیگران تقسیم کرده، کسانی را که کمتر از او رشد یافته‌اند تشویق می‌نماید و قادر است که در بدن مسیح تعلیم داده، به‌طرز مؤثری خدمت کند.

تعلیم پولس در مورد سطوح روحانیت به ما نشان می‌دهد که کلام خدا خوراک روحانی است که رشد روحانی را سبب می‌شود. به این ترتیب، پاسخ شخص به کلام خدا تعیین می‌کند که آیا او به‌سمت یک دوره سالم و پربار بلوغ مسیحی حرکت می‌کند یا یک طفل روحانی با علائم خطرناک طفولیت طولانی باقی می‌ماند.

۶- توصیف‌ها و ویژگی‌های داده شده را با سطح روحانیت متناسب با آن انطباق دهید.

(a) در سطح «احساسی» عملکرد داشته حقیقتاً مسئولیت‌های روحانی خود را تقبل نکرده است.

(b) امور روحانی را درک نکرده، به آن پاسخ نمی‌دهد.

(c) از حقایق عمیق‌تر کلام خدا برخوردار شده، قضاوت هشیارانه‌ای داشته، حقیقت را با دیگران تقسیم می‌کند.

(d) تولد دوباره را تجربه نکرده است.

(e) تولد دوباره را تجربه کرده است اما یک طفل روحانی باقی مانده است.

(f) تجربه او به واسطه ترقی از طفولیت روحانی به سمت بلوغ روحانی مشخص می‌شود.

(۱) انسان بدون روح القدس

(۲) انسان دنیوی

(۳) انسان روحانی

۷- هر مثال را مورد ارزیابی قرار داده، سطح رشد روحانی مربوطه را مشخص کرده، در دفتر یادداشت‌تان توضیح دهید که چرا آن را انتخاب کرده‌اید.

(a) یک سیاستمدار غیر مسیحی انگلیسی در جلسه‌ای شرکت کرد که در آن، بنا به گفته شاهدان معتبر، کلام خدا به روشنی و قدرت و با منطق و تحت قوت روح القدس موعظه می‌شد. وقتی که جلسه به پایان رسید، میزبان نظر او را در مورد جلسه جویا شد. او در پاسخ گفت: «اگر بخواهم حقیقت را بگویم، باید خاطر نشان کنم که گوینده تمام توجه مرا به خود جلب کرده بود، اما نتوانستم بفهمم که سعی داشت چه چیزی بگوید.» با وجود اینکه این شخص از لحاظ قوای فکری بسیار درخشان بود، اما نتوانست به پیام انجیل واکنش مثبت نشان دهد. او نمونه یک انسان است. چرا؟

(b) آقای آلبرت، شبان کلیسا، اخیراً به کلیسای جدیدی نقل مکان کرده است. او متوجه می‌شود که بسیاری از افراد حاضر در جلسات به موعظه تبشیری عمومی به خوبی پاسخ می‌دهند. اما موعظه در مورد حیات عمیق‌تر در روح و مسئولیت‌های روحانی، مانند تعهد به کار کردن و شهادت دادن در بین جماعات، با استقبال کمی روبرو می‌شود. او متوجه می‌شود هنگامی که حقیقت را در مورد تعهد کامل به مسیح، وفاداری به کلیسا، خدمت به جماعات، قبول مسئولیت برای رهبری (تدریس در کلاس کتاب مقدس، سازماندهی یک گروه کوچک مطالعه کتاب مقدس و غیره) و حمایت از کار خداوند به‌طور منظم را موعظه می‌کند، مستمعین او بی‌قرار و بسیار ساکت می‌شوند. افرادی که بدین گونه پاسخ می‌دهند دارای ویژگی‌های انسان می‌باشند. چرا؟

(c) شهرام به یک کلیسای متمرکز بر روی کتاب مقدس تعلق دارد. او در یک دوره درسی تعلیم خادمین شرکت می‌کند تا مهارت‌های خود را برای برقراری ارتباط مؤثرتر با کلاس پسران جوان بهبود بخشد. او طرح شخصی خودش را در جهت ترقی روحانی دنبال می‌کند که شامل مطالعه دائمی کتاب مقدس، دعا، و حضور منظم در کلیسا می‌شود. زندگی مسیحی او گاهی اوقات به‌خاطر مخالفت خانواده، موانع شغلی و بیماری با مشکل روبرو شده است. علیرغم مشکلات، شهادت و زندگی شهرام گواهی است پایدار بر واقعیت فیض خدا که شخص را با وجود سختی‌ها شاد نشان می‌دهد. شهرام نمونه‌ای است از انسان چرا؟

تغذیه و پرورش از طریق کلام

در بحث‌مان در مورد سطوح رشد روحانی، یادآور شدیم که کلام خدا خوراک روحانی است که باعث تغذیه و در نتیجه رشد روحانی می‌گردد. رشد روحانی شخص، مستقیماً مربوط به واکنش او به کلام خدا می‌شود. اجازه دهید که از نزدیک مشاهده کنیم که کتاب مقدس چگونه رشد روحانی را سبب می‌شود.

جهان مادی گرچه به‌طور بدیهی در مورد خالق‌مان صحبت می‌کند، این مکاشفه، کلی و ناکامل است. اما خدا در کتاب‌مقدس، خود را به‌طور کامل‌تری آشکار می‌سازد.

در جایی که جهان مادی در مورد کیفیاتی نظیر قدرت و حکمت سخن می‌گوید، کتاب‌مقدس، قدوسیت، عدالت، راستی، رحمت و محبت او را آشکار می‌سازد. اینها فقط تعدادی اندک از صفات خدا هستند که نام بردیم. همچنین کتاب‌مقدس ماهیت خدا و نقشه و اراده‌اش را برای انسان آشکار می‌نماید. در این آشکارسازی، خدا خود را می‌نمایاند.

در کلام خدا نقشه او برای زندگی‌مان آشکار می‌شود و فرا می‌گیریم که چگونه او را به‌طرزی مقبول خدمت کرده، خطاهای خود را که مانع رشد رابطه‌مان با او می‌شوند، اصلاح کنیم. همچنین، ماهیت زندگی روحانی، یعنی آنچه که پیروزی روحانی را به‌بار می‌آورد و اهداف زندگی مسیحی را می‌آموزیم. به‌طور خلاصه، کتاب‌مقدس برنامه کار خداست برای زندگی روحانی.



کتاب‌مقدس باعث تغذیه و رشد روحانی ماست زیرا که به‌واسطه روح خدا زننده بوده، حیات‌بخش می‌باشد. همان زندگی روحانی که در نوشته‌های مقدس نهفته

است، در فرد مسیحی نیز وجود دارد. حیات خدا در کلامش، سرچشمه زندگی نوینی است که خدا می‌دهد. زندگی روحانی درون او، به تغذیه روحانی در کلام پاسخ می‌دهد. آن، رژیم غذایی مناسبی است، اما مسیحیان باید اجازه دهند که کلام، آنچه را که منظور نظر خداست تغییر دهد. هنگامی که ایشان به آنچه که خدا مایل است، مشتاق می‌شوند، در شباهت به مسیح رشد و نمو می‌کنند (دوم قرنتیان ۳:۱۸).

۸- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح که توضیح می‌دهد کتاب مقدس چگونه رشد روحانی را سبب می‌شود، دایره‌ای بکشید.

(a) کتاب مقدس تغذیه لازم برای حفظ حیات روحانی را فراهم کرده، رشد روحانی را به بار می‌آورد.

(b) حقایق کتاب مقدس شخص را قادر می‌سازد که اراده خدا را شناخته، به اراده او به شیوه‌ای مقبول واکنش نشان دهد.

(c) حیات خدا که در کلامش نهفته است، مربوط می‌شود به حیات خدا در هر ایمانداری؛ بنابراین مادامی که ایماندار اجازه می‌دهد که کلام خدا زندگی او را تغییر دهد، می‌تواند آن چیزی شود که خدا خواهان آن است.

(d) کتاب مقدس، هنگامی که ایمانداران درستی ادعای آن را در مورد حیات روحانی تصدیق می‌کنند، از طریق ایجاد تغییر در رفتار ایشان، بر رشد روحانی آنان اثر می‌گذارد.

تغذیه و پرورش از طریق روابط

نوزاد وقتی متولد می‌شود، جزوی از یک خانواده محسوب می‌گردد. هر یک از اعضای خانواده، زندگی خود را طوری سازمان می‌دهد که این عضو جدید خانواده را پذیرفته، خود را با آن تطبیق دهد. واحد خانواده، چارچوبی است که در آن نیازهای نوزاد برآورده می‌شوند. هر یک از اعضا از خود مایه می‌گذارد تا به نیازهای کودک جدید پاسخ داده، به تغذیه و پرورش زندگی نوین او کمک کند. در طول رشد

کودک، خانواده محیطی پر از مراقبت و حمایت را فراهم می‌آورد تا او بتواند به بلوغ برسد. تجربه خانواده تجربه زندگی مشترکی است که به یکدیگر رسیدگی کرده، به نیازهای یکدیگر پاسخ می‌دهند. قوت رابطه خانوادگی عامل مهمی در تغذیه و پرورش زندگی نوین است.

به‌همراه حیات روحانی، مشارکت با دیگر مسیحیان، سهم بسزایی در رشد روحانی دارد. رابطه محبت‌آمیزی که ایمانداران به‌طور مشترک در آن سهیم می‌شوند، رشد روحانی را سبب می‌شود.

سرمشق‌گیری از یک فرد بالغ مسیحی برای زندگی روحانی یک نوایمان مفید خواهد بود. به عبارتی، مسیحی بالغ‌تر شبیه به والدین روحانی می‌شود که رابطه پر محبت مملو از مراقبتی را فراهم می‌آورد که حیات روحانی را پرورش می‌دهد. چنین شخصی می‌تواند به نوایمان مسیحی در مطالعه و کاربرد کلام خدا در موقعیت خاص خود کمک کرده، به‌واسطه سرمشق متقیانه خود بر او اثر گذارد و تشویق و مشورت و دعای مورد نیاز را نثار او کند.

همچنین خدا طوری برنامه‌ریزی کرده است که کلیسای محلی مکانی باشد که در آن حیات روحانی تغذیه شود و پرورش یابد. بسیاری از مسیحیان، جماعت کلیسایی را خانواده خدا به حساب می‌آورند. لذا کمک کردن به یک نوایمان مسیحی تا خود را با کلیسای محلی یکی گرداند، شبیه به کمکی است که به یک نوزاد می‌شود تا به‌طرز مناسبی به خانواده‌اش مربوط شود. چنانکه دیدیم، خدا در کلیسای محلی رهبرانی را منصوب کرده، مانند شبانان، شماسان و معلمین، تا به مسیحیان کمک کنند که به سمت بلوغ روحانی رشد نمایند (افسیان ۱۱:۴-۱۶). فعالیت‌های کلیسا - یعنی مطالعه کلام، پرستش مشترک، بشارت فعال، خدمت و تعلیم مؤثر، مشارکت و انضباط - برای تحقق یک هدف اصلی طراحی شده‌اند که آن عبارتست از تغذیه و پرورش حیات روحانی و ترغیب رشد روحانی.

۹- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) رشد روحانی شخص مرهون روابط است زیرا که می‌تواند بدین ترتیب از تصمیمات روحانی دشوار اجتناب ورزد، چرا که اجازه می‌دهد که دیگران تصمیم بگیرند که چه کاری درست و چه کاری نادرست است.

(b) حیات روحانی به واسطه همبستگی شخص با مسیحیان بالغ‌تر پرورش می‌یابد که می‌توان آنها را به والدین روحانی نیکویی تشبیه کرد که مشورت و تشویق و محبت و ادراک را نصیب شخص می‌کنند.

(c) کلیسا به عنوان مکانی ایفای نقش می‌کند که در آن حیات روحانی از طریق مطالعه کلام، عبادت مشترک، خدمت مفید و انضباط پرورش می‌یابد.

(d) کلیسا رشد را از طریق پیوستگی و اتحاد ترغیب می‌نماید. وقتی که کسی بدل به جزوی از سازمان کلیسا شود، به طور خود به خود در درک روحانی و بلوغ مسیحی رشد می‌کند.

تغذیه و پرورش از طریق عمل و کاربرد

شاید از خود پرسیده باشید که چرا باید بدنی سالم و مَوْلِد داشته باشیم؟ نقش آن چیست؟ آیا باید آن را به کار برد یا اینکه صرفاً به عنوان منبعی بالقوه نگاه داشت؟ آیا هدف آن باید خشنودسازیِ خویشتن باشد یا اینکه مسئولیتی نیز در قبال دیگران دارد؟ آیا اگر بدن ورزیده نشود، قابلیت و کارایی آن از میان می‌رود؟ به هنگام بررسی حیات روحانی، این سؤالات و سؤالات دیگر به ذهن انسان خطور می‌کنند.

چنانکه دیدیم، عیسی به شاگردانش توصیه کرد که ثمربخش و مَوْلِد باشند. توصیه او نه تنها شامل سلامت روحانی می‌شود، بلکه همچنین حیات روحانی را نیز در برمی‌گیرد (یوحنا ۱۵:۱-۸). نکته این است که شخص باید ثمر به بار آورد در غیر این صورت متحمل زیان روحانی می‌گردد. بدین سان هدف رشد و بلوغ مسیحی، خدمت و مَوْلِد بودن است. و درست همانطور که توصیه شده است که مسیحیان رشد و نمو کنند (دوم تیموتاؤس ۲:۱۵؛ دوم پطرس ۳:۱۸)، از آنان طلب می‌شود که

حقایق الهی را با دیگران در میان بگذارند تا جهان فیض رستگاری بخش خدا را بشناسد (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ مرقس ۱۶:۱۵؛ اعمال ۸:۱). نویسنده رساله به عبرانیان می‌فرماید که مسیحیان باید قادر باشند که راستی را تعلیم داده، از حس تمیز روحانی برخوردار باشند (عبرانیان ۱۲:۵)؛ پولس نیز صریحاً می‌فرماید که خدمات گوناگون کلیسا «برای تکمیل مقدسین (است)، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پری مسیح برسیم» (افسیسیان ۴:۱۲-۱۳).

وقتی مسیحیان این مسئولیت را می‌پذیرند که سفیران مسیح باشند، باید مژده انجیل را با دیگران تقسیم نمایند. مسیحیان روحانی، مانند هر ارگانیزم زنده‌ای که سالم است، به‌طور طبیعی باید مولد باشند. ایشان درک می‌کنند که فرایند رشد و بلوغ به‌خودی‌خود یک هدف نیست. ایشان برای جلال خالق حیات زندگی می‌کنند و حیات او را دائماً با کسانی که قدرت دگرگون‌کننده او را تجربه نکرده‌اند، تقسیم می‌کنند. بدین‌سان مسیحی بالغ هدفی را که به‌خاطر آن متولد شده است متحقق می‌سازد. او که زنده و در حال رشد است، با هدفمندی به‌سوی انجام اراده خداوندش گام برمی‌دارد؛ این اراده عبارتست از بنای جسد مسیح چه از لحاظ روحانی و چه از لحاظ عددی.

۱۰- دور حرف مقابل هر نمونه از فعالیت مسیحی که باعث شکوفایی حیات روحانی است و رشد روحانی را باعث می‌شود، دایره‌ای بکشید.

a) روبرت به‌طور منظم در کلیسا حضور یافته، با جدیت کلام خدا را مطالعه می‌کند. او در محل کار خود در وقت ناهار، یک جلسه مطالعه کتاب مقدس را اداره می‌کند. او هر گاه که فرصت یابد، تجربه نجات خود را با دیگران تقسیم می‌کند. او بلافاصله بعد از پذیرفتن مسیح، روزانه وقت مناسبی را برای عبادت خانوادگی اختصاص داده است. خانواده او نسبت به نیازهای دیگران حساس بوده، دائماً در صدد کمک به دیگران می‌باشند.

(b) رامین سال‌های متمادی مسیحی بوده است. وی سعی می‌کرد هر وقت که بتواند در کلیسا حاضر شود. او هرگز در حضور دیگران شهادت نداده، در آموزش کتاب مقدس، عبادت‌های منظم یا فعالیت‌های کلیسایی (چه مشارکت و چه خدمت) شرکت نکرد. او احساس نمی‌کند که باید از خدمات کلیسا حمایت نماید زیرا که رابطه را فقط رابطه سطحی می‌داند. دوستانش به او به چشم یک غیر مسیحی می‌نگرند، زیرا که تفاوت اندکی میان او و آنها وجود دارد.

۱۱- رشد روحانی به واسطه موارد زیر ترغیب می‌شود (دور حروف مربوط به بهترین جملات دایره‌ای بکشید).

- (a) صرفاً با افزایش معرفت شخص بر حیات روحانی، هدف و سرنوشت.
- (b) آگاهی از اینکه شخص نجات یافته است تا خدمت کند و با دیگران مشارکت داشته باشد و معرفت حاصله را در عمل پیاده کند.
- (c) کمک به دیگران به ویژه کسانی که طفل روحانی هستند تا از لحاظ روحانی رشد و نمو کنند.
- (d) مطالعات شخص در جهت افزایش معرفتش بر راستی، طوری که خادم روحانی مفیدی گردد.

۱۲- با نهادن شماره (۱) در مقابل آن فعالیت‌هایی که واقعاً بلوغ را ترغیب می‌کنند و شماره (۲) در مقابل اقداماتی که منتهی به بلوغ نمی‌شوند، عوامل رشد روحانی را که در این بخش مطالعه کردیم مشخص نمایید.

.... (a) تبلیغ در مورد خود تا به یکی از مقامات کلیسایی دست یابد، که امتیازش فقط این است که شخص در معرض دید همگان باشد.

.... (b) مطالعه بی‌وقفه کلام و تبدیل آن به استاندارد زندگی و خدمت خود.

.... (c) اعلام مؤده انجیل به نجات‌نیافتگان.

.... (d) تلاش برای مشغول شدن به کارهایی که برای کلیسا پول به همراه می‌آورد، ترتیب دادن میهمانی برای اعضا، تشکیل گروه‌های مباحثه که در مورد کتاب‌های پر

طرفدار و موضوعات اجتماعی تبادل نظر می‌کنند و سعی در پر کردن فاصله میان کلیسا و دنیا به واسطه امور غیر روحانی.

e تغذیه و ترغیب حیات روحانی از طریق آموزش نوزادان روحانی در زمینه حقایقی که نیاز به دانستن آن دارند تا از لحاظ روحانی به بقا خود ادامه داده، به سمت پری زندگی نمو کنند.

f خدمت به بدن مسیح: کمک به فقرا، بیماران، سالخوردگان، داغدیدگان و نومیدان.

خودآزمایی

سؤالات چند گزینه‌ای. پاسخ صحیح به هر یک از سؤالات را مشخص کنید.

- ۱- حیات روحانی که پس از تجربه تولد دوباره شخص آغاز می‌شود، به کدام یک از طرق زیر شبیه به طفولیت است؟
 - (a) همواره نسبت به طریق رشد و آنچه که خواهد شد غیر مسئول بوده و خواهد بود.
 - (b) حیات روحانی بدون هر گونه تلاش آگاهانه، به‌طور طبیعی نمو می‌کند.
 - (c) حیات روحانی به‌طور تصادفی رشد می‌کند، لذا برخی رشد می‌کنند و برخی دیگر نه.
 - (d) در فرایند رشد و نمو و بلوغ قرار می‌گیرد.
- ۲- رشد و پویایی روحانی که خداوندمان برای فرزندانش خواهان است، برای یک مسیحی، مستقیماً به این موارد مربوط می‌شود:
 - (a) میل به رشد حیات روحانی‌اش تا سر حد پری.
 - (b) تغذیه، پرورش و تمرین روحانی.
 - (c) میل به اینکه روح کنترل زندگی‌اش را بدست گرفته، حفظ کند.
 - (d) پاسخ به امور قید شده در (b) و (c).
 - (e) پاسخ به امور قید شده در پاسخ‌های (a)، (b)، و (c).
- ۳- ماهیت حیات روحانی چنانکه آموختیم، به گونه‌ای است که اگر قرار باشد به‌طور کامل تجربه شود، باید این موارد را پشت سر گذارد:
 - (a) انضباط شدید، که شایستگی فرد را برای پیشرفت روحانی مشخص می‌سازد.
 - (b) رشد و نموی که منتهی به بلوغ می‌شود.
 - (c) موانع، خطاها و شکست‌ها تا فرد قابل آن شود.
 - (d) تغییر سریع در آغاز و پیشرفت فوری و دائمی در بلوغ.

۴- تمام عبارات زیر به جز یکی، دلایل مربوط به اینکه چرا رشد روحانی مورد نیاز است را ارائه می‌دهند. کدام یک از دلایل مورد بحث ما نبوده‌اند؟
(a) رشد و نمو روحانی، انتظاری است طبیعی از کسانی که از لحاظ روحانی زننده هستند.

(b) رشد و نمو حیات روحانی تا حد کاملِ ثمردهی، حکمی است از سوی خداوندمان.

(c) نمو روحانی برای اجتناب از ملالت روحانی لازم است.

(d) نمو روحانی جزوی از فرایند رشد به سمت بلوغ می‌باشد که تا زمانی که به‌طرز مناسبی تحت کنترل روح تغذیه شود، ادامه می‌یابد.

۵- تغذیه و پرورش برای حیات روحانی اهمیت حیاتی دارد زیرا که این حیات.....

(a) به‌هنگام طفولیت، شکننده است و نیاز به حمایت روحانی دارد تا قوی شده، پویایی روحانی کسب کند.

(b) بدون کمک افراد هم‌دل، هرگز استوار نخواهد ماند.

(c) بدون کمک متخصصین روحانی غیر قابل درک است.

(d) نیاز به وساطت افراد بالغ روحانی دارد که به‌عنوان سخنگویی مابین مسیحیان نوزاد و خدا عمل می‌کنند.

۶- دیدیم که تغذیه و پرورش برای حیات روحانی لازم است زیرا که نوایمانان.....

(a) قادر خواهند شد که مرحله گذر از زندگی قدیمی به شیوه جدید زندگی را راحت‌تر پشت سر گذارند.

(b) لزومی ندارد که مانند بسیاری از مسیحیان قدیمی‌تر ایام تجربه و سختی را متحمل شوند.

(c) می‌توانند برای رشد روحانی وابسته به ایمانداران قدیمی‌تر شوند.

(d) می‌توانند از لحاظ روحانی به بقای خود ادامه داده، به سمت بلوغ مسیحی رشد کنند.

۷- می‌دانیم که سطوح مختلفی برای حیات روحانی وجود دارد زیرا که.....

- (a) حیات روحانی همیشه از اصول حیات بیولوژیکی پیروی می‌کند.
- (b) در برابر مسیحی مشتاق کلام، پاداش‌هایی در مدارج گوناگون وجود دارد که وی را ترغیب می‌کند تا در کارهای نیک گوی سبقت را از دیگران بریاید.
- (c) کتاب مقدس رژیم تغذیه‌ای را به ما ارائه می‌دهد که برای هر مرحله از رشد روحانی، از طفولیت روحانی گرفته تا بلوغ روحانی، مناسب است.

۸- بر طبق تعریف کتاب مقدس، یک مسیحی بالغ شخصی است که.....

- (a) مشتاق تکامل در هر کار روحانی است.
- (b) به واسطه کاربرد استعدادهای روحانی‌اش، فرا گرفته است که نیک و بد را از هم تمیز دهد.

(c) به مرور زمان بدل به ظرف عزت گشته است.

(d) مردم متفقاً از او حمایت می‌کنند تا ایشان را رهبری کرده، برای‌شان تصمیم بگیرد.

۹- انسانی که هرگز زندگی روحانی را آغاز نکرده است، در کتاب مقدس به عنوان

شخصی مشخص شده است که.....

- (a) به‌طور بالقوه در گناهان مرده و از دست رفته است.
- (b) قادر است به‌طور خیلی مختصر به امور روحانی پاسخ دهد.
- (c) نمی‌تواند به‌طور کلی موضوعات مربوط به حیات را درک کند.
- (d) نمی‌تواند حقایق روحانی را پذیرفته یا درک کند.

- ۱۰- شخصی که در کتاب مقدس به عنوان انسان دنیوی توصیف شده است، چه خصوصیتی را از خود نشان می‌دهد؟
- (a) از غذاهای ضعیف و رقیق استفاده کرده، موعظه بشارتی را به تعلیم در مورد زندگی عمیق‌تر ترجیح می‌دهد، غالباً اهل بحث و جدال است، و از مزایای طفولیت روحانی بسیار خشنود است.
- (b) نمی‌تواند حقیقت روحانی و مسئولیت‌های روحانی‌اش را درک کند، و نمی‌تواند در مورد تغییرات روحانی در زندگی‌اش تصمیم گرفته و به خود کمک کرده یا موقعیت خود را تغییر دهد.
- (c) امور دنیا نظیر سرگرمی و تفریح و تجمعات را دوست دارد.
- (d) تصمیم گرفته است که حقایق روحانی و الزام ناشی از آن را از خود دور سازد تا بتواند از دوستی دنیا برخوردار شود.

- ۱۱- وجه مشخصه انسان روحانی از این قرار است:
- (a) رفتاری آن-دنیایی، اجتناب از افراد غیر روحانی، و دنیا به‌طور کلی.
- (b) پابندی سفت و سخت به قواعد، مقررات و ظاهر. او ندرتاً و یا هیچگاه کلیسایش را ترک نمی‌کند تا با مردم عادی بیامیزد.
- (c) تعهد نسبت به خداوند، قابلیت تعلیم حقایق کلام خدا و توانایی تمایز میان حقیقت روحانی و خطا.
- (d) چهره‌ای لاغر، لباس مندرس، غذای اندک و ظاهری ژولیده.
- ۱۲- کتاب مقدس مشخص می‌کند که تفاوت عمده میان این سطوح روحانیت عبارتست از:

- (a) مدت زمان صرف شده به کلام خدا و پرداختن به آن.
- (b) قابلیت دریافت و درک حقیقت روحانی.
- (c) نوع شخص مورد نظر: برخی به حقیقت پاسخ می‌دهند و برخی نه.

(d) فقط بستگی به رتبه دارد: تفاوت میان انسان غیر روحانی و انسان بالغ صرفاً در مقدار بصیرتی است که هر یک دریافت کرده‌اند.

۱۳- نمو روحانی شخص، مستقیماً مربوط می‌شود به.....

(a) فرصت‌های حضور در کلیسا و آموختن احکام آن.

(b) محیط: اگر محیط مساعد باشد، به سرعت رشد می‌کند و در غیر این صورت به آهستگی رشد کرده، یا اصلاً رشد نمی‌کند.

(c) زمینه قبلی در امور روحانی.

(d) واکنش در مقابل کلام خدا، که کلیدی است برای بنای ساختمان حیات روحانی مولد.

۱۴- رشد روحانی به واسطه روابط پرورش می‌یابد زیرا که روابط.....

(a) نقش حمایت فعال از شخص را که به هنگام رشد از طفولیت روحانی به سوی بلوغ روحانی بدان نیاز دارد، ایفا می‌کند.

(b) پایه‌ای برای ایمان و رفتار شخص فراهم می‌کند.

(c) ضمیمه‌ای است بر نقش فعال کلام خدا در رشد دادن شخصیت.

(d) مهم‌ترین عامل در بنای حیات روحانی شخص می‌باشد.

۱۵- بر طبق این درس، یک عامل رشد روحانی که هم بر ایماندار بالغ و هم بر ایمانداران نابالغ‌تر اثر می‌گذارد عبارتست از:

(a) معرفت بر مسئولیت‌های روحانی و آنچه که ایمانداران لازم است انجام دهند.

(b) کاربرد معرفتش: یعنی سهیم کردن دیگران در این معرفت و کمک به ایشان برای رشد روحانی.

(c) قابلیت برای داوری در مورد تلاش‌های تولیدی دیگران تا به ایشان نشان داده شود که چقدر نیاز به پیشرفت و بهبود دارند.

(d) قابلیت دریافت اراده خداوند برای دیگران، مخصوصاً برای غیر بالغ‌ها.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۷- a) بدون روح القدس. پاسخ شما ممکن است اندکی با پاسخ من تفاوت داشته باشد. متذکر شده‌ام که این انسان از آنجا که هرگز از نو متولد نشده است، روح را درک نکرده یا به آن واکنش نشان نمی‌دهد. او سعی می‌کند حقایق خدا را بر پایه‌ای غیر روحانی درک کند و این امر باعث تغییر او نمی‌شود.

b) دنیوی. متذکر شده‌ام که ایشان، طفلان روحانی هستند که همچنان از غذای ساده یعنی شیر تغذیه می‌کنند و مسئولیت‌های کمی بر عهده دارند. دنیوی بودن آنان از فقدان تعهد ایشان به شنیدن حقیقت و کاربرد آن و در نتیجه رشد روحانی، آشکار می‌شود.

c) روحانی. متذکر شده‌ام که شهرام به‌طور بدیهی مسئولیت‌های مسیحی خود را درک کرده، صریحاً آنها را تقبل کرده است. او رابطه‌ی رو به رشدی را با خداوند نشان می‌دهد. او دیگر شنونده‌ی حقایق پایه‌ای نبوده، بلکه معلم دیگران است. نتیجتاً، حیات روحانی‌اش علیرغم مخالفت‌ها رشد کرده، به بلوغ می‌رسد.

۱- a) غلط

b) غلط

c) صحیح

d) صحیح

e) صحیح

۸- می‌بایست پاسخ‌های a)، b) و c) را علامت‌گذاری می‌کردید.

پاسخ d) غلط است، زیرا که حیات روحانی صرفاً با رضایت ذهنی تشویق نمی‌شود. حقایق کتاب مقدس نه تنها در جهت تغییر فکر عمل می‌کند بلکه رفتار فرد را نیز تغییر می‌دهد.

۲- b) به سمت بلوغ رشد و نمو کند.

۹- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) غلط. (هنگامی که شخص در مسیح بوده و به کنترل روح پاسخ مثبت می‌دهد، رشد می‌نماید؛ اما این امر فرایندی خودبه‌خودی نمی‌باشد. خدا منشأ آن است اما برای اینکه رشد به وقوع بپیوندد، ما باید پاسخ مثبت بدهیم.)

۳- c) شخص را قادر می‌سازد که با موفقیت هدف خداوند را برای زندگی‌اش متحقق سازد و کار خداوند را به‌طرزی مؤثر انجام دهد.

۱۰- a) روبرت به‌طور منظم در کلیسا حضور یافته، کلام را با پشتکار مطالعه می‌کند.

۴- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) غلط

۱۱- می‌بایست پاسخ‌های b)، c) و d) را علامت می‌زدید. پاسخ a) درست نیست زیرا که رشد روحانی مستلزم چیزی بیش از معرفت است؛ و مستلزم آن است که شخصی آن معرفت را در زندگی‌اش پیاده کند.

۵- a) شیر و خوراک جامد

b) شیر، خوراک جامد

c) نیک و بد، خدمت، یگانگی ایمان، پری قامت مسیح.

- ۱۲- (a) ۲ باعث ترغیب بلوغ نمی‌گردد.
- (b) ۱ باعث ترغیب بلوغ می‌گردد.
- (c) ۱ باعث ترغیب بلوغ می‌گردد.
- (d) ۲ باعث ترغیب بلوغ نمی‌گردد.
- (e) ۱ باعث ترغیب بلوغ می‌گردد.
- (f) ۱ باعث ترغیب بلوغ می‌گردد.

۶- (a) ۲ انسان دنیوی

(b) ۱ انسان بدون روح القدس

(c) ۳ انسان روحانی

(d) ۱ انسان بدون روح القدس

(e) ۲ انسان دنیوی

(f) ۳ انسان روحانی

به سوی بلوغ

مسعود و مریم به سرعت عضو جدید را در خانواده‌شان پذیرا شدند. ایشان احساس خوشبختی می‌کردند از اینکه دوستان و اعضای خانواده برای دیدن عمانوئیل کوچک نزد آنان می‌آیند. برخی با شگفتی چنین ابراز می‌داشتند: «آه، چقدر شبیه پدرش است.» و این باعث می‌شد که به مسعود احساس غرور خاصی دست دهد. مریم نیز متوجه شباهت میان پدر و پسرش شده بود. او و مسعود عکس‌های عمانوئیل نوزاد را با برخی از عکس‌های نوزادی مسعود مقایسه می‌کردند. قطعاً، شباهت بسیاری میان آن دو وجود داشت.

شما نیز احتمالاً تجربه مشابهی داشته‌اید. حتماً کسی متوجه شده است که چقدر شبیه یکی از اعضای خانواده پدری یا مادری‌تان هستید. تجربه مسرورکننده‌ای است که انسان با رجوع به یک آلبوم عکس‌های قدیمی، متوجه شباهت جسمانی اعضای مختلف یک خانواده حتی در طی چند نسل بشود.

بنابراین نباید تعجب کنید از اینکه در این درس، زندگی مسیحی نیز شامل برخی «شباهت‌ها» است. عیسی زندگی‌اش را برای ما داد. آیا انتظار نخواهید داشت که با رشد ایمانداران به سوی بلوغ، زندگی مسیح به گونه‌ای فزاینده در ما به چشم بخورد؟ در این درس پی خواهید برد که هدف نهایی رشد روحانی، شبیه به مسیح شدن است. همچنین فرا خواهید گرفت که کتاب مقدس برخی از عوامل دخیل در این فرایند را تعلیم می‌دهد. آنچه که در این درس فرا می‌گیرید، به هنگام کمک به رشد دیگران در جهت بلوغ روحانی نیز ارزشمند خواهد بود.



رئوس مطالب

به شباهت او
به کمال رساندن افراد
گام به گام

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- هدف رشد روحانی را توضیح دهید.
- نقش تغذیه روحانی را در رشد کل حیات مسیحیان مشخص کنید.
- فرایندی را که به واسطه آن شخص از طفولیت روحانی به بلوغ روحانی می‌رسد، مورد بحث قرار دهید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- درس را مطابق راهنمایی‌های مذکور در درس ۱ مطالعه کنید. لطفاً تمام آیات تعیین شده را خوانده، پیش از نگریستن به پاسخی که در انتهای درس داده‌ایم، همه تمرین‌ها را حل کنید.

۲- خودآزمایی را گذرانده، پاسخ‌های خود را با پاسخ‌هایی که در انتهای کتاب ارائه داده‌ایم، مقایسه کنید.

متن درس

به شباهت او

رشد روحانی مورد انتظار

همه انواع حیات بر روی زمین، از خصوصیت خاصی برخوردار است که خصلت آن به واسطه فرایند تولید مثل منتقل می‌شود. یک بذر زنده است. تحت شرایط مساعد برای رشد، خصلت آن حیات آشکار خواهد شد. وقتی که یک دانه برنج، ذرت، لوبیا یا هر چیز دیگری را می‌کارید، می‌دانید که چه چیزی از آن رشد خواهد کرد. ماهیت متمایز حیات در بذر نهفته است. تحت شرایط مساعد، ویژگی آن حیات به منصه ظهور آمده، به سمت کمال رشد خواهد کرد.

توجه به این امر به هنگام مطالعه حیات روحانی مهم است. حیات نوینی که خدا در مسیح می‌دهد، حیات خود اوست. حیات او نیز دارای ماهیت و خصلت خاص خود است. هنگامی که حیات نوین تحت شرایط روحانی مساعد پرورش می‌یابد، در درون ما رشد و نمو می‌کند، و ما بیش از پیش شبیه او می‌شویم. مسئولیت ما حساس بودن در قبال روح القدس است و اینکه اجازه دهیم زندگی نوین ما را بر طبق اراده اش کنترل کرده، شکل دهد (رومیان ۸: ۵-۱۱؛ غلاطیان ۵: ۲۵).

۱- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) زندگی مسیحی، هنگامی که به‌طور مناسب پرورش یابد، به‌سمت مسیح‌گونه شدن رشد می‌یابد.

(b) زندگی روحانی شخص، یکبار که آغاز شد، به‌طور خود به‌خودی رشد می‌کند.

(c) مسئولیت ما در رشد دادن زندگی روحانی، تسلیم شدن به کار روح‌القدس است.

(d) مسیح‌گونه شدن انتظاری است طبیعی از زندگی جدید در مسیح.

(e) نوع زندگی که خدا به ما می‌دهد، تعیین‌کننده این است که چه چیزی از آن رشد می‌کند.

رشد روحانی هدف خداست

در پیدایش ۱: ۲۶-۲۷ مشاهده می‌کنیم که انسان از ابتدا به صورت و شبیه خدا آفریده شد. انسان توسط خدا آفریده شد و شبیه خدا خلق شد. او همانگونه‌ای بود که خدا می‌خواست. اما این شباهت به خدا، هنگامی که انسان در گناه سقوط کرد، به‌طور جدی خدشه‌دار شد. او بدل به مخلوق غیرمقدسی گردید و صورت و شباهت خدا در او به‌شدت لطمه دید. نجاتی که خدا مهیا کرده است، با این هدف بود که انسان را به موقعیت اولیه‌اش و به شباهت خدا باز گرداند. خدا به انسان هشدار داد که گناه منجر به موت و جدایی از او می‌گردد. وقتی که او گناه کرد، از لحاظ روحانی مرد. اما در عیسی زندگی جدیدی به ما داده شده است و ما از لحاظ روحانی زنده شده‌ایم. مادامی که آن حیات در درون رشد و نمو کند، ما فرایند شبیه او شدن را به‌طرز فزاینده‌ای آغاز می‌کنیم.

دور حرف مربوط به پاسخ صحیح به هر سؤال دایره‌ای بکشید.

۲- هبوط (سقوط آدم و حوا) چه اثری بر شباهت اولیه انسان به خدا گذاشت؟

(a) دست نخورده باقی ماند

(b) توسط گناه مخدوش شد

(c) طی قرن‌ها بهبود یافت

(d) نمی‌دانیم

۳- منظور خدا از نجات انسان چیست؟

(a) او را تنها رها کند

(b) او را در گناهش مفلوک گرداند

(c) به او ثابت کند که اشتباه کرده است

(d) او را به صورت و شباهت خودش باز گرداند

هدف رشد روحانی

کتاب مقدس مشخص می‌کند که خدا در نقشه ابدی خود، عاقبت کسانی را که حیات نوین او را می‌پذیرند، از پیش تعیین کرده است. خدا می‌داند که وقتی کارش در ما به اتمام برسد، ما چگونه خواهیم بود.

۴- رومیان ۸: ۲۸-۲۹ را خوانده، به سؤال زیر در دفترتان پاسخ دهید. کسانی که زندگی نوین در عیسی را می‌پذیرند، برای داشتن چه سرنوشتی مقدر شده‌اند؟

در اینجا باید درک کنید که این هدف خداست که کسانی که حیات او را می‌پذیرند، رشد و نمو کنند. مادامی که ایشان رشد می‌کنند، ماهیت و خصلت خدا در ایشان آشکار شده، شباهت به مسیح در گفتار، اعمال و عادات‌شان مشاهده خواهد شد. پطرس هنگامی که به دارندگان این حیات نوین توصیه می‌کند که: «در فیض و معرفت خداوند ما عیسی مسیح ترقی کنید» به همین فرایند رشد اشاره می‌کند (دوم پطرس ۳: ۱۸).

۵- خدا معین کرده است که کسانی که زندگی نوین در مسیح را می‌پذیرند باید:

(a) از لحاظ خصلت و امتیازات و جلال، همسان فرشتگان گردند.

(b) به هر طریق بدل به انسانیت جدیدی همسان الوهیت گردند.

(c) تدریجاً به صورت و شباهت پسر خدا متبدل شوند.

(d) به واسطه یک تجربه‌ی آنی، کامل گردند.

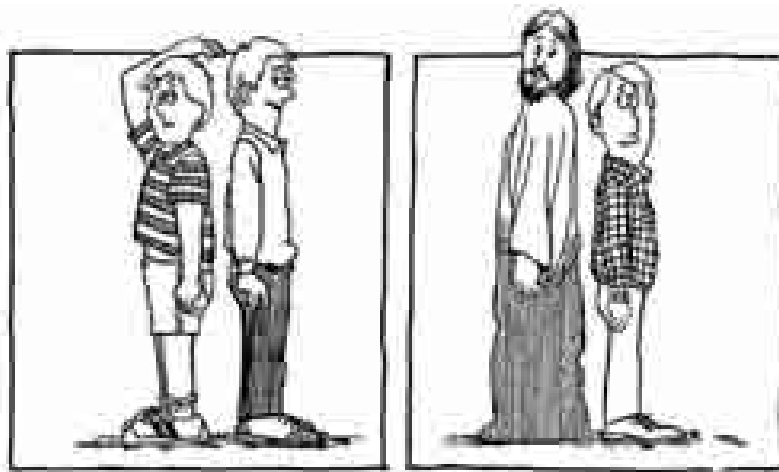
۶- منظور کتاب مقدس از عبارت بالغ شدن چیست؟

(a) رسیدن به قامت پری مسیح‌گونگی

(b) حضور منظم در کلیسا

(c) دست کشیدن از برخی اعمال اجتماعی

(d) جدا کردن خود از دنیای جسمانی



روزی شنیدم که دو پسر بچه که با یکدیگر بازی می‌کردند در مورد این که کدام یک بلند قامت‌تر است بحث می‌کردند. بلافاصله ایشان پشت به پشت یکدیگر ایستاده، خود را تا آنجا که ممکن بود بالا می‌کشیدند و دست‌های‌شان را بر بالای سر خود بردند تا ببینند که کدام یک بلندتر است. یکی از پسر بچه‌ها از اینکه بلندتر بود

احساس خرسندی می‌کرد. اما پسرک دیگر به راحتی قانع نشده؛ گفت: «فقط صبر کن، وقتی که تو به اندازه پدرت بزرگ شدی و من هم به اندازه پدرم بزرگ شدم، آن وقت من از تو بلند قدتر خواهم شد.» این پسر حقیقت مهمی را درک کرده بود. او دورنمای رشد را می‌دید. او مدلی را در نظر داشت که می‌خواست شبیه او شود یعنی پدرش. این امر منظور از رسیدن به پری قامت مسیح را به خوبی متصور می‌سازد. گاهی اوقات خوب است که ما پشت به پشت عیسی بایستیم. هر بار که او بزرگتر و بلند قامت‌تر از ما باشد، ما باید خود را دائماً با این استاندارد بسنجیم تا ببینیم که چقدر رشد کرده‌ایم. ما باید هر چه بیشتر شبیه او شویم.

نقش پرورش مسیحی

هدف رشد روحانی این است که مسیحیان به صورت و شباهت عیسی در آیند و بالغ شوند. هنگامی که به حیات مسیح در درون خود اجازه می‌دهیم که کاملاً رشد کند، به طرز فزاینده‌ای شبیه به مسیح خواهیم شد. به خاطر حیات عیسی که در درون ماست، به شباهت او بالغ می‌شویم و اجازه می‌دهیم که حیاتش در ما کامل شود. وظیفه کسانی که مسیحیان را تغذیه می‌کنند تا رشد نمایند، مهیا کردن ضروریات برای رشد روحانی طبیعی و سالم است. تغذیه برای رشد مسیحی مربوط به حیات می‌شود - یعنی کمک به مسیحیان تا در حیات مسیح رشد کنند تا زمانی که ماهیت خصلت او در شخصیت ایشان ظاهر شود.

هدف مسیحیان بالغ صرفاً این نیست که افرادی را پرورش دهند که دارای دانش کتاب مقدسی و بصیرت‌های روحانی نامحدود باشند، بلکه هدف، کمک به ایشان است تا زندگی نوین را همانطور که مورد نظر عیسی بود، در حد اکمل آن زیست نمایند. هدف از تغذیه روحانی کمک به مردم است تا عیسی را سرمشق خود قرار دهند - یعنی هدایت ایشان به سوی زندگی منضبط و رشد یابنده در خدا، طوری که عیسی در مرکز توجه باشد.

هر گاه که متعهد کمک به رشد روحانی و نمو در مسیح‌گونه‌گی افراد می‌شوید، وارد خدمت تغذیه روحانی شده‌اید. این خدمتی است عملی و پر اجر که عمیقاً ریشه در نقشه خدا برای نوع بشر دارد.

۷- دور حرف مقابل جمله‌ای که به بهترین وجه نقش تغذیه روحانی را توضیح می‌دهد، دایره‌ای بکشید. طبق مطالب این درس، نقش تغذیه روحانی کمک به مردم است تا.....

- (a) به نوعی به معرفت کتاب مقدسی دست یابند.
- (b) از لحاظ روحانی رشد کنند و زندگی را در پری آن زیست نمایند.
- (c) بصیرت روحانی عمیق را کسب کنند و بدل به متخصصین شریعت شوند.
- (d) در فرهنگ‌های خاص خود، رفتار درست و نادرست را تشخیص دهند.

به کمال رساندن افراد

زندگی مسیح-محور

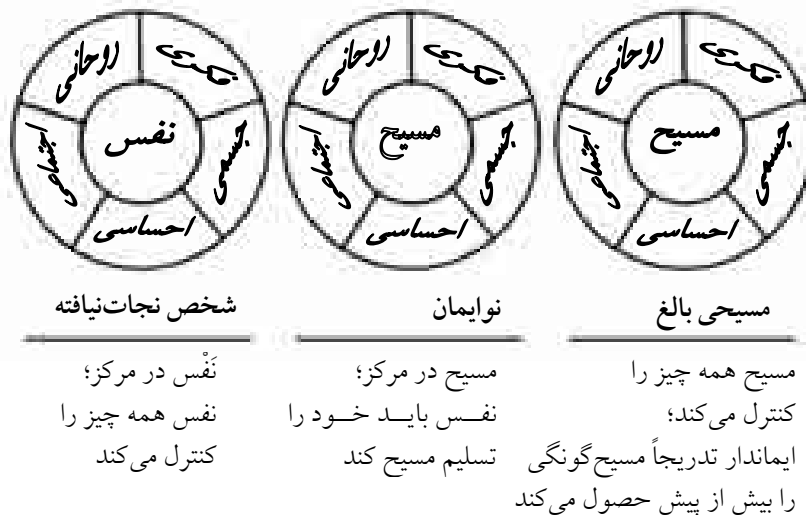
تغذیه روحانی مربوط به حیات می‌شود زیرا که مسیحیت متمرکز بر روی حیات است. مسیحیت به حول محور مسیح که پسر ابدی خداست می‌چرخد، یعنی کسی که سرچشمه تمامی حیات است. او حیات خود را به کسانی که او را می‌پذیرند می‌دهد. تعهد نسبت به عیسی مسیح با ایمان ساده به انجیل آغاز می‌شود. این امر نشانه آغاز زندگی نوین است. اما این تعهد مستلزم زندگی شاگردی به واسطه فرایند رشد به سوی مسیح‌گونه‌گی می‌باشد. در این فرایند تولد روحانی و رشد، عیسی بیش از پیش بدل به مرکز تجربه کل حیات مسیحی می‌گردد. مسیحیان رو به رشد به واسطه تغذیه روحانی فرا می‌گیرند که چگونه مسیح را در زندگی خود در اولویت قرار داده، او را مرکز تمام زندگی خود کنند.

۸- حیات مسیحی متمرکز است بر

زندگی مسیح - محور چیست؟

کمک به اینکه افراد عیسی را بدل به مرکز زندگی خود کنند تمام جنبه‌های تجربه انسانی را در بر می‌گیرد. هنگامی که در مورد انسانی می‌اندیشیم، گاهی اوقات گرایش داریم که شخص را به بخش‌ها یا زمینه‌های زندگی تقسیم کنیم نظیر حوزه ذهنی، جسمانی، عاطفی، اجتماعی و روحانی. گرچه مطالعه رفتار انسانی از نقطه‌نظرهای متفاوت سودمند می‌باشد ولی لازم است به‌خاطر داشته باشیم که هر فرد، موجود کاملی است و نمی‌توان او را به بخش‌های کوچک تقسیم کرد. هر یک از حوزه‌های زندگی بر دیگر حوزه‌ها اثر می‌گذارد. ما به محیط اطراف خود به‌عنوان اشخاص تام و تمام پاسخ می‌دهیم.

رابطه فرد مسیحی با خدا بر تمام جنبه‌های شخصیت او اثر می‌گذارد. مسیح در مرکز است و این بدین معنی است که او باید همه حوزه‌ها را کنترل کند. هر چه بیشتر از لحاظ روحانی رشد کنیم و شبیه او شویم، او تمام زندگی ما را هر چه بیشتر کنترل می‌کند.



- ۹- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.
- (a) هر حوزه از زندگی انسانی به‌طور مستقل از دیگر حوزه‌ها عمل می‌کند.
- (b) رابطه مسیحی با خدا بر همه بخش‌های زندگی اثر می‌گذارد.
- (c) کمک به مردم تا عیسی را مرکز زندگی خود قرار دهند، شامل تمامی حوزه‌های زندگی انسانی می‌شود.
- (d) هر چه مسیحیان از لحاظ روحانی بیشتر رشد کنند، عیسی نیز بیشتر زندگی آنان را کنترل خواهد کرد.
- (e) هنگامی که مسیحیان، بالغ می‌شوند، زندگی ایشان بیشتر تقسیم به بخش‌های متمایز می‌شود.

نقش تغذیه روحانی در به کمال رساندن افراد

هدف تغذیه روحانی، به‌بار آوردن اشخاص بالغ و کامل است؛ اشخاصی که به‌واسطه رابطه‌شان با عیسی مسیح، از لحاظ عقلی و عاطفی و روحانی و اجتماعی تغییر یافته‌اند.

کسانی که مسئول تغذیه روحانی هستند، ارزش خدادادی هر شخص را تشخیص داده، استعداد بالقوه هر موجود انسانی را درک می‌کنند و در صددند که این استعداد را به‌خاطر جلال خدا در حد اکمل رشد دهند. تغذیه روحانی به فکر کل حیات مسیحیان می‌باشد و خواهان این است که به ایشان کمک کند تا کامل شده و حیات را در پری آن زیست نمایند.

این دغدغه برای کامل گرداندن اشخاص در عیسی منتهی به شاگردی می‌شود که به‌صورت اطاعت تام از هر آنچه که عیسی حکم کرده است خود را ابراز می‌دارد. ایمان به انجیل منتهی به محبت مطیع و فعالی نسبت به خداوند عیسی می‌گردد. این محبتی است ناشی از کل شخص - یعنی از دل، فکر و جان - که کنترل تمام زندگی را تسلیم او می‌کند.

۱۰- تمام عبارات زیر به جز یکی به طرز صحیحی توصیف می‌کند که تغذیه روحانی چگونه در صدد این است که اشخاص را در عیسی کامل گرداند. کدام یک صحیح نیست؟ تغذیه روحانی در صدد رشد دادن.....

- (a) استعداد عقلی هر ایماندار است.
- (b) قابلیت‌های عاطفی و روحانی ایمانداران است.
- (c) استعداد اجتماعی هر ایماندار است.
- (d) مهارت‌ها و صلاحیت سیاسی ایمانداران است.
- (e) ظرفیت‌های روحانی ایمانداران است.

۱۱- اگر موافقید که نقش تغذیه روحانی، به‌بار آوردن اشخاص کامل است، این امر چگونه بر وظیفه تغذیه روحانی شما اثر خواهد گذاشت؟ پاسخ خود را در دفتر یادداشت‌تان بنویسید.

نقش کتاب مقدس در به کمال رساندن افراد

در درس ۱ با طریقی که کتاب مقدس به تغذیه و رشد روحانی مدد می‌رساند آشنا شدید. خدا خود را در کتاب مقدس مکشوف می‌سازد؛ بنابراین کتاب مقدس محتوای مطالعه و آموزش ما را تشکیل می‌دهد. ما می‌خواهیم شبیه مسیح شویم و مسیح در کلام خدا آشکار شده است. ما کتاب مقدس را صرفاً برای کسب معرفت مطالعه نمی‌کنیم. هدف آموزش ما آماده شدن برای گذراندن یک امتحان نیست، بلکه برای برخورداری از یک زندگی کامل و مسیح-محور می‌باشد.

حقایق الهی در عیسی مسیح بیان زنده‌ای می‌یابد. از آنجا که حیات او در ماست، خدا باید در زندگی ما تجلی زنده‌ای بیابد. کل شخصیت مسیحی باید به واسطه واقعیت خدا که در درون ماست، متبدل شود طوری که زندگی مسیحی تجلی درست حقیقت الهی باشد. مادامی که زندگی مسیحی در درون رشد می‌کند، باید تغییر تدریجی خصلت، ارزش‌ها، انگیزه‌ها، برخوردها و رفتار مسیحی صورت پذیرد تا با

شخصیت خدا که در عیسی جلوه‌گر شده است منطبق شود. مسیحیان باید به‌طور فزاینده مسیح‌گونه‌تر شوند.

دوم تیموتاؤس ۱۴:۳-۱۷ چهار کاربرد کتاب مقدس را مشخص می‌کند: تعلیم، تنبیه، اصلاح، و تربیت در عدالت. همچنین توجه داشته باشید که این چهار عمل یک هدف اساسی دارد که عبارتست از مجهز کردن مرد خدا برای هر عمل نیک. کتاب مقدس برای آماده کردن مسیحیان برای تجربه کردن قصد خدا برای زندگی‌شان سودمند است. می‌توانیم بگوییم که کتاب مقدس برای کامل کردن اشخاص مفید است. اگر می‌خواهید از لحاظ روحانی رشد کنید، باید کتاب مقدس را مطالعه نمایید؛ اگر می‌خواهید به کسی کمک کنید تا از لحاظ روحانی بالغ شود، باید به او کمک کنید تا کتاب مقدس را مطالعه کند.

۱۲- دور حرف مربوط به هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) کتاب مقدس در کامل ساختن اشخاص دخیل است زیرا که برای رشد روحانی هم فرمول و هم مقیاس را بدست می‌دهد.

(b) کتاب مقدس برای رشد و نمو روحانی، حدود معینی را قائل است.

(c) کتاب مقدس، اراده خدا را برای رشد روحانی آشکار کرده، خط‌مشی‌های خاصی را ارائه می‌دهد که منتهی به به‌بار آوردن اشخاص کامل خواهد شد.

(d) کتاب مقدس در عیسی، الگویی از شخص واقعاً کامل را ارائه می‌دهد که باید سرمشق ما باشد.

(e) هدف مطالعه ما از کتاب مقدس، بدست دادن پایه وسیعی از معرفت است طوری که بتوانیم معنویت خود را به دیگران نشان دهیم.

اجازه دهید مطالبی را که تا اینجا در این درس مطالعه کرده‌اید، مرور نموده، خلاصه کنیم. پی بردید که مسیحیان در حال بلوغ به‌سمت مسیح‌گونه‌گی رشد می‌کنند. این قصد خداست که کسانی که زندگی نوین در مسیح را یافته‌اند، بالغ شوند، طوری که حیات عیسی به‌طرز فزاینده‌ای در ایشان آشکار شود. همچنین فرا

گرفتید که بلوغ در حیات مسیح مستلزم بدل شدن به شخصی کامل است و تسلیم شدن به او در تمام حوزه‌های زندگی. آموختید که کمک کردن به اشخاص برای کامل شدن یعنی مسیح‌گونه شدن، وظیفه عمده کسانی است که متعهد در امر تغذیه روحانی می‌باشند. همچنین دریافتید که مطالعه کتاب مقدس در کمک به کامل شدن اشخاص اساسی است. اگر هنوز این مفاهیم را درک نکرده‌اید، پیش از پرداختن به بخش بعدی، آنچه را که در این درس آموختید، مرور نمایید.

گام به گام

هدف تغذیه روحانی

وقتی که کودکی به دنیا می‌آید، شروع به رشد می‌کند. انتظار ما این است که نتیجه آن رشد رسیدن به بلوغ باشد. می‌دانیم که فرایند رشد از طفولیت تا بلوغ، مستلزم زمان و صبر است. فرا گرفتیم که مراحل رشد و سطوح بلوغ را تشخیص دهیم. در هر مرحله از رشد انتظار داریم که شخص در حال رشد کارهایی را به‌انجام رساند، نظیر فراگیری راه رفتن از همان اوان طفولیت. انجام کارهایی که در هر مرحله از رشد انتظار داریم، اهداف میانی نامیده می‌شوند. اینها اهداف کوچکتري هستند که شخص باید در مسیر رسیدن به هدف نهایی، یعنی بلوغ، به آنها دست یابد. هر یک از این اهداف میانی به‌خودی خود ارزشمند می‌باشند، اما وقتی متوجه می‌شویم که هر یک از آنها به‌عنوان گامی به‌سوی هدف نهایی چه نقشی ایفا می‌کنند، بیشتر اهمیت پیدا می‌کنند. درک این مفهوم به ما کمک می‌کند تا بهتر به نیازهای افراد در حال رشد توجه نماییم. هنگامی که نیازهای هر سطح از رشد برآورده می‌شود، ما به فرد کمک کرده‌ایم تا به‌سوی بلوغ رشد کند.

۱۳- اول قرن‌تینان ۴-۱:۳ و ۱۲-۱۰:۱ را خوانده، آنها را با اول قرن‌تینان ۹-۲:۱ مقایسه کنید. بر پایه بخش قبلی و آیه‌های قید شده، چگونه می‌توانیم کاربرد پولس را از کلماتی نظیر تقدیس شده، مقدس و فیض به‌هنگام اشاره به مردمی که آن همه مشکل داشتند، توجیه کنیم؟

یک بار دیگر می‌توانیم میان حیات روحانی و فرایند رشد و نمو در زندگی جسمانی دست به مقایسه‌ای بزنیم. فرایند بلوغ که ناشی از تولد تازه است با طفولیت روحانی آغاز می‌شود. هدف نهایی حیات روحانی ایماندار، متبدل شدن به شباهت مسیح می‌باشد (رومیان ۸:۲۹؛ ۱۲:۲؛ دوم قرن‌تینان ۱۸:۳). وقتی که او سفر روحانی خود را آغاز می‌کند، نیاز به تغذیه دارد تا رشد مناسب را پدید آورد. او باید اشتهایی برای کلام از خود نشان دهد (اول پطرس ۲:۲). او بدین‌سان نیازهای اساسی برای رشد روحانی سالم را بر طبق نقشه خدا فرا می‌گیرد. او می‌آموزد که کارها را انجام داده و رفتار مورد انتظار در هر مرحله ابتدایی از رشد را نشان دهد. او به‌عبارتی راه رفتن را فرا می‌گیرد. هنگامی که اشتهای او برای کلام بیشتر می‌شود و رهنمودهای آن را در زندگی روزمره‌اش پیاده می‌کند، ایمانش رشد می‌کند. او ماهیت جنگ روحانی را از طریق تفحص در کلام (افسسیان ۱۰:۶ و ۱۸) و از طریق تجربه - به‌واسطه رویارویی شخصی با دشمنش - می‌آموزد. هنگامی که او با ایمانداران بالغ‌تر می‌پیوندد، در می‌یابد که راز نزاع روحانی موفقیت‌آمیز در دعا نهفته است. مادامی که رو به جلو حرکت کرده، در کلام رشد می‌کند و رابطه‌اش با خداوند و با هم‌ایمانان نزدیکتر می‌شود، بیشتر و بیشتر رشد می‌کند. و مادامی که به‌سوی هدف نهایی خود حرکت می‌کند، تدریجاً صورت مسیح را به‌خود می‌گیرد. لذت بردن از کلام، دعای مرتب، فراگیری تمییز حق از باطل - همه اینها به یکباره حاصل نمی‌شود. هر مرحله از رشد، خود هدفی میانی است، اما جزوی از هدف کلی یا نهایی رسیدن به مسیح‌گونه‌گی است.

تعریف کوتاه زیر را بارها خوانده، آن را به خاطر بسپارید. در خودآزمایی و در آزمون‌های میانی، لازم خواهد بود نشان دهید که این تعریف را به خوبی درک کرده‌اید. اما مهم‌تر این است که درک روشنی از هدف نهایی تغذیه روحانی داشته باشید.

هدف نهایی تغذیه روحانی، به بار آوردن رشد روحانی به سمت بلوغ و مسیح‌گونه‌گی در تمام تجربیات زندگی می‌باشد.

۱۴- در مورد اهداف میانی و هدف نهایی از تغذیه روحانی، می‌توانیم به دقیق‌ترین وجه بگوییم که اهداف میانی.....

(a) اجزاء نسبتاً غیر مهم هدف نهایی می‌باشند.

(b) به خودی خود مهم هستند.

(c) اهداف کوچکتری هستند که بر سر راه هدف نهایی باید به آنها رسید.

(d) فقط اهداف افراد می‌باشند، حال آنکه هدف نهایی را می‌توان در تشکیلات کلیسا مشاهده کرد.

۱۵- در تمرین زیر، مقابل هر عبارت مربوط به یک هدف میانی از تغذیه روحانی عدد (۱) را بنویسید و در مقابل عباراتی که معرف هدف نهایی از تغذیه روحانی می‌باشند، عدد (۲) را.

.... (a) به نوایمان تعلیم می‌دهد که کلام خدا را خوانده، زندگی‌اش را بر پایه تعالیم آن قرار دهد.

.... (b) به ایمانداران اصول رشد روحانی را تعلیم می‌دهند که این اصول می‌توانند هر جنبه از زندگی ایشان را به تدریج به شباهت مسیح تغییر دهند.

.... (c) به مسیحی مشتاق، اصول دعا کردن مؤثر و نقش آن در رشد روحانی را تعلیم می‌دهد.

d به ایمانداران الهام می‌بخشد تا مشتاق کاملیت روحانی باشند طوری که به وقت ایستادن در حضور مسیح کاملاً بالغ بوده در او هیچ کمبودی نداشته باشند.

e به ایمانداران می‌آموزد که جمع شدنشان برای بنای متقابل چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی ضروری است.

گام‌هایی به سوی بلوغ روحانی

افسسیان ۱۱:۴-۱۶ را بخوانید. قبلاً آیه ۱۳ را در این درس خواندید. این آیات مشخص می‌کنند که مسیحیان در حال رشد باید به قامت پری مسیح برسند. همچنین می‌آموزد که مسیحی بالغ باید به بدن مسیح، یعنی مجمع محلی ایمانداران پیوندد و نقش فعالی در خدمات آن بر عهده بگیرد. با توجه به این مفهوم، کدام گام‌ها یا نیازها را می‌توان تشخیص داد؟ اگر زندگی تازه در مسیح و حیات روحانی را بپذیریم، و به سوی بلوغ روحانی کامل در حرکت باشیم، در این مسیر چه کارهایی باید به‌انجام برسد؟

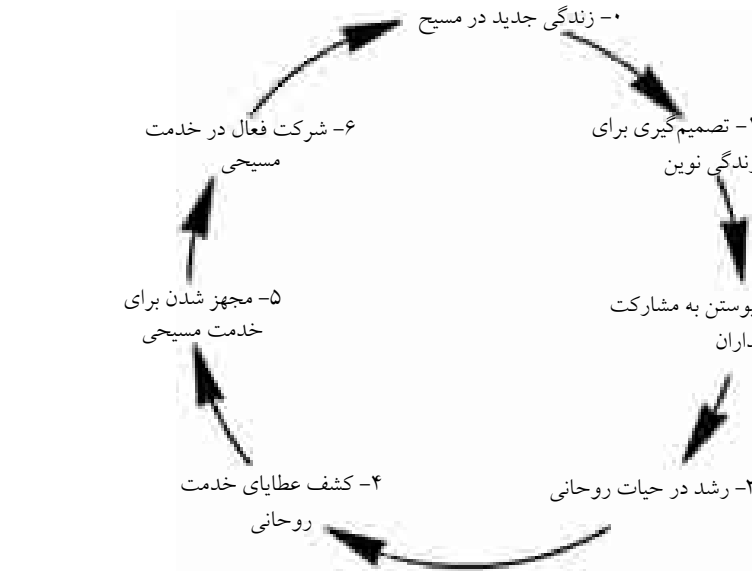
۱۶- در دفتر یادداشتتان فهرستی از گام‌هایی که به‌نظر شما یک نوایمان باید در فاصله میان طفولیت روحانی و بلوغ روحانی بردارد، بنویسید.

در سؤال شماره ۱۶، از شما خواستیم که نظر خودتان را بنویسید، لذا در این صورت پاسخ صحیح یا غلطی نمی‌تواند وجود داشته باشد. در اینجا شش گام ذکر شده است که به‌نظر من پس از پذیرفتن زندگی نوین در مسیح مهم می‌باشند:

- ۱- تصمیم‌گیری برای زندگی نوین
- ۲- پیوستن به مشارکت ایمانداران
- ۳- رشد در حیات روحانی
- ۴- کشف عطایای خدمت روحانی
- ۵- مجهز شدن برای خدمت مسیحی
- ۶- شرکت فعال در خدمت مسیحی

این فهرست به من کمک می‌کند تا این گام‌ها را به عنوان چرخه‌ای تکرارشونده در نظر بگیرم. هنگامی که شما زندگی جدید را پذیرفته، به سمت مرحله شرکت فعال در خدمت مسیحی رشد می‌کنید، دیگران هدایت می‌شوند تا زندگی جدید را بپذیرند و این فرایند از نو آغاز می‌شود. شکل زیر این چرخه را به تصویر می‌کشد:

نتیجه بشارت



الگویی برای رشد در حیات روحانی

(الگویی برای خدمت تغذیه روحانی)

۱۷- این فهرست را در دفتر یادداشت‌تان چندین بار نوشته، آن را مرور کنید تا زمانی که بتوانید این شش گام را به همین ترتیب بیان نمایید. شما می‌توانید از این فهرست به‌عنوان یک راهنمای عمومی برای تعیین اینکه یک شخص در چه مرحله‌ای از رشد قرار دارد استفاده کنید. به‌خاطر داشته باشید که فرایند بلوغ تدریجی است. لذا گاه به‌نظر می‌رسد که یک مرحله با مرحله دیگر تداخل پیدا می‌کند. این شش گام معرف مراحل واقع‌گرایانه‌ای می‌باشند که به شما کمک خواهند کرد تا فعالیت‌های تغذیه روحانی را به‌طرزی هوشمندانه برای کسانی برنامه‌ریزی نمایید که می‌خواهید به ایشان کمک کنید تا از لحاظ روحانی رشد یابند. با استفاده از این گام‌ها شما می‌توانید افراد را از سطوح کنونی‌شان به سطوح بالاتر و به‌سمت تعهد فعال به‌عنوان مسیحیان بالغ سوق دهید.

شش سطح نیاز

برای استفاده از این شش سطح رشد در جهت کمک به نمو روحانی شخص، لازم است که نه تنها بتوانید آنها را بیان کنید، بلکه همچنین آنها را طوری درک کنید که به خوبی بتوانید توصیف‌شان نمایید.

۱- **تصمیم‌گیری برای زندگی نوین.** قبلاً نیاز در این مورد را مشاهده کردیم. لازم است که نوزادان از شیر تغذیه کنند تا به حدی برسند که بتوانند غذای قوی‌تر را هضم کنند. شخصی که مسیحی می‌شود در معرض تغییر کلی در شیوه زندگی، برخوردها و ارزش‌ها قرار می‌گیرد. اغلب او نیاز به اطمینان نجات دارد و نیز نیاز به دریافت آموزش اولیه دقیق و اساسی تا او را در مسیر رشد به‌سمت بلوغ قرار دهد. معمولاً این جهت‌گیری، شخص نوایمان را آماده می‌سازد که ایمان خود را از طریق آیین تعمید آب اعلام دارد.

۲- **پیوستن به مشارکت ایمانداران.** از آنجا که مسیحیان افرادی هستند که در زندگی جدیدی که خدا در عیسی می‌دهد سهیم می‌باشند، به یکدیگر پیوسته‌اند. تمام

مسیحیان جزوی از یک بدن هستند، یعنی بدن مسیح. این بدن مسیح بر روی زمین، به صورت مشارکت محلی ایمانداران جلوه گر می شود. ایماندار بدون روابط این بدن نمی تواند به طرز مناسبی به بلوغ برسد؛ در نتیجه بدن برای کامل بودن به تک تک افراد نیاز دارد تا نقاط قوت و عطایای خود را تقدیم کنند.

۳- رشد در حیات روحانی. درست همانطور که شخص در طول زندگی اش باید تغذیه کند، زندگی نوین نیز نیاز به پرورش و تغذیه دائمی دارد. چنانکه پیش از این مشاهده کردیم، این امر در نتیجه پذیرش هر چه بیشتر کلام خدا حاصل می شود. یک مسیحی هیچگاه برای دریافت خوراک بیشتر، از حد تجاوز نخواهد کرد. اما متوجه می شود که می تواند در حین رشد، خوراک ثقیل تری را هضم نماید. در این مرحله ایماندار به ارزش مطالعه شخصی کتاب مقدس و دعا پی می برد. او هنگامی که به مقایسه بخش های مختلف کتاب مقدس با یکدیگر و مقایسه تعلیمی که تدریس شده یا موعظه می شود با معیارهای کتاب مقدس می پردازد، شروع می کند به فعال کردن مهارت های تفکر و قوه انتقادی خود.

۴- کشف عطایای خدمت روحانی. خدا به هر مسیحی عطیه یا قابلیت برای خدمت داده است. مهم است که هر مسیحی عطیه خود را در خدمت به کار برد. بدین طریق خود مسیحی و بدنی که او جزو آن است به سوی تکامل رشد می کند. برخی از مسیحیان هنوز عطیه خدماتی خود را کشف نکرده اند. ایشان نمی دانند که چه قابلیت هایی برای خدمت به دیگران دارند. لازم است که این افراد فعالیت های خود را تجزیه تحلیل کرده، ببینند کدام یک می تواند برکتی بوده، به دیگران در بدن مسیح کمک کند. همچنین لازم است که ایشان دل خود را تفتیش کرده، ببینند که چه فعالیت هایی احساس رضایت و شادمانی را برای ایشان فراهم می سازد. با این کار عطیه یا عطایای خدماتی خاص ایشان برای خودشان مشخص خواهد شد.

۵- مجهز شدن برای خدمت مسیحی. یکبار که شخص عطیه خدماتی خود را کشف کرد، لازم است که آن را رشد دهد. در این مرحله از رشد شخص باید آماده باشد

که هر کاری که در امر خدمت در بدن مورد نیاز است انجام دهد و استعداد خود را رشد داده، آن را برای خدمت به خانواده، دوستان، آشنایان و اجتماع به کار برد. تعلیم دیدن برای خدمت مسیحی بیانگر تمایل شخص است به انجام اراده خدا در جهت رسیدن به رشد روحانی، و نیز حاکی از درجه‌ای بالاتر از بلوغ روحانی است.

۶- **شرکت فعال در خدمت مسیحی.** تعلیم دیدن برای خدمت مسیحی ارزشمند است. اما فقط زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که در کار خداوند مورد استفاده قرار گیرد. کشف فرصت‌ها برای خدمت مسیحی و استفاده از آن فرصت‌ها برای خدمت واقعی خدا اساسی هستند.

۱۸- نام هر سطح نیاز را با توصیف مناسب آن منطبق سازید.

.... (a) باید به جمع ایمانداران پیوندد؛ به واسطه بدن مسیح تقویت شده، دیدگاه و پویایی تازه‌ای به آن بیافزاید.

.... (b) باید از او خواسته شود که استعداد خاصی را که خدا به او داده است تشخیص دهد.

.... (c) باید تشویق شود تا فرصت‌ها را کشف کرده، از آنها برای انجام کار خداوند استفاده کند.

.... (d) باید عطیه یا عطایای خاصی را که خدا برای خدمت به او عطا کرده است شکوفا سازد.

.... (e) باید در مورد نگرش‌ها و ارزش‌های مسیحی به او تعلیم داده شود؛ نیاز به اطمینان نسبت به نجات دارد.

.... (f) باید تشویق شود تا حقایق کلام خدا را ارزیابی کرده، دعا کند و قابلیت روحانی را پرورش دهد.

(۱) تصمیم‌گیری برای زندگی نوین

(۲) پیوستن به مشارکت ایمانداران

(۳) رشد در حیات روحانی

(۴) کشف عطایای خدمت روحانی

(۵) مجهز شدن برای خدمت مسیحی

(۶) شرکت فعال در خدمت مسیحی

نیازهای مسیحی و بلوغ روحانی

بی بردید که هدف نهایی تغذیه روحانی، رشد روحانی به سمت مسیح‌گونگی در کل تجربیات زندگی می‌باشد. همچنین شش نیاز را که باید در مسیر نیل به این هدف نهایی برآورده شوند، مشاهده کردید. تغذیه روحانی باید این سطوح نیاز را در نظر گرفته، فرصت‌هایی فراهم آورد که به افراد کمک کند تا از یک سطح به سطح دیگر ارتقاء پیدا کنند. سطح رشد هر چه که باشد، هدف نهایی باید همواره در مرکز توجه قرار گیرد. آنگاه می‌توانیم این شش سطح نیاز را اهداف میانی در خدمت‌مان در تغذیه روحانی تلقی کنیم.

۱۹- شش گامی که منتهی به بلوغ روحانی می‌شود، به کدام طریق زیر به تعلیم و تربیت مسیحی مربوط می‌گردند؟

- (a) آنها کانون توجه بوده و با هدف نهایی یکی هستند.
- (b) آنها اهداف میانی هستند که باید بر سر راه هدف نهایی به آنها رسید.
- (c) می‌توانند توسط کسانی که عطیه یا انگیزه کمتری دارند بجای هدف نهایی مورد استفاده قرار گیرند.
- (d) آنها ایده‌آلهایی هستند که اگر هدف نهایی در مرکز توجه ما باشند، نیازی به رسیدن به آنها نیست.

خودآزمایی

سؤالات چندگزینه‌ای. دور حرف مقابل پاسخ‌های صحیح دایره بکشید.

- ۱- رشد روحانی فرایندی است که هدف نهایی آن عبارتست از:
 - (a) تربیت شهروندان نمونه در هر اجتماع.
 - (b) رشد تدریجی مسیح‌گونه‌گی در هر ایماندار.
 - (c) رشد وجدان اجتماعی ایماندار.
 - (d) تغییر ایمانداران از حالت طفولیت روحانی به بلوغ از طریق اراده شخصی.
- ۲- رشد روحانی مستلزم این است که در انسان چه چیزی احیا شود؟
 - (a) شباهت اولیه انسان به خدا.
 - (b) استعداد رشدی که اجداد اولیه انسان دارا بودند.
 - (c) استعداد انسان برای تکامل روحانی‌آنی.
 - (d) قابلیت عقلی انسان برای درک هر چه بیشتر در امور مربوط به خدا.
- ۳- کدام عبارت به دقیق‌ترین وجه رابطه میان بلوغ روحانی و مسیح‌گونه‌گی را توصیف می‌کند.
 - (a) بلوغ روحانی وابسته به زمان است؛ اما مسیح‌گونه‌گی مربوط به ابدیت می‌شود.
 - (b) بلوغ روحانی پیش از مسیح‌گونه‌گی می‌آید که آهسته‌تر رشد می‌کند.
 - (c) بلوغ روحانی به معنی رسیدن به قامت پری مسیح‌گونه‌گی است.
 - (d) ویژگی بلوغ روحانی ناکامل بودن است؛ مسیح‌گونه‌گی هم‌پراز تکامل است.
- ۴- وظیفه تغذیه روحانی در وهله اول کمک به مردم است تا:
 - (a) معیارهای اخلاقی مناسبی را از خود نشان دهند.
 - (b) نسبت به انواع مختلف پرستش مقبول حساس شوند.
 - (c) درک مناسبی از دانش کتاب مقدسی داشته باشند.

(d) از لحاظ روحانی رشد کنند.

۵- بهترین توصیف برای نقش تغذیه روحانی در به کمال رساندن افراد کدام است؟

(a) هر فرد را تشویق کند تا به شایستگی خود پی ببرد.

(b) افراد را به کارهای نیک برانگیزد تا ایمان‌شان را نشان دهند.

(c) استعداد کامل هر شخص را برای جلال خدا شکوفا کند.

(d) در هر شخص قابلیت برای اندیشه و عمل مثبت ایجاد نماید.

۶- وظیفه عمده تغذیه روحانی کمک به مردم است تا کامل شوند - یعنی:

(a) مسیح‌گونه گردند.

(b) به عنوان موجودات انسانی طبیعی، به طور کامل رشد کنند.

(c) از قابلیت تکامل‌شان آگاه گردند.

(d) ماهیت محدود استعدادهای خود را درک کنند، اما آنها را تا حد ممکن رشد دهند.

۷- با ملاحظه فرایند رشد زندگی نوین‌مان در مسیح به سمت بلوغ روحانی، در می‌یابیم که:

(a) تعریف فرایند رشد سخت است زیرا که مراحل آن بسیار نامشخص هستند.

(b) وظیفه تغذیه روحانی دشوار است، زیرا که رشد روحانی هر شخص منحصر به خود اوست.

(c) هر مرحله از رشد مستلزم مقدار ثابتی زمان است، البته اگر بخواهیم که رشد کامل گردد.

(d) مراحل از رشد و سطوحی از بلوغ وجود دارد.

۸- تمام عبارات زیر به جز یکی، نیازهایی را آشکار می‌سازند که باید در مسیر رسیدن به هدف مسیح‌گونه‌گی برآورده شوند. کدام یک معرف این نیازها نمی‌باشد؟

(a) تصمیم‌گیری برای زندگی نوین و پیوستن به جمع ایمانداران.

(b) رشد در حیات روحانی و کشف عطایای روحانی.

(c) درک استعداد روحانی و رشد در درک از خویشتن.

(d) مجهز شدن برای خدمت مسیحی و شرکت فعال در آن.

۹- هدف نهایی تغذیه روحانی چگونه که در این درس دیدیم، عبارتست از:

(a) تغذیه نوایمان تا زمانی که آنقدر بالغ شود که بتواند بر روی پای خود بایستد.

(b) تغذیه برای رشد روحانی، در کل تجربه زندگی به سمت بلوغی که به صورت مسیح‌گونه‌گی متجلی می‌شود.

(c) کوشش در جهت به بار آوردن افراد کاملی که در اندیشه، گفتار و کردار بی‌عیب باشند.

(d) به انجام رساندن حکم کتاب مقدس مبنی بر «تعلیم دادن تمامی امت‌ها».

۱۰- شش گامی که در این درس به عنوان سطوح نیاز مشخص شده‌اند، به کدام صورت تلقی شده‌اند:

(a) ابزارهای مکانیکی که برای تنظیم برنامه تغذیه روحانی تعیین شده‌اند.

(b) عبارات کم و بیش اختیاری که فرایند رشد در حیات روحانی را توصیف می‌کنند.

(c) اهداف سطح پایین‌تر که می‌تواند برای برخی افراد هدف نهایی به حساب آیند.

(d) قابلیت شخص در مسیر راهی که به وی کمک می‌کند تا از طفولیت به سمت هدف نهایی بلوغ روحانی حرکت کند.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۱۰- (d) مهارت‌ها و صلاحیت سیاسی ایمانداران است.

(a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

(e) صحیح

۱۱- پاسخ خودتان. یقیناً متوجه شده‌اید که لازم خواهید داشت که تلاش‌های خود را گسترش داده، کمک کنید تا به کل شخص خدمت شود. کسانی که زندگی نوینی در عیسی یافته‌اند باید تبدیل به شهروندان بهتر، همسایگان بهتر، شوهران، زنان، فرزندان یا والدین بهتری گردند. باید کارفرمایان یا کارمندان بهتری شوند. ایشان تبدیل به اشخاص کاملی می‌شوند که خداوند خواهان آن است و درک بیشتری یافته، دلسوزتر می‌گردند. در این مرحله ایشان در مورد تحقق مسئولیت‌های روحانی حساسیت خیلی بیشتری از دوره طفولیت روحانی خود نشان خواهند داد.

۲- (b) توسط گناه مخدوش شد.

۱۲- (a) صحیح

(b) غلط

(c) صحیح

(d) صحیح

(e) غلط

۳- (d) او را به صورت و شباهت خودش باز گرداند.

۱۳- پاسخ شما باید شامل مواردی باشد که پیشنهاد کردیم. پولس خاطرنشان می‌سازد که قرن‌تیاں «خوانده شده‌اند تا مقدس باشند. تولد دوباره ایشان را تقدیس کرده است یعنی آنان را برای خدا جدا نموده است. رفتار ایشان فیض خدا را نشان می‌دهد که آنان را بدین طرز هیجان‌انگیز تغییر داده است (ر.ش. به اول قرن‌تیاں ۹:۶-۱۱). اما ایشان بلافاصله تبدیل به انسان‌های کاملی نگشتند. آنان طی طفولیت روحانی رفتار کودکانه‌ای از خود بروز می‌دادند. در این مرحله شیرخوارگی می‌بایست به ایشان تعلیم اساسی آموزش داده شده و با محبت و صبر و مراقبت با آنان رفتار می‌شد. وقتی که در فیض و ادراک رشد می‌کردند، از گوشت تغذیه کرده یعنی غذای افراد بالغ که عبارت بود از معرفت پیشرفته‌تر. ایشان خوانده شده‌اند تا مقدس باشند. پولس آنان را تشویق می‌کند تا تبدیل به آن چیزی شوند که باید باشند.

۴- کسانی که زندگی نوین را یافته‌اند مقرر شده‌اند تا مطابق شباهت او باشند.

۱۴- (c) اهداف کوچکتری هستند که بر سر راه هدف نهایی باید به آنها رسید.

۵- (c) تدریجاً به صورت و شباهت پسر خدا متبدل شوند.

۱۵- (a) ۱) هدف میانی

(b) ۱) هدف میانی

(c) ۱) هدف میانی

(d) ۲) هدف نهایی

(e) ۲) هدف نهایی

۶- (a) رسیدن به قامت پری مسیح‌گونه‌گی

۱۶- پاسخ خودتان

۷- (b) از لحاظ روحانی رشد کنند و زندگی را در پری آن زیست نمایند.

۱۷- به خاطر سپردن این گام‌ها اکنون شما را قادر خواهد ساخت تا تمرینات بعدی را با آمادگی بیشتری انجام دهید.

۸- عیسی مسیح

- (۱۸- a) پیوستن به مشارکت ایمانداران
- (b) ۴) کشف عطایای خدمت روحانی
- (c) ۶) شرکت فعال در خدمت مسیحی
- (d) ۵) مجهز شدن برای خدمت مسیحی
- (e) ۱) تصمیم‌گیری برای زندگی نوین
- (f) ۳) رشد در حیات روحانی

۹- a) غلط

b) صحیح

c) صحیح

d) صحیح

e) غلط

۱۹- b) آنها اهداف میانی هستند که باید بر سر راه هدف نهایی به آنها رسید.

کمک به رشد مسیحیان

مسعود در شگفت بود که مریم چگونه همیشه می‌داند که عمانوئیل کوچک دقیقاً چه نیازی دارد و چه چیزی را باید برای پاسخ به نیازهایش فراهم آورد. مریم به مسعود کتابی نشان داد در رابطه با نحوه مراقبت از کودکان که توسط یک متخصص برجسته بیمارستان دانشگاه نوشته شده بود. مادرش این کتاب را برای او هنگامی که آنها منتظر به دنیا آمدن عمانوئیل بودند خرید. آن کتاب بسیاری از چیزهایی را که یک مادر جوان باید بداند مطرح ساخته بود. همچنین مریم توضیح داد که چگونه زمانی که مادرش به برادر و خواهر کوچکتر او رسیدگی می‌کرد، او ساعت‌های متمادی با دقت ناظر کارهای مادرش بود و گاهی اوقات نیز وقتی مادرش بیرون می‌رفت، او از بچه‌ها مراقبت می‌کرد. بدین‌سان مریم چگونگی مراقبت از یک نوزاد را از تجارب دیگران که در اختیار او گذاشته بودند و نیز از تجربه شخصی خودش آموخته بود.

لازم است مسیحیان بیاموزند که چگونه باعث رشد روحانی سایر مسیحیان شوند. کتاب مقدس برخی از روش‌ها و راه‌های الهی را برای کمک به تحقق این وظیفه، در اختیار ما قرار می‌دهد.

در این درس فرا خواهید گرفت که شاگردسازی، روشی الهی برای تغذیه ایمانداران جدید است و پی خواهید برد که وسایل الهی شامل ماهیت کلیسا، عطایای خدمت، و روح القدس می‌باشند. همچنین خواهید دید که برای ایجاد رشد روحانی، الگوهای رسمی و غیررسمی وجود دارد. هنگامی که در وظیفه شاگردسازی شرکت می‌کنید و وسایلی را که خدا در اختیار شما گذاشته است به کار می‌برید، مشاهده خواهید کرد که زندگی افراد به طرز ظفرمندانه‌ای تغییر می‌کند: یعنی هم زندگی کسانی که به رشد ایشان کمک کرده‌اید و هم زندگی خودتان. این است فایده خدمت تغذیه برای رشد روحانی.



رئوس مطالب

روشی الهی: شاگردسازی
وسایل الهی برای تغذیه روحانی و شاگردسازی
الگوهای خدمت تغذیه برای رشد روحانی

اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- توضیح دهید که مفهوم شاگردسازی در کتاب مقدس چگونه به خدمت تغذیه برای رشد روحانی مربوط می‌گردد.
 - توضیح دهید که ماهیت کلیسا، عطایای خدمت، و خدمت روح القدس چگونه مربوط به خدمت تغذیه برای رشد روحانی می‌گردند.
 - نمونه‌های الگوهای رسمی و غیر رسمی خدمت تغذیه برای رشد روحانی را از یکدیگر تشخیص دهید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را مطابق با رهنمودهای درس ۱ و ۲ مطالعه کنید.
- ۲- خودآزمایی را انجام دهید و پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های انتهای کتاب مقایسه کنید.
- ۳- بخش ۱ (دروس ۱ تا ۳) را به‌دقت مرور کرده، سپس آزمون میانی شماره ۱ را تکمیل نمایید.

متن درس

روشی الهی: شاگردسازی

ایماندار از نظر روحانی زنده است و به‌سوی بلوغ روحانی رشد می‌کند. این بلوغ روحانی را مسیح‌گونه‌گی می‌نامیم. وظیفهٔ کلیسا به‌طور دسته‌جمعی و وظیفهٔ مسیحیان بالغ به‌طور فردی این است که به سایر ایمانداران کمک کنند تا از لحاظ روحانی رشد نمایند. شاید ندانید که چگونه باید این کار را انجام داد. فرا گرفتید که رشد امری طبیعی و مورد انتظار است. اما برای رشد مناسب، شرایط باید مساعد باشد. در کمک به رشد مسیحیان، لازم است فراگیریم که چگونه شرایط را برای تسهیل رشد تنظیم نماییم. کتاب مقدس روشی الهی را آشکار می‌سازد که شاگردسازی نام دارد.

شاگرد کیست؟

گاه گفته می‌شود که شاگرد همان «پیرو» است، یعنی کسی که از تعالیم شخص دیگری پیروی می‌کند. کلمهٔ شاگرد آنگونه که در عهدجدید به‌کار رفته است، به‌طور تحت‌اللفظی به معنی «یادگیرنده» می‌باشد، اما دلالت آن بر چیزی بیش از یک محصل است. عبارت شاگرد متضمن رابطه‌ای با شخصی دیگر می‌باشد. در این معنا، زمانی می‌توان فرد را شاگرد نامید که با معلم رابطه داشته باشد. امکان دارد که یک یادگیرنده

توسط معلمی هدایت شود بی آنکه استنتاجات و ارزش‌های معلم را از آن خود سازد. اما در مورد شاگرد چنین نیست. یک شاگرد از معلمش یاد می‌گیرد و در نگرش و اعمال و ارزش‌های معلمش سهیم می‌گردد. یک شاگرد بدل به هوادار معلم می‌گردد و او را ستایش کرده، مایل است که همانند او شود. شاگرد طالب این است که از معلمش تقلید کرده، از عمل و عقیده معلم تبعیت کند. لذا شاگرد کسی است که به دیگری می‌پیوندد تا معرفت نظری یا عملی او را سرمشق قرار دهد. این نظریه در مورد رابطه شاگرد و معلم، به حق یک رابطه غیررسمی تلقی می‌شود که دو نفر در آن شرکت دارند: یکی از ایشان سرمشق است و دیگری در صدد است تا از سرمشق معلم خود تبعیت کرده، همانند او گردد. این رابطه مانند رابطه رسمی میان دانشجو و استادش نمی‌باشد.

کسی که در حرفه‌ای کارآموزی می‌کند، مثال مناسبی است از شاگرد. استاد صنعت‌گر پیشه‌ای را از کسی آموخته است. او مهارت‌های خود را در آن صنعت تحت نظارت دقیق استاد کسب کرده است طوری که در آن پیشه متخصص شده، خود بدل به یک استاد گردیده است. وقتی که کسی این مهارت‌ها را نداشته اما مایل است که پیشه را فرا گیرد، برای مدتی نزد یک استاد صنعت‌گر می‌رود. او از طریق مشاهده کارهای استاد و کاربرد مشاهدات خود، این حرفه را می‌آموزد. او می‌کوشد تا مهارت استاد را تقلید کند و بدین‌سان فن و مهارت خود را در آن صنعت می‌پروراند. با این کار، کارآموز تدریجاً شبیه به استادی می‌شود که به او تعلیم می‌دهد. او از نمونه آموزنده استاد صنعت‌گر پیروی می‌کند و در کاربرد وفادارانه آموخته‌هایش، شبیه به استاد می‌شود. کارآموز از طریق پیروی و تقلید از استاد صنعتگر، از او حرفه‌ای می‌آموزد. در یک مفهوم، شاگردسازی شبیه به تربیت یک کارآموز است. می‌توانیم تصور کنیم که به دلیل ماهیت رابطه‌شان، کارآموز بیش از پیش خصوصیات استادی را که به او تعلیم می‌دهد، از آن خود می‌سازد. کارآموز با پیوستن به استاد و تقلید از او، سبک و مهارت‌ها و دانش استاد را می‌آموزد. به‌همان

طریق، شاگرد نیز شبیه به معلمش می‌شود. از آنجا که مسیحیان مسیح‌گونه شده‌اند، آنان را شاگردان عیسی تلقی می‌کنند.

مردان دانشمند در ایام قدیم غالباً گروهی شاگرد را در اطراف خود گرد می‌آوردند. معمولاً این شاگردان محصلین جوانی بودند که از نزدیک به علما می‌پیوستند تا از ایشان چیزی بیاموزند و در خدمت نیازهای جسمانی ایشان باشند. رابطه میان ایلیا و سموئیل را می‌توان بدین طریق درک کرد (اول سموئیل ۱: ۲۱-۲۸؛ ۱: ۳). فیلسوفان یونان باستان نظیر سقراط شاگردانی داشت، و رابی‌های یهودی نیز هواداران خود را داشتند. یحیی تعمیددهنده گروهی شاگرد در اطراف خود داشت و همین‌طور عیسی. همه این شاگردان به معلم خود می‌پیوستند تا از او چیزی بیاموزند و از تعالیم او پیروی کنند و از او تقلید نمایند. در یک کلمه، ایشان می‌بایست شبیه به معلم می‌شدند.

۱- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره بکشید.

(a) عبارت یادگیرنده، کلمه شاگرد را به‌طور کامل توصیف می‌کند.

(b) عبارت شاگرد متضمن رابطه‌ای با شخصی دیگر است.

(c) رابطه معلم و شاگردی در وهله اول در سطحی رسمی قرار دارد.

(d) معلم در زمینه نگرش و عمل و ارزش باید سرمشق شاگردش گردد.

۲- فرایند شاگردسازی شبیه دوره‌ای است که یک کارآموز که طالب استاد شدن است، می‌گذراند.....

(a) زیرا که در هر دو مورد کسی که تعلیم می‌بیند تنها می‌تواند بعد از سال‌ها تمرین منشأ اثر باشد.

(b) زیرا شاگرد از طریق مشاهده و بودن با معلم و انجام اوامر او چیزی یاد می‌گیرد.

(c) زیرا که ماهیت هر دو رابطه رسمی است و معیارهای دقیق و سختی دارد.

هدف نهایی تغذیه روحانی کمک به مسیحیان است تا به سمت مسیح‌گونگی بروند و به بلوغ روحانی برسند. طریق دیگر بیان همان مطلب این است که بگوییم هدف تغذیه روحانی شاگردسازی است. به خاطر داشتن این نکته اساسی است که هدف مورد نظر، شبیه شدن به مسیح است و نه شبیه شدن به من یا شما. این حیات مسیح در درون انسان است که باید به صورت مسیح‌گونگی کامل رشد یابد. پولس رسول نیز بدون شک همین نکته را در نظر داشت وقتی که به مسیحیان فیلیپی توصیه کرد که از رفتار و روح مسیح تقلید کنند تا همانند او شوند، همانطور که مسیح خود را فدای هدف رستگاری بخش خود نمود (فیلیپیان ۲: ۵-۱۱).

این واقعیت می‌تواند مخصوصاً مهم باشد وقتی که خود را در بین مردمی با فرهنگی متفاوت با فرهنگ خود می‌بینیم. هدف شما این نخواهد بود که این مردم با پذیرفتن شیوه‌ها و ارزش‌های فرهنگی شما شبیه شما گردند. بر عکس هدف شما این خواهد بود که آنان را به سمت شباهت به مسیح هدایت نمایید، طوری که در چارچوب فرهنگی خودشان قابل درک باشد.

۳- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) مسیحیان بالغ‌تر و در حال بلوغ کوشش می‌کنند تا به دیگر مسیحیان کمک نمایند که از نظر روحانی به سوی مسیح‌گونگی رشد یابند.

(b) هدف تغذیه روحانی به بار آوردن انسان‌های بدون گناه است و فقط ایشان می‌توانند به واسطه معرفت برترشان خدا را جلال دهند.

(c) هدایت شاگردان به سوی مسیح‌گونگی که همان هدف تغذیه روحانی می‌باشد، بدین معنی است که مسیحیان در همه جا دارای معیارها و ارزش‌های فرهنگی یکسانی می‌باشند.

(d) کتاب مقدس به مسیحیان توصیه می‌کند که نمونه مسیح‌گونگی باشند طوری که غیر مسیحیان و نوایمانان بتوانند جلوه عملی زندگی مسیح را در ایشان مشاهده کنند.

عیسی چگونه شاگردسازی می‌کرد

انبوه کثیری از مردم به واسطه تعلیم علنی عیسی و معجزات او، از وی پیروی کرده، شاگرد او شدند. ایشان از تعلیم او پیروی کرده، دائماً از او چیزهایی فرا می‌گرفتند. عیسی از بین ایشان، دوازده نفر را انتخاب کرد تا وارد رابطه بسیار مخصوصی با او گردند. هدف او این بود که ایشان را بدل به رسولانی نماید تا اعزام بشارت شوند. نقشه او این بود که این دوازده نفر را به عنوان رهبر مجهز نماید و سپس ایشان را اعزام کند تا کار شاگردسازی را که او آغاز کرده بود، ادامه دهند. این رابطه با دوازده شاگرد ادامه یافت تا زمانی که عیسی روح خود را به ایشان بخشید و آنان را به جهان فرستاد تا انجیل او را موعظه کنند. می‌توانیم با مشاهده سرمشق عیسی هنگامی که دوازده شاگرد را تعلیم می‌داد، درس‌های ارزشمندی را در مورد اهمیت رابطه معلم و شاگرد در کار شاگردسازی بیاموزیم.

۴- بر پایه محتوای درس در این بخش، دور حرف مربوط به بهترین پاسخ دایره‌ای بکشید. روش شاگردسازی که عیسی به کار برد عبارت بود از:

(a) روش انتخاب گزینشی از بین تعداد کثیر پیروان تا کسانی را بیابد که مایل بودند از همان ابتدا تعهد کاملی نسبت به او داشته باشند.

(b) روش انتخاب تعداد زیادی از شاگردان بالقوه و سپس حذف کسانی که تعهد کاملی نسبت به هدف او نشان نمی‌دادند.

(c) روش فرا خواندن تعداد زیادی از افراد برای تعهد نسبت به خدمت تعلیمی علنی او و کارهای معجزه‌آسایش، و در سطح محدودتر، تعلیم تعداد کمتری از شاگردان برای اینکه در کار شاگردسازی استاد شوند.

انتخاب دوازده شاگرد

عیسی دوازده شاگرد را انتخاب کرد تا بتواند آنان را مجهز کرده، برای خدمت بفرستد. نقشه او این بود که آنان را شاگرد سازد تا ایشان نیز به نوبه خود رفته دیگران را شاگرد سازند.

مرقس ۱۴:۳ را به دقت بخوانید. در این مضمون دو نکته حائز اهمیت است: ابتدا عیسی دوازده شاگرد را خواند تا با او باشند، و سپس آنان را برای خدمت فرستاد. او می‌خواست ایشان را برای خدمت در تمام طول زندگی‌شان آماده سازد. برای مجهز کردن ایشان، او روش شاگردسازی را به کار برد. طبق این روش، ایشان می‌بایست با او باشند، یعنی وارد رابطه خاصی با او شوند. با پیوستن به او و مشاهده کارهای او و عمل کردن به اصولی که او آموزش می‌داد، راه و طریقت او را می‌آموختند. اما این رابطه مخصوص و نزدیک، به‌تنهایی تمام هدف نبود. رابطه بسیار خصوصی، گرچه باعث رضایت خاطر بسیار می‌شد، فقط وسیله‌ای عالی برای نیل به هدف نهایی بود، یعنی مجهز شدن ایشان برای خدمت.

با او بودن

عیسی دوازده نفر را برگزید تا دائماً با او «باشند»؛ این خود بیانگر هدفی است که او برای ایشان داشت. هدف او تنها این نبود که مقداری اطلاعات دانش را به ایشان انتقال دهد. هدف او این بود که ایشان را شبیه خود سازد. عیسی می‌دانست که شاگردی که خوب تعلیم دیده باشد، شبیه معلم خود خواهد شد (لوقا ۶:۴۰). در این آیه، عبارتی که ما در اینجا «خوب تعلیم دیده باشد» ترجمه کرده‌ایم، در زبان اصلی در عهدجدید (یعنی زبان یونانی عامه مردم)، به معنی «کامل شده» می‌باشد. بدین‌سان این عبارت حامل مفهوم کامل گرداندن مردم است. بنابراین، عیسی می‌گوید: «هر که کامل شده باشد، مثل استاد خود بُود» (لوقا ۶:۴۰).

برای تبدیل شدن به شاگرد عیسی، باید کامل شد و به بلوغ رسید. عیسی می‌دانست که برای تحقق این هدف، باید آن دوازده نفر را وارد رابطه‌ای بسیار نزدیک با خودش سازد. آنگاه او می‌توانست با انجام آنچه که می‌خواست ایشان را مجهز به انجام دادن آن نماید، سرمشق آنان باشد.

عیسی می‌خواست که به‌طرز ماندگاری بر آن دوازده نفر اثر بگذارد. ایشان می‌بایست روح او را جذب کرده، در شفقت او نسبت به گم‌شدگان سهیم گردند و مشتاق این باشند که اراده پدر بر زمین و در آسمان کرده شود. او قدرت موجود در نزدیکی و صمیمیت را می‌دانست: ایشان برای اینکه شبیه او شوند، می‌بایست نزدیک او بوده، شفقت و عمق محبتش را احساس کرده، فیضش را بچشند. نتیجه ماندن در محضر معلم، شبیه شدن به او می‌باشد. ماندن در حضور او تدریجاً ما را به‌صورت و شباهت او متبدل می‌سازد (دوم قرن‌تین ۱۸:۳). لذا بودن با عیسی چیزی بیش از کاری است که افراد آشنا با مکانیسم‌های شاگردسازی انجام می‌دهند (چنانکه خواهیم دید)؛ بودن با او باری در قلب انسان به‌وجود می‌آورد؛ باعث تعهد نسبت به او می‌شود؛ و این میل را ایجاد می‌کند که اراده‌اش را به‌جا آوریم.

۵- دور حرف مقابل هر جمله تکمیلی صحیح دایره‌ای بکشید. بر طبق گفته‌های قبلی، عیسی دوازده شاگرد را انتخاب کرد:

a) زیرا که می‌دانست تعلیم دادن تعداد زیادی از افراد به طرزی مؤثر غیر ممکن است.

b) تا سلسله مراتبی از رهبران کلیسایی را تشکیل دهد تا بدین ترتیب حکومت کلیسایی مؤثری را برقرار سازد.

c) تا از ایشان شاگرد ساخته، برای خدمت مجهزشان نماید.

d) تا نظامی از رهبری ایجاد کند تا در خاستگاه مسیحیت متمرکز شود و با گذشت زمان از فردی به فرد دیگر منتقل شود.

e) تا آنان را آماده کند تا دیگران را شاگرد سازند.

- ۶- دور حرف مقابل هر پاسخ صحیح دایره‌ای بکشید. طبق مطالبی که مورد بحث قرار دادیم، بودن با عیسی برای کدام یک از دلایل زیر اهمیت داشت؟
- (a) عیسی می‌دانست که اشخاص کامل شبیه معلم‌شان خواهند بود.
- (b) عیسی می‌دانست که یک شخص کاملاً تعلیم دیده، این گرایش را خواهد داشت که بدون توجه به دیگر شاگردان، به‌طور مستقل بیندیشد.
- (c) عیسی می‌دانست که مردم برای اینکه کاملاً تعلیم ببینند، باید دوره طولانی و مستمر تحصیلات رسمی و کلاسی، انضباط سخت، و دوره طولانی کارآموزی را سپری کنند.
- (d) عیسی می‌دانست که بودن با یک معلم باعث می‌شود که شاگرد شبیه معلمش گردد.
- (e) عیسی می‌دانست که یک رابطه صمیمی بین شاگرد و معلمش باعث ایجاد شباهت می‌شود.

تعلیم دادن ایشان

مشارکت عیسی با دوازده شاگرد، گرچه می‌تواند به‌درستی رابطه تعلیم و یادگیری تلقی شود، اما مانند روابط متعارف موجود در مدرسه یا کلاس درس نبود. عیسی نمی‌توانست مانند معلمین مدرسه، فقط چند ساعتی را در کلاس درس حاضر شود و بعد، به‌دنبال کار خود برود. عیسی و دوازده شاگرد با یکدیگر زندگی می‌کردند و در تجارب زندگی یکدیگر سهیم بودند. ایشان در درس‌ها شرکت فعال داشتند و می‌بایست آنها را در موقعیت‌های واقعی زندگی‌شان به‌کار می‌بردند.

گاهی اوقات عیسی حقایق الهی را به آن دوازده شاگرد تعلیم می‌داد. ایشان نیز سؤالات خود را مطرح می‌کردند و در مورد تعالیمش توضیحاتی می‌خواستند و او با خوشرویی به سؤالات‌شان پاسخ می‌داد. در چنین فضای مملو از اعتماد، عیسی روحیه رو راستی و باز بودن را پرورش می‌داد. به مرور زمان، این دوازده نفر آماده شدند تا دل خود را در مقابل او و در حضور یکدیگر بگشایند.

در بسیاری از موارد دوازده شاگرد ملاحظه می‌کردند که عیسی چگونه با مردم رفتار می‌کند و در برابر موقعیت‌های گوناگون واکنش نشان می‌دهد. غالباً ایشان از نحوه عمل عیسی تقلید می‌کردند. اما سخنان و اعمال او به کرات موجب حیرت ایشان شده، از حکمت، فیض و قدرتی که از خود نشان می‌داد شگفت‌زده می‌شدند (به عنوان مثال مرقس ۳:۴-۴۱؛ یوحنا ۸:۱-۱۱ مشاهده شود). مواردی که غیر قابل درک می‌نمود، اثر ماندگاری بر ایشان گذاشت و آنان مدت‌ها بعد از رفتن استادشان، بر روی آن تعمق کردند. در برخی موارد عیسی عمداً ایشان را در کارهایش دخالت می‌داد تا بدین ترتیب مطالب را در عمل بیاموزند.

رابطه دوازده شاگرد با عیسی مستلزم مسئولیت بود. دوازده شاگرد با پذیرفتن دعوت عیسی، او را به عنوان رهبر خود پذیرفته، متعهد به اطاعت از او شدند. هم عیسی و هم ایشان می‌دانستند که چه کسی رهبر است و چه کسانی پیرو. در آغاز، میزان تعهد ایشان نسبت به او مورد سؤال بود، اما بعد از قیام و روز پنطیکاست، هیچ یک نمی‌توانست در مورد اطاعت کاملش از او دچار تردید شود. چالش او بدل به شعار جنگی ایشان گردید - شعار جنگی که همواره الهام‌بخش شاگردان مسیح در همه اعصار بوده است (متی ۲۸:۱۹-۲۰).

عیسی به دوازده شاگرد آموزش می‌داد و ایشان فرا می‌گرفتند. با این حال، روش تعلیم او با روش سایر معلمان متفاوت بود. تعلیم او مستلزم روابط بین اشخاص و کنش متقابل بود، چه در درون گروه کوچک‌شان و چه در ارتباط با مردمی که تجارب زندگی واقعی گوناگونی داشتند. عیسی سرمشقی بود که ایشان طالب تقلید از او بودند. مقصود او این بود که با کامل گرداندن‌شان، آنان را برای خدمت مجهز نماید. ایشان باید نسبت به موضوعاتی که مربوط به تمام افراد می‌شد هشیار باشند، موضوعاتی نظیر برابری، عدالت اجتماعی، مسئولیت مدنی، فقر، تنهایی، اندوه، ترس و مرگ. ایشان باید گستره نیاز بشری را همانگونه که او می‌دید، ببینند (متی ۹:۳۵-۳۸). حوزه ایشان محدود به امور مذهبی نمی‌شد، بلکه به وسعت نیازهای جهان بود (متی ۱۳:۳۸).

از بعضی لحاظ تعلیم عیسی به دوازده شاگرد شبیه به تعلیم در یک کلاس درس بود. به عنوان مثال، موعظه بالای کوه شبیه به یک سخنرانی بود با مثال‌های مناسب. در مواقع دیگر او همانند یک معلم کلاس سؤالاتی را طرح می‌کرد که بحث‌هایی را برمی‌انگیخت (متی ۱۳:۱۶). در چنین مواردی، او از روش‌ها و فنون آموزشی ثابت‌شده‌ای استفاده می‌کرد. در مواقع دیگر، روش او غیررسمی و زندگی-محور بود (متی ۱۳:۱۹-۱۵ و ۱۶-۲۶ مشاهده شود). با این حال باید تصدیق کرد که روش‌های مورد استفاده عیسی متناسب با هدف او بودند، یعنی هدف شاگردسازی و هدایت به سوی تکامل.

۷- دور حرف مقابل عبارتی که معرف یکی از روش‌های مورد استفاده عیسی برای تعلیم دوازده شاگرد «نمی‌باشد»، دایره‌ای بکشید.

a) عیسی با مثال و به واسطه تجارب زندگی مشترک تعلیم می‌داد.
b) عیسی از ایشان می‌خواست که حقیقتی را که آموخته‌اند پیاده کرده و به‌طور ضمنی از رهنمودهای او اطاعت کنند.

c) عیسی با پاسخ دادن به سؤالات و توضیح کامل‌تر حقیقت تعلیم می‌داد.

d) عیسی در وهله اول از طریق کنش متقابل در کلاس رسمی تعلیم می‌داد.

مأموریت دادن به ایشان

عیسی نه تنها خودش شاگردسازی می‌کرد، بلکه همچنین به همه مسیحیان حکم کرد که شاگرد سازند. متی ۲۸:۱۸-۲۰ را خوانده، جنبه مرکزی دعوت مسیح قیام کرده از شاگردان را مورد ملاحظه قرار دهید: «رفته ... شاگرد سازید ... ایشان را تعمید دهید ... و تعلیم دهید...» حالا نوبت شاگردان بود که دست به کار شوند، ایشان می‌بایست می‌رفتند. ماهیت و گستره مأموریت ایشان روشن بود: شاگردسازی تمامی امت‌ها. روش مورد نظر، تعمید و تعلیم بود. انتظار خدا این است که مسیحیان برای اعلام مژده انجیل، روانه شوند. در این صورت انتظار چه کاری از ایشان می‌رود؟

پاسخ عبارتست از «شاگردسازی». بدین‌سان خداوند ما روش شاگردسازی خود را به‌عنوان الگویی برای پیروانش مقرر فرمود. بحث زیر مشخص می‌کند که در انجام این وظیفهٔ مرکزی چه چیزی مورد نظر است.

عیسی کمی پیش از بازگشتش به آسمان، این مأموریت شاگردسازی را حکم کرد. با این کار، او مسئولیت به انجام رساندن خدمتی را که آغاز کرده بود بر عهدهٔ شاگردانش نهاد. عیسی با حکم این مأموریت، هم کاری را که باید انجام شود مشخص ساخت و هم روش انجام کار را. او از آن دوازده نفر، دوازده شاگرد ساخت. لذا به ایشان حکم کرد که بروند و همهٔ امت‌ها را شاگرد سازند. او ایشان را روانه کرد تا آنچه را که برای ایشان انجام داده بود، تکرار کنند.

از آنجا که این مأموریت بزرگ آخرین تعلیم عیسی پیش از بازگشتش به آسمان است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که شاگردسازی روش مورد نظر خداست برای کمک به رشد مردم در جهت مسیح‌گونگی. تغذیهٔ روحانی مستلزم شاگردسازی است.

۸- جنبه‌های خاص مأموریت را با اقدام متناسبی که باعث آن می‌شود انطباق دهید.

... (a) روشی که به‌واسطهٔ آن شاگردسازی باید انجام شود.

... (b) کار ایمانداران در جهان

... (c) اقدام برای شاگردسازی

... (d) گسترهٔ کار و شهادت ایمانداران

(۱) بروید

(۲) تمام امت‌ها را شاگرد سازید

(۳) تعمید و تعلیم دادن

۹- دور حرف مقابل عبارتی که به طرزی صحیح این جمله را تکمیل می کند دایره ای ترسیم کنید: شاگردسازی به عنوان روشی الهی برای تغذیه روحانی پذیرفته شده است زیرا

- (a) انجام آن منطقی و راحت است.
- (b) دوازده شاگرد می دانستند که آن طبیعی ترین طریق برای یافتن یک پیرو است.
- (c) روشی است که عیسی حکم کرده بود.
- (d) سیستمی مأنوس بود که همه یهودیان آن را درک کرده، تصدیق نموده، و از آن پشتیبانی می کردند.

وسایل الهی برای تغذیه روحانی و شاگردسازی

کتاب مقدس آشکار می سازد که خدا برای کمک به انجام کار تغذیه در جهت رشد مسیحی برخی وسایل را در اختیار ما قرار داده است. در این بخش، سه امکان الهی مهم را مورد ملاحظه قرار خواهیم داد: (۱) ماهیت کلیسا، (۲) عطایای خدمت و (۳) خدمت روح القدس.

نقش کلیسا

عیسی طی خدمتش بر روی زمین، شروع به بنای کلیسایش نمود (متی ۱۶: ۱۸). کلیسا شامل تمامی مسیحیان می شود: یعنی کسانی که خود را به عیسی پیوند داده، در او طالب رشد به سمت بلوغ می باشند و به آن بذر حیات روحانی که به ایشان داده شده است، امکان شکوفایی می دهند (اول قرنتیان ۱: ۲-۲).

کلیسا یک ارگانیسم زنده است. این واقعیت در کتاب مقدس توسط مقایسه مکرر کلیسا با بدن مشاهده می شود. با توجه به این نکته، رومیان ۱۲: ۱-۸، اول قرنتیان ۱۲: ۱۲-۲۷ و افسسیان ۴: ۱۱-۱۶ را به دقت خوانده، ملاحظه نمایید که چه چیزی می توانیم در مورد ماهیت کلیسا بر مبنای قیاس و مثال بدن بیاموزیم.

بدن از بخش‌های بسیار مختلفی تشکیل شده است. هر بخش ایفای نقش خاصی را بر عهده دارد و در جای خود مهم است، زیرا که هیچ عضو دیگری نمی‌تواند به جای آن کارکرد داشته باشد. اعضا به یکدیگر وابسته هستند. اگر عضوی از بدن نتواند به طرز مناسب رشد کند، کل بدن تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بدن تنها زمانی می‌تواند کارکرد درست و بجایی داشته باشد که هر عضو وظیفه خود را انجام دهد. از آنجا که بخش‌های مختلف بدن وابسته به یکدیگر هستند، قوت کل بدن به کمک عضو رشد نیافته یا بیمار می‌شتابد.

ممکن است کسی را بشناسید که به شدت سوخته یا به طریقی مجروح شده باشد. بدون رسیدگی مناسب، محل صدمه دیده ممکن است به سرعت عفونی شود. نتیجتاً شخص بسیار بیمار خواهد شد. در این مرحله، کل بدن به کمک عضو مصدوم شتافته، روند شفا را آغاز می‌کند، زیرا که روند شفا دغدغه کل بدن است. پس از آنکه بدن شخص با موفقیت بر عفونت فائق آمد، نه فقط عضو مصدوم و ضعیف شده، بلکه کل بدن نیاز به استراحت دارد. این امر از این جهت حقیقت دارد که قوت و امکانات کل بدن به نجات عضو ضعیف شده می‌آید.

در بدن مسیح، یعنی در کلیسا، قوت و امکانات تمامی اعضا بدل به منبعی برای کمک به اعضای رشد نیافته یا ضعیف شده می‌شوند تا ایشان سلامتی و کاملیت را باز یافته، به بلوغ برسند. اعضای ضعیف‌تر و نابالغ‌تر می‌توانند قوت را از اعضا قوی‌تر و بالغ‌تر بدن دریافت نمایند.

ماهیت کلیسا، یعنی ارگانیسمی متشکل از اعضا و اجزای وابسته به یکدیگر که به طور مشترک بدن را تقویت می‌کنند، وسیله ارزشمندی است در کمک به افراد تا به سمت بلوغ رشد کنند. این واقعیت که کلیسا ارگانیسمی است مملو از محبت و مراقبت و همبستگی که متشکل از افرادی است که محبت نموده، مراقبت کرده، همدردی می‌کنند، نکته ارزشمندی در رشد روحانی می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر، تغذیه روحانی، خدمت کلیسایی است که هدفش هدایت نوایمانان به سوی روابط

فعال و مهم در درون کلیسای محلی می‌باشد، یعنی در تجلی ظاهری بدن مسیح در مکانی معین.

۱۰- در تمرین زیر، هر یک از آیه‌ها را با مفاهیم مربوط به کلیسا یا بدن منطبق کنید. برخی از مفاهیم ممکن است مربوط به بیش از یک آیه شوند.

.... (a) محدوده کاربرد عطیه شخص، تنها به واسطه ایمان او و نیازهای بدن تعیین می‌شود.

.... (b) عطایا یا خدمات در بدن مسیح برای آماده ساختن قوم خدا برای خدمت، وحدت ایمان، معرفت امور روحانی و بلوغ روحانی داده شده بودند.

.... (c) بدن مسیح متشکل از اجزاء وابسته به یکدیگر است، که هر یک برای عملکرد بدن اهمیت دارد.

.... (d) این واقعیت که شخص دارای عطایای روحانی است که باید آنها را به کار ببرد، باید موجب شکرگزاری فروتنانه گردد و نه غرور برای تملک آنها.

.... (e) خدمات در بدن مسیح باعث رشد روحانی و رشد حس تشخیص می‌شود، به اضافه اینکه شناخت نیازهای بدن و چگونگی رفع آنها را فراهم می‌آورد.

.... (f) بدن مسیح، عامل همبستگی و همدردی است؛ بنابراین، آنچه که موجب نگرانی و دغدغه یک عضو می‌شود، بر کل بدن اثر می‌گذارد.

.... (g) خدا خدمات گوناگونی را برای کلیسا مقرر کرده است.

(۱) رومیان ۱:۱۲-۸

(۲) اول قرنتیان ۱۲:۱۲-۲۷

(۳) افسسیان ۴:۱۱-۱۶

۱۱- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) کلیسا ارگانیسمی زنده است متشکل از بسیاری اجزاء که وابسته به یکدیگر می‌باشند.

(b) در کلیسا انتظار می‌رود که هر عضوی مستقل از تمامی دیگر اعضا رشد کرده، عملکرد داشته باشد.

(c) در کلیسا، اعضای قوی و بالغ‌تر وسیله‌ای هستند برای اعضای ضعیف و نابالغ‌تر تا از آنها درک متقابل و مراقبت و قوت دریافت کنند.

(d) اگر هر عضوی از بدن مسیح نتواند به‌طرزی مناسب رشد یابد، کل بدن از آن آسیب خواهد دید.

(e) هدف تغذیه روحانی، رشد فردی است و رابطه‌اش با کلیسای محلی مورد نظر نیست.

عطایای خدمت

خدا به هر ایمانداری یک یا چند عطیه داده است تا او را برای خدمت روحانی در بدن مسیح مجهز گرداند. چهار بخش از کتاب مقدس تعلیم می‌دهند که چگونه مسیحیان چنین قدرتی را برای خدمت دریافت کرده‌اند: رومیان ۱:۱۲-۸؛ اول قرنتیان ۱۲؛ افسسیان ۴:۱۱-۱۶؛ و اول پطرس ۴:۱۰-۱۱.

این بخش‌ها را به دقت مطالعه نمایید. در آنها فلسفه کامل خدمت تشریح شده است. عبارات زیر خلاصه‌ای از حقایق مهمی است که در آنها تعلیم داده شده‌اند:

۱- هر ایماندار یک یا چند عطای خدمت را دریافت می‌دارد.

۲- این عطایا را روح القدس می‌بخشد.

۳- ایمانداران همگی عطیه واحدی را دریافت نمی‌کنند و نباید بکوشند خدمت واحدی داشته باشند.

۴- بدن نیاز دارد همه عطایا به‌طور مناسب به‌کار برده شوند.

۵- عطایا باعث می‌شوند ایمانداران برای خدمت مؤثر تجهیز شوند.

- ۶- کاربرد مناسب عطایا منتهی به بنای بدن می‌شود.
- ۷- ایمانداران منفرد اعضای بدن مسیح هستند که به یکدیگر وابستگی متقابل دارند؛ بنابراین در قبال تمامی دیگر اعضای بدن دارای مسئولیت می‌باشند.
- ۸- عطایا باید در روح محبت مسیحی اعمال شوند.

کاربرد مناسب عطایای مختلف خدمت، منتهی به بنای کل بدن می‌شود. بدین طریق عطایای خدمت به رشد روحانی اعضاء مختلف کمک می‌کنند. کلیسا بدنی است که در آن اعضا به‌طور متقابل به یکدیگر خدمت می‌کنند. هر عطیه‌ای در بنای دیگر عطایا سهیم است. این عطایای خدمت وسایلی برای پرورش و بنای زندگی مسیحی می‌باشند. در این معنای کلی، عطایای خدمت باعث تغذیه و رشد روحانی می‌گردد.

اما از جنبه خاص، باید در نظر داشت که معلمین، عطای ویژه خدا به کلیسا هستند. خدا ایشان را منحصرأ در کلیسا قرار داده تا حیات روحانی دیگران را تغذیه کنند. معلمین دارای این مسئولیت خاص هستند که سایر مسیحیان را به سمت کاملیت مسیح‌گونه‌گی رشد دهند.

۱۲- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح که به‌طرزی درست توضیح می‌دهند که عطایای خدمت چگونه باعث رشد روحانی می‌شوند، دایره‌ای بکشید.

(a) هدف عطایای خدمت قادر ساختن برخی از اعضای بدن مسیح به عملکرد در جهت منفعت بقیه اعضا می‌باشد.

(b) عطایای خدمت در خدمت بنای بدن مسیح می‌باشند.

(c) از آنجا که هر ایمانداری دارای نوعی عطیه خدمت است، می‌تواند به دیگران خدمت کرده، به رشد روحانی ایشان مدد رساند.

(d) خدا معلمین را در کلیسا مقرر ساخته است تا طبقه منحصر به‌فردی از افراد را تشکیل دهند که دارای اقتدار خاصی برای تعلیم کتاب مقدس می‌باشند.

(e) خدا معلمین را در کلیسا قرار داده تا از طریق تعلیم کلام خدا، رشد روحانی دیگران را سبب شوند.

- ۱۳- بر طبق آیات کتاب مقدس و بحث طرح شده در این بخش، هر ایمانداری دارای چه مسئولیتی در زمینه کاربرد عطیه‌اش می‌باشد؟ هر ایماندار.....
- (a) به دلخواه می‌تواند عطیه‌اش را به کار برد یا از کاربرد آن خودداری نماید.
- (b) بر آن داشته می‌شود که عطیه‌اش را در جهت خیریت عمومی به کار برد.
- (c) باید قضاوت کند که آیا عطیه‌اش در مقایسه با عطایای دیگران ارزش به‌کارگیری دارد یا نه.

خدمت روح القدس

هنگامی که عیسی حکم کرد که «همه امت‌ها را شاگرد سازید»، وعده داد که با حضور و قدرتش پیروان خود را مجهز سازد تا حکم داده شده را به اجرا درآورند. موضوع رابطه روح القدس با دوازده شاگرد را عیسی کمی پیش از مصلوب شدنش به ایشان تعلیم داد. دوازده شاگرد به عنوان اعضای ممتاز کلیسای اولیه معرف تمامی کسانی هستند که بعداً به انجیل ایمان می‌آوردند. آن رابطه‌ای که روح القدس با ایشان داشت، با ما نیز خواهد داشت.

تمامی مسیحیان تولد تازه یافته برای رشد نیاز به خوراک (تعلیم) روحانی دارند. ما به‌تنهایی فاقد درک و اشتیهای روحانی و انگیزه برای فراگیری حقایق روحانی هستیم. اما روح القدس یعنی تسلی‌دهنده و معلم امین را داریم که آماده است که هر یک از اینها و بسیاری نیازهای دیگر را برآورده سازد.

در درس اول پی بردید که کلام خدا شالوده تغذیه روحانی است. کتاب مقدس که ماهیت خدا، نقشه و اراده‌اش را برای انسان آشکار می‌سازد، توسط خدا الهام شده است. دوم تیموتاؤس ۳: ۱۶-۱۷ و دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱ نقش روح القدس را در فرایند نگارش کتاب مقدس آشکار می‌سازند. روح القدس ابتدا فکر خدا را بر مردانی که برگزید مکاشفه نمود تا ایشان حقایق الهی را ثبت نمایند (اول قرنتیان ۲: ۱۰-۱۵). این مکاشفه اموری را برای‌شان آشکار ساخت که در غیر این صورت نمی‌توانستند بشناسند. به‌هنگام نگارش، روح القدس آنان را هدایت کرد و یاری بخشید و به ایشان

الهام عطا کرد تا دقیقاً آن چیزی را بنویسند که مورد نظر خدا بود. گرچه در این فرایند روح القدس فرهنگ لغات، آموخته‌ها و تجربه ایشان را به کار می‌گرفت، اما نتیجه کار ایشان کلام خدا بود و نه کلام ایشان. این قدرت، الهام نامیده می‌شود؛ کلمه اصلی یونانی آن «دمیه شده خدا» می‌باشد. بدین سان خدا به واسطه روحش کل نقشه خود را بر ما آشکار ساخت و ما این را در کتاب مقدس در اختیار داریم.

در یک معنا ما در این فرایند مکاشفه‌ای شرکت می‌جوئیم، زیرا که روح القدس این حقایق را تنویر کرده، توضیح آن را به دل‌های ما القا می‌کند. اما او حقایق نوینی را بر ما مکشوف نمی‌سازد زیرا که حقایق الهی به‌طور نهایی و شخصی و عینی در مسیح آشکار شده است. تجربه نشان می‌دهد که مکاشفه ظاهری از حقیقت کافی نیست زیرا که معرفت ما همواره پیش از کاربرد حقیقت قرار دارد. ما به‌طور طبیعی کارهایی را که برای رشد روحانی ضروری است انجام نمی‌دهیم (رومان ۷). اما روح القدس که معلم است، خدمت عیسی را به‌عنوان نماینده او بر روی زمین بر عهده دارد. و درست همانگونه که او ذهن شاگردان را تنویر کرده، حقیقتی را که مسیح به ایشان تعلیم داده بود یادآور می‌شد، به همانگونه حقیقت کتاب مقدس را بر ما نیز منور می‌سازد. او درک و فهمی نوین و تنویری جدید را به‌همراه می‌آورد. اما او کاری بیش از نشان دادن راستی به ما انجام می‌دهد، او ما را به سمت راستی آورده، به ما کمک می‌کند که آن را در عمل پیاده کنیم تا در زندگی مان بدل به واقعیت گردد. بدین طریق مسیح در ما ساکن است و ما کار مسیح را به طریقی انجام می‌دهیم که او را جلال دهد. بدین سان، روح القدس ما را به واسطه کلامی که به خادمینش القا کرد تعلیم داده، ما را در جهت مسیح‌گونه‌گی پرورش می‌دهد.

به‌علاوه روح به واسطه تنویر باطنی به ما آموزش می‌دهد. او از طریق نفوذ شخصی‌اش با دل‌های ما سخن گفته، در برخی مواقع ما را بر آن می‌دارد که برخی کارها را انجام دهیم. گاهی اوقات نیز ما را از انجام برخی دیگر از کارها باز می‌دارد. در مواردی، هنگامی که حرفی زده یا کاری کرده‌ایم که با خصلت حقیقی مسیحی سازگاری نداشته است، ما را ملزم می‌سازد.

او در پاسخ به عطش صادقانه ما به حقیقت، به هنگام دعا ما را تعلیم می‌دهد. او معلم باطنی و بی‌همتایی است.

هنگامی که خدمت تعلیم را انجام می‌دهیم، روح‌القدس به‌طور خاص ما را به‌کار می‌گیرد تا به رشد دیگران کمک کنیم (افسیان ۱۱:۴-۱۲). و هنگامی که کلام خدا را تعلیم می‌دهید، روح‌القدس شما را قادر می‌سازد تا این حقیقت را دریابید. از آنجا که او در تمام موقعیت‌های تعلیمی و فراگیری حضور دارد، می‌توانید مطمئن باشید که به شما کمک خواهد کرد تا حقایق الهی را به‌طرزی مؤثر منتقل سازید. آنگاه کسانی که به ایشان تعلیم می‌دهید، حقیقتی را که رشد روحانی را باعث می‌شود دریافت خواهند کرد. انرژی الوهی او، هم کسانی را که تعلیم می‌دهند و هم کسانی که حقایق روحانی را دریافت می‌دارند، تقویت و پشتیبانی می‌کند.

تغذیه روحانی به دلیل خدمت روح‌القدس منحصر به فرد است:

۱- او باعث نگارش کلام خدا گردید.

۲- او به ما کمک می‌کند تا حقایق الهی را درک کنیم.

۳- او به ما قوت و قدرت می‌دهد تا حقایق الهی را منتقل سازیم.

۴- او به ما کمک می‌کند تا حقیقت را در زندگی روزمره مان پیاده کنیم.

۵- او ما را برانگیخته، تحت تأثیر قرار داده، ملزم ساخته یا توبیخ می‌کند.

روح‌القدس حاضر است تا هم به معلم و هم به یادگیرنده کمک کند، نتیجتاً مسیحیان در جهت رشد به‌سوی مسیح‌گونه‌گی پرورش یافته، مجهز شده و قوت می‌یابند.

۱۴- هر یک از آیات زیر را در مورد خدمت روح‌القدس خوانده، در دفترتان به

سؤال مربوط به هر یک پاسخ دهید.

(a) متی ۱۸:۲۸-۲۰ و لوقا ۴۹:۲۴. چه وعده‌هایی در این آیه‌ها مطرح شده است؟

(b) اعمال ۱:۴، ۵ و ۸. چه حکمی داده شده و چرا؟

(c) یوحنا ۱۴:۱۵-۱۸، ۲۶؛ ۱۵:۲۶. عیسی وعده داد که به هنگام غیبتش را خواهد فرستاد تا همیشه با پیروانش باشد، یعنی را. روح القدس می‌بایست در نام مسیح فرستاده می‌شد تا همهٔ امور را بر شاگردان و اموری را که مسیح به ایشان گفته بود به ایشان کند. او در مورد عیسی

(d) یوحنا ۱۶:۱۳-۱۵. نکاتی را که طبق فرمایش عیسی، روح القدس وقتی که بیاید متحقق خواهد ساخت، بازگو کنید.

(e) اول قرنیتان ۲:۵-۱۵. در این مورد روح چه می‌کند و چرا؟

۱۵- خدمت ویژهٔ روح القدس را با توصیف مناسب آن انطباق دهید.

.... (a) اقدامی که طی آن روح القدس شخص را به‌خاطر انجام کار یا گفتاری که با رفتار مسیحی هماهنگی ندارد، اصلاح می‌کند.

.... (b) اقدامی که به‌واسطهٔ آن شخص توسط روح القدس هدایت می‌شود طوری که آن چیزی را می‌گوید که خدا می‌خواهد بگوید.

.... (c) اقدامی که به‌واسطهٔ آن روح، فکر، اراده یا منظور خدا را آشکار می‌سازد که در غیر این صورت ناشناخته باقی می‌ماند.

.... (d) اقدامی که به‌واسطهٔ آن روح، ایمانداران را در ارتباط با کار مسیح تنویر کرده، زندگی ایشان را تدریجاً به‌سمت مسیح‌گونه‌گی برانگیخته، هدایت می‌کند.

.... (e) اقدام روح که به‌واسطهٔ آن شخص فرا می‌گیرد که خدا برای او چه در نظر دارد.

(۱) مکاشفه

(۲) الهام

(۳) تنویر

(۴) ملزم ساختن یا توبیخ

۱۶- در دفتر یادداشت‌تان، به اختصار توضیح دهید که روح القدس چگونه رشد

روحانی را سبب می‌شود.

الگوهای خدمت تغذیه روحانی (شاگردسازی)

از کلیسا به طور جمعی و از ایمانداران به طور فردی مطالبه می شود که حیات روحانی را تغذیه کرده، به مردم کمک کنند تا به سوی مسیح گونگی رشد نمایند. در بسیاری از کلیساها این وظیفه تغذیه و پرورش در یک برنامه تعلیم و تربیت مسیحی یا یک دپارتمان متمرکز شده است. برخی دیگر از کلیساها در مورد این خدمت شاگردسازی نظر متفاوتی دارند، یعنی بر این باورند که تغذیه روحانی و شاگردسازی در چارچوب خدمات عادی کلیسا و تجمعات غیررسمی که از سوی کلیسا ترتیب داده می شود، تحقق می یابد. روش های تغذیه روحانی گرچه ممکن است متفاوت باشد، اما این یک امر مسلم است که تغذیه روحانی هم مستلزم روش های رسمی است و هم روش های غیررسمی.

صرف نظر از روش ها و نگرش ها در این زمینه، کلام خدا خوراک روحانی است که باعث رشد روحانی می شود. روابط مسیحی صمیمانه و مراقبت محبت آمیز نیز رشد روحانی را ترغیب می کند. انتقال حقیقت کلام خدا اغلب توسط چیزی بیش از روش های سنتی و رسمی تعلیم و یادگیری انجام می شود. تعلیم از طریق برقراری ارتباط، بیشتر به واسطه فنون غیررسمی متحقق می شود که طی آن مسیحی بالغ تر با مسیحیان کمتر رشد یافته متحد شده، بدل به سرمشق ایشان می گردد و به آنان نشان می دهد که حیات مسیحی را چگونه باید به طرزی مؤثر زیست کرد. مسیحی نابالغ تر از طریق تقلید و همانندسازی فرا می گیرد. لذا می توانیم بگوییم که خدمت تغذیه برای رشد روحانی مستلزم هم الگوهای غیررسمی است و هم الگوهای رسمی.

الگوهای غیررسمی از طریق فعالیت هایی به غیر از روش های سنتی مدرسه، تغذیه برای رشد روحانی را باعث می شوند. روابطی که عیسی با دوازده شاگرد برقرار کرد و طریق انجام کار شاگردسازی آنان، مثالی عالی است از الگوی غیررسمی تغذیه روحانی.

روابط در بدن مسیح از نوع خاصی می‌باشد؛ خدمات نیز حالتی متقابل دارد، یعنی هر کس خدمت خود را برای رشد و رفاه سایر اعضا به‌کار می‌برد؛ همه اینها به‌روشنی نشان می‌دهد که کلیسا برای تعلیم از طریق برقراری ارتباط که مختص الگوهای غیررسمی تغذیه روحانی است، مجهز می‌باشد.

الگوهای رسمی خدمت تغذیه برای رشد مسیحی بیشتر معطوف به انتقال واقعیت‌ها و اطلاعات می‌باشند. آموختن محتوای کتاب مقدس، اصول اعتقادات، و هر مطلبی که تحت عنوان دانش طبقه‌بندی می‌شود، همه اینها را می‌توان به‌خوبی از طریق الگوهای رسمی تعلیم داد. الگوهای رسمی بسیار شبیه به نظام موجود در مدارس است. عیسی در فرایند شاگردسازی گاهی اوقات از الگوهای سنتی و رسمی تعلیم اطلاعات استفاده می‌کرده است. او برای تعلیم از کلاس استفاده نمی‌کرد، اما از روش کلاسی استفاده می‌کرد و این کار را با مهارت انجام می‌داد. در شرایطی که هدف تغذیه روحانی پر کردن مغز با واقعیت‌ها و دانش نیست، بلکه زیستن با مسیح به‌عنوان مرکز زندگی می‌باشد، برخی اطلاعات را قطعاً باید فرا گرفت. کلاس‌ها، سمینارها و فعالیت‌های مشابه ابزارهای عالی برای انتقال دانش به مسیحیان نابالغ‌تر می‌باشند. این دانش بدل به عامل تغییر گردیده، مسیحیان را قادر می‌سازد تا در مقام روحانی رشد یافته و هر چه بیشتر مسیح‌گونه شوند.

تغذیه روحانی مؤثر، هم شامل الگوهای غیررسمی می‌شود و هم شامل الگوهای رسمی. اگر در حال کمک به رشد روحانی مسیحی دیگری هستید، باید رابطه صمیمانه‌ای با او برقرار کنید؛ باید نمونه‌ای از زندگی مسیح باشید طوری که وی با نگرستن به شما دریابد که نمونه زیستن به شیوه مسیح چگونه است. همچنین باید به این شخص کمک کنید تا حقایق عقیدتی و کتاب مقدسی را درک کند. ممکن است به تدریس در کلاس‌ها به سبک سنتی تعلیم و تربیت پردازید. تغذیه روحانی هم مستلزم الگوهای رسمی است و هم الگوهای غیر رسمی. هیچ یک به تنهایی کافی نمی‌باشد. اگر قرار باشد که به رشد روحانی مسیحیان کمک کنید، لازم خواهد بود که از هر دو الگو استفاده نمایید.

۱۷- الگوهای رسمی را از الگوهای غیر رسمی در خدمت تغذیه برای رشد روحانی از یکدیگر تشخیص دهید: در مقابل نمونه‌های رسمی عدد (۱) را قرار دهید و در برابر نمونه‌های الگوهای غیر رسمی عدد (۲) را بنویسید.

a روش عیسی برای خدمت تغذیه برای رشد روحانی از طریق به‌سر بردن با دوازده شاگرد متحقق شد.

b پولس به تیموتاؤس توصیه کرد که سرمشق یا نمونه زندگی مسیحی باشد.
c شبان کلیسا یک سلسله مطالعات برای کسانی که در صدد بالغ‌تر شدن هستند تعیین می‌کند. به دانشجویان تکالیفی داده می‌شود و از ایشان انتظار می‌رود که بتوانند محتوای درس را در کلاس مورد بحث قرار دهند.

d شبان کلیسا مجمع مذهبی خود را به‌صورت گروه‌های کوچکی برای جلسات ماهانه سازماندهی کرد، طوری که بتوانند مشارکت داشته، دعا کنند یا به هنگام هدایت شدن آموزش ببینند.

e پولس بیان می‌دارد که شریعت را به‌طور تمام و کمال در محضر غمالائیل فرا گرفته بود.

خودآزمایی

۱- مفهوم شاگردسازی در کتاب مقدس به کدام طریق زیر مربوط به رشد و نمو می‌گردد؟

(a) به طریق غیر مستقیم، زیرا که یکی در درجه اول و دیگری در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

(b) به هیچ طریق، شخص فقط می‌تواند با استفاده از فردی که از لحاظ روحانی بالغ است به شاگردسازی بپردازد.

(c) از این جهت که هر دو موضوعات روحانی می‌باشند.

(d) به طریق مستقیم، زیرا هنگامی که شخص بدل به یک شاگرد گردیده، از لحاظ روحانی رشد می‌کند، شبیه به استادش می‌شود.

۲- شاگردسازی شبیه به فرایندی است که به واسطه آن یک کارآموز تبدیل به یک استاد می‌گردد زیرا که (بر طبق این درس):

(a) یک شاگرد از طریق تقلید از نظریه‌ها و اندیشه‌های معلمش، مهارت‌های او را کسب می‌کند.

(b) شاگرد از طریق همانندسازی خود با معلمش، تعلیم می‌گیرد و طی این فرایند از لحاظ روحانی رشد می‌کند.

(c) یک شاگرد نمی‌تواند مفید واقع شود مگر آنکه سال‌های متمادی به عنوان دستیار خدمت کرده باشد.

(d) اگر قرار باشد که شاگرد خودش بدل به معلم بالغی شود، باید فقط بهترین معلم را انتخاب کند.

۳- بر طبق بحثی که داشتیم، منظور یا هدف شاگردسازی، کمک به افراد است تا از لحاظ روحانی بالغ شوند و به سمت کدام یک از موارد زیر رشد کنند؟

(a) خودکفایی روحانی

(b) سازگاری در زندگی اجتماعی

(c) مسیح‌گونه‌گی

(d) الگوی رسولان

۴- بر طبق انجیل مرقس، عیسی از طریق همراه بودن با دوازده شاگرد و اعزام داشتن آنان، رشد روحانی را پرورش داد، طوری که ایشان:

(a) برای خدمت مجهز شده، به کاربرد اصول شاگردسازی خو بگیرند.

(b) به اندازه کافی به او نزدیک باشند تا به‌هنگام خطا کردن، آنان را اصلاح کند و در عین حال، بتوانند مطابق گرایش‌هایشان رشد کنند.

(c) تحت نفوذ او باشند و بدین‌سان بتوانند به میل خود فکر کرده، یا عمل کنند.

(d) به‌طرزی شایسته، هم در امور نظری و هم در عمل تعلیم یابند و بدین‌سان بتوانند با روال تعلیم و تربیتی جاری انطباق یابند.

۵- دریافتیم که ماهیت کلیسا وسیله مهمی برای خدمت تغذیه برای رشد روحانی می‌باشد زیرا که:

(a) فقط نیرو و وسایل نهادی (تشکیلاتی) می‌تواند نیازهای عظیم انسانی را برآورده سازد.

(b) ساختار سازمانی آن برای توزیع وسایل خاص رشد که مورد نیاز فرد ایمانداران است، ضروری می‌باشد.

(c) کلیسا ارگانیسمی است متشکل از بخش‌های وابسته به یکدیگر که حمایت و قوت و سلامتی کل بدن را در اختیار هر بخش قرار می‌دهد.

(d) وظیفه تغذیه رشد روحانی بر عهده کلیسا به‌طور جمعی است، نه بر عهده تک تک اعضا.

۶- عطایای خدمت هنگامی رشد روحانی را سبب می‌شوند که:

- (a) طیف وسیعی از ایمانداران، عطایای گوناگون را در عمل پیاده کرده، بتوانند به‌طرزی مؤثر در جهت نیازهای رشد ایمانداران در حال نمو خدمت کنند.
- (b) تعداد اندکی از اعضای بدن مسیح عطایا را به نفع تعداد کثیر اعضای در حال رشد که فاقد عطایا هستند به‌کار ببرند.
- (c) برخی از ایمانداران برگزیده در بدن مسیح از لحاظ قدرت و جایگاه روحانی نمو می‌کنند و عطایای خود را گاه و بی‌گاه به‌کار می‌برند.
- (d) واکنش به ترغیب روح القدس اگر مثبت باشد، پاداش او رشد روحانی است؛ و اگر منفی باشد، شایسته چنین رشدی نخواهد بود.

۷- روح القدس در تمام موارد زیر رشد روحانی را سبب می‌شود، به‌جز در یک مورد. کدام عبارت معرف یکی از این طرق نمی‌باشد؟

- (a) او کلام خدا را به ما داده، کمک می‌کند تا آن را درک نماییم.
- (b) او ما را اغلب برخلاف میل خودمان برمی‌انگیزد تا شبیه مسیح شویم.
- (c) او همچنین به ما کمک می‌کند تا حقایق الهی را به دیگران منتقل کرده، آن را در زندگی روزمره‌مان پیاده کنیم.
- (d) او در روال زندگی روزمره‌مان، ما را ترغیب کرده، ملزم ساخته و تحت نفوذ قرار می‌دهد.

۸- مشخصه‌های الگوهای رسمی خدمت تغذیه برای رشد مسیحی در کدام مورد زیر ذکر شده است؟

- (a) بدون هیچ ساختار یا با ساختاری اندک، و رابطه فرد به فرد شاگرد و معلم.
- (b) ساختار ثابت و انعطاف بسیار اندک در زمینه موقعیت یادگیری از معلم.
- (c) کاربرد روش‌های تعلیم و تربیت سنتی که غالباً با حضور در کلاس درس توأم می‌باشند.
- (d) اتحاد معلم و یادگیرنده بر پایه یک رابطه.

۹- مشخصه‌های الگوهای غیر رسمی خدمت تغذیه برای رشد مسیحی در کدام مورد زیر ذکر شده است؟

(a) برخوردی سست و بی‌مبالات به موقعیت یادگیری با نوعی بی‌اعتنایی به روش‌های یادگیری رسمی و سنتی.

(b) روش غیررسمی و خودمانی که مردم در انتقال دانش به کار می‌برند.

(c) تکیه بر الگویی به جز یادگیری اطلاعات، الگویی که می‌تواند شخصیت پاک را آلوده سازد.

(d) ارتباط و روابط شخصی، الگوبرداری یا همانندسازی، و انجام برخی فعالیت‌ها.

۱۰- بر پایه مطالب این درس، در مورد الگوهای رسمی و غیر رسمی خدمت تغذیه برای رشد مسیحی، می‌توانیم به دقیق‌ترین وجه بگوییم که:

(a) الگوهای رسمی برای مسیحیان بالغ بسیار مفیدند، حال آنکه الگوهای غیر رسمی برای مسیحیان نابالغ تر بهتر می‌باشند.

(b) تغذیه روحانی مؤثر شامل هر دو نوع الگو است، زیرا که هر یک در فرایند رشد دارای نقش مهمی است.

(c) به‌طور سنتی الگوهای رسمی کاربردی انحصاری داشته‌اند، اما امروزه روش غیر رسمی بهترین روش تلقی می‌شود.

(d) گروه‌های بزرگ و سازمان‌یافته الگوهای رسمی را به کار می‌برند که بیشترین مزیت را دارند، حال آنکه گروه‌های کوچکتر روش غیر رسمی را برای خود مناسب‌تر می‌دانند.

این آخرین درس از بخش اول این کتاب درسی می‌باشد. بعد از اتمام این خودآزمایی، دروس ۱ تا ۳ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی ۱ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۹- c) آن روشی است که عیسی حکم کرده بود.

a-۱) غلط

b) صحیح

c) غلط

d) صحیح

۱۰- a) ۱) رومیان ۸-۱:۱۲

b) ۳) افسسیان ۱۶-۱۱:۴

c) ۲) اول قرن‌تیاں ۲۷-۱۲:۱۲

d) ۱) رومیان ۸-۱:۱۲

e) ۳) افسسیان ۱۶-۱۱:۴

f) ۲) اول قرن‌تیاں ۲۷-۱۲:۱۲

g) ۱) رومیان ۸-۱:۱۲ و ۳) افسسیان ۱۶-۱۱:۴

۲- b) زیرا شاگرد از طریق مشاهده و بودن با معلم و انجام اوامر او چیز یاد می‌گیرد.

a-۱۱) صحیح

b) غلط

c) صحیح

d) صحیح

e) غلط

۳- (a) صحیح

(b) غلط

(c) غلط

(d) صحیح

۱۲- (a) غلط

(b) صحیح

(c) صحیح

(d) غلط

(e) صحیح

۴- (c) روش فرا خواندن تعداد زیادی از افراد برای تعهد نسبت به خدمت تعلیمی علنی او و کارهای معجزه‌آسایش، و در سطح محدودتر، تعلیم تعداد کمتری از شاگردان برای اینکه در کار شاگردسازی استاد شوند.

۱۳- (b) بر آن داشته می‌شود که عطیه‌اش را در جهت خیریت عمومی به کار برد.

۵- (a) غلط

(b) غلط

(c) صحیح

(d) غلط

(e) صحیح

۱۴- (a) اینکه همواره با ایشان بوده، آنچه را که پدر برای مجهز کردن ایشان وعده داده بود یعنی قدرت آسمانی را خواهد فرستاد.

(b) می‌بایست در اورشلیم می‌ماندند تا زمانی که عطیه موعود پدر یعنی روح‌القدس را دریافت دارند. نازل شدن روح‌القدس بر ایشان آنان را قادر می‌ساخت تا شاهدان مسیح در سراسر جهان باشند.

(c) مشاور، روح راستی، تعلیم می‌داد، یادآوری می‌کرد، شهادت می‌داد.
 (d) باید نکته زیر را یادداشت می‌کردید: پیروان خود را در تمامی راستی هدایت کرده، از سوی خود سخن نمی‌گویند بلکه فقط آنچه را که می‌شنود می‌گویند (یعنی با وفاداری معرف عیسی خواهد بود)، وقایع آتی را آشکار کرده، و از طریق تعلیم کلام عیسی به پیروان، عیسی را جلال می‌دهد.
 (e) امور خدا را طالب است. او این کار را می‌کند تا آنچه را که خدا برای ما تدارک دیده است آشکار کند. تعلیم او به ما بصیرت روحانی بخشیده، به ما کمک می‌کند تا از لحاظ روحانی بالغ شویم.

۶- (a) عیسی می‌دانست که اشخاص کامل شبیه معلم‌شان خواهند بود.
 (d) عیسی می‌دانست که بودن با یک معلم باعث می‌شود که شاگرد شبیه معلمش گردد.
 (e) عیسی می‌دانست که یک رابطه صمیمی بین شاگرد و معلمش باعث ایجاد شباهت می‌شود.

۱۵- (a) ۴) ملزم ساختن یا توییح

(b) ۲) الهام

(c) ۱) مکاشفه

(d) ۳) تنویر

(e) ۱) مکاشفه و ۳) تنویر. (روح کلام خدا باز می‌کند و بدین طریق ایماندار منور می‌گردد.)

۷- (d) عیسی در وهله اول از طریق کنش متقابل در کلاس رسمی تعلیم می‌داد.

۱۶- پاسخ شما ممکن است اندکی با پاسخ من تفاوت داشته باشد. به نظر من، در اصل، روح القدس عامل مکاشفه و انتقال حقایق الهی به انسان بوده است. از هنگام ظهور مسیح، او به عنوان مشاور و سفیر خداوند نزد تمامی ایمانداران خدمت می‌کند. او سخنان مسیح را در دل‌های ما منور می‌سازد. او ما را زنده می‌کند تا تنویر را از

کلام خدا دریافت کنیم و هنگامی که حرفی زده یا کاری می‌کنیم که شایسته رفتار مسیحی نیست، ما را توبیخ می‌کند، و هنگامی که روال عمل احتمالاً زیانبار است ما را باز می‌دارد و برای نیکویی به ما تعلیم داده، ما را تحت نفوذ قرار می‌دهد. به علاوه او ما را قادر می‌سازد تا به دیگران تعلیم دهیم، و هم حکمت و هم بصیرت الهی نسبت به راستی به ما می‌دهد تا بتوانیم به رشد و بلوغ روحانی ایشان کمک کنیم.

۸- (a) ۳) تعمید و تعلیم دادن

(b) ۲) همه امت‌ها را شاگرد سازید

(c) ۱) بروید

(d) ۲) همه امت‌ها را شاگرد سازید

۱۷- (a) ۲) غیر رسمی

(b) ۲) غیر رسمی

(c) ۱) رسمی

(d) ۲) غیر رسمی

(e) ۱) رسمی

بخش دوم

رشد و یادگیری



کشف و انجام

مسعود خورشتهای مادر مریم را خیلی دوست داشت. او خوشحال بود که مریم بالاخره دستور تهیه خورشت را از مادرش گرفت. مریم دستور تهیه خورشت را خواند و سپس آن را بر روی میز آشپزخانه گذاشت و غذا را درست با همان مواد و همان دستوری تهیه کرد که قبلاً می کرد. مسعود بعد از خوردن یک لقمه از غذا دانست که خورشت مریم شبیه خورشت مادرش نیست. مریم تمام اطلاعات لازم برای پختن خورشت مورد علاقه مسعود را در اختیار داشت، اما همچنان از روش قدیمی خود پیروی کرد بی آنکه کوچکترین تغییری در دستور تهیه غذایش بدهد. بدون ایجاد تغییراتی که دستور جدید اقتضا می کرد، امکان نداشت که خورشت مریم همان مزه خورشت مادرش را بدهد!

شما هم ممکن است نظیر این تجربه را داشته اید؛ اطلاعات جدیدی کسب کرده اید، اما هیچ وقت به آن عمل نکرده اید. یادگیری شامل کشف حقیقت می شود، اما در اینجا خاتمه نمی یابد. یادگیری باید سبب شود که شخص حقیقتی را که فرا گرفته است، در تجربیات زندگی روزمره اش به کار برد. در این درس خواهید آموخت که مردم چگونه پی می برند به اینکه یادگیری مستلزم کشف حقیقت و عمل به آن است طوری که تغییرات مناسبی را در رفتار ایجاد کند.

رئوس مطالب

دو مفهوم یادگیری
ایجاد تغییر در یادگیرنده
سطوح یادگیری
یادگیری چگونه صورت می گیرد
فراگیری تغذیه روحانی



اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- تشخیص دهید که اگر قرار است تغییرات مناسبی در دانش و نگرش و رفتار شخص پدید آید، یادگیری باید شامل کنش متقابل شخص با موقعیت‌های زندگی و کاربرد درس در آن حوزه باشد.
- با توجه به سطوح مختلف یادگیری از طریق سهیم شدن در مطالب مورد آموزش، شرح دهید که یادگیری چگونه تحقق می‌یابد.
- در مورد این مطلب بحث کنید که افراد درگیر در خدمت تغذیه روحانی چگونه می‌توانند یادگیری و جذب حقیقت روحانی را تسهیل کنند طوری که یادگیرندگان بتوانند در تفکر و نگرش و کارهای خود هر چه بیشتر مسیح‌گونه شوند.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را مطالعه کرده به تمرین‌ها به شیوه معمول پاسخ دهید.
- ۲- خودآزمایی را بگذرانید، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.

دو مفهوم یادگیری

بدون شک تاکنون درک کرده‌اید که یادگیری و تعلیم چه هستند. تعاریف شما ممکن است نه فنی و نه طبق اصول مرسوم باشند اما تصویری از معنای این کلمات بدست آورده‌اید.

۱- تعریف ساده‌ای از این عبارات آنگونه که اکنون آنها را درک می‌کنید بنویسید.

(a) یادگیری عبارتست از

(b) تعلیم عبارتست از

از شما خواسته شد که تعریفی از این عبارات، آنگونه که آنها را درک می‌کنید بنویسید. از آنجا که شما آنچه را که فکر می‌کنید نوشته‌اید، پاسخ صحیح یا غلطی نمی‌تواند وجود داشته باشد. بسیاری از افراد در این مورد یکی از دو نقطه‌نظر رایج را دارند. چنانکه آنها را توضیح می‌دهم، تشخیص دهید که کدام نقطه‌نظر بیشتر شبیه به نقطه‌نظری است که نوشته‌اید.

برخی افراد، بیان مطلب را همان تعلیم می‌دانند و گوش کردن را یادگیری. اگر کسی حکایتی را نقل کرده، یا مطالبی را بیان کند یا اطلاعاتی را توضیح دهد، تصور می‌شود که تعلیم داده است. و اگر کسی به معلمی که چنین می‌کند گوش فرا دهد، فرض می‌شود که فرا گرفته است. ممکن است از یادگیرنده انتظار رود که سخنان معلم را نوشته و یا از آن کپی برداشته، به خاطر بسپرد. اگر یادگیرنده بعداً بتواند اطلاعات را به‌خاطر آورده، دقیقاً سخنان معلم را تکرار کند، بر طبق این نقطه‌نظر بر مطالب تسلط یافته، لذا فرا گرفته است.

معلمینی که فرایند تعلیم و یادگیری را بدین گونه تلقی می‌کنند، بسیار حرف می‌زنند و از یادگیرندگان می‌خواهند که نشسته، به آرامی گوش فرا دهند. به عقیده ایشان، معلمین مطالبی را تدریس می‌کنند بنابراین از نظر آنان محتوای درس، عامل کلیدی این فرایند

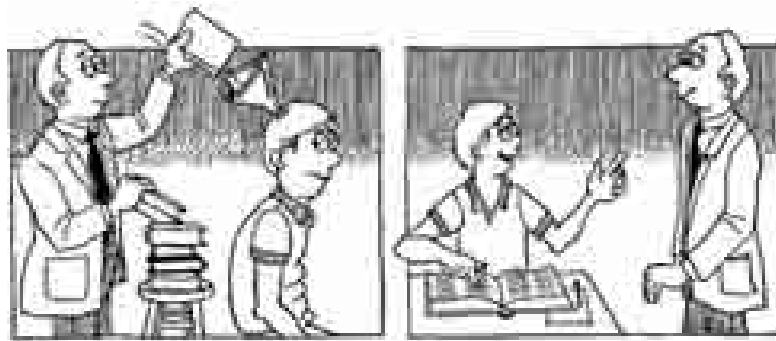
می‌باشد. برای ایشان تعلیم عبارتست از انتقال اطلاعات از سوی معلم به یادگیرنده. به نظر شما این تعبیر چگونه بر انجام وظیفه معلم در کلاس درس اثر می‌گذارد؟

در این مضمون، معلم منبع دانش تلقی می‌شود. چنین فرض می‌شود که او دانش وسیعی در مورد آن موضوع دارد و یادگیرنده به عنوان شخصی در نظر گرفته می‌شود که دانش اندک یا هیچ دانشی در مورد آن موضوع ندارد. بنابراین وظیفه معلم این است که دانش برتر خود را در مورد موضوع مورد نظر به «ذهن خالی» یادگیرنده انتقال دهد. این درک از فرایند تعلیم و یادگیری، بسیاری از معلمین را به جهتی سوق داده است که طی سخنرانی طولانی بیشترین مطالب را مطرح ساخته، دروس را تکمیل کرده، به پایان رسانند و به یادگیرنده بیشترین میزان اطلاعات را عرضه کنند. از آنجا که این نقطه نظر انتظار دارد که دانش از معلم به یادگیرنده انتقال یابد، آن را **روش انتقالی یا یادگیری انتقالی** نامیده‌اند.

روش دیگر تعلیم، بر این فرض استوار است که یادگیرنده محور همه فعالیت‌هاست و باید در فرایند شرکت جوید. طرفداران این نقطه نظر بر این باورند که یادگیرنده باید طوری مجهز شود که بتواند فراتر از صرفاً تکرار صحیح اطلاعات برود. آنها معتقدند که یادگیرنده باید مطالب را درک کرده، بتواند آن را به اطلاعات قبلی خود ارتباط داده، توسط آنها اعتقاداتی برای خود شکل دهد، و فرا گیرد که بر اساس آنها یک نظام ارزشی برای خود تهیه کند تا به وسیله آنها مشکلات زندگی را حل کند. این روش مستلزم این است که یادگیرنده شخصاً به برقراری ارتباط با مطالب بپردازد؛ او باید حقیقت را به واسطه تلاش‌های خود کشف کند.

توجه کنید که در این روش دوم، تأکید بر نکته متفاوتی است: معلم چیزی بیش از درس را به شخص تعلیم می‌دهد. یادگیرنده و نتایج یادگیری‌اش، عوامل مهم هستند. این روش تعلیمی مستلزم این است که معلم، یادگیرنده را در فرایند یادگیری هدایت کند. طرفداران این روش، پر کردن ذهن یادگیرنده را از دانش با یادگیری واقعی یکی نمی‌دانند. ایشان بر این باورند که معلم می‌تواند و باید به یادگیرنده کمک کند تا

حقیقت را کشف کرده، آن را به کار برد. به همین دلیل، این نقطه نظر، روش اکتشافی یا یادگیری اکتشافی نامیده شده است.



در روش اکتشافی، معلم به یادگیرنده کمک می‌کند تا حقیقت را کشف کند. در روش انتقالی، دانش از معلم به یادگیرنده انتقال می‌یابد.

۲- دو حکایت زیر را بخوانید. سپس در مقابل هر سؤال که نمونه یادگیری انتقالی است، عدد (۱) را بنویسید و در صورتی که نمونه یادگیری اکتشافی باشد عدد (۲) را بگذارید.

پروانه ماه‌های متمادی هر یکشنبه در کلیسا در یک کلاس آموزش کتاب مقدس برای کودکان تدریس کرده است. او همیشه به هنگام شروع درسش چنین می‌گفت: «خوب بچه‌ها، لطفاً بنشینید و موقعی که درس کتاب مقدس را به شما می‌آموزم دست به سینه و آرام باشید.» و سپس در حالی که کودکان نشسته، به او گوش فرا می‌دادند، او به نقل یک حکایت کتاب مقدسی می‌پرداخت.

پرویز نیز مدتی در کلیسای دیگری در یک کلاس کتاب مقدس برای کودکان تدریس می‌کرد. اگر قرار بود که به کلاس او نظری بیفکنید، متوجه خواهید شد که یادگیرندگان در اتاق مشغول رفت و آمد بوده، با حالتی پرمشغله در حال برپایی داربست‌هایی برای ماجرای از

کتاب مقدس که در مورد آن بحث کرده‌اند می‌باشند. یا اینکه هر یک را در حالی که جنبه‌ای از درس کتاب مقدسی را برای گروه تکرار می‌کنند و یا گفتن اینکه شخص چه چیزی را می‌تواند از مثال کتاب مقدسی فرا گیرد، خواهید یافت. و یا آنها را خواهید دید که حکایت کتاب مقدس را به صورت نمایش اجرا می‌کنند. مهم نیست که چه موقع به آنها بنگرید، در هر حال آنها را مشغول فعالیت‌های گوناگونی خواهید دید و یا در حال صحبت در مورد حکایت کتاب مقدس.

- (a) بر پایه عملکرد پروانه در کلاس درس، به نظر می‌رسد که او تحت تأثیر کدام روش تدریس و یادگیری است؟
- (b) توصیف مربوط به کلاس پرویز، نشان‌دهنده این است که او کدام روش تعلیم و یادگیری را در پیش گرفته است؟
- (c) کدام روش بیشتر شبیه تعریفی است که برای سؤال ۱ نوشته‌اید؟

۳- در کدام یک از کلاس‌های مذکور در بالا، انتظار خواهید داشت که بیشتر پیاموزید؟ آیا یادگیری‌یی که بر پایه دانش و تجربه قبلی بنا شده، یادگیرنده را آماده می‌سازد که برای مشکلات راه حل‌هایی را بیابد؟ چرا؟ پاسخ‌های خود را در دفتر یادداشت‌تان بنویسید.

پروانه به دیدگاه انتقالی نزدیکتر است، آیا چنین نیست؟ هنگامی که او تعلیم داده، حکایت کتاب مقدس را بازگو می‌کند، بر این باور است که کودکان مادامی که گوش بدهند، فرا می‌گیرند. البته تا حدی چنین است. اما پرویز از روش اکتشافی استفاده می‌کند. او می‌خواهد که یادگیرندگان شخصاً در مطالب دخالت کنند و فعالیت‌های مختلفی را ترتیب داده است تا به ایشان کمک شود که برای خود دست به اکتشاف بزنند.

احتمالاً در کلاس‌هایی شرکت کرده‌اید که از هر دو این مفاهیم از تعلیم و یادگیری استفاده شده است. در گذشته، روش انتقالی عمومیت داشت و هنوز هم رایج است. اما معلمین مدرن گرایش دارند که از روش اکتشافی استفاده کنند. روش

اکتشافی بر پایه آن ادراک عمومی قرار دارد که از تحقیقات روان‌شناسی و تعلیم و تربیتی حاصل شده است. اگر تحصیلات خود را با روش انتقالی به‌انجام رسانده باشید، شاید نمی‌دانسته‌اید که آیا این روش بهترین روش است یا نه. در واقع مهم است که بسیاری از واقعیت‌هایی را که در جهان امروز فکر ما را به خود مشغول می‌دارد درک کنیم. و مهم است که بتوانیم این اطلاعات را که به ما کمک می‌کنند تا نسبت به زندگی اطراف خود آگاه و هشیار باشیم، به‌خاطر بسپاریم و به‌یاد آوریم. اما راه عملی بسیار مهم این است که واقعیت‌هایی را که فرا گرفته‌اید، به طریقی درک کنید که در حل مشکلات زندگی واقعی به‌کار آیند.

لطفاً تعاریف زیر از تعلیم و یادگیری را به‌خاطر بسپارید. در خودآزمایی و آزمون‌های میانی از شما خواهیم خواست که تعاریف صحیح را تشخیص دهید.

۱- یادگیری عبارتست از کشف اطلاعات و ارائه پاسخ‌های مطلوب به آن اطلاعات.

۲- تعلیم عبارتست از کمک به مردم در جهت یادگیری.

۴- در مقابل هر فعالیت زیر که منتهی به یادگیری انتقالی می‌شود عدد (۱) را بنویسید و در صورتی که منتهی به یادگیری اکتشافی شود عدد (۲) را بنویسید.

- a حفظ کردن آیه‌های کتاب مقدس
- b بحث در مورد نقطه‌نظرات متفاوت
- c تحقیق در مورد یک مقوله
- d گوش کردن به یک سخنرانی
- e دست زدن به یک آزمایش
- f کپی کردن اطلاعات از روی تخته سیاه
- g مشخص کردن یک شهر بر روی یک نقشه
- h شنیدن یک حکایت

ایجاد تغییر در یادگیرنده

در زمینه یادگیری، ایجاد تغییر امری است اساسی. یادگیرنده به کشف اطلاعات پرداخته، به آنها واکنش نشان می‌دهد. اگر یادگیرنده تغییر نکند، یادگیری صورت نپذیرفته است و اگر یادگیری انجام نشده باشد، تعلیم مؤثر نبوده است.

۵- متی ۱۹:۲۸-۲۰ را خوانده، به‌طور خاص به حکم مسیح توجه فرمایید. در دفترتان بنویسید که به شاگردان انجام چه کاری تعلیم داده شده است.

آیا رابطه میان تعلیم به شاگردان در مورد «اطاعت کردن» از تمام احکام عیسی و مشاهدات ما در مورد ضرورت ایجاد تغییر در یادگیرندگان را درک می‌کنید؟ چگونه یک نفر می‌تواند از احکام عیسی «اطاعت کند» بی‌آنکه ابتدا آنها را درک کرده و سپس زندگی‌اش را بر روی آنها بنا کند؟ اطاعت مستلزم پذیرش کامل و به‌کار بردن آموخته‌ها می‌باشد. دانش اگر قرار است که مؤثر واقع شود، باید تبدیل به عمل گردد. لذا هدف عمده یادگیری این است که یادگیرنده حقیقت را در عمل به‌کار برده، طوری نسبت به آن متقاعد شده باشد که آن را جزوی از خود سازد و بر طبق آن زندگی‌اش را تغییر دهد.

تلاش‌های ما برای تغذیه روحانی افراد و تشویق آنان به رشد روحانی به‌طور خاص متأثر از این درک می‌باشد. هدف ما این است که ببینیم افرادی که به ایشان کمک می‌شود تا در مسیح رشد کنند، تغییر می‌یابند، طوری که حیات مسیح بتواند از طریق زندگی ایشان امکان بروز بیابد. هنگامی که مسیحی می‌شویم، زندگی ما ممکن است با مسیح‌گونگی فاصله داشته باشد؛ با این حال هنگامی که حیات او در ما رشد می‌کند و ما خود را با آنچه که در مورد او فرا می‌گیریم تطبیق می‌دهیم، در مسیر شباهت به او گام برمی‌داریم.

۶- بر پایه اطلاعات فوق، دور حرف مقابل عباراتی که به طرز صحیحی جمله زیر را تکمیل می کنند، دایره ای بکشید.

یادگیری هنگامی به وقوع می پیوندد که:

- (a) معلمین انحصار صحبت را در دست بگیرند.
- (b) یادگیرندگان همسو با حقیقت تغییر کنند.
- (c) یادگیرندگان به دقت گوش کنند، اما نشانه اندکی از واکنش به چشم بخورد.
- (d) یادگیرندگان حقیقت را در عمل پیاده کنند.
- (e) یادگیرندگان اطلاعات را کشف کرده، به آن واکنش نشان دهند.
- (f) یادگیرندگان حقیقت را بشنوند، اما کاری در ارتباط با آن نکنند.

اگر قرار است که یادگیری صورت پذیرد، باید که یادگیرندگان تغییر یابند. اما ایشان چگونه باید تغییر یابند؟ کودک در حال رشد، تغییر می کند. گرچه نزدیکان او ممکن است متوجه این رشد نشوند، اما تدریجاً او بیشتر ویژگی های افراد بالغ را پیدا می کند. رشد باید همراه با تغییر باشد. تغییر ناشی از یادگیری را عموماً به عنوان رشد، بلوغ یا انطباق به حساب می آورند.

متخصصان امور تعلیم و تربیت سه حوزه را مشخص کرده اند که یادگیری در آنها تغییر به وجود می آورد. این حوزه ها عبارتند از: (۱) دانش، (۲) نگرش، و (۳) رفتار. این امر مرا بدین فکر می اندازد که آنها را به صورت سر (دانش)، قلب (نگرش) و دست (رفتار) به خاطر بسپاریم. تمامی تغییرات ناشی از یادگیری در این سه حوزه به وقوع می پیوندد.

تغییر در دانش می تواند شامل اضافه شدن اطلاعات جدید، تصحیح یک نقطه نظر یا حصول دلایل جدید و بیشتر برای دفاع از یک نقطه نظر باشد. تغییر در نگرش ها مربوط به ارزش ها و احساسات می شود. ارزش ها یا احساسات تغییر یافته می توانند بدین صورت منعکس شوند که میزان احساس نسبت به چیزی را افزایش یا کاهش دهند. تغییرات در رفتار غالباً مربوط به مهارت های ضروری برای انجام کاری می شوند. این تغییرات ممکن است شامل کسب مهارت های جدید یا بهتر باشد؛ و نیز شامل سریع تر و

کارآمدتر شدن در انجام وظیفه‌ای شوند. اکثر اوقات تغییرات در قلمرو روحانی شامل تغییر در اهداف و تغییر عادات می‌گردد - یعنی صرف‌نظر کردن از عاداتی که به نفع رشد مسیحی نبوده و کسب عاداتی که باعث تشویق و ترغیب آن می‌شود.

تغییرات ایجاد شده به واسطه یادگیری:



مشکل‌ترین حوزه برای تغییر، حوزه نگرش‌ها می‌باشد. مردم عادت دارند که به ارزش‌های خود بچسبند. عواطف انسانی بسیار عمیق می‌باشند و تغییر در ارزش‌ها مستلزم تغییر عواطف و نگرش‌ها می‌باشد. تغییر ارزش‌ها سهل و ساده نیست. با این حال این حوزه برای کسانی که درگیر خدمت رشد مسیحی می‌باشند، در درجه اول اهمیت قرار دارد. اما با تعلیم مناسب، می‌توان در تمام سه حوزه تغییراتی را به وجود آورد.

۷- هر فعالیت را با حوزه مناسب تغییر انطباق دهید.

- a حفظ کردن آیه‌های کتاب مقدس
- b محبت نسبت به خدا عمیق می‌شود
- c یاد گرفتن بریدن یک تصویر
- d احساس اندوه کردن نسبت به مشکلات دیگران
- e تغییر نگرش در مورد یک موضوع عقیدتی
- f یاد گرفتن اداره یک گروه مطالعه کتاب مقدس

- g جمع‌آوری دلایل جدید برای دفاع از عقیده‌ای که شخص قبلاً داشته است
- h احساس فوریت برای انجام یک کار به صورت فشرده‌تر
- i فراگرفتن روش‌ها برای شهادت دادن مؤثر
- j کسب مهارت برای تدریس در یک کلاس مدرسه یکشنبه
- k بنای یک دلیل منطقی برای وجود خدا
- l میل برای تداوم سنت‌های کلیسا
- (۱) دانش
- (۲) نگرش
- (۳) رفتار

سطوح یادگیری

چه هنگام می‌توانید بگویید که کسی را می‌شناسید؟ آیا کسی را صرفاً بعد از یک ملاقات می‌توانید بشناسید؟ شما می‌توانید او را به حدی بشناسید که به محض دیدارش او را تشخیص داده یا نامش را به‌خاطر بیاورید، اما آیا او را واقعاً می‌شناسید؟ دیدارهای بسیاری لازم است تا بتوان شخصی را خوب شناخت. می‌توانیم بگوییم که برای آشنایی بیشتر با یک دوست، باید سطوح مختلف دوستی را طی کرد.

به‌همان طریق، سطوح گوناگونی برای یادگیری وجود دارد. ما برخی اطلاعات را در یک سطح و اطلاعات دیگر را در سطحی دیگر فرا می‌گیریم. متخصصان امور تعلیم و تربیت برای یادگیری چهار سطح تعیین کرده‌اند؛ هر یک از این سطوح به‌نوعی به تغذیه و رشد روحانی مربوط می‌شود.

- ۱ - **حافظه تکرار**. یادگیرنده اطلاعاتی را به حافظه سپرده، می‌تواند بعداً آنها را به‌خاطر آورده، یا تشخیص دهد.
- مثال درست: یادگیرنده یک آیه کتاب مقدس را حفظ کرده، کلمه به کلمه آن را تکرار می‌کند.

مثال نادرست: یادگیرنده یک آیه کتاب مقدس را با استفاده از کلمات خودش توضیح می‌دهد.

۲- **بازگویی**. یادگیرنده مطالب را آنقدر خوب می‌داند که می‌تواند آن را با کلمات خاص خود بازگو کند. او می‌تواند اطلاعات را به شکل‌های متفاوتی عرضه کند بی‌آنکه معنی تغییر نماید.

مثال درست: یادگیرنده یک یا چند آیه از کتاب مقدس را با کلمات خودش و با توضیحات بیشتر می‌نویسد، یا یک نکته عقیدتی را با کلمات خاص خود بیان می‌کند بی‌آنکه معنی را تغییر دهد.

مثال نادرست: یادگیرنده یک اصل اعتقادی را دقیقاً به همان گونه‌ای می‌نویسد که در کتاب اصول اعتقادات قید شده است.

۳- **ادراک**. یادگیرنده روابط میان واقعیات را کشف کرده، اطلاعات جدید را با آنچه که قبلاً فرا گرفته بود تلفیق می‌کند و به تعمیم دست زده، ارزش‌هایی را شکل می‌دهد و مهارت‌هایی را به دست می‌آورد.

مثال درست: یادگیرنده معنی یک اصل کتاب مقدسی را درک کرده، آن را در زندگی‌اش پیاده می‌کند.

مثال نادرست: یادگیرنده آنچه را که معلم گفته است بدون درک عبارات و معانی آنها، تکرار می‌کند.

۴- **کاربرد**. یادگیرنده از اطلاعات برای حل مشکلات زندگی استفاده کرده، نگرش‌ها و رفتار خود را تغییر داده، خوبی و بدی و درست و غلط بودن امور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هنگامی که او اطلاعات را در موقعیت‌های جدید و ملموس به کار می‌برد، به تفکر اصیل و خلاق دست می‌زند. این قابلیت‌ها مستلزم تشخیص موضوعات و گزینش و کاربرد داده‌ها و مهارت‌های مناسب برای حل مسائل و مشکلات می‌باشد.

مثال درست: یادگیرنده عادات یا اعمال خود را تغییر می‌دهد تا با یک حکم یا اصل کتاب مقدسی مطابقت پیدا کند.
مثال نادرست: یادگیرنده تعلیم کتاب مقدس را در مورد عشر دادن می‌شنود اما نمی‌تواند هیچ پولی به کلیسا هدیه دهد.

۸- سطح یادگیری مربوط به هر یک از فعالیت‌های زیر را با نوشتن شماره سطح (که در زیر آمده است) بر روی خط مقابل هر فعالیت مشخص کنید.

.... (a) نقل قول کردن یوحنا ۱۶:۳ از حفظ
.... (b) دوباره نویسی مزمور ۲۳، با استفاده از یک چهره معاصر به جای چهره قدیمی چوپان

.... (c) تلفیق کردن حقیقت بر مبنای دو متن از کتاب مقدس و استنتاج یک اصل از آنها
.... (d) محبت نمودن دشمن بعد از مطالعه تعلیم عیسی در موعظه بالای کوه
.... (e) توضیح معنی کلمه نجات با استفاده از کلمات خاص خود
.... (f) انتخاب جمله تکمیلی صحیح برای یک آیه کتاب مقدسی از بین چهار جمله انتخابی

.... (g) انجام یک مطالعه کتاب مقدسی با استفاده از اطلاعات کشف شده طی گوش فرا دادن به یک موعظه

.... (h) درک نیاز به بلوغ روحانی بعد از مقایسه چندین آیه کتاب مقدس
.... (i) مقایسه یک کشف جدید از کتاب مقدس با حقیقتی که قبلاً فرا گرفته شده است
.... (j) داوطلب شدن برای تدریس در یک کلاس کتاب مقدس بعد از کشف رابطه میان تعلیم و بلوغ روحانی

.... (k) خواندن یک سرود بدون رجوع به کتابچه سرود
.... (l) توصیف یکی از چهار سطح یادگیری، با استفاده از کلمات خاص خود
.... (m) ارائه تعریف خود از ایمان بدون رجوع به لغت نامه کتاب مقدسی
.... (n) بازگویی پاسخ کتاب به سؤالی که معلم طرح کرده است

o شخص پس از مطالعه درسی از زندگی یوسف، به این نتیجه می‌رسد که در یک حوزه دشوار از زندگی‌اش دست به انتخاب غلطی زده است
p بعد از کشف یک مفهوم کتاب مقدسی، شخص احساس می‌کند که باید رفتارش را تغییر دهد

(۱) حافظه تکرار

(۲) بازگویی

(۳) ادراک

(۴) کاربرد

یادگیری چگونه صورت می‌گیرد

این یک امر مسلم است که انسان چیزهای مختلف می‌آموزد. چه عواملی در یادگیری انسان دخالت دارد؟ یادگیری چگونه صورت می‌گیرد؟

از طریق حواس

حواس پنجگانه - یعنی بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی - ابزارهایی هستند که انسان با آنها به‌طور جسمانی محیط خود را تجربه می‌کند. انسان از طریق برخی حواس بیشتر فرا می‌گیرد تا از طریق حواس دیگر. تحقیقات تعلیم و تربیتی مشخص کرده است که مردم تقریباً به نسبت‌های زیر از راه حواس می‌آموزند:

چگونه می‌آموزیم

بینایی ۸۳٪

شنوایی ۱۱٪

بویایی ۵٪ / ۳

لامسه ۵٪ / ۱

چشایی ۱٪

بینایی و شنوایی مؤثرترین حواس برای یادگیری تلقی شده‌اند. وقتی که اطلاعات را هم می‌بینیم و هم می‌شنویم، یادگیری وسیعاً افزایش می‌یابد. و هنگامی که اطلاعات توسط بیش از یکی از حواس دریافت شوند، به‌خاطر سپاری به‌طرز قابل ملاحظه‌ای بیشتر می‌شود.

آنچه که به‌خاطر می‌سپاریم

- ۱۰٪ از آنچه که می‌خوانیم
- ۲۰٪ از آنچه که می‌شنویم
- ۳۰٪ از آنچه که می‌بینیم
- ۵۰٪ از آنچه که می‌بینیم و می‌شنویم
- ۴۰٪ از آنچه که می‌شنویم و بیان می‌کنیم
- ۹۰٪ از آنچه که می‌شنویم و انجام می‌دهیم

بنابراین برای تسهیل یادگیری و افزایش به‌خاطر سپاری، فعالیت‌های یادگیری باید بیش از یکی از حواس را در بر گیرند. در حالت ایده‌آل، تجربه یادگیری هنگامی به حداکثر خود می‌رسد که یادگیرنده یا به‌طور لفظی به آنچه که شنیده است پاسخ دهد و یا در پاسخ به آنچه که شنیده است به‌طرزی فعال کاری را انجام دهد.



در فکر خود، آنچه را که قبلاً در مورد لزوم اطاعت یادگیرنده از حقیقت فرا گرفته‌اید، با آنچه که در اینجا در مورد حواس کشف کرده‌اید مقایسه کنید. یادگیری از طریق شنیدن و انجام دادن مدت طولانی در حافظه می‌ماند. استفاده از حقیقت

به عنوان اساسی برای دست زدن به انتخاب‌های زندگی و هدایت اعمال، هدف یادگیری می‌باشد.

از طریق برقراری ارتباط با مطالب

یادگیرنده می‌تواند به تنهایی عمل فراگیری را انجام دهد. او باید از طریق برقراری ارتباط با اطلاعات، حقیقت را برای خود کشف کند. هیچ کس دیگری نمی‌تواند بجای او یاد بگیرد یا او را مجبور به یادگیری کند. یادگیرنده باید شخصاً با مطالب ارتباط برقرار کند تا تغییرات مطلوب به وقوع بپیوندد، باید آنها را جزو وجود خود بسازد. این برقراری ارتباط می‌تواند عقلانی، عاطفی یا جسمانی باشد. در تغذیه روحانی می‌توانیم برقراری ارتباط روحانی را نیز اضافه کنیم. انسان از طریق برقراری ارتباط مستقیم و فعال و کنش متقابل با مطالب، آموزش می‌یابد.

گرچه نمی‌توانیم بجای فرد دیگری یاد گرفته یا او را وادار به یادگیری کنیم، اما می‌توانیم فعالیت‌های یادگیری را طوری برنامه‌ریزی نماییم که فرصت‌هایی فراهم شود تا برقراری ارتباط میان یادگیرنده و اطلاعات و حقیقت تسهیل گردد. اگر قرار است که به کسی کمک کنید تا از لحاظ روحانی رشد کند، می‌توانید فضای خاصی برای درس ایجاد کرده، منابعی را تدارک دیده، و تجربیاتی را سازمان دهید که او را به سمت کشف، تغییر، و یادگیری هدایت کند.

از طریق عمل و تمرین

انسان به واسطه عمل یا شرطی شدن آموزش می‌یابد. وقتی که عملی بارها تکرار شود، معمولاً بدل به یک عادت می‌گردد. بعد از آن تقریباً به طور عادی، بدون برنامه‌ریزی یا حتی فکر کردن به فعالیت، همواره به همان طریقی که عمل کرده‌ایم، کار را انجام می‌دهیم. ما صحبت کردن را از این راه آموخته‌ایم. دوچرخه‌سواری را با تمرین حفظ تعادل یاد می‌گیریم و شنا کردن را با تمرین شنا. در زندگی مسیحی نیز

الگوهای رفتاری نظیر خواندن کتاب مقدس، دعا، حضور در کلیسا و اطاعت از کلام خدا را می‌توانیم در خود ایجاد کنیم.

شرطی شدن، سطح پایین از یادگیری تلقی می‌شود زیرا که مستلزم این نیست که یادگیرنده چیزی را درک کند. صرفاً با تکرار منظم عملی، به آن عادت می‌کنیم. بسیار امکان دارد که بدون درک مفهوم عمل یا درک اینکه چه اتفاقی افتاده است، به‌طور عادی عمل می‌کنیم. در شکل‌گیری عادات، هم عوامل مثبت و هم عوامل منفی دخالت دارند. وقتی که به دیگران تعلیم داده یا به ایشان کمک می‌کنید که به سمت مسیح‌گونه‌گی رشد نمایند، باید نسبت به این عوامل هشیار بوده، از این اصل با درایت استفاده کنید.

از طریق حل مشکلات

حل مشکل طریقی است که به‌واسطه آن مردم فرا می‌گیرند. ایشان معمولاً به هنگام مواجه شدن با موقعیت دشوار، راه حلی پیدا می‌کنند. یک ضرب‌المثل معروف به این حقیقت اشاره کرده، می‌گوید: «نیاز مادر اختراع است.»

در شرایط تعلیمی، سودمند خواهد بود که مسائلی طرح شود که معلم و شاگردان بتوانند به اتفاق هم آنها را حل کنند. هنگامی که یادگیرندگان به‌سوی کتاب مقدس و دیگر منابع هدایت می‌شوند، راه‌حل‌های مهمی کشف خواهند شد. معلم شاگردان را به‌سوی موقعیت‌هایی هدایت می‌کند که مستلزم حل مشکلی است، اما پاسخ به همه مسائل را ارائه نمی‌دهد. وقتی که یادگیرنده شقوق ممکن را مورد ملاحظه قرار داده، در مورد روال عمل تصمیم می‌گیرد، یادگیری صورت می‌پذیرد. در این طریق مهارت‌های تفکر انتقادی‌اش شروع به رشد کرده، و یادگیرنده با ابتکار خود دست به حل مسائل می‌زند.

۹- فعالیت‌های یادگیری را با طرق یادگیری افراد انطباق دهید و شماره‌های مناسب را بر روی خط مقابل هر فعالیت قرار دهید.

a مشخص کردن آیه‌های کتاب مقدس

b دیدن یک تصویر

c ساختن مدلی از روی خیمه شهادت (اجتماع)

d تصمیم‌گیری در مورد دو راه

e شنیدن یک حکایت

f به‌خاطر سپردن آیات کتاب مقدس

g حل کردن یک اختلاف با یک همسایه

h انجام تکالیف کتاب

(۱) از طریق حواس

(۲) از طریق برقراری ارتباط با مطالب

(۳) از طریق عمل و تمرین

(۴) از طریق حل مسائل و مشکلات

یادگیری نزد انسان امر ساده‌ای نیست. بسیاری عوامل نظیر طبیعت فرد، توانایی‌های طبیعی، علائق و نیازها، زمینه قبلی و ارزش‌ها دخالت دارند تا یادگیرنده حقیقتی را برای خود کشف کرده، آن را در تجربیات زندگی‌اش به‌کار برد. یادگیری عبارتست از مجهز شدن برای زندگی. فعالیت‌های یادگیری که یادگیرنده را به‌سمت برقراری ارتباط با حقیقت هدایت می‌کنند و سازمان دادن فرصت‌های یادگیری که او را قادر می‌سازد تشخیص دهد که چه هنگام و چگونه مطالب درسی را برای دست به انتخاب زدن و حل مشکلات به‌کار برد، نقش عمده معلم می‌باشد.

یادگیری به منظور ایجاد رشد روحانی

یادگیری مستلزم کشف و عمل است - یعنی فعل و انفعال شخصی با حقیقت و عمل کردن به آن حقیقت در زندگی. یادگیرنده باید تغییر کند. او باید از طریق ایجاد تغییر در دانش و نگرش‌ها و رفتار خود، رشد کند.

این اصول بنیادین یادگیری برای تغذیه روحانی اساسی هستند. تغذیه روحانی معطوف به زندگی است و آن را در مرکز توجه قرار می‌دهد. تغذیه روحانی مستلزم چیزی بیش از حصول دانش کتاب مقدسی و روحانی است. تغذیه روحانی فرایندی است برای تبدیل زندگی به سمت شباهت به مسیح و قادر ساختن افراد به رشد در جهت بلوغ روحانی.

شخص مسیحی باید مجموعه‌ای از حقایق روحانی مکشوف شده را مطالعه کند. خدا خود را در یک کتاب مکشوف ساخته است. مسیحیانی که درگیر خدمت تغذیه روحانی هستند، ایمانداران را تشویق خواهند کرد تا کتاب مقدس را مطالعه کرده، از این اطلاعات آگاهی یابند.

مسیحیانی که در امر تغذیه روحانی خدمت می‌کنند، می‌دانند که نگرش‌ها و ارزش‌های روحانی در درجه اول اهمیت قرار دارند. تغییر در نگرش و جهان‌بینی برای خدمت تغذیه روحانی اساسی است. عیسی تعلیم داد که جوهر واقعی مسیحیت، محبت به خدا با تمام وجود می‌باشد. این محبت که جلوه‌ای از اراده انسان است، هم‌نوع را نیز در بر می‌گیرد و نهایتاً در ادراک درست خویشتن آشکار می‌شود. محبت بر نگرش‌ها و ارزش‌های یک مسیحی اثر می‌گذارد. چگونگی بازتاب این نگرش‌ها بستگی به این دارد که شخص چگونه فرا گرفته که آنها را ابراز دارد. رشد روحانی و بیش از پیش مسیح‌گونه شدن به ما کمک می‌کند که نگرش‌های خود را به گونه‌ای تغییر دهیم که بیشتر شبیه او شویم.

به همین ترتیب، دانستن و احساس کردن کافی نیست، بلکه اطاعت نیز ضروری است. تا زمانی که حقیقت در ایمانداران تجلی زنده‌ای نیابد، ما مسئولیت تغذیه

روحانی را به درستی انجام نداده‌ایم. رفتار مطیعانه در زندگی یک مسیحی اساسی است. از آنجا که وظیفه ما در تغذیه روحانی، تقویت حیات روحانی است، باید در صدد باشیم که به مردم کمک کنیم تا حیات مسیح تجلی زنده و بالغی در رفتار ایشان بیابد.

۱۰- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) هدف از تغذیه روحانی این است که تغییر را در وهله اول از طریق دانش به انجام رساند.

(b) یادگیری مستلزم تغییر دانش، نگرش و رفتار شخص می‌باشد.

(c) از آنجا که خدمت تغذیه روحانی در صدد ایجاد تغییر در بسیاری از حوزه‌هاست، نتایج کوتاه مدت اندکی از این تلاش‌ها حاصل می‌شود.

(d) تغذیه روحانی مستلزم تغییر زندگی برای انطباق با الگوی مقرر شده توسط خداوندمان می‌باشد.

(e) تغذیه روحانی مستلزم یادگیری حقایق کتاب مقدس می‌باشد.

(f) از آنجا که حقیقت نیرومند است و زندگی را تغییر می‌دهد، لزومی ندارد که تغییر را ترغیب کرده یا هدایت کنیم؛ هر نوع ابتکار و اقدامی برای تغییر باید از خود یادگیرنده ناشی شود.

(g) در ضمن اینکه برای رشد روحانی در جهت تغذیه خدمت می‌کنیم، سعی ما اساساً معطوف به ایجاد تغییر در حوزه دانش می‌باشد.

(h) در فرایند تغذیه روحانی، یادگیری منتهی به این می‌شود که حیات مسیح به طرز مناسبی در مسیحیان متجلی گردد.

خودآزمایی

۱- طبق این درس، آن یادگیری که موجب تغییر دانش، نگرش، و رفتار یادگیرنده می‌شود باید شامل برقراری ارتباط با مطالب و کاربرد آن در شرایط واقعی زندگی شود زیرا که:

- (a) آنچه که شخص صرفاً می‌بیند و می‌شنود ندرتاً به یاد می‌ماند.
 - (b) دروسی که مستلزم واکنش عملی هستند در مقایسه با آنچه که مستلزم برقراری ارتباط نمی‌باشند، مدت طولانی‌تری در حافظه باقی می‌مانند.
 - (c) آنچه که شخص انجام می‌دهد مهم‌تر از آن چیزی است که شخص فکر می‌کند.
 - (d) آنچه که شخص انجام می‌دهد مهم‌تر از آن چیزی است که او هست.
- ۲- اگر به یک مسیحی گفته شود که مسئولیت او این است که پیام انجیل را به دیگران اعلام کند، از این امر پی می‌بریم که درس خود را به بهترین وجه فرا گرفته است که.....

- (a) موضوع مباشرت مسیحی و بشارت را بسیار مطالعه کند.
- (b) در بسیاری از سمینارهای مربوط به صید جان‌ها و شهادت مؤثر شرکت کند.
- (c) پیام مربوط به وظایفش را به خوبی دریافت کرده، از صمیم قلب به آن پاسخ مثبت دهد.

(d) از هر فرصتی استفاده کند تا مسیح را به یک بی‌ایمان بشناساند.

۳- تمثیل عیسی در مورد خانه بنا شده بر روی شن توسط مرد نادان (متی ۲۴:۷-۲۷) به شخص بی‌مبالاتی اشاره می‌کند که حقیقت را می‌شنود. این مثل به ما تعلیم می‌دهد که.....

- (a) همه مردم توانایی درک حقیقت را ندارند.
- (b) تغییر در زندگی شخص برای خیریت او هنگامی پدید می‌آید که وی حقیقت را در موقعیت‌های زندگی پیاده کند.

(c) دانش مهم‌تر از عمل است.

(d) عمل کردن تابع دانش انسان نمی‌باشد.

۴- برخی معلمین که از روش انتقالی برای یادگیری استفاده می‌کنند عقیده دارند که حاصل تلاش‌های‌شان بر پایه قابلیت دانشجویان در به‌خاطر آوردن دقیق اطلاعات قرار دارد. این جمله به چه نوع یادگیری اشاره دارد؟

(a) حافظه تکرار

(b) بازگویی

(c) ادراک

(d) کاربرد

۵- طبق مطالبی که در این درس عنوان کردیم، روش اکتشافی یادگیری بر روی تمام موارد زیر تأکید دارد، مگر بر روی یکی از آنها. کدام عبارت زیر توسط این روش مورد تأکید قرار «نگرفته» است؟

(a) یادگیرنده باید در فرایند یادگیری درگیر شود، و مطالب جدید را درک کرده، آن را به آنچه که قبلاً می‌دانسته است مربوط سازد.

(b) یادگیرنده باید به اعتقاداتی شخصی در مورد مطالبی که می‌آموزد دست یابد.

(c) محتوای درس عامل کلیدی در فرایند تعلیم و یادگیری است.

(d) یادگیرنده باید بیاموزد که ارزش‌های خود را شکل ببخشد و از مطالب به‌عنوان پایه‌ای برای حل مشکلات زندگی استفاده کند.

۶- حکم عیسی در مورد شاگردسازی تمامی امت‌ها و تعلیم اینکه ایشان باید از هر آنچه که او حکم کرده است اطاعت کنند، متضمن این است که.....

(a) تغییر در یادگیرندگان نشانه این است که یادگیری انجام شده است.

(b) یادگیری مستلزم پذیرفتن حقیقت و کاربرد آن در زندگی شخصی می‌باشد.

(c) تعلیم یعنی انتقال تمامی حقیقت به یادگیرنده.

(d) تمام موارد (a)، (b) و (c).

(e) موارد (a) و (b).

۷- هر نوع تغییری که ناشی از یادگیری است، در این سه حوزه به وقوع می‌پیوندد: دانش، نگرش، و رفتار. حوزه مربوط به نگرش‌ها مشکل‌ترین حوزه برای تغییر می‌باشد زیرا که.....

(a) افزودن اطلاعات جدید به دانش قبلی برای شخص مشکل است.

(b) انسان به‌سختی به ارزش‌های خود وابسته است و هر نوع تغییری مستلزم ایجاد تغییر در عواطف و نگرش‌ها می‌گردد.

(c) یادگیری و کاربرد مهارت‌های جدید در موقعیت زندگی فرد دشوار است.

(d) این امر به این معنی است که برای پذیرفتن نقطه‌نظر جدید باید دلایل تازه‌تری کسب کرد.

۸- بر اساس آنچه خواندیم، تحقیقات در زمینه تعلیم و تربیت ثابت کرده که یادگیری مستلزم چیست؟

(a) در وهله اول، مستلزم یک نوع یا یک سطح از یادگیری می‌باشد که در حین یادگیری رشد و کمال می‌یابد.

(b) مستلزم یادگیری مرحله به مرحله تمامی اطلاعاتی است که شخص در تمامی زندگی خواهد آموخت.

(c) مستلزم سطوح گوناگونی از یادگیری می‌باشد: ما برخی اطلاعات را در یک سطح و برخی دیگر را در سطوح دیگر فرا می‌گیریم.

(d) مستلزم سه مرحله است: دوره‌های اولیه، میانی و متأخر که طی آنها تمام دانش مبتنی بر واقعیات را دریافت می‌کنیم.

۹- تجربه یادگیرنده‌ای که در سطح یادگیری حافظه تکرار می‌باشد به واسطه کدام قابلیت زیر مشخص می‌شود؟

- (a) به خاطر سپردن واقعیت‌ها و به یاد آوردن یا تشخیص آنها در آینده.
- (b) دانستن واقعیت‌ها به حد کافی طوری که شخص بتواند آنها را به طور دقیق با کلمات خاص خودش ابراز کند.
- (c) استفاده از اطلاعات برای حل مشکل و وارد شدن به حوزه تفکر خلاق.
- (d) کشف روابط میان واقعیت‌ها و انضمام اطلاعات جدید به مجموعه دانشی که قبلاً کسب کرده بود.

۱۰- هنگامی که یک یادگیرنده قادر است از اطلاعات برای حل مشکلات زندگی استفاده کرده، نگرش‌ها و رفتارش را تغییر دهد و قضاوت‌های درستی بکند، می‌گوییم که او در کدام سطح یادگیری قرار دارد؟

- (a) حافظه تکرار
- (b) کاربرد
- (c) ادراک
- (d) بازگویی

۱۱- وقتی که یادگیرنده مطالب را آنقدر خوب بداند که بتواند آن را بدون تغییر معنی به اشکال مختلف با استفاده از کلمات خاص خود بیان کند، در کدام سطح یادگیری عمل کرده است؟

- (a) ادراک
- (b) کاربرد
- (c) حافظه تکرار
- (d) بازگویی

۱۲- سطح یادگیری که یادگیرنده در آن، روابط میان واقعیت‌ها را کشف کرده، اطلاعات جدید را به آنچه که قبلاً می‌دانسته اضافه کند، و دست به تعمیم زده، ارزش‌ها را شکل دهد و مهارت‌هایی را بدست آورد، چه نامیده می‌شود؟

(a) ادراک

(b) کاربرد

(c) حافظه تکرار

(d) بازگویی

۱۳- یکی از نکاتی که به‌طور کلی و عمومی می‌توانیم در مورد چگونگی یادگیری انسان بیان کنیم، این است که انسان.....

(a) به‌طور برابر از طریق تمامی حواسش فرا می‌گیرد.

(b) از طریق تلفیق دو حس از حواس پنجگانه به بهترین وجه فرا می‌گیرد.

(c) از طریق حواس باصره و شنوایی به مؤثرترین وجه فرا می‌گیرد.

(d) بدون در نظر گرفتن حواس به کار رفته در فرایند یادگیری فرا می‌گیرد.

۱۴- همانطور که در درس گفته شد، تحقیقات در زمینه تعلیم و تربیت، نشان می‌دهد که به‌خاطر سپاری هنگامی در بالاترین حد خود انجام می‌شود که.....

(a) بیش از یک حس در فعالیت‌های یادگیری به کار رفته باشد.

(b) شخص اطلاعات ارائه شده را ببیند و بشنود.

(c) شخص بشنود و آنچه را که فرا گرفته است بیان کند.

(d) یادگیرنده می‌شنود و سپس بر آنچه که شنیده است عمل می‌کند.

۱۵- در بحث‌مان در مورد «یادگیری چگونه صورت می‌گیرد»، تمام عبارات زیر قید شده‌اند به استثناء یکی. کدام عبارت قید «نشده» است؟

(a) یادگیرنده باید شخصاً با مطالب ارتباط برقرار کند تا تغییرات به وقوع بپیوندند.

(b) یادگیرنده به‌واسطه شرطی شدن و تکرار یک عمل تا زمانی که بدل به یک

عادت شود (از طریق تمرین و عمل) فرا می‌گیرد.

(c) یاد گیرنده هنگامی که با موقعیت دشواری مواجه شود، گرایش به یافتن یک راه حل دارد (از طریق حل مشکل).

(d) یادگیرنده هنگامی که با اراده خود، بدون هدایت یا آموزش فرا می گیرد، به بهترین وجه کارش را انجام می دهد و به سریع ترین شکل می آموزد.

۱۶ - ۱۷ هر یک از مثال های زیر را به دقت مورد ملاحظه قرار داده، ببینید کدام روش به کار رفته و کدام سطح یادگیری احتمالاً مطرح شده است. سپس عوامل مثبت یا منفی را که در آن روش می بینید، در دفتر یادداشت تان به اختصار مورد بحث قرار دهید. می توانید برای بهتر شدن کاربرد آن روش خاص، پیشنهادی ارائه دهید و یا آن را توجیه کنید.

۱۶- حمید در یک کلاس شلوغ آموزش کتاب مقدس به بزرگسالان تدریس می کند. او هر یکشنبه در حضور کلاس ایستاده، به ایراد سخنرانی می پردازد. او نکات خوبی را یادداشت کرده، با آمادگی صحبت می کند و برای متصور کردن محتوای درسی اش از مثال ها و تجربیات زیادی که مربوط به زندگی می شوند استفاده می کند. او همچنین برای کمک به دانشجویان در جهت درک بهتر واقعیت ها از نقشه و وسایل بصری بهره می گیرد. برخی از دانشجویان از صحبت های او یادداشت برمی دارند. اما اکثریت در کمال سکوت گوش فرا داده تمام توجه خود را معطوف به او می کنند. او انتظار دارد که دانشجویان مطالبی را که او مطرح می سازد «بدانند». او عقیده دارد که حاصل کار ایشان از طریق پرسش و آزمون هفتگی (که مربوط به نکات دقیق مطرح شده توسط او می شود) تسلط آنان را بر موضوع درس نشان خواهد داد. دور حرف مربوط به روش یادگیری که او به کار برده است و حرف مقابل سطح یادگیری که احتمالاً پدید می آید دایره ای بکشید.

- | | |
|---------------------|-------------|
| (a) یادگیری انتقالی | (d) بازگویی |
| (b) یادگیری اکتشافی | (e) ادراک |
| (c) تشخیص | (f) کاربرد |

.....

.....

۱۷- ماندانا در دبیرستان به تدریس کتاب مقدس مشغول است. او محصلین را دور یک میز بزرگ می‌نشانند که روی آن تعدادی آیه‌یاب و لغت‌نامه کتاب مقدس، اطلس (دایرةالمعارف) کتاب مقدس، کاغذ و مداد هست (و همچنین چند کتاب مرجع دیگر در زمینه علوم کتاب مقدسی). او معمولاً درس را به صورت اجمالی شرح می‌دهد و بعد تعدادی سؤال روی تخته می‌نویسد. در ضمن اینکه شاگردان را تشویق می‌کند تا برای دادن پاسخ داوطلب شوند، مراقب است که به هنگام تبادل نظر، کسی از قلم نیفتد. محصلین اغلب در قالب جملات خودشان بیان می‌کنند که چه درس‌هایی از مطالعه‌شان یاد گرفته‌اند و چگونه این دانش بر نحوه تفکر و احساس و رفتارشان اثر گذاشته است، و چگونه این اطلاعات و دانش جدید در نظام ارزشی و دانش موجودشان جای می‌گیرد. ماندانا ایشان را تشویق می‌کند که از این دانش جدید برای حل مشکلات زندگی‌شان استفاده کنند و آن را به نظام ارزش‌های خود اضافه کنند. او گرایش دارد که پیشرفت‌شان را بر اساس پاسخ‌های‌شان ارزیابی کند، و همچنین بر اساس تغییری که در رفتار و نگرش‌شان به وجود می‌آید. دور حرفی که روش تدریس ماندانا را نشان می‌دهد، و نیز دور حرفی که بالاترین سطح یادگیری در کلاس را مشخص می‌سازد، دایره‌ای بکشید.

- | | |
|---------------------|----------------|
| (a) یادگیری انتقالی | (d) بازگو کردن |
| (b) یادگیری اکتشافی | (e) ادراک |
| (c) تشخیص | (f) کاربرد |

.....

۱۸- چنانکه در این درس فرا گرفتیم، تعلیم بدینگونه تعریف شده است:

- (a) بازگو کردن چیزی به کسی
 (b) اداره فعالیت‌هایی که افراد را مشغول نگاه دارد.
 (c) کمک به اشخاص برای اینکه یاد بگیرند.
 (d) متقاعد کردن فرد در مورد صحت و منطقی بودن چیزی.

۱۹- یادگیری، چنانکه در این درس بحث و تعریف شده است، عبارتست از:

- (a) گوش کردن به یک منبع اطلاعاتی.
- (b) دیدن و شنیدن هنگام ارائه اطلاعات واقعی.
- (c) کشف حقیقت بعد از تحقیقات وسیع.
- (d) کشف اطلاعات و دادن پاسخ‌های مطلوب به آن.

۲۰- در این درس هدف یادگیری چگونه توصیف شده است؟

- (a) استفاده از حقیقت به عنوان پایه‌ای برای دست زدن به انتخاب‌های زندگی و هدایت اعمال.
- (b) تهیه چارچوبی برای تصمیمات زندگی که از لحاظ عقلانی، اجتماعی و روانی قابل عمل باشند.
- (c) کسب دانش، نگرش و مهارت‌های ضروری برای یک زندگی غنی و مولد.
- (d) رشد انسان به شکلی کامل در زمینه دانش، نگرش‌ها و مهارت‌ها.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- ۶- (b) یادگیرندگان همسو با حقیقت تغییر کنند.
(d) یادگیرندگان حقیقت را در عمل پیاده کنند.
(e) یادگیرندگان اطلاعات را کشف کرده، به آن واکنش نشان دهند.
- ۱- (a) پاسخ خودتان. بسیاری از افراد چیزی شبیه به این می‌گویند: یادگیری عبارتست از دریافت اطلاعات نظیر یک درس از کسی.
(b) پاسخ خودتان. باز بسیاری از افراد بر این باورند که تعلیم مستلزم عرضه اطلاعات به شنونده یا شنوندگان می‌باشد.

۷- (a) ۱) دانش

(b) ۲) نگرش

(c) ۳) رفتار

(d) ۲) نگرش

(e) ۱) دانش

(f) ۳) رفتار

(g) ۱) دانش

(h) ۲) نگرش

(i) ۳) رفتار

(j) ۳) رفتار

(k) ۱) دانش

(l) ۲) نگرش

۲- (a) ۱) یادگیری انتقالی

(b) ۲) یادگیری اکتشافی

(c) ۳) پاسخ خودتان

۸- (a) ۱) حافظه تکرار

(b) ۲) بازگویی

(c) ۳) ادراک

(d) ۴) کاربرد

(e) ۲) بازگویی

(f) ۱) حافظه تکرار

(g) ۴) کاربرد

(h) ۳) ادراک

(i) ۳) ادراک

(j) ۴) کاربرد

(k) ۱) حافظه تکرار

(l) ۲) بازگویی

(m) ۲) بازگویی

(n) ۱) حافظه تکرار

(o) ۳) ادراک

(p) ۳) ادراک

۳- پاسخ خودتان. من انتظار دارم که یادگیرنده در کلاس پرویز بیش از یادگیرنده کلاس پروانه مطلب فرا گیرد. یادگیرنده در کلاس پرویز از آنجا که در فرایند دخالت دارد، به احتمال زیاد با درس پیوند می‌یابد و برایش معنی‌دارتر است تا برای یک تماشاچی ساده.

۹- (a) ۳) از طریق عمل و تمرین

(b) ۱) از طریق حواس

(c) ۲) از طریق برقراری ارتباط با مطالب

(d) ۴) از طریق حل مسائل و مشکلات

- (e) ۱ از طریق حواس
- (f) ۳ از طریق عمل و تمرین
- (g) ۴ از طریق حل مسائل و مشکلات
- (h) ۲ از طریق برقراری ارتباط با مطالب

- ۴- (a) ۱ یادگیری انتقالی
- (b) ۲ یادگیری اکتشافی
- (c) ۲ یادگیری اکتشافی
- (d) ۱ یادگیری انتقالی
- (e) ۲ یادگیری اکتشافی
- (f) ۱ یادگیری انتقالی
- (g) ۲ یادگیری اکتشافی
- (h) ۱ یادگیری انتقالی

۱۰- (a) غلط

(b) صحیح

(c) غلط

(d) صحیح

(e) صحیح

(f) غلط

(g) غلط

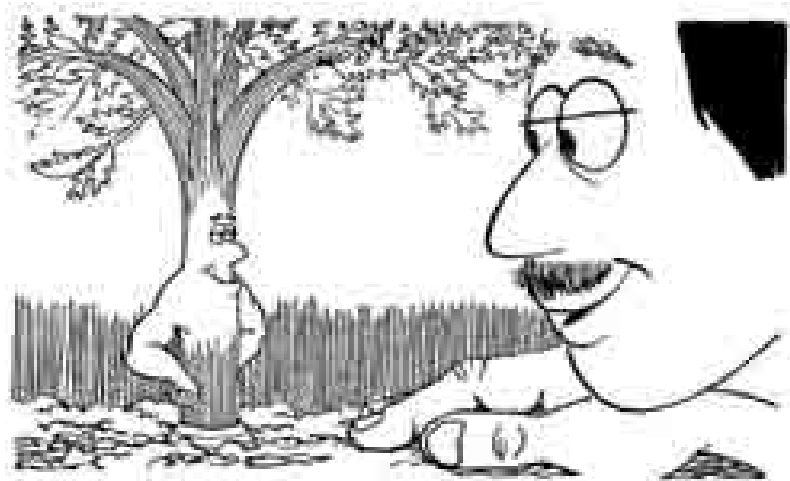
(h) صحیح

رشد و یادگیری

پدر مسعود کشاورز است. او بر روی زمینش سخت کار کرده، آن را آماده می‌سازد و بذرها را کاشته، کود می‌پاشد و برای مبارزه با آفات نباتی سم‌پاشی می‌کند. هویج‌ها، لوبیاها، کدوها و گوجه‌فرنگی و دیگر سبزیجات او ظاهراً درشت‌تر بوده، سریع‌تر از سبزیجات سایر کشاورزان آن ناحیه رشد می‌کند و از کیفیت بهتری برخوردار است.

پدر مسعود یک اصل مهم را برای رشد درک کرده است و آن را با پسرش در میان گذاشته، می‌گوید: «اگر شرایط مساعد باشد، می‌توان به حیات بذر کمک کرد تا به حداکثر امکان رشدش برسد. مراقبت و شرایط مساعد، گیاهانی به‌بار می‌آورند که به‌هنگام رشد و رسیدن، سلامت و حیات را منعکس می‌سازند.» پدر مسعود فرا گرفته است که نشانه‌های رشد مناسب را تشخیص دهد. او دقیقاً می‌داند که در هر مرحله از رشد چه بکند تا رشد گیاه را از مرحله جوانه‌ظریف به‌سوی گیاهی رسیده هدایت کند.

شاید متوجه شده باشید که همان اصل رشد که پدر مسعود را بدل به کشاورز موفقی نموده، در قلمرو حیات روحانی نیز مصداق دارد. در این درس واقعیت‌هایی را در مورد یادگیرندگان خواهید آموخت که به شما کمک خواهند کرد تا ایشان را تشویق نمایید که از امکانات بالقوه خود برای رشد و نمو استفاده کنند. با ایجاد شرایط مساعد برای یادگیری، و تشخیص نیازهای ویژه یادگیرندگان در هر سطح از رشد، و انطباق استراتژی پرورشی برای پاسخ به نیازها، می‌توانید فرایند یادگیری را تسهیل نمایید. باشد که به‌هنگام کاربرد دانشی که کسب می‌کنید، نه فقط نسبت به واقعیت‌های مربوط به یادگیرندگان حساس باشید، بلکه در مورد هدایت و برنامه زمانی روح‌القدس، این استاد اعظم، نیز هوشیار باشید.



رئوس مطالب

درک رشد انسان
خصوصیات یادگیرندگان

اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- توضیح دهید که انسان‌ها چگونه رشد و نمو می‌کنند و دوره‌های عمده حیات انسان را مشخص سازید.
- ویژگی‌های یادگیرندگان در طفولیت، نوجوانی و بزرگسالی و در تقسیمات فرعی مربوط به هر یک از این دوره‌های عمده را توصیف کنید.
- عواملی را که بر شخصیت انسان اثر می‌گذارند، مورد بحث قرار دهید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- هر یک از اهداف درسی را خوانده، تقسیمات عمده درس را در رئوس مطالب مورد توجه قرار دهید.

۲- بر طبق روال عادی بر روی متن درس کار کنید. به‌هنگام پاسخ به سؤالات تمرین‌ها، لطفاً پاسخ‌های خود را پیش از نگریستن به پاسخ‌هایی که ما داده‌ایم بنویسید. بعد از اتمام این کار، به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.

متن درس

درک رشد انسان

چگونگی رشد انسان

موفقیت در ایجاد رابطه و در تعلیم مؤثر، تا حد بسیاری بستگی به درک ما از طبیعت انسان دارد. برای درک خود و کسانی که در صدد پرورش رشد روحانی‌شان هستیم، باید رشد و نمو انسانی را مطالعه کنیم.

انسان به طرق مختلف رشد می‌کند. به محض شروع حیات، ما جسماً رشد خود را آغاز می‌کنیم. بدن ما سال‌های متمادی به رشد خود ادامه می‌دهد تا اینکه بعد از بلوغ به قامت نهایی خود می‌رسیم. ما همچنین از لحاظ عقلانی، عاطفی، اجتماعی و روحانی رشد می‌کنیم. رشد در این چهار حوزه، می‌تواند مدت‌های مدید بعد از توقف رشد جسمانی ادامه یابد. در واقع رشد در زمینه‌های غیر جسمانی می‌تواند در سراسر زندگی ادامه پیدا کند، مگر آنکه مرگ، سالخوردگی یا ضعف جسمانی امکان رشد را مختل سازد.

رشد در هر یک از این پنج حوزه یا جنبه‌های حیات، بسیار مهم است. سالم و کامل بودن یعنی رشد کردن به‌طرزی مناسب در تمام این پنج زمینه. سلامت یا کاملیت هنگامی متحقق می‌شود که ما تعادل مطلوبی در هر یک از این جنبه‌ها برقرار سازیم. نامتعادل بودن هنگامی است که شخص نتواند در یک یا تعدادی از این حوزه‌های اساسی زندگی رشد کند، یا وقتی که یکی از حوزه‌ها به‌ضرر حوزه‌های

دیگر رشد کند. هدف تغذیه روحانی، نیل به کمال است - یعنی رشد مناسب در هر زمینه زندگی.

مسیحیان غالباً جایگاه والایی را برای رشد روحانی قائلند. رشد روحانی از این جهت برای ما ارزشمند است که حیات در مسیح ابدی است. سایر حوزه‌های حیات انسانی موقتی بوده، با مرگ خاتمه می‌یابد، اما روح انسان بعد از مرگ زنده است و نزد خدا باز می‌گردد. بنابراین در پرورش مسیحی، تأکید بسیاری بر رشد روحانی داریم. رشد گرچه امری طبیعی است، اما نباید چنین بینداریم که رشد به‌سوی کمال به‌طرز اتوماتیک انجام می‌شود. چنین رشدی باید تشویق شده، پرورش یابد. معلمین و نیز دیگر مسیحیان، این فرصت را دارند که رشد را تسهیل نمایند.

۱- دور حرف مربوط به عبارات صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) افراد از لحاظ جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و روحانی رشد می‌کنند.
(b) برای یک مسیحی، رشد در هر یک از زمینه‌های حیات مهم است.
(c) کاملیت هنگامی است که تعادل مطلوبی در هر زمینه بالقوه رشد انسانی متحقق شود.

(d) پرورش مسیحی جایگاه والایی برای رشد جسمانی قائل است.

(e) رشد مسیحی طبیعی بوده، به‌طور اتوماتیک پدید می‌آید.

(f) رشد در حوزه‌های غیر جسمانی باید در سراسر حیات ادامه یابد.

دوره‌های عمده زندگی

ما عموماً زندگی انسان را به سه دوره عمده تقسیم می‌کنیم: طفولیت، بلوغ یا نوجوانی، و بزرگسالی. طفولیت به آن دوره از زندگی اشاره می‌کند که سال‌های بعد از تولد تا سن یازده یا دوازده سالگی را در بر می‌گیرد. دوره بلوغ یا نوجوانی شامل دوره زندگی از حدود دوازده سالگی تا حدود هجده یا نوزده سالگی می‌شود. بزرگسالی که طولانی‌ترین دوره زندگی است از حدود بیست سالگی آغاز شده تا

مرگ ادامه می‌یابد. از آنجا که بعضی از انسان‌ها تا کهنسالی زندگی می‌کنند، این دوره می‌تواند دو سوم یا سه چهارم طول عمر را در بر گیرد.

آیا توجه کرده‌اید که هنگامی که افراد از این دوره‌های رشد عبور می‌کنند، قابلیت‌ها، نیازها و ویژگی‌های‌شان نیز تغییر می‌کند؟ یک نوزاد با آنچه که در سن ده سالگی خواهد بود بسیار تفاوت دارد. یک بزرگسال جوان در اوایل بیست سالگی با یک فرد شصت یا هفتاد ساله تفاوت دارد. بدیهی است که این سه گروه‌بندی عمده نمی‌تواند به‌طور دقیق مراحل متعدد رشد انسانی را توصیف کند. در نتیجه، ما هر یک از این دوره‌ها را به سه تقسیم‌بندی فرعی قسمت می‌کنیم تا بتوانیم خصوصیات متغیر هر مرحله فرعی را دقیق‌تر توصیف کنیم.

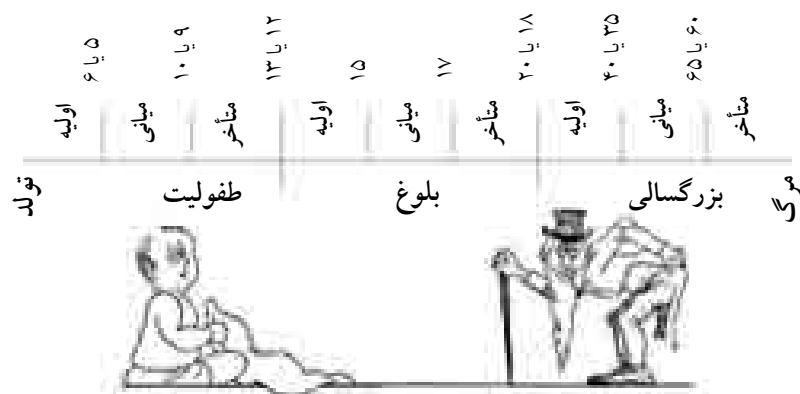
۱- طفولیت، یعنی اولین دوره عمده زندگی به سه بخش تقسیم می‌شود: طفولیت اولیه، میانی و متأخر. طفولیت اولیه آن دوره از تولد تا سن حدود پنج یا شش سالگی را توصیف می‌کند. در بسیاری از جوامع، کودکان در پایان همین دوره، مدرسه را آغاز می‌کنند. طفولیت میانی دوره از پنج یا شش سالگی تا نه یا ده سالگی می‌باشد. طفولیت متأخر دوره از سن ده سالگی تا آغاز نوجوانی یعنی در حدود دوازده سالگی را در بر می‌گیرد.

۲- دوره بلوغ یا نوجوانی، دومین دوره عمده زندگی است که به‌همان ترتیب به سه بخش تقسیم می‌شود: نوجوانی اولیه، میانی و متأخر. نوجوانی اولیه شامل سنین دوازده تا حدود پانزده سالگی می‌باشد. در بسیاری از کشورها، نوجوانان در این سن وارد دوره راهنمایی می‌شوند. نوجوانی میانی شامل نوجوانان پانزده تا هفده ساله می‌شود. در بسیاری از فرهنگ‌ها نوجوانان در این سن وارد مرحله دوم مدرسه متوسطه می‌شوند. نوجوانی متأخر شامل جوانان از حدود هفده تا نوزده ساله می‌گردد. معمولاً در این دوره است که نوجوانان از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شوند.

۳- **بزرگسالی** که سومین و آخرین دوره عمده زندگی است، به سه دوره فرعی اولیه، میانی و متأخر تقسیم می‌شود. بزرگسالی اولیه از حدود بیست سالگی آغاز شده به سن حدود سی و پنج یا چهل منتهی می‌گردد. این دوره، دوره بسیاری از آغازهاست: به عنوان مثال آغاز فعالیت شغلی، و امور مربوط به خانه و خانواده. بزرگسالی میانی شامل دوره از سی و پنج یا چهل سالگی تا شصت و پنج سالگی می‌گردد. این بخش از دوره زمانی با رسیدن به برخی از اهداف اولیه مشخص می‌شود، به عنوان مثال، شخص در جامعه مستقر شده، فرزندان بزرگ شده و تحصیل کرده دارد که آماده ورود به مرحله بزرگسالی می‌شوند. بزرگسالی متأخر از شصت یا شصت و پنج سالگی تا پایان زندگی را شامل می‌شود.

چند سال پیش، یک شرکت بیمه برای توصیف دوره‌های عمده زندگی از سه طبقه‌بندی استفاده کرد. طفولیت و سال‌های نوجوانی را «دوره یادگیری» نام نهاد. دوره بزرگسالی اولیه و میانی «دوره کسب معاش» نامیده شد. و بزرگسالی متأخر «دوره اشتیاق و آرزو» نامگذاری شد. شاید برای من و شما که سعی داریم اکثر اوقات و استعداد خود را صرف پرورش و تغذیه روحانی مسیحیان نماییم، بتوان درسی از این نامگذاری گرفت. باشد که مطالبی در اینجا بیاموزیم که به ما الهام بخشد تا اصول بذرپاشی و رسیدن محصول را که مسعود به کار برد، در عمل پیاده کنیم طوری که بتوانیم به رشد روحانی و سالم انسان‌ها مدد رسانیم.

تفاوت ویژگی‌ها از یک دوره به دوره دیگر در طفولیت و نوجوانی نسبت به بزرگسالی و کمال بسیار شدیدتر است. با این حال، نه تقسیمات عمده و نه تقسیمات فرعی درون آنها، به طور روشن معین شده است. هر شخصی با شتاب متفاوتی رشد می‌کند.



مراحل مختلف زندگی انسان

۲ تا ۷: دور حرف مقابل مرحله سنی هر یک از افراد توصیف شده در زیر دایره‌ای بکشید.

۲- پسری که یازده سال دارد:

(a) طفولیت میانی

(b) طفولیت متأخر

(c) نوجوانی میانی

۳- یک بانوی سی و هفت ساله:

(a) کودکی

(b) نوجوانی متأخر

(c) بزرگسالی اولیه

۴- مرد هفتاد ساله:

- (a) بزرگسالی متأخر
- (b) بزرگسالی میانی
- (c) جوانی متأخر

۵- دختر سه ساله:

- (a) طفولیت اولیه
- (b) طفولیت میانی
- (c) نوجوانی اولیه

۶- نوجوان چهارده ساله:

- (a) طفولیت اولیه
- (b) نوجوانی اولیه
- (c) بزرگسالی اولیه

۷- شخص نوزده ساله:

- (a) بزرگسالی میانی
- (b) نوجوانی میانی
- (c) نوجوانی متأخر

رشد شخصیت

همانطور که ملاحظه خواهید کرد، کسانی که در پنج حوزه زندگی که قبلاً قید شد، تعادل برقرار می‌کنند، به یک حالت سلامت یا کاملیت می‌رسند؛ و نیز خواهید دید که انسان‌ها به‌هنگام گذر از دوره‌های گوناگون رشد، نیازها و قابلیت‌ها و خصوصیات‌شان تغییر می‌یابد. ابتدا، می‌خواهیم رشد موازی شخصیت و عواملی را که بر آن اثر می‌گذارد، مورد ملاحظه قرار دهیم. این بررسی کلی مقدمه‌ای است برای اینکه بتوانیم عامل دیگری را که بر قابلیت یادگیری شخص اثر می‌گذارد، درک کنیم.

افراد متعلق به گروه‌های سنی یکسان عمدتاً از بسیاری لحاظ با یکدیگر تفاوت دارند. ظاهراً ایشان از الگوهای رشد و نمو مشابهی پیروی می‌کنند، با این حال هیچ فردی را نمی‌توان به‌عنوان نمونه یک سن تلقی کرد: هیچ یک دقیقاً از تعداد مشخصی از خصوصیات یکسان برخوردار نیست. هر شخصی منحصر به فرد است و دارای خلق و خو، خصلت و شخصیت خاص خود می‌باشد، اما اینها در اثر تجربه، پرورش، و فرایند یادگیری رشد کرده، تغییر می‌یابند.

شخصیت اصطلاحی است که به مجموعه عواملی اشاره می‌کند که شخص را آن طوری شکل داده که می‌بینیم. این عوام شامل افکار، اعمال، نگرش، خصوصیات اخلاقی، خلق و خو و خصائل یک فرد می‌باشد.

شخصیت انسان طی یک دوره زمانی طولانی تحت تأثیر نیروهای پیچیده‌ای قرار می‌گیرد. در اینجا ما سه عامل را که بر رشد شخصیت اثر می‌گذارد مورد بحث قرار خواهیم داد: (۱) وراثت، (۲) محیط، (۳) اراده.

۱- وراثت. خصوصیات ویژه‌ای که از والدین خود به ارث می‌بریم، وراثت نامیده می‌شود. اندازه و شکل بدن، رنگ مو و چشم، حالات روحی، و قابلیت‌های ذهنی تنها چند نمونه از کیفیاتی هستند که شخصیت ما را تشکیل می‌دهند. محققین توجه بسیاری به تفاوت‌های افراد در زمینه توانایی‌های ذهنی ناشی از وراثت کرده‌اند. این قابلیت‌های ذهنی ظاهراً در محدوده وسیعی، حد توانایی یادگیری فرد را تعیین می‌کند. این عامل وراثتی مخصوصاً در شیوه یادگیری و رشد کودکان مشاهده می‌شود. توانایی رشد و نمو در هر زمینه زندگی بخشی از استعداد طبیعی افراد می‌باشد. اما به دلیل ترکیب منحصر به فرد خصوصیتی که بر رشد شخصیت اثر می‌گذارند و ناشی از وراثت می‌باشد، هر فرد به طریقی رشد و نمو خواهد کرد که با طریق رشد هر کس دیگری متفاوت است.

۲- محیط. منظور از محیط، فضای اطراف ما می‌باشد که در آن رشد می‌کنیم. افراد در مکان‌های مادی رشد می‌کنند که اثرات محدودکننده و تعیین‌کننده‌ای بر روی

رشدشان می‌گذارد. به‌عنوان مثال، زندگی در یک چادر عشایری و زندگی در یک مجتمع مسکونی پر جمعیت اثرات متفاوتی بر روی رشد کودکان می‌گذارد. به‌عنوان مثال به تفاوتی بیندیشید که میان کودکان روستایی که می‌توانند خاک را حفر کرده، بپرند، بدوند، دشت و دمن را زیر پا بگذارند و در محیط طبیعی‌شان به کار و بازی بپردازند و کودکان شهری که در آپارتمان‌ها درون برج‌های پر جمعیت زندگی کرده، در خیابان‌های شلوغ و کوچه‌های آسفالت شده بازی می‌کنند، وجود دارد. محیط اجتماعی که آن نیز بر روی رشد افراد اثر می‌گذارد، شامل اموری است نظیر: همسایگانی که در مجاورت آنان زندگی می‌کنند، مشغولیت‌ها و تعلیم و تربیت، درآمد خانوادگی، کیفیت مدارس در دسترس، اوقات فراغت برای تفریح و فعالیت فرهنگی و مذهبی و دیگر عوامل. فرهنگ نیز جزئی از محیط ما می‌باشد. هر فرهنگی ارزش‌های خاص خود را تعیین کرده، رفتار منطبق با این ارزش‌ها را تعلیم می‌دهد. محیط، هم دارای محدودیت و هم دارای امکانات برای رشد قابلیت‌های ذهنی ما می‌باشد. ما معمولاً محیطی را ترجیح می‌دهیم که فرصت‌های وسیعی برای رشد را عرضه می‌دارد و نه محیطی که دارای امکانات ناچیز و محدود است.

۳- اراده. اراده افراد نیز بر رشد شخصیت ایشان اثر می‌گذارد. ایشان دارای قدرت انتخاب می‌باشند. ایشان می‌توانند از فرصت‌های پیش آمده استفاده کنند و یا اینکه این فرصت‌ها را نادیده انگاشته، از آنها غفلت ورزند. برخی افراد بر این باورند که اراده برای رشد شخصیت مهم‌تر از قابلیت ذهنی موروثی یا فرصت‌های محیطی است.

۸- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

- (a) هر شخصی با قابلیت برای رشد و نمو و یادگیری متولد می‌شود.
 (b) قابلیت ذهنی تنها حوزه‌ای است که تمامی مردم به تساوی از آن برخوردارند.
 (c) محل زندگی یک شخص هیچ تأثیری بر قابلیت او برای رشد و نمو و یادگیری ندارد.

- d) محیط اطراف انسان‌ها می‌تواند یا فرصت‌های خاصی را برای پرورش رشد و نمو و یادگیری فراهم آورد و یا مانع آنها شود.
- e) اشتیاق یک شخص به رشد و نمو و یادگیری اثر قطعی بر چگونگی پیشرفت او در این زمینه‌ها دارد.
- f) شخص قربانی وراثت و محیط و اراده‌اش می‌باشد. بنابراین سعی در تغییر و رشد یا به عبارت دیگر بهبود شرایط زندگی‌اش بی‌فایده است.

خصوصیات یادگیرندگان

یادگیری تحت تأثیر رشد می‌باشد. اما هنگامی که شخص شروع به رشد می‌کند، آموخته‌هایش پایه رشد مداوم او می‌گردد. اولین مرحله عمده رشد که توجه خود را بر روی آن متمرکز خواهیم کرد، مرحله طفولیت می‌باشد. کودک که رشد خود را از یک حالت بسیار بی‌دفاع آغاز می‌کند، مراحل گوناگون قابل تشخیصی را پشت سر می‌گذارد. با گذشت زمان، وقتی که کودک به مرحله نوجوانی می‌رسد، به‌طرز محسوسی در زمینه‌های جسمانی، اجتماعی، عقلانی و روحانی رشد کرده است. در این بخش مراحل گوناگون رشد را مطالعه کرده، ویژگی‌های مشترک این مراحل را بررسی خواهیم کرد.

طفولیت اولیه

این دوره زندگی که از هنگام تولد تا شروع رفتن به مدرسه را در بر می‌گیرد، تغییرات بسیاری را در زمینه رشد به‌همراه می‌آورد. برخی معتقدند که در این دوره، بیش از هر دوره دیگر زندگی، رشد و یادگیری صورت می‌پذیرد.

از لحاظ جسمانی

در سراسر دوره نوزادی و طفولیت اولیه، انسان‌ها رشد جسمانی بسیار سریعی را تجربه می‌کنند. کودک به‌هنگام تولد بسیار کوچک و بی‌دفاع می‌باشد و برای هر نیازی باید وابسته به مادر و دیگران باشد، اما تا رسیدن به مرحله ورود به مدرسه، به‌طرز قابل ملاحظه‌ای رشد کرده است. او یاد گرفته است که بر روی تخت بغل‌د، بنشیند، بایستد، راه برود و بدود. رشد سریع این دوره ناشی از رشد ماهیچه‌های بزرگ است. این ماهیچه‌های بزرگ قابلیت حرکات عمده بدن را که مستلزم هماهنگی یا دقت زیادی نمی‌باشند، کنترل می‌کنند. در این سن، ماهیچه‌های کوچک که شخص برای انجام حرکات ظریف نیاز دارد، کاملاً رشد نکرده‌اند. بنابراین کودک نمی‌تواند عملیات ظریفی مانند کشیدن خط، بریدن بر روی خط یا رنگ‌آمیزی کردن در داخل خطوط یک تصویر را انجام دهد. چنین مهارتی به مرور زمان بدست می‌آید. بیشتر رشد کودک در بازی‌های او دیده می‌شود.

فعالیت‌های حرکتی نظیر دویدن، پریدن، پرت کردن، زدن توپ، روی هم گذاشتن مکعب‌ها نمونه فعالیت‌های جسمانی کودکان خردسال است. این بدین معنی است که خردسالان را باید با فعالیت‌های حرکتی مشغول ساخت. آنان نمی‌توانند مدت طولانی آرام بنشینند زیرا که فقط مدت کوتاهی می‌توانند توجه خود را بر چیزی متمرکز کنند. از آنجا که فعال هستند، به سرعت نیز خسته می‌شوند و به تعادلی میان فعالیت جسمانی و کار خلاق که نیاز به فعالیت بدنی نداشته باشد، احتیاج دارند.

از لحاظ ذهنی

طفولیت اولیه، دوره اکتشافات ذهنی است. کودک از طریق حواسش کشف می‌کند. به همین دلیل است که سعی می‌کند به هر چیز که در دسترسش است دست بزند؛ اغلب نیز اشیاء را به دهان می‌گیرد. او در حال کشف است و لذا نیاز به مراقبت شخص بزرگتر دارد زیرا که هنوز خطرات بلعیدن یا لمس اشیاء زیان‌آور را یاد نگرفته

است. کودکان خردسال معمولاً کنجکاو بوده، سؤالات بسیاری طرح می‌کنند. از این راه، ایشان جهان اطراف‌شان را کشف می‌کنند.

در این دوره، کودکان یاد می‌گیرند که از زبان به‌عنوان ابزاری برای ابراز وجود خود استفاده کنند. بعد از به‌کار بردن اولین کلمات، قابلیت ایشان برای استفاده از زبان تقریباً سریع رشد می‌کند. هنگامی که کودکان به سن مدرسه می‌رسند، فرهنگ لغات آنان به حدود هزار کلمه می‌رسد که البته بستگی به محیط خانوادگی ایشان و اثرات فرهنگی دارد. ارتباط آنان با زبان معمولاً محدود به صحبت کردن است و هنوز خواندن و نوشتن را فرا نگرفته‌اند. اگر به کودکان در این سن درس می‌دهید، لازم است از کلماتی استفاده کنید که ایشان درک می‌کنند. درک آنان از آنچه که به ایشان گفته می‌شود، لغوی است، بنابراین باید کلماتی را انتخاب کنید که معنی دقیق مورد نظرتان را برسانند.

در این دوره اولیه رشد، توانایی کودکان در تمرکز توجه‌شان به یک مفهوم واحد بسیار محدود است. در حدود دو یا سه سالگی مدت زمان تمرکز حواس بیش از دو یا سه دقیقه نمی‌باشد، اما وقتی که به سن مدرسه می‌رسند این مدت به هفت یا ده دقیقه افزایش می‌یابد. به همین دلیل، معلمین باید فعالیت‌های یادگیری را طوری برنامه‌ریزی کنند که این مدت زمانی را مد نظر گیرد. باید پیش از آنکه توجه یادگیرندگان به چیزهای دیگری جلب شود، فعالیت را تغییر داد.

به‌طور عام کودکان خردسال قوه تخیل قوی دارند. ایشان می‌توانند از کنار واقعیت بگذرند و در یک دنیای «فرضی» و خیالی زندگی کنند. این امر می‌تواند برای کمک به تعلیم بسیاری حقایق مورد استفاده قرار گیرد. در همین چارچوب زمانی، بسیاری از والدین کودکان خود را بر آن می‌دارند که شعرهای ساده، سرودها و حتی بخش‌های کوتاه کتاب مقدس را حفظ کنند. توانایی کودکان در این فعالیت حیرت‌انگیز است زیرا که انگیزه بسیار قوی داشته و قابلیت غیر معمولی برای حفظ آنچه که یاد می‌گیرند دارند.

در این سنین اولیه، کودکان معمولاً از لحاظ عاطفی در میان خانواده خود احساس امنیت می‌کنند؛ اما ممکن است که در برابر افراد غریبه و ناآشنا دچار ترس شوند. شما می‌توانید امنیت ایشان را با بدل شدن به یک دوست واقعی بالا ببرید.

از لحاظ روحانی

در این مرحله اولیه حیات، کودک هر چه را که به او گفته می‌شود باور کرده، به راحتی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همه چیز بر او اثر می‌گذارد و او می‌خواهد آنچه را که درست است انجام دهد، مخصوصاً وقتی که این امر با محبت و تأیید همراه شود. با وجود آنکه توانایی کودک خردسال برای درک خدا محدود است، می‌تواند برخی حقایق اساسی روحانی را درک کند. او می‌تواند بفهمد که خدا یک دوست مخصوص است و کلیسا محل خاصی است و اینکه خدا او را دوست دارد و از او مراقبت می‌کند. کودک خردسال در پاسخ به احساسات گرمی که به هنگام فراگیری در مورد خدا تجربه می‌کند، می‌تواند با محبت پرستش خود را ابراز کند. او به راحتی می‌تواند بخش‌های بسیار مقدماتی کتاب مقدس را به ذهن بسپارد. او به محبت پاسخ می‌دهد و می‌تواند به راحتی محبت خدا را درک کرده، به آن واکنش نشان دهد.

۹- دور حرف مقابل هر فعالیتی که برای یادگیرندگان در سطح طفولیت اولیه مناسب است، دایره‌ای بکشید.

- (a) خواندن سرودهای شاد درباره خدا.
- (b) از کلاس بخواهیم که در طول دوره ساکت و آرام بنشینند.
- (c) از کودکان بخواهیم که تمام مدت با یکدیگر بازی کنند.
- (d) فعالیت‌هایی انجام دهیم که مستلزم حرکت باشد، اما بین فعالیت‌های حرکتی، مواقعی هم استراحت کنند.
- (e) از آنجا که سن کودکان پایین است، باید از صحبت کردن در مورد خدا پرهیز کرد.
- (f) به کودکان اجازه بدهیم که بخشی از وقت را با یکدیگر بازی کنند.

g) گذاشتن اشیاء در ارتفاع بالا طوری که کودکان بتوانند آنها را ببینند اما به آنها دست نزنند.

h) صحبت در مورد خدا به عنوان دوست مهربان کودک.

i) از بچه‌ها بخواهیم که دعای ربانی ("ای پدر ما...") را حفظ کنند.

j) تهیه اشیائی که به موضوع درس مربوط می‌شود، تا کودکان آنها را حس و لمس کنند.

۱۰- با دقت، یک یا دو کودک بین سنین سه و شش سال را مورد مشاهده قرار دهید. خصوصياتی را که کشف می‌کنید در دفتر یادداشت‌تان بنویسید. یافته‌های خود را با خصوصیات توصیف شده در این متن مقایسه نمایید.

طفولیت میانی

شروع مرحله رفتن به مدرسه معمولاً وجه مشخصه میان طفولیت اولیه و طفولیت میانی تلقی می‌شود. این دوره شروع بسیاری از تحولات در زندگی کودکان است. رشد و نمو همچنان سریع است.

از لحاظ جسمانی

طی سال‌های طفولیت میانی، کودکان بسیار فعال هستند. آنان فعالیت جسمانی شدید را دوست دارند، اما خیلی زود خسته می‌شوند. بیشتر انرژی ایشان صرف رشد می‌شود. رشد جسمانی آنان نامنظم است، یعنی ممکن است برای مدت کوتاهی بسیار سریع رشد کنند، سپس رشدشان برای مدتی به طرز قابل توجهی آهسته شود. طی این مرحله، قلب آهسته‌تر از بقیه بدن رشد می‌کند. به همین دلیل است که ایشان زود خسته می‌شوند، اما هماهنگی و کنترل ماهیچه‌هایی که کودکان برای بازی‌های سازمان یافته نیاز دارند، رشد می‌کند و فعالیت‌هایشان هدف‌دار می‌شود. ایشان از درست کردن چیزهایی مخصوصاً اسباب‌بازی و وسایل لذت می‌برند تا بازی‌شان را به سطح مطلوبی بالا ببرند.

از لحاظ ذهنی

مدت تمرکز حواس کودکان در این دوره افزایش یافته است و اکنون می‌توانند مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه بر روی اندیشه خاصی متمرکز شوند. با وجود آنکه عقل و قوه تشخیص آنان کاملاً رشد نکرده است، ایشان ناظران مشتاقی هستند که اغلب متوجه جزئیات خاصی می‌شوند. علاقه کاوشگرانه به جمع‌آوری اطلاعات، ویژگی عادی دانش روبه‌گسترش ایشان است. غالباً آنان به معلومات و دانش خود بیش از حد اهمیت می‌دهند.

کودکان اکنون خواندن و نوشتن را یاد گرفته‌اند و فرهنگ لغات‌شان افزایش یافته است. نتیجتاً ممکن است منظور خود را غالباً با کلماتی بیان کنند که یا به‌درستی تلفظ نمی‌کنند یا در جای خود به‌کار نمی‌برند.

آنان به‌طور تحت‌اللفظی فکر می‌کنند و هنوز کاربرد سمبولیسم، مسائل انتزاعی و تعمیم‌ها را فرا نگرفته‌اند. حافظه ایشان بسیار قوی است و می‌توانند به‌راحتی سرود، شعر و آیه‌های کتاب مقدس مناسب با سطح رشدشان را حفظ کنند.

در سال‌های طفولیت میانی کودکان معمولاً از لحاظ عاطفی ایمن نیستند و معمولاً احساسات خود را با داد و فریاد ابراز می‌کنند. دنیای اجتماعی ایشان وسیع شده است و آنان اغلب این امر را تهدیدی می‌دانند علیه امنیتی که در دوران اولیه طفولیت در محیط پر مهر خانه و خانواده تجربه کرده‌اند. ایشان نیاز به تأیید و محبت بزرگسالان مانند والدین، معلمین و دیگر رهبران مورد احترام دارند.

از لحاظ اجتماعی

از آنجا که کودکان اکنون به مدرسه می‌روند، دیدگاه‌های اجتماعی‌شان وسیع‌تر شده است. دوستی‌های آنان گسترش یافته، به روابط خانوادگی محدود نمی‌شود، بلکه شامل سایر کودکان و معلمین نیز می‌شود. ایشان به‌راحتی با دختر و پسر دوست می‌شوند و یاد می‌گیرند که به‌عنوان جزئی از گروه ایفای نقش کنند. از طریق دادن و سهم شدن در مسئولیت‌ها، همکاری را فرا می‌گیرند. تمرکز آنان در بازی تغییر یافته و به غیر از خود به فعالیت‌های گروهی توجه نشان می‌دهند. ضوابط اخلاقی ایشان

در مورد عدالت و درست و غلط رشد کرده است و اگر به نظرشان آید که با ایشان ناعادلانه رفتار شده، به راحتی رنجیده خاطر می شوند.

از لحاظ روحانی

کودکان در طفولیت میانی از وجدانی لطیف، ایمانی درونی، و میل به اطاعت برخوردارند. علاقه ایشان به امور روحانی باعث می شود که به راحتی به حقایق الهی واکنش نشان دهند. حکایات و داستان ها را به خوبی یاد می گیرند و مخصوصاً از حکایات کتاب مقدس لذت می برند. حکایات کتاب مقدس را می توان هم برای تعلیم مفاهیم اخلاقی و هم پی ریزی شالوده درک تاریخی کتاب مقدس به کار برد. وجدان کودکان در حال رشد است و اعمال درست و غلط بر آرامش فکری ایشان اثر می گذارد. آنان به افراد بزرگسال به عنوان استانداردهای رفتاری می نگرند و به سرعت از سرمشق ایشان پیروی می کنند. در اینجا والدین تأثیر نیرومند و در عین حال مسئولیت سنگینی دارند. از طرفی از آنجا که معلمین نیز بسیار مورد احترامند، هر قدر سرمشق روحانی آنان را مورد تأکید قرار دهیم، اغراق نکرده ایم. این امر باید از سوی معلمین در تمامی سطوح بسیار جدی گرفته شود، مخصوصاً در مورد کودکانی که والدین شان مسیحی نیستند. والدین غیر مسیحی به احتمال بسیار زیاد ارزش های روحانی را در زندگی خانوادگی تقویت نمی کنند. اغلب کودکان در گروه طفولیت میانی آماده اند تا شخصاً نسبت به مسیح قبول تعهد کنند. این آمادگی غالباً بستگی به تجربه خانوادگی، حضور در کلیسا و تعلیم و سرمشق شخص معلم دارد.

۱۱- کدام یک از موارد زیر فعالیت های تعلیمی مناسب برای کلاسی متشکل از کودکان دوره طفولیت میانی می باشد؟ اگر فعالیت مذکور مناسب باشد، عدد (۱) را مقابل عبارت مربوطه بگذارید و در غیر این صورت عدد (۲) را بنویسید.

a.... از بچه ها بخواهیم که کتاب های کتاب مقدس را به ترتیب صحیح حفظ کنند.
b.... برنامه ریزی دوره های طولانی برای فعالیت جسمانی و تأکید گذاشتن بر نیاز به داشتن اندامی ورزیده.

- c کاربرد مکرر روش نقل حکایات برای تعلیم.
- d مسئولیت شما برای تحت تأثیر قرار دادن کودک محدود به همان درسی است که طی ساعات کلاس تدریس می‌کنید.
- e با مسائل انتزاعی و سمبولیک، به حکایاتی که نقل می‌کنید، غنا ببخشید.
- f گفتگوی خاص با کودکان در مورد اینکه مسیح را به‌عنوان نجات‌دهنده شخصی‌شان بپذیرند.
- g ترتیب دادن بازی‌های آموزشی که وجدان کودکان را از طریق انتخاب میان درست و غلط، شکل می‌بخشد.

۱۲- دو یا سه کودک بین سنین شش و نه سال را به دقت مورد مشاهده قرار دهید. خصوصياتی را که کشف می‌کنید، در دفتر یادداشت‌تان بنویسید. آنچه را که کشف می‌کنید با خصوصیات توصیف شده در محتوای این بخش مقایسه نمایید.

طفولیت متأخر

سال‌های پیش از نوجوانی، بخشی هیجان‌انگیز و در ضمن بسیار دشوار به‌شمار می‌رود. امکان بالقوه کودکان در تمام حوزه‌های زندگی نامحدود است. آنها فعال و شلوغ هستند و از زندگی لذت می‌برند. علایق ایشان متعدد و متنوع است.

از لحاظ جسمانی

در طفولیت متأخر، ظاهراً کودکان انرژی بی‌حد و حصری دارند. اکنون ایشان قوی‌تر از ایام طفولیت اولیه هستند، اما شتاب رشد جسمانی‌شان آهسته‌تر از سال‌های قبلی است. اشتهاى سالمی داشته، نیاز به مقدار زیادی خوراک، نور آفتاب، هوای تازه و استراحت دارند. کنترل ماهیچه‌هایشان بهتر شده، و تسلطشان برای کار بغرنج‌تر بسیار پیشرفت کرده است. متمایل به غفلت از بهداشت و مراقبت مناسب از جسم‌شان هستند. در نتیجه ممکن است نسبت به آراستگی خود و مراقبت از اموال شخصی بی‌توجه بوده، از لباس‌ها، کتب و دیگر اقلام به خوبی محافظت نکنند.

انرژی وافر ایشان در صورتی که از انگیزه و هدایت مناسب برخوردار باشند، می‌تواند صرف فعالیت‌های ارزشمند و مفید گردد.

از لحاظ ذهنی

در این سنین ماقبل نوجوانی، کودکان کنجکاو بوده، مایل به کشف و تفحص هستند. ایشان مشاهده دقیق را آغاز کرده، به‌طور منطقی استدلال می‌کنند. آنان هشیار و مشتاق یادگیری حقایق جدید می‌باشند. از کلکسیون کردن لذت می‌برند، از کتاب گرفته تا پوستر و تمبر و سر بطری و سنگ و حشرات. مجذوب اشیاء شدن غالباً ایشان را بر آن می‌دارد که به گوشه‌ای رفته، اشیایی نظیر اسباب‌بازی‌های مکانیکی، ساعت دیواری و ساعت مچی را بازسازی کنند. معمولاً کتاب زیاد می‌خوانند و از داستان‌های ماجراجویانه لذت می‌برند. کتاب‌هایی در مورد مبشرین یا سرزمین‌های بیگانه غالباً کنجکاوای ایشان را بر می‌انگیزد. کودکان در این مرحله ماقبل نوجوانی معمولاً با قهرمان داستان همانندسازی می‌کنند. آنان می‌توانند به سرعت به‌خاطر بسپارند و درک مفاهیم را آغاز کرده‌اند. ممکن است بتوانند مفاهیم را تکرار کنند بی‌آنکه معنی آنها را درک نمایند. لازم است که مفاهیم سمبولیک را با توضیحات و مثال‌های ملموس برایشان روشن ساخت. با وجود اینکه ایشان اکنون می‌توانند خود را کنترل کنند، از لحاظ هیجانی حساس بوده، بلافاصله در مقابل تحقیرشدگی‌های فرضی واکنش نشان می‌دهند. به سرعت بحث و جدل می‌کنند و بر انگیزه می‌شوند، اما فوراً نیز خونسردی را بدست آورده، بندرت کینه به دل می‌گیرند. ایشان گرایش دارند که بر پایه دلایل محدود، به نتیجه‌گیری بپردازند. لازم است به آنان آموخته شود که پیش از دست زدن به استنتاجات عجولانه، اطلاعات بیشتری کسب کنند.

کودکان در طفولیت متأخر معمولاً علیرغم ظاهری جسورانه و متهور، حساس و ترسو هستند. گرایش ایشان این است که احساسات واقعی خود را پنهان کنند، و آنها

را غالباً ابراز نکنند. آنان شوخی را بسیار دوست داشته، طبع طنزشان نسبتاً قوی است و از جوک‌ها و کارتون لذت می‌برند.

از لحاظ اجتماعی

کودکان در این سنین شروع به کسب استقلال می‌کنند با وجود آنکه اغلب به امنیت و کمک والدین پناه می‌برند. آنان نسبت به سلیقه هم‌سن و سالان خود واقف هستند یعنی آنچه را که «معمول» و محبوب است می‌شناسند. با دیگران متحد می‌شوند و گروه‌ها و کلوب‌هایی را با همسالان خود تشکیل می‌دهند یا به آنها می‌پیوندند. بزرگسالان را تحسین کرده، از ایشان تقلید می‌کنند و ارزش‌های خود را از آنها الهام می‌گیرند. گرایش آنان بیشتر به پیوستن به همسالان خود است تا به رهبران بزرگسال. کودکان در این مرحله حس رقابت داشته، با رغبت وارد رقابت‌های فردی یا گروهی می‌شوند. با هیجان در این قبیل امور شرکت می‌کنند و نتیجه را بسیار جدی می‌گیرند. اما در این سنین دو جنس اغلب خود را از لحاظ اجتماعی جدا می‌کنند. به عنوان مثال دختران اجازه ندارند که وارد یک کلوب پسرانه شوند.

از لحاظ روحانی

از آنجا که کودکان در این مرحله زندگی قهرمانان را می‌پرستند، باید آنان را هدایت کرد تا قهرمانان ایمان در کتاب مقدس را تحسین کنند. ایشان غالباً آمادۀ نجات می‌باشند، اما نباید رابطه‌شان را با خدا بدیهی بشمار آورد. طی این دوره مهم، باید مطمئن شویم که تعلیم لازم را در مورد نقشۀ نجات خدا به ایشان داده‌ایم که شامل نتایج گناه و لزوم اعتراف به گناه و طلب بخشایش می‌شود. این دوره موقع مناسبی برای تعلیم مفاهیم روحانی اعتقادات مسیحی، زندگی هدف‌دار مسیحی، و تاریخ رویدادهای کتاب مقدسی می‌باشد. کودکان در این مرحله می‌توانند حقایق روحانی را درک کنند، خصوصاً وقتی که با مثال‌های عملی بسیاری عرضه شود طوری که حس

اکتشاف و ماجراجویی ایشان را ارضا کند. حفظ و به‌خاطر سپاری وسیع آیات کتاب مقدس باید در یادگیری و تجربه ایشان گنجانده شود. باید به آنان آموخت که عادت کردن به مطالعه منظم کتاب مقدس و دعا و نیز زندگی و خدمت مسیحی چقدر مهم است.

۱۳- با در نظر داشتن ویژگی‌های دوره طفولیت متأخر، کدام یک از موارد زیر فرصت‌های مناسب برای تغذیه روحانی و رشد مسیحی مؤثر را فراهم می‌آورد؟ در صورتی که موافق هستید که فعالیت پیشنهادی باعث تغذیه و رشد روحانی می‌گردد، بر روی خط مقابل عبارت مربوطه عدد (۱) و در غیر این صورت عدد (۲) را بنویسید.

- a.... برگزاری یک اردوی کلیسایی برای کودکان
- b.... کلوب حفظ کتاب مقدس
- c.... مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها در مورد «بدیهی بودن الهام در کتاب مقدس»
- d.... کلاسی ویژه برای مطالعه مبانی اعتقادات کلیسایی
- e.... یک کتابخانه در کلیسا تا داستان‌ها و کتاب‌های هیجان‌انگیز مناسبی را فراهم کند
- f.... یک برنامه بشارتی مخصوص کودکان
- g.... یک میزگرد در مورد مضرات الکل

۱۴- دو یا سه کودک بین سنین ده و دوازده سال را به دقت مورد مشاهده قرار دهید. خصوصیات را که بر شما مکشوف می‌شود در دفتر یادداشت‌تان بنویسید. یافته‌های خود را با خصوصیات توصیف شده در محتوای این بخش مقایسه کنید.

نوجوانی

طی طفولیت، الگوهای تغییر و رشد برای گروه‌های سنی متنوع قابل پیش‌بینی‌تر از آن دو مرحله آخر و عمده رشد می‌باشد. در مرحله نوجوانی، افراد ممکن است از

لحاظ رشد جسمانی، اجتماعی، روحانی و ذهنی بسیار تنوع حاصل کنند، حتی اگر دقیقاً سن و سال واحدی داشته باشند. پیش‌بینی دقیق اینکه نوجوانان متعلق به یک گروه سنی، به طریق واحدی رفتار خواهند کرد دشوار است. به‌هنگام مطالعه این مرحله رشد، ترجیحاً به روال‌های رشد خواهیم نگرست تا به مراحل ثابت تغییری که در سنین خاص به وقوع می‌پیوندد. البته شباهت‌های بسیاری میان افراد همسن و سال وجود خواهد داشت، اما از بسیاری لحاظ نسبت به آنچه که در مرحله طفولیت بودند، بسیار متفاوت خواهند بود.

نوجوانی اولیه

نوجوانی، دوره گذار از طفولیت به بزرگسالی می‌باشد. این مرحله گذار شامل تغییر از وابستگی نسبت به والدین به استقلال را در بر گرفته و نیز شامل تغییر اعتماد ساده و کودکانه و پذیرش به تصمیم‌گیری مستقل می‌شود. از آنجا که در مورد نوجوانی بحث می‌کنیم، اجازه بدهید به‌خاطر داشته باشیم که افراد در این دوره را می‌توان نوجوان و یا جوان نامید.

نوجوانی اولیه چنانکه دیدیم شامل سنین بین دوازده تا پانزده سال می‌شود. در این دوره، تغییر فراوانی در جوانان رخ می‌دهد، به‌ویژه از لحاظ جسمانی و انطباق اجتماعی. در بسیاری از جوامع، نوجوانان در این گروه سنی وارد مدرسه راهنمایی یا دبیرستان می‌شوند.

از لحاظ جسمانی

نوجوانان همچنان به رشد و نمو جسمانی خود ادامه می‌دهند. دختران معمولاً در این مرحله به حداکثر رشد قامت خود می‌رسند. ایشان دو تا چهار سال زودتر از پسران به این سطح بزرگسالی جسمانی می‌رسند. ارگان‌های حیاتی به سرعت رشد می‌کنند: اندازه قلب دو برابر می‌شود، ریه‌ها رشد می‌کنند و غدد فعال‌تر می‌شود. رشد ناهموار استخوان‌ها ممکن است شخص را بی‌قواره جلوه دهد و این امر موجب

برخی ناراحتی‌ها می‌گردد. تارهای صوتی کشیده می‌شوند و نوجوانان اغلب برای کنترل صدای‌شان دچار مشکل می‌شوند.

نوجوانی اولیه همچنین مرحله بلوغ جنسی است، مرحله‌ای از زندگی که رشد غدد جنسی و کارکردهای جنسی را به همراه می‌آورد. بدن دختران فرم زنانه به خود می‌گیرد و پسران جسماً مردانه‌تر می‌شوند. در برخی از جوامع این تغییرات با برخی مراسم و مناسک همراه می‌شود که گذر از طفولیت به «جوانی» را به رسمیت می‌شناسند.

از لحاظ ذهنی

قابلیت‌های ذهنی نوجوانان در حال رشد است. آنان قادر به تفکر جدی بوده، اغلب نظر انتقادی و شک‌آمیزی دارند. این یک رشد سالم توانایی ذهنی برای تعقل و استدلال مستقل است.

نوجوانان در مسیر جستجوی استقلال، ممکن است به سختی مورد انتقاد و ایراد اطرافیان قرار گیرند. برای ایشان اغلب دشوار است که توانایی‌ها و ظاهر و پیشینه و خانواده یا هر خصوصیت فردی خود را بپذیرند، و اکثراً آنها را نفی می‌کنند. ایشان همچنین تصویر متغیری از شناخت خویشان دارند. در این دوره، نوجوانان گرایش دارند که بیش از حد ایده‌آلیست و رؤیایی باشند زیرا که توانایی تفکر منطقی را تازه آغاز کرده‌اند.

از لحاظ اجتماعی

در مرحله نوجوانی اولیه، نفوذ والدین کاهش یافته، روابط با ایشان رو به تیرگی می‌نهد. گروه همسن و سالان نفوذ و تأثیر نیرومندی بر ایشان دارد. نوجوانان در این مرحله بسیار مایلند که در گروه خود مقبولیت بیابند. محبوب بودن یکی از اهداف اولیه‌شان می‌باشد. تغییرات شدیدی که نوجوانان در این هنگام با آن مواجه هستند، ایشان را بسیار آسیب‌پذیر و حساس می‌گرداند زیرا که در برابر تغییرات و مطالبات

فراینده زندگی، احساس ناتوانی و ناهماهنگی می کنند. اما علیرغم این حالت ظاهری استقلال و تطابق با گروه های همسن و سال، ایشان اغلب احساس تنهایی کرده، شدیداً نیاز دارند مطمئن شوند که از سوی بزرگسالان و کسانی که زندگی شان تثبیت شده، خصوصاً والدین، مورد محبت و پذیرش قرار دارند. ایشان تحت فشار انتظارات گروه «مد روز»، وسوسه می شوند که دست به تجربیات جدیدی بزنند، مانند مواد مخدر، سکس، مشروب، جادوگری، مذاهب دروغین، و تعالیم ضد مسیحی. این دوره، هم برای نوجوانان و هم برای والدین و جامعه، دوره بحرانی بشمار می رود.

از لحاظ روحانی

محرومیت ها و شک و تردیدهایی که نوجوانان در دیگر زمینه های زندگی تجربه می کنند، ممکن است شامل زمینه روحانی نیز بشود. جوانانی که خود را دوست ندارند، به سختی باور می کنند که خدایی که ایشان را خلق کرده است، مهربان و شفیق می باشد. آنان در این دوره بحرانی نیاز به کمک و درک اطرافیان دارند. والدین و معلمین باید آنان را همانگونه که هستند بپذیرند و بکوشند تا روابطی را با ایشان برقرار کنند که مملو از اعتماد باشد. هنگامی که چه در چارچوب کلاس و چه در بیرون از کلاس، با ایشان ارتباط برقرار می کنید، می توانید به ایشان کمک کنید تا بفهمند که لزومی ندارد که با کشمکش های خود به تنهایی دست و پنجه نرم کنند. ایشان می توانند وقتی که عیسی مسیح زندگی شان را تحت کنترل می گیرد، از قدرت او مدد بگیرند تا زندگی ظفرمندانهای داشته، از حضورش استفاده کنند تا ایشان را تشویق و حمایت کرده، تسلی یابند. هنگامی که به ایشان می آموزید که زندگی شان را مطابق اصول کتاب مقدس تنظیم کنند، به آنان کمک می کنید تا با مشکلات زندگی مواجه شوند.

نوجوانی میانی

نوجوانی میانی شامل دوره سنی حدود ۱۵ تا ۱۸ سالگی است. در اکثر جوامع شهری، نوجوانان میانی به مدرسه متوسطه می‌روند؛ عده‌ای دیگر در هنرستان‌ها تحصیل می‌کنند. در جوامع سنتی، جوانان در این سن عموماً به نیروی کار پیوسته، به معاش خانواده‌شان کمک می‌کنند. اجازه دهید که از نزدیک به چهار حوزه رشد نظری بیفکنیم.

از لحاظ جسمانی

جوانان در این مرحله همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند. گرچه دختران عموماً در مرحله نوجوانی اولیه به قامت بزرگسالی خود رسیده‌اند، رشد پسران تا نوجوانی میانی و حتی متأخر ادامه می‌یابد. دختران و پسران تغییرات بلوغ جسمانی را از خود نشان می‌دهند. پسران از ماهیچه‌های قوی‌تری برخوردار شده، موزون و متناسب‌تر می‌شوند. قدرت و بنیه ایشان بیشتر می‌شود. در این مرحله پسران دارای ریش و سبیل شده، کار مادام‌العمر تراشیدن صورت را آغاز می‌کنند. دختران هویت جسمانی زنانه خود را بدست می‌آورند. جوانان از ورزش‌ها و فعالیت‌های بدنی لذت برده، با میل و رغبت در این قبیل امور شرکت می‌کنند و از نشاط و سلامتی عالی برخوردارند. دختران و پسران هر دو نگران ظاهر خود بوده، وقت زیادی را صرف نظافت و مراقبت شخصی می‌نمایند.

از لحاظ ذهنی

تفکر جدی و انتقادی که در نوجوانی اولیه آغاز شده بود، اکنون به کمال می‌رسد. منطق و داوری در حال رشد است. دیگر پاسخ‌های دیگران راضی‌شان نمی‌کند. ایشان باید شخصاً مشکلات فکری خود را حل کنند. در این مرحله، ایشان شروع می‌کنند به توجه کردن به مهارت‌ها و علایقی که احتمالاً برای مشاغل آتی‌شان کارساز و مناسب می‌باشد.

رؤیایی بودن و ایده‌آلیسمی که نوجوانان در مرحلهٔ اولیه از خود نشان می‌دادند، اکنون حتی شدیدتر شده است. اساس داوری نوجوانان غالباً آن چیزی است که به‌نظرشان منطقی می‌رسد و نه آنچه که برای یک شخص مسن‌تر و بالغ‌تر واقع‌بینانه جلوه می‌کند. طی این مرحله از رشد، جوانان ممکن است در تمییز افکار ایده‌آلیستی خودشان و واقعیت‌های دنیای اطراف‌شان دچار مشکل شوند.

از لحاظ اجتماعی

این دوره از زندگی، دورهٔ رشد هشیاری اجتماعی و پذیرش جایگاه شخص در جامعه می‌باشد. شاید یکی از بزرگترین مسائلی که نوجوانان باید با آن مواجه شوند، موضوع هویت شخصی است. در شناختی که از خویشتن دارند، هر یک خود را شخصی به‌کلی متفاوت از دیگران می‌بیند. و این درکی است از منحصر به‌فرد بودن خود. هر کس متوجه تفاوت‌ها و ویژگی‌های شخصی نظیر میل و اکراه‌ها، اهداف، قابلیت، و قدرت و هدف برای ادارهٔ زندگی خویش می‌شود.

به‌طور بسیار طبیعی، جوانان هشیاری فزاینده‌ای نسبت به سرنوشت و آیندهٔ خود پیدا می‌کنند. اینها احساسات جدیدی هستند. اغلب جوانان دچار حالت سردرگمی می‌شوند که ایشان را به‌سمت اوقات خود-آگاهی غیر ضروری می‌کشاند. ممکن است رفتار آنان در این ایام گذار، ناسازگار و غیر قابل پیش‌بینی گردد.

از لحاظ روحانی

اذهان جستجوگر و مشتاق نوجوانان ممکن است گاهی اوقات آنان را به سمتی بکشاند که در مورد ارزش‌های مطلق یا حتی وجود خدا شک کنند. ایشان ممکن است سؤالاتی از این قبیل طرح کنند: «معنی هستی چیست؟» «معنی ارزش پاینده چیست؟» «اقتدار مطلق چیست؟» شما می‌توانید سؤالات نوجوانان را به‌سوی تحقیق در مورد حقایق کتاب‌مقدس، ادعای خدا در مورد زندگی انسان، و ارزش اصول کتاب‌مقدسی به‌عنوان پایه‌ای برای زندگی روزمره هدایت کنید. شما که معلم هستید،

می‌توانید نوآموزان را به سمت یافتن اراده‌ی خدا راهنمایی کرده، ایشان را به چالش بطلبید تا زندگی‌شان را کاملاً به مسیح بسپارند. شما می‌توانید آنان را راهنمایی کنید تا ببینند که پاسخ به مهم‌ترین مسائل زندگی را می‌توانند از خدا توسط دعا و مطالعه کتاب مقدس بیابند و با خدمت به خدا، به زندگی خود هدف و مفهوم ببخشند.

نوجوانی متأخر

سنین بین ۱۸ تا ۲۰ سالگی، سال‌های آخر نوجوانی می‌باشند. در این سال‌ها، نوجوانان به آستانه‌ی بزرگسالی و کمال می‌رسند، یعنی به عمده‌ترین دوره‌ی حیات. در جوامع شهری مدرن، این دوره مربوط به زمانی می‌شود که بسیاری از نوجوانان آخرین مرحله‌ی دبیرستان یا سطح دانشگاهی را آغاز می‌کنند. در جوامع عمدتاً روستایی، نوجوانان عموماً درگیر مسأله‌ی یافتن کار برای کمک به معاش خانواده‌شان می‌باشند.

از لحاظ جسمانی

جوانان در این مرحله‌ی آخر به نهایت قدرت جسمانی خود می‌رسند. بخش اعظم رشد جسمانی در این هنگام به پایان رسیده است، اما حالت بدن بهتر شده و تناسب جسمانی به حد عالی می‌رسد. با این حال به‌طور کلی تغییراتی که در این مرحله در بدن حادث می‌شود، کمتر از مراحل قبلی نوجوانی جلب توجه می‌کند.

از لحاظ ذهنی

جوانان در این سال‌های پایانی، بعد از سال‌های متمادی تحصیل، اکنون به بلوغ قابلیت‌های ذهنی خود رسیده‌اند. با مقداری تجربه و کاربرد عملی دانشی که کسب کرده‌اند، ایشان دست به تصمیم‌گیری‌های مسئولانه می‌زنند. گرایش ایشان به سوی ایده‌آلیست بودن است، اما این ایده‌آلیسم به واسطه‌ی مقداری واقع‌گرایی که از تجربه بدست آمده است، تعدیل گردیده است.

در این هنگام که نوجوانان به طرزی فزاینده خود را در معرض ایفای نقش افراد بالغ قرار می‌دهند و مسئولیت‌های افراد بالغ را می‌پذیرند، نقطه‌نظراتی پیدا می‌کنند که به واقعیات زندگی نزدیکتر است. گرچه ممکن است افکار و رؤیاهای ایده‌آلیستی داشته باشند، در عین حال قادرند که تفکر خود را هر چه بیشتر با مقتضیات محیطی که در آن زندگی و کار می‌کنند، تطبیق دهند.

از لحاظ اجتماعی

در کشورهای غربی، وقتی که تحصیلات دبیرستانی به پایان می‌رسد، نوجوانان با آینده روبرو می‌شوند: آیا باید تحصیلات خود را ادامه دهند؟ یا اینکه به جستجوی کار پردازند تا خانه مستقلی گرفته، مرحله جدید و مستقلی از زندگی را آغاز کنند؟ در سایر کشورها، مسائل روشن‌تر است، زیرا که نوجوان نیازی ندارد خانواده‌اش را ترک کند و خانه مستقل برای خود داشته باشد.

نوجوانان با بُعد دیگر رشد مواجه می‌شود، یعنی پدیدار شدن حس وظیفه‌شناسی. این امر ممکن است در سراسر دوران نوجوانی مشاهده شود اما در این مرحله به اوج خود می‌رسد. ایشان در حالی که به حالت بلوغ جنسی رسیده‌اند، در عین حال حس وظیفه‌شناسی و وفاداری نیز در آنان رشد می‌کند. این حس وظیفه‌شناسی شخص را آماده می‌سازد تا خود را با الگوی زندگی افراد بالغ منطبق نموده، احتمالاً همسری برای خود اختیار کند.

ترک طفولیت و ورود به بزرگسالی و کمال منتهی به بسیاری تغییرات در فرد می‌گردد. پشت سر گذاشتن وابستگی به والدین و حصول استقلال از طریق گرفتن تصمیمات مستقل، باعث شکوفایی فرد شده، بدل به کسی می‌شود که آماده است تا نقش فرد بالغ را در زندگی ایفا کرده، از طریق رابطه زناشویی کانون خانوادگی برای خود تشکیل دهد. در این مرحله شخص ممکن است درک جدیدی از خویشتن، از آینده خود و سرنوشتی که باید طی مراحل کمال زندگی‌اش متحقق شود، پیدا کند.

از لحاظ روحانی

زمینه تعلیم و تربیتی، اجتماعی و فکری بسیاری از نوجوانان متأخر امروزه به گونه‌ای است که ایشان را بر آن می‌دارد تا فقط با مسائلی سروکار پیدا کنند که به آنان «مربوط» می‌شود. اگر روش تعلیم و تربیت خود را با توجه به این امر تنظیم کنیم، می‌توانیم نوجوانان را به چالش بطلبیم تا پاسخ بسیاری از موضوعات اخلاقی، روحانی و فشار اجتماعی را که روزانه با آن مواجه هستند بیابند. نوجوانان متأخر با پاسخ‌های سنتی راضی نمی‌شوند. ایشان می‌خواهند مسائلی را درک کنند که واکنش‌شان را در مقابل دنیایی که معیار اخلاقی‌اش بسیار ضعیف است، شکل می‌بخشند. به همین دلیل، ممکن است مجبور شوید که روش تعلیم خود را تغییر داده، یا مطالب خود را کامل‌تر آماده کنید؛ مثلاً روش‌هایی همچون گروه‌های بحث و تبادل نظر و میزگرد قطعاً مؤثرتر از روش‌های سنتی خواهند بود.

۱۵- با در نظر گرفتن خصوصیات مذکور، کدام یک از موارد زیر مناسب فعالیت‌های مربوط به تغذیه روحانی و رشد مسیحی برای نوجوانان است؟ در مقابل عباراتی که مناسب هستند عدد (۱) و در مقابل عبارات نامناسب عدد (۲) را بنویسید.

a مجموعه‌ای از دروس در مورد پذیرش خویشتن

b مجموعه‌ای از حکایات در مورد قهرمانان کتاب مقدس

c مجموعه‌ای از دروس در مورد دیدگاه مسیحی در زمینه عشق، اظهار عشق،

و ازدواج

d مجموعه‌ای از موعظه‌ها در محکوم کردن رسیدگی به ظاهر به عنوان توجه

غیر ضروری به خود

e مجموعه‌ای از دروس در مورد کاربرد عملی تعلیم کتاب مقدس در

موقعیت‌های زندگی روزمره

f مجموعه‌ای از گفتگوها در مورد تعلیم مربوط به روابط افراد

- g مجموعه‌ای از دروس در مورد نظریه‌های رفتاری جاری و نیاز شخص به انطباق رفتارش با انتظارات جامعه
- h مجموعه‌ای از گفتگوها در مورد روابط نوجوانان و والدین در حضور والدین و فرزندان نوجوان
- i مجموعه‌ای از دروس در مورد درک اراده خدا
- j مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها که بی‌فایده و بی‌اهمیت بودن عقل و مطالعات عقلانی را نشان دهد.

بزرگسالی و کمال

آخرین مرحله‌ای که مورد ملاحظه قرار خواهیم داد، مرحله بزرگسالی و کمال است. این مرحله از زندگی می‌تواند مدت زمان بیش از نیم قرن را در بر گیرد. قبلاً دیدیم که مراحل طفولیت و نوجوانی دوره یادگیری نامیده شده است. بزرگسالی و کمال را می‌توان دوره‌ای تلقی کرد که اکثر مردم کسب معاش را آغاز کرده‌اند. آخرین مرحله بزرگسالی دوره «حسرت» می‌باشد، یعنی نگرستن حسرت‌آلود به گذشته و به تجربی که به زندگی غنا و مفهوم بخشیده‌اند. دوره سوم زندگی به سه مرحله تقسیم می‌شود که هر مرحله معرف وقایع ویژه زندگی است که احتمالاً طی برخی سال‌ها به وقوع می‌پیوندد. اما باید به‌خاطر داشته باشید که همه ضرورتاً در سن معینی تجربیات مشابهی را پشت سر نخواهند گذاشت. افراد اکنون از طریق انتخاب تغییر می‌کنند نه صرفاً از طریق رشد جسمانی در بسیاری زمینه‌ها. ایشان همچنان از لحاظ جسمانی تغییر می‌کنند اما تغییر به همان سرعتی به وقوع نمی‌پیوندد که در طفولیت و سنین نوجوانی می‌توان شاهدش بود.

بزرگسالی اولیه

بزرگسالی اولیه که از حدود ۲۰ سالگی آغاز می‌شود و تا سن ۳۵ تا ۴۰ سالگی ادامه می‌یابد، وجه مشخصه‌اش میل به یافتن همسر، تشکیل خانه و خانواده، و تربیت

فرزندان می‌باشد. جوانان تازه به کمال رسیده، شغل و حرفه‌ای را انتخاب کرده، جایی در جامعه خود یافته‌اند و فرزندان‌شان را تربیت می‌کنند.

از لحاظ جسمانی

منظور از «بزرگسالی» مرحله‌ای است که در آن انسان به رشد کامل می‌رسد. فرد بزرگسال به منتهای رشد جسمانی خود رسیده است. قدرت او که در این دوره به اوج خود می‌رسد، به‌هنگام بزرگسالی متأخر رو به کاهش می‌نهد. مناسب است که در زمانی که افراد در مقابل کارهایی قرار می‌گیرند که مستلزم قوت، بنیه و سلامتی کامل است، به بیشترین حد رشد جسمانی برسند.

از لحاظ ذهنی

جوانانی که تازه به بزرگسالی رسیده‌اند و تحصیل کرده‌اند و برخی از واقعیت‌های مربوط به تصمیم‌گیری مسئولانه را تجربه کرده‌اند، ظاهراً از قوای ذهنی نامحدودی برخوردارند. آنان کارآمد و کمال‌گرا هستند و تعقل ایشان به بلوغ رسیده، علائق‌شان تخصصی‌تر شده است. بسیاری از شک‌های فکری مربوط به دوران بلوغ و نوجوانی، اینک برطرف شده، و ایشان تبدیل شده‌اند به افرادی باثبات و مسئول.

از لحاظ اجتماعی

در این دوره اولیه بزرگسالی، روابط خانوادگی همچنان از بیشترین اهمیت برخوردار است. روابط جوانان در این دوره بر پایه صمیمیت استوار است. روابط‌شان با والدین گسترش می‌یابد و مایلند با ایشان رابطه متقابل و پخته‌تری داشته باشند. ایشان دیگر نیازی ندارند که وابسته به والدین باشند تا برای ایشان تصمیم گرفته یا تصمیمات ایشان را تأیید کنند. از محبت نسبت به والدین، روابط سالم و درستی نشأت می‌گیرد. همچنین جوانان در این دوره طالب پیوستن به کسانی هستند که اهداف و علایق مشترکی را دنبال می‌کنند. از روابطی که با افراد در محیط‌هایی نظیر

محیط کار، کلیسا و همسایگی برقرار می‌کنند، دوستی‌هایی به‌وجود می‌آید. آنان نسبت به نیاز پیوستن به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند آگاه بوده، آن را به انزوا ترجیح می‌دهند.

از لحاظ روحانی

برای کسانی که طی سال‌های طفولیت و نوجوانی در خانواده‌های مسیحی پرورش یافته‌اند، دوران بزرگسالی زمان کاربرد و تحکیم دروسی است که قبلاً فرا گرفته‌اند. این دوره باید برای ایشان زمان شرکت فعال در خدمت مسیحی باشد. با این حال، برخی افراد بالغ برای خدمت مسیحی آماده نشده‌اند، و این یا به دلیل نداشتن پشتوانه مسیحی و یا پرورش مسیحی نامناسب است. در هر حال، لازم است که تمام افراد بالغ تشویق شوند که اولویت‌های روحانی را در ذهن داشته باشند. والدین جوان باید کتاب مقدس را به‌گونه‌ای عمیق مطالعه کنند و مذهب خانوادگی را بر پا داشته، فضایی ایجاد کنند که در آن حیات روحانی سالم بتواند پرورش یابد. بدون مراقبت و توجه رهبران متعهد در امر تغذیه روحانی، جوانان تازه به بزرگسالی رسیده به راحتی جذب گرفتاری‌های زندگی مدرن شده، حیات روحانی را مورد غفلت قرار خواهند داد.

بزرگسالی میانی

در حدود سنین ۳۵ یا ۴۰ سالگی، بزرگسالان پا به مرحله مشخصی می‌گذارند که غالباً از آن به عنوان سنین «میانسالی» یاد می‌شود. افراد میانسال به بسیاری از اهداف پیشین خود رسیده‌اند. این امر مستلزم برخی تعدیلات است. در این دوره که تا سن ۶۰ یا ۶۵ ادامه دارد، فرزندان بزرگ شده، تحصیلات خود را به پایان رسانده‌اند، و در بسیاری از جوامع امروزی، خانه والدین را ترک می‌کنند. طی این سال‌های زودگذر، فعالیت‌هایی که پول، وقت و انرژی خانواده را به خود اختصاص می‌داد به پایان رسیده‌اند. اکنون والدین ممکن است دچار احساس خلاء و

تنهایی شوند. ممکن است گاهی اوقات نیز «سرگردان و بی‌هدف» به‌نظر آیند. همچنین زن و شوهر باید روابط خود را با یکدیگر به‌گونه دیگری تنظیم کنند. میانسالان ممکن است اهداف شغلی خود و مسیر زندگی‌شان را مورد سؤال قرار دهند. حتی ممکن است تصمیمات مهمی برای تغییر شیوه زندگی‌شان بگیرند.

یکی از جنبه‌های شیرین این دوره، وجود نوه‌هاست. ایشان باعث شادی زندگی مادر بزرگ و پدر بزرگ شده، معنی جدیدی به روابط‌شان می‌دهند. طی این دوره بسیاری از افراد میانسال با مسأله مرگ والدین مواجه می‌شوند و باید خود را با آن تطبیق دهند. و این امر نیاز به تعدیلات دارد و انطباق‌های جدیدی را مطرح می‌سازد.

از لحاظ جسمانی

میانسالی تغییرات جسمانی را هم برای مردان و هم برای زنان به‌همراه می‌آورد. مردانی که با شرایط جسمانی عالی وارد مرحله بزرگسالی و کمال شده بودند، اکنون نشانه‌های میانسالی را از خود بروز می‌دهند یعنی اضافه وزن و کاهش قدرت ماهیچه‌ای. یا اینکه ممکن است با وقوف به بالا رفتن سن و کاهش قدرت، تصمیم بگیرند که «برنامه‌های بدن‌سازی» را آغاز کنند. زنان در میانسالی قابلیت زاد و ولد را از دست می‌دهند. ایشان نیز ممکن است قوای ماهیچه‌ای را از دست داده، اضافه وزن پیدا کنند و برخی علائم پیری در ایشان ظاهر شود، مانند سفید شدن موها و چروک شدن پوست. امروزه بسیاری از زنان نیز به فعالیت‌های ورزشی و تناسب اندام می‌پردازند تا سفتی ماهیچه‌ای را دوباره بدست آورده، مقداری از بنیه و نیرویی که در سال‌های پیشین داشته‌اند از نو کسب کنند.

از لحاظ ذهنی

قوای فکری افراد در میانسالی معطوف به تولید است و این قوا در عین سکون، پایا هستند. قضاوت اشخاص میانسال ژرف و قابل اعتماد است و این امر در نوعی اعتماد به نفس و احساس کفایت منعکس می‌گردد. این دوره از زندگی، دوره

موفقیت و تولید تمام و کمال است. شاید متوجه شده باشید که مدیران و مجریان در بسیاری از مشاغل، افراد میانسال می‌باشند. دلیل این امر تجربه و موفقیت‌های ایشان است.

از لحاظ اجتماعی

در دوران میانسالی، افراد کامل و بالغ از نوعی حس مسئولیت برخوردار می‌شوند که خود را به صورت مراقبت و توجه به دیگران ظاهر می‌سازد. ایشان میل دارند که از دیگران مراقبت نموده، دانش و تجربه خود را در اختیار آنان قرار دهند. میانسالان غالباً میل شدیدی دارند که فرزندان‌شان را در حقایقی که موجب برکت و هدایت زندگی‌شان شده است، سهیم گردانند. ایشان خواهان تداوم آداب و رسوم بوده، طالب این هستند که از این تجارب غنی که باعث استحکام در سراسر زندگی‌شان شده، محافظت نمایند.

از لحاظ روحانی

در این مرحله از حیات ممکن است گرایشی نسبت به مادی‌گری و پرداختن به اموری که از اهمیت ثانوی برخوردارند پیدا شود. غالب اوقات این موضوعات بُعد روحانی زندگی افراد را پر کرده، وقت و نیرو و بصیرت واقعی را از ایشان می‌رباید. اما در مقابل، ایمان می‌تواند در میانسالی، عمیق و شخصی گردد. میانسالان که به خاطر تجربیات زندگی، در اوج قدرت فکری خود هستند، نیاز دارند که از خوراک روحانی متناسب با جایگاه رشد یافته‌شان تغذیه کرده، به خدمت مسیحی متناسبی فرا خوانده شوند و هر کجا که امکان داشته باشد، به کار گرفته شوند. برای تغذیه روحانی این سطح، درس‌هایی که داده می‌شود باید با دقت آماده شده باشد و با کفایتی کامل ارائه شود تا فرد را به چالش بطلبد. این ستون‌های کلیسا نه تنها نیاز به خوراک روحانی جامدی دارند، بلکه همچنین باید به چالش طلبیده شوند تا دروس را در زندگی‌شان به کار برند.

بزرگسالی متأخر

این دوره از زندگی از حدود ۶۰ یا ۶۵ سالگی آغاز می‌شود. در مرحله آخر این دوره، سالخوردگان پی می‌برند که کِبَر سن وقت چندانی برای تحقق امیدها و رؤیاهای‌شان باقی نگذاشته است. نوه‌ها و نتیجه‌ها اکنون جزو مهمی از خانواده ایشان شده‌اند و اغلب احساس می‌کنند که لازم است نسل جوان‌تر را برای آینده آماده کنند. این افراد با این واقعیت مواجه‌اند که مرگ نزدیک است، لذا به طرز ویژه‌ای خود را برای آن آماده می‌کنند.

از لحاظ جسمانی

بزرگسالان هر چه مسن‌تر می‌شوند، دچار ناراحتی‌های مزمنی می‌گردند که با دردهای گوناگون همراه است. این مشکلات جسمانی شخص را متوجه نیاز به مراقبت جسمانی و ذهنی ویژه‌ای می‌کند. ایشان باید بپذیرند که قدرت ایشان دیگر محدود شده و صرفاً در آن حدی می‌توانند مولد باشند که سلامتی‌شان اجازه می‌دهد. امروزه در بسیاری از کشورها، فعالیت‌هایی طرح‌ریزی شده که محدودیت‌های «شهروندان مسن» را در نظر می‌گیرد.

از لحاظ ذهنی

هنگامی که اشخاص در پایان میانسالی، بازار کار را ترک می‌کنند، کوله‌باری از بیش از نیم قرن آموزش، دانش، و تجربه را حمل می‌کنند. ایشان سهم خود را بجا آورده، نسل خود را هدایت کرده و در حرفه خود موفقیت به‌دست آورده‌اند. افراد مسن به‌خاطر توصیه‌های حکیمانه‌ای که می‌توانند ارائه دهند، برای خانواده، کلیسا و جامعه‌شان مؤثر و مفید می‌باشند. اندوخته دانش ایشان و خرد مبتنی بر تجربه می‌تواند در رشد افراد در تمام دیگر دوره‌های زندگی نقش ایفا کند.

از لحاظ اجتماعی

بزرگسالی متأخر، افراد را روانه آخرین سال‌های زندگی می‌کند. یکی از فضائل مهمی که در این دوره به زندگی جذابیت و برکت می‌دهد، خرد و حکمت است. افرادی که به این سن رسیده‌اند می‌توانند زندگی خود را مرور کرده، معنی و ارزشی از آن استخراج کنند. ایشان می‌توانند موفقیت‌ها و شکست‌های‌شان را بدون احساس بی‌مورد غرور یا یأس، به‌طرزی واقع‌بینانه از نظر بگذرانند. ایشان در نظر افراد جوان‌تر جاذبه و بی‌عیبی را از خود بروز می‌دهند که معرف زندگی‌ای است که با موفقیت و هدفمندانه طی شده است.

سالخوردگان با مقتضیات اجتماعی گوناگونی مواجه می‌شوند. به احتمال زیاد، دشوارترین تمام آنها انطباق خود با موقعیت وابسته شدن به فرزندان است که ایشان خود سال‌های متمادی وابسته به والدین بوده‌اند.

دومین مشکل بزرگ که باید خود را با آن انطباق دهند، پذیرفتن مرگ همسر است. باید به نیازهای سالخوردگان توجه مخصوصی مبذول شود: باید آنان را مورد توجه و تشویق و قدردانی قرار داد و هر گاه که امکان‌پذیر باشد، باید آنان را در فعالیت‌ها شرکت داد.

از لحاظ روحانی

اکنون که سالخوردگان فعالیت‌های حرفه‌ای را پشت سر گذاشته‌اند، متوجه می‌شوند که نسبت به ایام اولیه، وقت و فرصت بیشتری برای وقف خود به دعا، مطالعه کتاب مقدس و خدمت مسیحی دارند. در چارچوب تغذیه روحانی، ما باید مطمئن شویم که اقدامات لازم برای کمک به این افراد را انجام داده‌ایم تا ایشان به چالش‌های زندگی پاسخ بدهند. ایشان را نباید از جمع سایر ایمانداران خارج ساخت و نباید اجازه داد که احساس کنند که دیگر نمی‌توانند نقش مؤثری ایفا نمایند. برنامه‌های ما باید ارزش این رزمندگان روحانی را که نزاع نیکوی ایمان را با موفقیت به پیش برده‌اند مورد تصدیق و تأیید قرار دهد. ما باید هر گاه که ممکن باشد، از

استعداد مهارت و حکمت ایشان استفاده کنیم. این اقدام به موقعیت آنان در زندگی شأنی بخشیده، در همین فرایند باعث برکت بدن مسیح می گردد.

۱۶- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره ای بکشید.

a) فرایند تغییر و رشد که وجه مشخصه طفولیت و نوجوانی است، به هنگام ورود شخص به دوران بزرگسالی و کمال، خاتمه می یابد.

b) شخص در میانسالی، بسیاری از اهداف پیشین خود را متحقق ساخته است، بنابراین لازم است که دست به تعدیلاتی زده، خود را با موقعیت جدید انطباق دهد.

c) وقتی که شخص وارد مرحله بزرگسالی می شود، معمولاً رابطه نوین و رشد یافته تری را با والدین و کسانی که اهداف و علائق مشترکی با او دارند، برقرار می سازد.

d) یکی از ویژگی های میانسالی، توجه به دیگران است که اغلب از طریق پرورش و تعلیم آنان متجلی می شود.

e) شخصی که به میانسالی رسیده، خانواده اش را با موفقیت اداره کرده است، و ندرتاً با مشکلات شغلی یا زناشویی مواجه می شود.

f) کلاس های پرورش مسیحی باید از بحث های مربوط به ازدواج و سازگاری با همسر اجتناب ورزد.

g) کلاس های پرورش مسیحی باید به نحوی اداره شوند که به امر آماده سازی بزرگسالان برای شرکت در خدمت مسیحی مدد رساند.

h) کلیسا باید از خدماتی پشتیبانی کند که به نیازهای اجتماعی افراد مسن تر مدد می رساند.

i) از آنجا که افراد مسن تر، مرحله شکوفایی قوت جسمانی را پشت سر گذاشته اند، دیگر چیز چندانی برای ارائه ندارند که بتواند برای کلیسا مفید باشد.

j) بزرگسالان آنقدر مسن هستند که بتوانند مسیح را به عنوان نجات دهنده شخصی شان بپذیرند.

(k) لازم است که به بزرگسالان یادآوری کرد که اولویت‌های روحانی را تصدیق کرده، آن را در عمل رعایت کنند.

نتیجه‌گیری

برای کسانی که در امر تغذیه روحانی خدمت می‌کنند، آنچه اهمیت دارد، رشد و نمو فرد فرد مسیحیان است. گرچه ما غالباً به مردم به‌طور گروهی تعلیم می‌دهیم، دغدغه ما باید سلامت و کاملیت تک تک افراد باشد. دلمشغولی ما این نیست که مردم به دانش کتاب مقدسی دست بیابند، بلکه هدف این است که ایشان دگرگونی کامل زندگی را تجربه کنند و به شباهت عیسی مسیح در آیند. ما نگران کلیت شخص هستیم. بنابراین لازم است که به درک درستی از فرد، خصوصیات رشد و نموش، وجه تشابه او با سایر افراد متعلق به همان گروه سنی، و تفاوت‌هایش با ایشان نائل آییم.

ما از طریق تغذیه روحانی در صدد هستیم که باعث رشد و نمو هر مسیحی در زندگی نوینش گردیم. هر چه در مورد ماهیت این زندگی و ماهیت فرد بیشتر بدانیم، تلاش‌های ما در جهت کمک به رشد و نمو او مؤثرتر خواهد بود. یادگیری باید طوری برنامه‌ریزی شود که به نیازهای یادگیرندگان در حال رشد و نمو پاسخ دهد.

خودآزمایی

- ۱- هر توصیف مربوط به خصوصیات یادگیرندگان را با دوره مشخصی که این خصوصیات طی آن پدیدار می شوند انطباق دهید.
- (a) پسرها در این مرحله از لحاظ جسمانی رشد می کنند، همانند دختران که کمی قبل رشد کرده بودند، تعقل و قوه قضاوت به سطوح پیچیده تری می رسند، پیوندهای خانوادگی سست می شود، قرار ملاقات با جنس مخالف متداول است.
- (b) طی این مرحله، قلب آهسته تر از بقیه اعضای بدن رشد می کند، شخص به سرعت خسته می شود، مدت زمان طولانی تری می تواند متمرکز شود، شروع به خواندن و نوشتن کرده است، حکایت های کتاب مقدس را دوست دارد، وجدان در او پدیدار شده است.
- (c) بدن تقریباً به کامل ترین سطح خود رشد کرده است، به مهارت ها توجه می شود، علائق به استعداد و حرفه شخص معطوف می شود، شخص می خواهد خودش مشکلات را حل کند، به حد بلوغ جنسی رسیده است، حس وظیفه شناسی در او رشد کرده است.
- (d) ویژگی این مرحله، مبادرت به یافتن همسر می باشد، خانواده ای تشکیل می دهد، فرزندان را بزرگ می کند، دوره اوج قدرت جسمانی، دوره قابلیت ذهنی نامحدود، زمان جستن روابط در جامعه و کلیسا.
- (e) زمانی است که شخص به گذشته می اندیشد، خرد و حکمت به این دوره از زندگی جذابیت می بخشد، شخص غالباً نوعی جذابیت کمال و کاملیت را از خود بروز می دهد.
- (f) شخص در اینجا می تواند کارهای مکانیکی ماهرانه ای انجام دهد، میل دارد که به همه چیز دست بزند، قدرت تمرکز او محدود و قوه تخلیش قوی است، می تواند آیه های ساده کتاب مقدس را به ذهن بسپارد.

g دختران در این مرحله تقریباً به قامت دوره بلوغ خود رسیده‌اند، دوره بلوغ جنسی است، زمان ظهور آگاهی نسبت به مفهوم خویشتن است، شخص شروع به شک در امور روحانی می‌کند.

h دوره‌ای که بسیاری از اهداف اولیه شخص متحقق شده‌اند، قوای ذهنی او وقف تولید می‌شوند، دوره پیروزی و موفقیت است، رشد حس توجه و مراقبت از دیگران، زمان شرکت فعال در فعالیت‌هاست.

i شخص انرژی بی‌حد و حصری دارد، اشتهايش زياد است، نسبت به نظافت شخصی بی‌توجه است، ذهن کنجکاوی دارد، به دقت مشاهده کرده، به‌طور منطقی استدلال می‌کند، کلکسیون اشیاء را دوست دارد، به سرعت بحث و جدل می‌کند اما کینه به دل نمی‌گیرد، پسران و دختران در گروه‌های مجزا از یکدیگر جدا می‌شوند، قهرمانان را ستایش می‌کنند و عموماً «آماده نجات» می‌باشند.

(۱) طفولیت اولیه

(۲) طفولیت میانی

(۳) طفولیت متأخر

(۴) نوجوانی اولیه

(۵) نوجوانی میانی

(۶) نوجوانی متأخر

(۷) بزرگسالی و کمال اولیه

(۸) میانسالی

(۹) کهنسالی

۲-۱۰ در تمرین‌های زیر، کلمه یا کلماتی را از فهرست داده شده انتخاب کنید که یا معنی جمله را تکمیل نماید یا مطالب جا افتاده را پر کند.

اراده	روحانی
هوش	خودبخودی (اتوماتیک)
عدم تعادل	موقتی
زندگی مسیح‌محور	فرهنگ
سالم	قابلیت‌ها
ارزش‌ها	شخصیت
وراثت	تغذیه
رفتار	انتخاب‌ها
غیر جسمانی	محیط

۲- انسان‌ها از لحاظ جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و روحانی رشد و نمو می‌کنند. رشد در زمینه‌های می‌تواند تا هنگامی ادامه یابد که یا مرگ، یا کهولت و یا نقص جسمانی، امکان رشد را متوقف سازد.

۳- رشد مناسب در هر یک از زمینه‌های زندگی که در بالا قید شده‌اند، به معنی بودن است.

۴- مسیحیان ارزش بسیاری برای رشد قائلند زیرا که ابدی است، حال آنکه دیگر زمینه‌های زندگی می‌باشند.

۵- رشد سالم نبوده، بلکه باید تشویق شده، شود.

۶- هنگامی به چشم می‌خورد که شخص نمی‌تواند به‌طور مناسب در یک زمینه اساسی زندگی یا در زمینه‌ای بیشتر رشد کند.

۷- واژه قابل درکی است که به کلیت آنچه که شخص می‌باشد اشاره می‌کند و شامل افکار، اعمال، برخوردها، خطوط، خلق و خو، و خصلت او می‌شود.

۸- یکی از عواملی که بر شخصیت انسان، یعنی بر قابلیت که از والدینش به ارث می‌برد، اثر می‌گذارد، نامیده می‌شود. به نظر می‌رسد که این امر در حد معینی ذهنی شخص را تعیین می‌کند. یک قابلیت طبیعی است که در افراد به شدت متنوع است.

۹- (اطراف ما) نیز بر رشد شخصیت فرد اثر می‌گذارد. نیز جزئی از محیط ماست. هر فرهنگی خاص خود را دارد و مبنی بر آن را تعلیم می‌دهد.

۱۰- شخص نیز بر رشد شخصیتش اثر می‌گذارد. این عنصر شخصیتی در قابلیت فرد در به اثبات می‌رسد.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

- ۹- a) خواندن سرودهای شاد درباره خدا.
 d) فعالیت‌هایی انجام دهیم که مستلزم حرکت باشد، اما بین فعالیت‌های حرکتی، مواقعی هم استراحت کنند.
 f) به کودکان اجازه بدهیم که بخشی از وقت را با یکدیگر بازی کنند.
 h) صحبت در مورد خدا به عنوان دوست مهربان کودک.
 j) تهیه اشیائی که به موضوع درس مربوط می‌شود، تا کودکان آنها را حس و لمس کنند.

۱- a) صحیح

b) صحیح

c) صحیح

d) غلط

e) غلط

f) صحیح

۱۰- پاسخ خودتان. به نظر من، اغلب اوقات کودکان این گروه سنی که مورد مشاهده قرار داده‌ام، به‌هنگام بازی و طراحی و نقاشی کردن، حرکات جسمانی موزون و هماهنگی ندارند. ایشان بسیار حرکت کرده، «وول می‌خورند». فرهنگ لغات‌شان محدود است اما غالباً آنچه را که می‌خواهند بگویند، با ژست‌ها و حرکات صورت ابراز می‌کنند. حکایت‌ها را با تحرک و هیجان بیان کرده، لغات تصویری را به‌کار می‌برند. به راحتی اعتماد و محبت می‌کنند.

۲- b) طفولیت متأخر

۱۱- a) ۱) مناسب

b) ۲) نامناسب

c) ۱) مناسب

d) ۲) نامناسب

e) ۲) نامناسب

f) ۱) مناسب

g) ۱) مناسب

۳- c) بزرگسالی اولیه

۱۲- پاسخ خودتان. من متوجه شده‌ام که به‌هنگام بازی کودکان، انسان می‌تواند چیزی بیش از تعادل میان فعالیت‌های جسمانی و غیر جسمانی را مشاهده کند. ممکن است گروهی از دخترها و پسرها را ببینید که با یکدیگر بازی می‌کنند. همچنین ممکن است کلماتی را بشنوید که کودکان به‌هنگام بازگو کردن حکایت یا نقل تجربیات به‌طرز غلطی استعمال کرده، یا تلفظ می‌کنند. ابداً غیر عادی نخواهد بود که بشنوید کودکی به کودک دیگر می‌گوید: «این کار خوب نیست»، یا «بهتر است این کار را نکنی». همچنین عجیب نخواهد بود اگر کودکان را به‌خاطر نوعی

بی‌عدالتی در حال گریه ببینید. در یک موقعیت یادگیری مثلاً در یک کلاس کتاب مقدس، خواهید دید که کودکان، یادگیرندگان مشتاق، پر حرارت و پذیرنده نسبت به حقیقت هستند، و به دعوت پذیرفتن مسیح به‌عنوان نجات‌دهنده شخصی‌شان، پاسخ مثبت می‌دهند.

۴-ا) بزرگسالی متأخر

۱۳-ا) موافق

۱۳-ب) موافق

۱۳-ج) مخالف

۱۳-د) موافق

۱۳-ه) موافق

۱۳-ف) موافق

۱۳-گ) مخالف

۵-ا) طفولیت اولیه

۱۴- پاسخ خودتان. احتمالاً مشاهده خواهید کرد که کودکان در این مرحله نسبت به کودکان کوچکتر از خود، مهارت بیشتری در بازی‌ها از خود نشان می‌دهند. ایشان انرژی نامحدودی داشته، با تمام دل بازی می‌کنند. خواهید دید که آنان شیفته تجربیات آزمایشگاهی، سفرهای علمی و پروژه‌های مطالعاتی هدایت شده هستند. ممکن است بشنوید که ایشان حقایق روحانی را به‌طور شخصی به‌کار برده، یا به تعلیم مربوط به مسئولیت‌های مسیحیان به خوبی واکنش نشان می‌دهند. در پشت ظاهری که به‌نظر تأثرناپذیر می‌آید بدون شک نونهالان حساسی را خواهید یافت که مشتاق توجه، تأیید و هدایت هستند - حتی اگر به‌نظر بیاید که مقبول همسالان خود بوده و خود را با محیط بیرون به خوبی انطباق داده‌اند. همچنین این گرایش را در بین دختران و پسران خواهید یافت که در گروه‌های مجزا از یکدیگر گرد هم آیند.

۶- b) نوجوانی اولیه

۱۵- a) ۱) مناسب

b) ۲) نامناسب

c) ۱) مناسب

d) ۲) نامناسب

e) ۱) مناسب

f) ۱) مناسب

g) ۲) نامناسب

h) ۱) مناسب

i) ۱) مناسب

j) ۲) نامناسب

۷- c) نوجوانی متأخر

۱۶- a) غلط

b) درست

c) درست

d) درست

e) غلط

f) غلط

g) درست

h) درست

i) غلط

j) غلط

k) درست

۸- a) درست

b) غلط

c) غلط

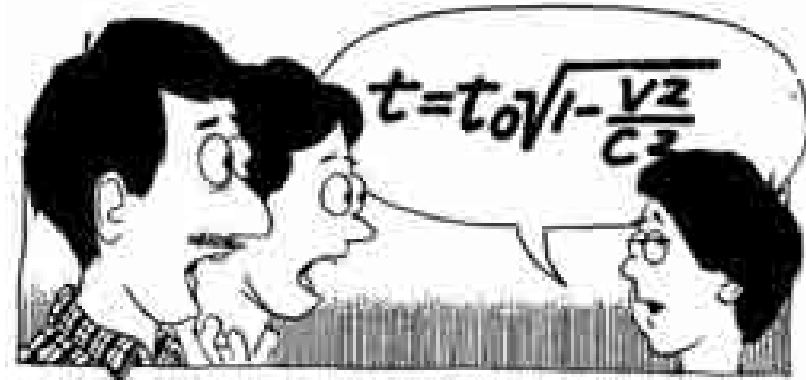
d) درست

e) درست

f) غلط

شباہت شاگرد به معلم

یک شب که مسعود از محل کار به خانه آمد، مریم را به طرز خاصی هیجان زده یافت. آن روز عمانوئل اولین کلمات را بر زبان رانده بود! مسعود نیز که متوجه اهمیت این واقعه شده بود، بسیار خوشحال شد. دیدن اینکه عمانوئل با چه سرعتی کلمات دیگر و معنی آنها را یاد می گرفت، حیرت آور بود. عمانوئل که مورد تشویق والدینش قرار گرفته بود، آموخت که اشیاء، اشخاص و مکان ها را با نام های صحیح شان مشخص کند. بزودی او این قابلیت را از خود نشان داد که کلمات را به صورت جملات ساده ای ترکیب کند. طی این دوره هیجان آور، مسعود و مریم اغلب شگفت زده می شدند از اینکه می شنیدند که عمانوئل کلمات و اصطلاحاتی را تکرار می کرد که ایشان به کار می بردند. طولی نکشید که مسعود و مریم متوجه شدند که پسر کوچک شان بسیاری از وقت بیداری خود را صرف برقرار کردن ارتباط می کند. او این توانایی را پیدا کرده بود که افکارش را ابراز کرده، به صحبت درباره تعداد قابل ملاحظه ای از چیزها، مخصوصاً چیزهایی که مورد علاقه اش بود، پردازد. شاید بگویید که «خوب، این چیزها غیر عادی نیست.» درست است، طبیعی است که کودکان طی این مرحله از زندگی شان، مهارت های تکلمی از خود نشان دهند. اما آنچه که قابل توجه می باشد این است که عمانوئل در حین رشد کردن، بجای اینکه به زبان دیگری صحبت کند، دقیقاً به همان زبانی تکلم می کند که بقیه افراد خانواده می کنند. همچنین او می آموزد که از همان خوراکی بخورد که دیگران از آن لذت می برند و به طریقی رفتار کند که خاص آن نقطه از جهان است. چرا؟ منطقی ترین توضیح برای این امر، نفوذ والدین می باشد، زیرا که به واسطه این رابطه است که برخوردها، احساسات و رفتارهایش شکل می گیرند.



عیسی فرمود: «لیکن هر که کامل شده باشد، مثل استاد خود بُود» (لوقا ۶: ۴۰). این بدین معنی است که یادگیرنده در حد بسیار زیادی تحت تأثیر سرمشق معلمینش می‌باشد. بنابراین آموزش غیررسمی، نقش حیاتی در پدیدار شدن رشد مسیحی دارد. در این درس، در مورد الگوهای غیررسمی تغذیه روحانی و آموزش مسیحی، مطالب بیشتری خواهید آموخت. و ارزش یادگیری از طریق برقراری ارتباط و همانندسازی با دیگران را فرا خواهید گرفت. همچنین پی خواهید برد که نمونه‌های مهم برای تغذیه روحانی چه کسانی هستند.

رئوس مطالب

فراگیری کاملیت ایمان
چگونگی اجتماعی شدن
برقراری روابط الگویی
یافتن الگوهای مناسب

اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- دلایل مربوط به تعلیم واقعیت‌های کتاب مقدس را به عنوان اساس ایمان بیان کنید.
- رابطه میان اجتماعی شدن و تغذیه روحانی را توضیح دهید.
- روابط الگویی در تغذیه روحانی را مورد بحث قرار دهید.
- کسانی را که در امر تغذیه روحانی الگو هستند، تشخیص دهید.

فعالیت‌های یادگیری

۱- بر روی متن درس طبق روال معمول کار کنید. به هنگام پاسخ به تمرین‌ها، لطفاً پاسخ‌های خود را پیش از نگاه کردن به پاسخ‌های درست‌شان، بنویسید. سپس به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.

متن درس

فراگیری کاملیت ایمان

آیا به خاطر دارید که زندگی مسیحی شما چگونه آغاز شد؟ آیا انجیل و هدیه نجات را نپذیرفتید و آیا زندگی خود را تقدیم نکردید؟ یقیناً پاسخ شما مثبت است. همه ما زندگی مسیحی خود را با چنین واکنشی به انجیل از طریق ایمان آغاز کردیم. به همین دلیل، تولد تازه را که دروازه حیات روحانی است تجربه کرده‌ایم. متوجه شدیم که به مرور که از لحاظ روحانی رشد می‌کنیم، بیشتر شبیه مسیح می‌شویم. بدین‌سان رابطه ما با او به طرز فزاینده‌ای رشد کرده، بلوغ می‌یابد طوری که ما از طریق زندگی‌مان ماهیت، خصائل و ارزش‌های او را منعکس می‌سازیم. آن واکنش اولیه ایمان به انجیل، ما را به سوی یک زندگی مبتنی بر ایمان هدایت کرد، یعنی کیفیت جدیدی از زندگی که وجه مشخصه‌اش کاملیت عیسی مسیح می‌باشد. این

کاملیت را که از ایمان زنده ما سر بر می آورد، می توان کاملیت ایمان نامید. اما کاملیت از طریق ایمان را چگونه فرا می گیریم؟ ترکیب آن چیست؟ زیستن مسیح گونه را چگونه می آموزیم؟

بررسی دقیق آشکار می کند که ایمانی که کاملیت را به بار می آورد، مرکب است از دانش و زندگی (ایمانی که در موقعیت های روزمره زندگی به کار برده شده باشد). خدا پیامش را به عنوان حقیقت به ما معرفی کرد، حقیقتی که می توان یا آن را پذیرفت و یا رد کرد. این حقیقت که هم ماهیت و خصلت خدا را بر ما آشکار می سازد و هم نقشه اش را برای انسان، در کتاب مقدس ثبت شده، حفظ گردیده و به ما منتقل شده است. حقایق کتاب مقدسی سرچشمه دانش است که باعث رشد و بلوغ ایمان می گردد.

بخشی از حقایق کتاب مقدس متشکل است از شرح واقعیات یا اطلاعات. به عنوان مثال در ده فرمان تا حدودی می بینیم که خدا چگونه است، و چه انتظاری از قومش دارد و عواقب نافرمانی چیست. بخشی از حقیقت شکل مفاهیم را به خود می گیرد، یعنی ایده های کلی یا کلیاتی که از تعدادی تجارب با امور مربوط به هم استخراج می شوند (به عنوان مثال، پرتقال، موز و سیب همگی میوه نامیده می شوند). مفهوم قدوسیت را به واسطه بسیاری قواعد دقیق که خدا در شریعت عرضه کرد تا چیزهای غیر مقدس را از چیزهای مقدس جدا سازد می آموزیم. و سرانجام، بخشی از حقیقت به صورت اصولی ظاهر می شود که باید در زندگی پیاده کرد. به عنوان مثال، این حکم که خدا را با تمام وجود دوست بداریم، اصلی است که در وهله اول بر رابطه ما با خدا حاکم است، اما در کاربرد عملی، این اصل باید اساس رابطه ما با دیگران باشد. بنابراین، اطلاعات، مفاهیم، و اصول، همگی اساس دانشی است که بر ایمان استوار است. ضروری است که این دانش را داشته باشیم تا کاملیت را در عیسی مسیح پدیدار سازیم. بدون این دانش نمی توانیم زندگی مان را بر ایمانی که واقعاً مطبوع خدا باشد، استوار سازیم.

علاوه بر این گواه مکتوب، خدا خود را به شکل زنده در شخص عیسی مسیح آشکار کرد. یوحنا چنین می‌گوید: «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد. و جلال او را دیدیم ...» (یوحنا ۱: ۱۴). به علاوه پطرس بیان می‌دارد که شاهد عینی کبریایی، اکرام، و جلال مسیح بوده است (دوم پطرس ۱: ۱۶-۱۸). او اذعان می‌دارد که مسیح با آمدن بر روی زمین برای ما نمونه‌ای گذاشت تا در اثر قدم‌های وی رفتار نماییم (اول پطرس ۲: ۲۰-۲۵). او به ما نشان داد که چگونه باید زندگی را در کامل‌ترین شکل آن زیست و چگونه باید آن چیزی بود که خدا برای ما در نظر داشته است. زندگی او سرمشق زندگی در ایمان است که کاملاً مورد پسند خداست. (اطاعت، تسلیم، میل به انجام اراده خدا و تعهد نسبت به او در مورد دوست داشتن تمام کسانی که اراده پدر است که آنان را نجات دهد، علیرغم ضدیت‌شان با او).

با مطالعه این کتاب، ممکن است تاکنون پی برده باشید که یادگیری مستلزم چیزی بیش از صرفاً دست‌یابی به داده‌ها و اطلاعات می‌باشد. درک اطلاعات و تلفیق آن با باورهای مان و تغییر رفتارمان به تبع آن نیز مهم می‌باشد.

در دروس ۱ و ۲ اهمیت کلام خدا در رشد روحانی به شما تعلیم داده شد. در درس ۳ اهمیت شاگردسازی و الگودهی را در رشد روحانی فرا گرفتید. هم دانش کتاب مقدسی و هم مثال‌های مربوط به چگونگی کاربرد عملی این دانش در زندگی مسیحی، برای تغذیه روحانی مفید می‌باشند.

ما بخش ۱ را با این بررسی به اتمام رساندیم که تغذیه روحانی مستلزم هم الگوهای غیررسمی می‌باشد و هم الگوهای رسمی. دانش کتاب مقدسی، یعنی اطلاعات، مفاهیم و اصول، را می‌توان از طریق الگوهای رسمی که مستلزم فعالیت‌های تعلیمی-یادگیری از نوع کلاس درسی است تدریس کرد. اما درک ارزش‌ها و رفتارهای مسیحی شایسته از طریق ارتباط نزدیک و انطباق شخصی یادگیرندگان با دیگران میسر می‌شود. کاملیت یادگیری که بر پایه ایمان قرار دارد مستلزم مطالعه سیستماتیک و رسمی کلام خدا، و نیز تربیت و پرورش غیررسمی و

غالباً غیر ساختاری است که به‌هنگام ارتباط فرد در سطحی بسیار شخصی با الگوهایش و تقلید از آنها پدید می‌آید.

۱- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) کاملیت ایمان در وهله اول از طریق حضور در کلاس‌های تخصصی فراگیری می‌شود.

(b) برای یک برنامه متعادل تغذیه روحانی، هم دانش کتاب مقدسی لازم است و هم الگوهای مناسب از زندگی مسیحی.

(c) تغذیه روحانی مستلزم هم الگوهای غیررسمی است و هم الگوهای رسمی
(d) تنها کاری که لازم است شخص برای پرورش کاملیت ایمان انجام دهد، تعلیم حقایق کتاب مقدس است.

(e) دانش کتاب مقدسی را می‌توان از طریق انواع رسمی فعالیت‌های یادگیری تدریس کرد.

(f) ادراک، ارزش‌ها و رفتار از طریق فنون غیررسمی آموزش میسر می‌شود.

از آنجا که الگوهای غیررسمی و رسمی در تغذیه روحانی اساسی هستند، در این درس الگوی غیررسمی را با دقت بیشتری مورد ملاحظه قرار خواهیم داد. سپس در درس ۷ توجه خود را معطوف مفاد عملی مربوط به تعلیم کلام خدا بر طبق الگوی رسمی خواهیم نمود.

چگونگی اجتماعی شدن

تعریف اجتماعی شدن

یک بار شنیدم که شخصی بی‌سواد چنین می‌گفت: «برخی چیزها هست که بجای اینکه "یاد بگیریم"، باید "دو دستی بگیریم".» او درباره چیزهای صحبت می‌کرد که کارشناسان آن را اجتماعی کردن می‌نامند. پیش از آنکه اجتماعی کردن را به‌عنوان

یک استراتژی برای تغذیه روحانی بپذیریم، لازم است که معنی این واژه را درک نماییم.

اجتماعی کردن فرایند پیوند دادن شخص به یک بافت اجتماعی معین است - یعنی آماده کردن او برای ایفای نقشی ارزشمند در چارچوب یک انجمن خاص یا گروهی از مردم. این امر مستلزم ایجاد درکی ارزشمند از جامعه و نظم اجتماعی است که شخص در آن زندگی می‌کند. این امر به معنی فرایند فراگیری زبان، هنجارها، ارزش‌ها، برخوردها و رفتار مناسبی است که در بین گروه معینی از مردم رایج است. اجتماعی کردن به یادگیری مربوط می‌شود، اما نه یادگیری در مفهوم سنتی و رسمی تحصیلات آموزشی، بلکه در مفهوم جذب اثرات محیط‌مان.

۲- دور حرف مقابل عبارتی که به دقیق‌ترین وجه عبارت اجتماعی کردن را بر پایه بحث مطرح شده تعریف می‌کند، دایره‌ای بکشید.

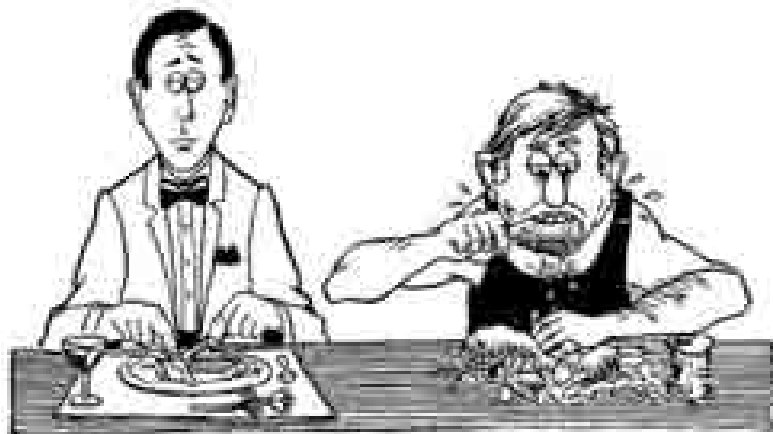
اجتماعی کردن به این موارد اشاره می‌کند:

- a) فرایند تدریس اطلاعات بر طبق الگوی رسمی تحصیلات آموزشی.
- b) ایجاد درکی ارزشمند از جامعه شخص به نحوی که بتوان با کفایت در یک بافت اجتماعی معین ایفای نقش نمود.
- c) انطباق دادن انجیل مسیح با ارزش‌های اجتماعی ملتی خاص.

مثال‌های مربوط به اجتماعی شدن

شما چگونه غذا می‌خورید؟ آیا از چنگال استفاده می‌کنید یا از قاشق؟ شاید با چوب غذا می‌خورید (مانند چینی‌ها)، یا شاید هم با دست. طرز غذا خوردن شما از طریق اجتماعی شدن فرا گرفته شده است. اگر به طریق خاصی از غذا خوردن عادت کرده باشید، احتمالاً طرق دیگر را مشکل و غیر طبیعی خواهید یافت. طریق مناسب غذا خوردن در فرهنگ‌تان را از طریق نظاره دیگران و انجام آنچه که دیگران کرده‌اند

فرا گرفته‌اید. ممکن است مشاهده این‌که برخی از مردم جهان به‌طرزی متفاوت از شیوه شما غذا می‌خورند، باعث تعجب‌تان گردد.



مثال غذا خوردن، نمونه رفتاری است که در عمل بسیار فرهنگی است. آنچه که از لحاظ اجتماعی در یک فرهنگ مقبول است، در فرهنگ دیگر ممکن است غیر قابل قبول، بی‌ادبانه یا حتی وحشیانه تلقی شود. ارزش‌ها از طریق اجتماعی شدن فرا گرفته می‌شوند. احتمالاً متوجه شده‌اید که گروه‌های فرهنگی مختلف، به‌طریق متفاوتی زندگی و رفتار می‌کنند. دلیل این تفاوت‌ها این است که هر گروهی شیوه‌های فرهنگ خود را از طریق اجتماعی شدن آموخته است.

زبان مادری خود را چگونه یاد گرفتید؟ شاید نتوانید این را به من بگویید؛ شاید احساس می‌کنید که همیشه می‌دانستید چگونه زبان مادری خود را صحبت کنید. شاید صحبت کردن به آن برای‌تان خیلی راحت‌تر از صحبت کردن به زبانی باشد که تازه آن را یاد گرفته‌اید. حتی اگر احساس کنید که همیشه زبان مادری خود را می‌دانسته‌اید، می‌دانیم که در واقع آن را یاد گرفته‌اید. چه می‌شد اگر به محض تولد، شما را به نقطه دیگری از جهان که به زبان دیگری تکلم می‌کند، می‌بردند؟ بدون

شک شما در حین بزرگ شدن، به آن زبان خاص صحبت می‌کردید تا به زبانی که فعلاً آن را به کار می‌برید، زیرا که ما زبان را از طریق فرایند اجتماعی شدن می‌آموزیم. ۳- در دفتر یادداشت‌تان دو یا سه نمونه از فرایندهای اجتماعی شدن را بنویسید.

توضیح در باره اجتماعی شدن

اجتماعی شدن در چارچوب تجربیاتی مشترک و در صحنه زندگی واقعی تحقق می‌یابد. ما به طرقی رفتار می‌کنیم که مطابق باورها و ارزش‌های ما هستند. این اعمال را افراد نزدیک به ما مشاهده می‌کنند و بدل به پایه یادگیری آنان از طریق اجتماعی شدن می‌گردد. به دلیل ماهیت رابطه، یادگیری از طریق اجتماعی شدن غالباً سازمان نیافته و غیر ساختاری بوده، به طرز انتظام یافته برنامه‌ریزی نشده‌اند. این امر به طور ساده برحسب فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که زندگی ایجاد می‌کند به وقوع می‌پیوندد. یادگیری از طریق اجتماعی شدن، عبارتست از تعلیم به واسطه الگوگیری. افراد بر طبق آنچه که به ایشان نشان داده می‌شود یاد می‌گیرند، چنانکه در ملاحظه رابطه استاد و کارآموز مشاهده کردیم. شیوه زندگی و ادراک و ارزش‌هایی که پشتوانه یک سبک زندگی معین هستند به طریقی منتقل می‌شوند که از سوی اعضای آن جامعه به روشنی مشاهده شده، درک می‌شوند. هنگامی که یادگیرنده آنچه را که از الگوهای اجتماعی فرا می‌گیرد در عمل پیاده می‌کند، میل دارد که همان کیفیت زندگی را تجربه کند.

برقراری روابط نزدیک با دیگران جزو اساسی دیگری برای اجتماعی شدن می‌باشد. یک فرد معمولاً کسی را می‌شناسد که بخواهد از رفتار او الگوبرداری کند. این شخص بدل به الگوی یادگیرنده می‌شود. اغلب اوقات، قرابت و پیوستگی میان الگو و شاگرد پدید می‌آید؛ ما آن را پیوستگی دو جانبه می‌نامیم و تجلی آن به صورت مراقبت از یکدیگر، اعتماد، تصدیق شایستگی و ارزش دیگری، و احساس وابستگی متقابل می‌باشد.

به همان ترتیب، اجتماعی شدن مستلزم فرصتهایی است تا یادگیرنده از الگو تقلید کند. زندگی، بسیاری از این موقعیتها را فراهم می‌آورد. از آنجا که بیشترین بخش الگوگیری مؤثر در چارچوب زندگی واقعی رخ می‌دهد، تقلید نیز باید در تجربیات واقعی صورت پذیرد. تلاش او برای انجام آنچه که دیده است که الگو انجام می‌دهد، پاسخ یا واکنش یادگیری است. هنگامی که یادگیرنده دست به کاری می‌زند، به الگو نگاه می‌کند تا نشانه‌های تأیید یا توبیخ را در واکنشش ببیند.

۴- از بین هر یک از چهار پاراگراف قبلی، عبارتی را برگزینید که به بهترین وجه توضیح دهد که چه چیزی برای یادگیری از طریق اجتماعی شدن اساسی است. سپس هر یک از اینها را در فضای زیر بنویسید.

..... (a)

..... (b)

..... (c)

..... (d)

کاربرد اجتماعی شدن

یکی از طرق یادگیری زندگی مسیح‌گونه، فرایند اجتماعی شدن می‌باشد. ما همانگونه که رسوم و زبان فرهنگ خود را می‌آموزیم، زیستن زندگی نوین اهداء شده از سوی عیسی را نیز فرا می‌گیریم. ارزشها، برخوردها، انگیزه‌ها، وجدان و رفتارهای متناسب با زندگی مسیح‌گونه، از طریق روابط ارزشمند و نزدیک با افرادی که الگوی زندگی مسیح‌گونه می‌باشند جذب می‌شوند.

هدف فرایند یادگیری، شکوفا ساختن زندگی نوینی است که عیسی می‌دهد. منظور از آن کمک به رشد و بلوغ آن زندگی است تا در تمام زمینه‌های زندگی مان متجلی شود. این هدف از طریق فرایند اجتماعی شدن تسهیل می‌گردد. الگوی

شاگردسازی که عیسی برای دوازده شاگرد به کار برد، امروزه نیز در خدمت تغذیه روحانی مورد نیاز است.

ما باید تأثرات نیرومندی را که میان معلم و شاگرد طی کنش‌های متقابل الگودهی و الگوگیری وجود دارد باز شناخته، این روابط را تشویق نماییم. شما می‌توانید از طریق وارد شدن در روابط ارزشمند و نزدیک با افراد، به رشد روحانی ایشان کمک کنید، درست همانگونه که ایمانداران تسالونیکي چنین کردند (اول تسالونیکيان ۷:۱).

۵- آیه‌های زیر را در کتاب مقدس تان بیابید و بخوانید: اول قرنتیان ۱:۱۱؛ افسسیان ۱:۵؛ فیلیپیان ۱۷:۳؛ اول تسالونیکيان ۶:۱؛ و عبرانیان ۱۲:۶. با دقت ملاحظه کنید که نویسنده چگونه نیاز به پیروی از الگوهای خداترس و تقلید از الگوهای رفتاری متناسب با زندگی مسیحی را مورد تأکید قرار می‌دهد. در مورد معنی این آیه‌ها و چگونگی پیاده شدن‌شان در زندگی خودتان به‌طور جدی بیندیشید.

۶- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) ما زندگی مسیح‌گونه را از طریق فرایند اجتماعی شدن می‌آموزیم.

(b) اجتماعی شدن گرچه برای یادگیری رسوم مفید است، اما برای تغذیه روحانی و پرورش مسیحی نامناسب است.

(c) روابط نزدیک با دیگر افراد عوامل نیرومندی در خدمت تغذیه روحانی می‌باشند.

(d) عهدجدید ایمانداران را تشویق می‌کند تا از الگوهای خداترس تقلید نمایند.

(e) عیسی به‌هنگام تعلیم دوازده شاگرد از فرایند اجتماعی شدن اجتناب کرده، طرق روحانی را برگزید.

برقراری روابط الگویی

هنگامی که تولد تازه را تجربه می‌کنیم، حیات عیسی هنوز در ما به‌طور کامل رشد نکرده است. وظیفه کسانی که مسئول خدمت تغذیه روحانی می‌باشند این است که این زندگی نوین را به سمت بلوغ روحانی هدایت کنند. سرانجام این فرایند، نمو به شباهت عیسی خواهد بود - یعنی رشد حیات او در ما. این شباهت از طریق روابط الگویی انتقال می‌یابد.

یکی از خصوصیات ما کوشش در جهت رسیدن به قابلیت و کفایت است - یعنی در نظر خود و دیگران لایق و شایسته بودن. در برخی جوامع تأکید بسیاری به اثبات لیاقت به‌عنوان یک دانش‌آموز یا دانشجو می‌شود. در دیگر جوامع، فرد باید کفایت خود را به‌عنوان یک ورزشکار، یک نان‌آور خانواده، به‌عنوان والدین، همسایه یا شهروند به اثبات رساند. چه واقف باشید و چه نباشید، مسیحیان باید به‌عنوان شاهد و خادمین مفید عیسی مسیح صلاحیت و کفایت داشته باشند. به‌عنوان مثال، پولس تلاش خود را در جهت کسب لیاقت به‌عنوان سرباز صلیب توضیح می‌دهد (اول قرن‌تین ۹: ۲۴-۲۷). این مثال نشان می‌دهد که میل برای داشتن کفایت، وارد قلمرو امور روحانی نیز می‌گردد. در فرایند کوشش برای حصول کفایت، ما اغلب کسانی را می‌جوئیم که آنان را لایق و بالغ تلقی کرده، از ایشان تقلید نماییم - یعنی خود را مطابق با ویژگی‌ها، ارزش‌ها و خصلت ایشان در آوریم.

احتمالاً این امر را در زندگی خود تجربه کرده‌اید. شاید کسی را می‌شناسید که دارای مهارتی است که آن را ارزشمند می‌دانید. شاید آرزو کنید که شبیه آن شخص شوید. آیا نوای موسیقی را که یک نوازنده می‌نوازد شنیده‌اید، نوازنده‌ای که او را بسیار ماهر تلقی کرده، احساس می‌کنید که دوست داشتید می‌توانستید سازی را مثل او بنوازید؟ شاید سعی کرده باشید که فنون و سبک آن شخص را در خود پرورش دهید. به عبارتی، این امر یک رابطه الگویی است. ما همچنین طالب یافتن افرادی هستیم که زندگی ایشان

به نظرمان ایده آل و مطلوب می‌رسد. سپس درصدد هستیم که از ایشان تقلید کرده، همانند آنان شویم. الگوبرداری اولین طریق حصول شباهت است.

رابطه الگویی، رابطه‌ای پر مایه است. شخص بالغ‌تر از کسی که کمتر بالغ است حمایت کرده، به او کمک می‌نماید. این رابطه، رابطه‌ای مدد رسان می‌باشد. هدف یک چنین رابطه‌ای، ارتقاء شخص ضعیف‌تر یا نابالغ‌تر به سطح حصول کفایت و قابلیت می‌باشد. به عبارتی، این امر در زندگی مسیحی بدین معنی است که معلم به یادگیرنده کمک حمایت‌گرایانه می‌کند تا او به رشد بیشتر روحانی رسیده، شباهت مسیح را منعکس سازد.

با این حال، رابطه الگویی رابطه‌ای مستبدانه نمی‌باشد. سرمشق نباید شاگرد خود را «خفه» کند و نباید در تمام موضوعات به نفع خود تصمیم بگیرد. در واقع در رابطه الگویی هیچگونه اجباری نباید رشد و نمو را مانع شود. یادگیرنده نباید رابطه را به صورت رابطه‌ای تهدید کننده یا ترساننده ببیند. در عوض او باید به الگوی خود احترام گذاشته، بکوشد تا شبیه او گردد، از این جهت که وی کیفیات واقعی مسیحی‌گونه‌گی را از خود نشان می‌دهد. یادگیرنده همچنین خواهد دید که الگوی او چگونه به موضوعات گوناگون زندگی واکنش نشان داده، چگونه شباهت مسیح تحت همه نوع موقعیت از او بروز می‌یابد و چگونه ارزش‌ها و رفتار او با ماهیت زندگی مسیح مطابقت دارد. بر این اساس، یادگیرنده باید در صدد باشد که شبیه او گردد. این رابطه، رابطه‌ای است اختیاری و از روی اراده آزاد که بر پایه زندگی نمونه‌ای قرار دارد که الگو زیست می‌کند و شاگرد آن را در می‌یابد. الگو به احکام کتاب مقدسی در مورد پرورش حیات روحانی افراد نابالغ‌تر واکنش نشان می‌دهد؛ شاگرد نیز واکنش نشان می‌دهد زیرا به راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌ها و تشویق و ارتباط نزدیک با او نیاز دارد.

در بنای رابطه الگویی، ما باید جویای نوعی از واکنش از سوی یادگیرندگان باشیم که واقعاً مسیح را جلال داده، منتهی به تعهد عمیق‌تری نسبت به او و کار او گردد. در واقع سطوح گوناگونی از واکنش به رابطه الگویی وجود دارد. پایین‌ترین سطح،

«پذیرش» نامیده می‌شود که به تبع آن یادگیرندگان کار خداوند را صرفاً از این جهت انجام می‌دهند که ما از ایشان می‌طلبیم. ایشان قبول می‌کنند تا همکاری کرده، از سوی ما و گروه مسیحی بلافصل‌مان پذیرفته شوند. ایشان بدون تعهد شخصی کاری را که طلب می‌شود انجام می‌دهند. سپس سطح دومی از واکنش وجود دارد که همانندسازی نامیده می‌شود. یادگیرندگان به‌خاطر احترام زیادی که برای رهبر قائلند و به‌خاطر میل‌شان برای شبیه شدن به او، کار را بدون هر گونه تعهدی نسبت به آن انجام می‌دهند. با وجود آنکه همانندسازی ناشی از ستایش صادقانه فرد الگو و میل به خوشایند او واقع شدن می‌باشد، وقف واقعی نسبت به کار مشاهده نمی‌شود. سرانجام بالاترین سطح واکنش، آن واکنشی است که یادگیرندگان بر طبق آن، کار فرد الگو و اهداف مسیحی او را از آن خود می‌کنند. و این امر درونی کردن نامیده می‌شود. در این واکنش، هدف از انجام کار، جزئی از نظام ارزشی خودشان می‌شود. یادگیرندگان، کار برای خداوند را جلوه‌ای از محبت خودشان به خدا و فرصتی برای کاربرد عطایای شخصی و تعهدات‌شان می‌دانند. آنان از پیروی از الگوی‌شان لذت می‌برند، اما با این کار و با پاسخ به دعوت وسیع‌تر برای انجام کار استاد، به اهداف مسیحی خودشان نیز می‌رسند. هنگامی که یادگیرندگان به این طریق آخر واکنش نشان می‌دهند، می‌توانیم از میوه حاصل از رابطه الگویی، شادمان شویم.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که هدف رابطه الگویی، بیشتر چگونه «بودن» است تا «انجام دادن». یعنی آنچه که یادگیرنده «هست» بیشتر از آنچه که انجام می‌دهد اهمیت دارد. نتیجه مطلوب رابطه الگویی برای شاگرد، «بدل شدن» به شباهت فرد الگوست و نه صرفاً «عمل کردن» همچون او.

در خدمت تغذیه روحانی، ما وارد روابط تربیتی و تعلیمی با افراد می‌شویم - یعنی زندگی خود را می‌گشاییم تا ایشان مشاهده کرده، از آن الگو بگیرند. این رابطه ممکن است ما را بر آن دارد که بسیاری از کارهای زیر را در ارتباط با یادگیرندگان انجام دهیم: یعنی کاربرد کلام خدا در موقعیت‌های زندگی، ملاحظه امتیازات و مسئولیت‌های مسیحی، کوشش در جهت شناخت اراده خدا و انجام آن. مهمتر از

همه اینکه ما باید الگویی را در گفتار، رفتار، استفاده از وقت، استعدادها، امور مالی و روابط به وجود آوریم که مرکزیت مسیح را در زندگی ما نشان دهد. بنابراین برای آماده کردن خود برای این وظیفه، لازم است که آن نوع شخصی «باشیم» که دیگران بخواهند از او الگوبرداری کنند، و حیات مسیح را چنان جلوه‌گر سازیم که دیگران تشخیص دهند که با تقلید از ما، حیات روحانی خودشان به سمت کاملیت پرورش خواهد یافت. این بدین معنی است که ما نیز باید بکوشیم به طرز فزاینده‌ای شبیه مسیح شویم.

عظمت و حرمت وظیفه‌ای که شخص الگو بر عهده دارد، باید تواضع و فروتنی را به همراه آورد. این واقعیت که دیگران طالب این هستند که شبیه ما شوند، نباید باعث غرورمان گردد. مسئولیت تغذیه روحانی مسیحیان در حال رشد، عظیم است و به همین دلیل یعقوب به معلمین مسیحی هشدار داد که داوری ایشان سخت‌تر خواهد بود (یعقوب ۱:۳).

۷- در تمرین زیر، سطح واکنش مناسب را با هر یک از جملات داده شده انطباق دهید.

a (a) داریوش ظاهراً هیچگاه کارش را با تمام وجود انجام نمی‌داد. او صرفاً خرده‌فرمایش‌های ما را انجام می‌داد.

b (b) رامین به خاطر حس تحسینی که نسبت به معلمش داشت، وظیفه‌اش را انجام می‌داد؛ با این حال او تعهد واقعی نسبت به کار خداوند نداشت.

c (c) به نظر می‌رسد که مونا تصویری از معلمش می‌باشد. او نسبت به وظایفی که معلم تقبل کرده است متعهد بوده، آنها را از آن خود می‌داند، زیرا که تشخیص می‌دهد که آن کار خداوند است. او از کاری که انجام می‌دهد بسیار خوشحال است. هنگامی که او تکالیفی را انجام می‌دهد که معلم بر عهده او گذاشته است، در واقع به اهداف شخصی خودش نیز رسیده است. این امر احساس رضایت عمیقی را برای او به همراه می‌آورد.

d (d) کسی گفت: خواهم رفت اما نرفت. با این حال بعداً توبه کرده، روانه شد.

e.... طی خدمت عیسی، شاگردانش با کمال میل فرمایشات او را اجرا می کردند؛ اما ایشان کار طولی‌المدت او را و یا بهایی که می‌بایست برای این کار پرداخت، نه درک کرده بودند و نه ارزش آن را می‌دانستند.

(۱) درونی کردن

(۲) همانندسازی

(۳) پذیرش

۸- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

a) ما در تلاش خود برای رشد و بلوغ روحانی، با برقراری ارتباط با کسانی که زندگی‌شان مسیح‌گونه‌گی واقعی را منعکس می‌سازد، کمک دریافت می‌کنیم.

b) روابط الگویی به جهت ماهیت باطنی‌شان، باید دائمی باشند.

c) هدف رابطه الگویی این است که افراد رشد نکرده از حمایت و کمک افراد بالغ‌تر فایده ببرند.

d) رابطه الگویی بر این فرض بنا نشده است که فرد الگو باید بر رابطه مسلط باشد، بلکه از این جهت شکل می‌گیرد که یادگیرنده امکان این را بیابد که از رفتارهای فرد الگو تقلید کند.

e) هدف یادگیرنده در وهله اول این است که همانند سرمشق خود «عمل کند» زیرا که موضوع مهم عمل کردن است و نه بودن.

f) هنگامی که فرد در مسیر تجربه مسیحی خود رشد می‌کند، باید سعی کند آن چنان شخصی باشد که مردم بخواهند زندگی‌شان را مطابق الگوی او تنظیم کنند. زندگی او باید مسیح‌گونه‌گی را ظاهر سازد به نحوی که مردم ببینند که ترقی به سمت کاملیت مسیحی واقعی امکان‌پذیر و عملی است.

با هم بودن و شباهت

چگونه می‌توانیم یک شخص را طوری بشناسیم که شبیه‌اش شویم؟ یا اینکه چگونه وارد روابطی می‌شویم که شخص مقابل بتواند آن قدر ما را بشناسد که بخواهد واقعاً شبیه ما شود؟

روابط الگویی مستلزم این است که فرد به کرات در موقعیت‌های گوناگون و طی مدت زمان طولانی با فرد دیگری باشد. این با هم بودن باید در چارچوب زندگی واقعی صورت پذیرد. در این رابطه رشدیابنده، زندگی درونی فرد الگو برای یادگیرنده گشوده می‌شود. فرد الگو باید میان ایده‌آل‌های بلوغ روحانی و رفتار شخصی‌اش انسجام و یکپارچگی برقرار کند، طوری که تفاوتی میان آنچه که «موعظه می‌کند» و آنچه که «عمل می‌کند» وجود نداشته باشد. همچنین یادگیرنده باید امکان گسترده‌ای برای تقلید از مشاهدات خود داشته باشد. تمام این امور اساسی را می‌توان بر مبنای آنچه که قبلاً در این درس آموختیم مشاهده کرد. شاید بتوانیم این مشاهدات را به صورت چهار عامل اساسی روابط الگویی خلاصه کنیم: (۱) ارتباط متقابل، (۲) صمیمیت، (۳) همانندسازی، و (۴) تقلید.

ارتباط متقابل به تأثیر زندگی فردی بر فرد دیگر اشاره می‌کند. هر کجا که زندگی‌ها با هم تلاقی بیابند، ارتباط متقابل پدید می‌آید. هنگامی که زندگی شما با زندگی شخص دیگر تماس پیدا می‌کند، شما وارد ارتباط متقابل می‌شوید. ارتباط متقابل متضمن این است که شکلی از تبادل ارتباط میان شما برقرار شده، و هر یک از شما بر زندگی دیگری اثر گذارد. ارتباط متقابل را می‌توان اولین گام در بسط روابط مابین اشخاص تلقی کرد. ارتباط متقابل به طور سطحی و کم عمق آغاز شده، اما بعد از مدت زمانی، عمیق‌تر و قوی‌تر می‌شود. ارتباط متقابل ما را وارد فرایند حرکتی می‌کند که توجه ما را از خود و از خودمحوری برگرفته، به طرف مسیر حرکت و جهان‌بینی شخص مقابل معطوف می‌کند. هنگامی که با دیگران وارد ارتباط متقابل می‌شویم، به ارزش انسانی ایشان پی می‌بریم. وقتی با شخص دیگر ارتباط متقابل

می‌یابیم، از ارزش و منزلت شخص مقابل آگاهی یافته، سعی می‌کنیم که ارج و منزلت شخصی خود را نیز سنجیده، آن را برای خود روشن گردانیم.

روابطی که بر پایه ارتباط متقابل بنا شده‌اند، اغلب عمیق‌تر شده، تبدیل به صمیمیت می‌گردند. صمیمیت متضمن نزدیکی و خودمانی شدن بوده، و شاخص آن بندهای عاطفی عمیق و دوستی گرم است که از رابطه‌ای نزدیک نشأت می‌گیرد. صمیمیت مستلزم غیررسمی بودن و گرمایی است که بین اشخاصی که روابط نزدیکی با یکدیگر برقرار کرده‌اند، حالتی شخصی و خصوصی دارد. پیوستگی ایشان به نحوی است که هر یک در آشکار کردن افکار باطنی‌اش برای شخص مقابل احساس امنیت و آزادی کرده، از شناختن شخص مقابل بدین طریق خودمانی، احساس رضایت و کمال می‌کند. روابط الگویی هنگامی بسیار مؤثر است که صمیمانه باشد. فرد با چنین شناخت عمیقی از دیگری، شخصیت واقعی فرد الگو و لیاقت و کفایت او را مشاهده کرده، میل دارد شبیه او شود.

در جماعات مسیحی، صمیمیت طبیعتاً ناشی از زندگی اشتراکی است. دو فردی که زندگی مسیح‌گونه دارند، وجه مشترکی با یکدیگر دارند که ایشان را به‌طرزی مستحکم به یکدیگر پیوند می‌دهد. آنان به یکدیگر تعلق دارند، اما همچون اعضای مختلف یک بدن. این رابطه دو جانبه در عیسی مسیح، پایه محبت روحانی است، یعنی عمیق‌ترین و رفیع‌ترین جلوه صمیمیت.

هماندسازی به معنی فرافکنی خویشتن به درون زندگی شخص دیگری می‌باشد. منظور از آن این است که ما در دیگری خصائل و ویژگی‌هایی را می‌بینیم که آنها را مطلوب می‌یابیم. در همانندسازی، شخص طوری از لحاظ عاطفی به دیگری پیوسته می‌شود که به‌طرزی حیاتی خود را شبیه آن شخص می‌داند. همانندسازی اغلب منتهی به سهیم شدن نیابتی در تجربیات می‌شود. یعنی آنقدر به دیگری نزدیک می‌شوید که سعی می‌کنید شبیه آن شخص شوید. در گذشته پسرکی را می‌شناختم که آنقدر خود را با یک قهرمان ورزشی همانند ساخت که از مادرش خواست که او را به نام آن قهرمان صدا بزند.

تقلید مستلزم این است که آنقدر به دیگری نزدیک شوید که تلاش کنید آن چیزی بشوید که او هست، یعنی سعی در شبیه او شدن. اما این چیزی بیش از کوشش صرف در جهت عمل کردن همانند دیگری یا انجام کارهایی است که او انجام می‌دهد. این امر مستلزم این است که سعی کنیم آن چیزی باشیم که آن شخص می‌باشد. یعنی آنقدر تحت نفوذ شخص دیگر قرار می‌گیریم که ویژگی‌ها، شیوه زندگی، افکار و احساسات و نیز رفتار او را منعکس می‌سازیم. ما آن کاری را می‌کنیم که او می‌کند، نه به‌خاطر اینکه مورد پسند او واقع شویم، بلکه برای اینکه در اشتیاق خود برای شبیه او شدن، مورد پسند خودمان واقع شویم. تقلید کردن منتهی به درونی کردن ارزش‌ها و سبک زندگی شخص دیگر می‌شود تا آنجا که آنها را به‌عنوان ارزش‌ها و سبک زندگی خودمان تجربه می‌کنیم. با هم بودن، شبیه شدن را به‌بار می‌آورد. بنابراین روابط مابین اشخاص از ارتباط متقابل آغاز شده، به صمیمیت و سپس به همانندسازی و تقلید منتهی می‌شود.

در خدمت تغذیه روحانی، در جایی که هدف کمک به مسیح‌گونه شدن دیگران است، این مفهوم کاربرد خاصی می‌یابد. شدیدترین میل یک مسیحی بالغ‌تر باید این باشد که به حیات مسیح درون خود اجازه رشد و نمو دهد طوری که با عیسی مسیح کاملاً همانند شود و حیات او از طریق زندگی خودش بدل به جلوه زندگی گردد. هدف بدن مسیح باید این باشد که حیات مسیح و جلوه‌های مسیح‌گونه را بپوشد، و این جلوه‌ها آنقدر نیرومند باشند که دیگران بخواهند خود را عمیقاً با خداوندان همانند سازند. از آنجا که شما همانند تمام مسیحیان جزئی از آن بدن هستید، زندگی شما باید بدل به جلوه زنده حیات مسیح شود - یعنی الگویی که دیگران از آن تقلید کنند. هنگامی که ایشان از شما تقلید می‌کنند، رشد و نمو ایشان به‌سمت مسیح‌گونه‌گی آغاز می‌شود. چه مسئولیت و امتیاز دشوار و در عین حال شگفت‌آوری!

۹- دور حروف مقابل عبارات صحیح دایره‌ای بکشید.

- (a) در روابط الگویی، شخص شبیه دیگری می‌شود.
- (b) ارتباط متقابل عمیق‌ترین سطح روابط مابین اشخاص می‌باشد.
- (c) ارتباط متقابل به اثر زندگی یک فرد بر دیگری اشاره دارد.
- (d) پیوندهای عاطفی عمیق نشانه صمیمیت می‌باشد.
- (e) صمیمیت متضمن این است که شخص در برابر دیگری از خود محافظت کند.
- (f) همانندسازی در چارچوب الگودهی به معنی یافتن هویت شخصی جدا از روابط انسانی می‌باشد.
- (g) در همانندسازی شخص خود را به درون زندگی دیگری فرافکنی می‌کند.
- (h) در تقلید، شخص آنقدر با دیگری رابطه نزدیک پیدا می‌کند که بدل به آن چیزی می‌شود که دیگری هست.
- (i) تقلید متضمن این است که شخص رفتار فرد دیگری را تقلید کند.
- (j) کاربرد روابط الگویی در خدمت تغذیه روحانی دشوار است.

یافتن الگوهای مناسب

الگوبرداری از زندگی مسیح وسیله ارتباطی نیرومندی است که رشد روحانی را در مسیر مسیح‌گونه‌گی هدایت می‌کند. یک نوایمان برای برقراری یک رابطه الگویی ارزشمند، به چه کسی می‌تواند نگاه کند؟ نمونه‌های مناسبی که زندگی مسیح را منعکس می‌سازند چه کسانی هستند؟

والدین، روابط الگویی با فرزندان‌شان دارند. طبیعتاً پیوندهایی میان کودکان حساس و تأثیرپذیر و والدین‌شان وجود دارد. تمام عوامل اساسی که برای روابط الگویی ضروری هستند باید در روابط خانوادگی عادی وجود داشته باشد - یعنی نزدیکی، امکان مشاهده، مشارکت ارزشمند با یکدیگر و محبت متقابل. این ویژگی‌ها باید در رابطه والدین و فرزندان وجود داشته باشد.

کتاب مقدس تصدیق می‌کند که این رابطه طبیعی الگویی باید میان والدین و فرزندان وجود داشته باشد. در واقع در دوره شریعت، خدا به والدین حکم کرد که با اطاعت از قوانین و اوامر او، سرمشق مناسبی برای کودکان باشند.

۱۰- تثنیه ۹:۱-۹ را به دقت بخوانید. بعد از خواندن این آیه‌ها و تعمق در مورد مفهوم آنها، پاسخ خود را به سؤالات زیر در دفتر یادداشت‌تان بنویسید.

- a) در مورد پیام این بخش از تثنیه چه فکر می‌کنید؟
- b) این متن خطاب به چه کسانی بود؟
- c) توصیه‌های خاصی را که در آیه‌های ۵-۹ شده است، فهرست کنید.
- d) این احکام خاص برای کسانی که در اصل آن را دریافت کردند، چه معنایی داشت؟
- e) افسسیان ۱:۵ را با تثنیه ۹:۱-۹ مقایسه کرده، توضیح دهید که این توصیه‌ها چرا داده شدند.

۱۱- داوران ۱۰:۲-۱۵ را خوانده، سپس بر مبنای این آیات، دور حرف مقابل بهترین پاسخ به این سؤال دایره‌ای بکشید. آن نسل از قوم اسرائیل که خداوند و کارهای عظیمش را نمی‌شناخت، قبل از هر چیز مظهر کدام مورد زیر بودند؟

- a) قصور اسرائیل در جذب درست فرهنگ آن سرزمین با نظام ارزشی خود.
- b) میل اسرائیل به آزاد بودن در تعبیر شریعت خدا.
- c) قصور در خانواده، جایی که ارزش‌های روحانی می‌بایست نسل به نسل منتقل شود.

d) شکست سیستم تعلیم و تربیت عمومی که نهاد مسئول انتقال ارزش‌های روحانی و اخلاقی بود.

امیدوارم که از متن تثنیه و سؤالات مطرح شده بهتر درک کنید که چرا موسی به پدران و مادران در میان قوم اسرائیل توصیه کرد که در مقابل فرزندان‌شان زندگی نمونه‌ای داشته باشند. والدین می‌بایست خدا را تماماً محبت می‌نمودند تا سرمشق و

الگوی شایسته‌ای باشند. ایشان می‌بایست احکام خدا را در دل خود رعایت می‌کردند - یعنی برای امور روحانی ارزش قائل می‌شدند. ایشان می‌بایست از طریق قائل شدن اولویت برای امور روحانی در روابط خانوادگی‌شان، این مسائل را به فرزندان‌شان تعلیم می‌دادند. خانه‌های آنان می‌بایست مرکز تعلیمات مذهبی می‌بود. به همان طریق بر والدین مسیحی نیز واجب است که سرمشقی از زندگی مسیح‌گونه باشند.



سطح دیگری از ارتباط نزدیک و متقابل، معمولاً گروه کوچکی از دوستان می‌باشد. این گروه می‌تواند شامل اعضای خانواده، همسایه‌ها و دوستان خانوادگی باشد. بسیاری از این افراد می‌توانند به‌طور طبیعی الگوهای مناسبی باشند. می‌توانید به اشخاصی بیندیشید که با ایشان یک چنین رابطه‌ای را حفظ کرده‌اید. اگر ایشان از لحاظ روحانی بالغ‌تر از شما باشند، می‌توانند الگویی برای شما باشند یا بالعکس. اگر آنان به اندازه شما از لحاظ روحانی بالغ نیستند، شما می‌توانید الگویی برای ایشان باشید.

ممکن است بر مبنای مطالعه این کتاب درسی، تاکنون پی برده باشید که خدا برخی افراد را در کلیسا مقرر کرده است که به‌طور خاص به‌عنوان معلم خدمت کنند. تمام بخش‌هایی که در کتاب مقدس به عطایا می‌پردازد، اشاره خاصی به معلمین شده است. افرادی که در کلیسا به‌عنوان معلم خدمت می‌کنند، وظیفه خاصی دارند که زندگی‌شان را شایسته تقلید نگاه دارند. معلمین دارای این وظیفه کتاب مقدسی هستند

که به گونه‌ای زندگی کنند که حقایق کلام را از طریق رفتارها، ارزش‌ها، سبک زندگی، و برخوردهای شان تعلیم دهند (اول تیموتاؤس ۱۲:۴).

در مفهومی بسیار واقعی، به دلیل ماهیت کلیسا، هر ایمان‌داری باید الگویی باشد برای دیگران تا از او تقلید کنند. پولس به مسیحیان قرن‌تس گفت که ایشان باید همانند رساله‌های زنده‌ای باشند که همه اطرافیان بتوانند آن را بخوانند (دوم قرنتیان ۱:۳-۳). او گفت که مثل این است که کلام خدا در دل ایشان نوشته شده باشد. این بدین معنی است که زندگی آنان باید جلوه زنده‌ای از مسیح‌گونه‌گی باشد که همه کس بتواند ببیند. به دلیل ماهیت باطنی بدن مسیح، روابط الگویی به‌طور طبیعی وجود دارد. در برخی موارد، دیگران ممکن است در شما آن کیفیت پویای روحانی را ببینند که مایلند تجربه کنند و مایل باشند که شبیه شما باشند بی آنکه نسبت به میل‌شان آگاهی داشته باشند. اما مهم‌تر از همه شما باید به‌طرزی آگاهانه جویای برقراری روابط در سطحی عمیق باشید طوری که صمیمیت، همانندسازی و تقلید را برانگیزد.

۱۲- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) روابط خانوادگی به‌طرزی ایده‌آل حاوی عوامل اساسی روابط الگویی می‌باشد.
(b) از آنجایی که مسیحیان باید چشم‌شان به عیسی باشد، الگویی که به دیگران ارائه می‌دهند، مهم نیست.

(c) کتاب مقدس به والدین حکم می‌کند که واقعیت روحانی را برای فرزندان‌شان به‌تصویر بکشند.

(d) دوستان ارزشمند می‌توانند الگوی مناسبی برای تقلید باشند.

(e) معلمین در کلیسا باید بیشتر به آنچه که می‌گویند توجه کنند تا به نحوه زندگی‌شان.
(f) معلمین در کلیسا به‌طور خاص مسئولند که زندگی شایسته‌ای داشته باشند تا دیگران بتوانند از آن تقلید کنند.

(g) تمام مسیحیان باید به گونه‌ای زندگی کنند که تجلی مسیح‌گونه‌گی در برابر همگان باشد.

این گفته عیسی که «هر که کامل شده باشد، مثل استاد خود بود» شاید اکنون برای ما ارزش جدیدی پیدا کرده باشد. تغذیه روحانی در کار کمک به رشد مردم در جهت مسیح‌گونگی، وظیفه انتقال حیات را از طریق فرایند اجتماعی کردن متحقق می‌سازد. این امر شامل بنای روابط الگویی است و منتهی به شباهت شاگرد به معلم می‌گردد. روابط مابین اشخاص که در بین اعضای بدن مسیح وجود دارد، وسیله مناسبی برای شکل دادن واقعی است که رشد روحانی را پرورش می‌دهد.

خودآزمایی

دور حرف مقابل پاسخ صحیح به هر یک از سؤالات زیر دایره‌ای بکشید.

۱- دلایل اولیه ما برای تعلیم واقعیت‌ها و اطلاعات کتاب مقدس به عنوان پایه ایمان، در تمام موارد زیر به استثناء یکی مشخص شده‌اند. کدام دلیل در این درس قید «نشده» است؟

- (a) اطلاعات کتاب مقدس شالوده‌ای هستند برای دانش ایمان.
- (b) اطلاعات کتاب مقدس منبعی است برای دانش که باعث رشد ایمان می‌گردد.
- (c) اطلاعات کتاب مقدس به صورت داده‌های مسلم عرضه شده‌اند، برخی به عنوان مفاهیم و برخی به عنوان اصول.
- (d) اطلاعات کتاب مقدس همگی از طریق یک وسیله غیرشخصی، یعنی مکاشفه ثبت شده عرضه شده‌اند.

۲- طبق مطالب درس، شخص اطلاعات کتاب مقدس را به عنوان پایه ایمان تعلیم می‌دهد زیرا که:

- (a) روش دیگری وجود ندارد تا شخص بتواند ارزش‌های اخلاقی را بشناساند.
- (b) آنها همان چیزی هستند که خدا به عنوان حقیقت به ما انتقال داد، حقیقتی که می‌توان آن را پذیرفت یا رد کرد.
- (c) کلیسا برای آن ارزش قائل است.
- (d) این امر سابقه تعلیمی است که از سوی رسولان مقرر شد.

۳- برای یک برنامه متعادل تغذیه روحانی، داده‌های مربوط به دانش کتاب مقدس و نمونه‌های مناسب زندگی مسیحی مورد نیاز می‌باشند. این امور به مؤثرترین وجه توسط کدام موارد زیر تعلیم داده می‌شوند؟

- (a) الگوهای رسمی و غیررسمی
- (b) خود یادگیرنده

(c) برنامه‌های تعلیم و تربیتی کلیسا

(d) نفوذ اجتماعی و فرهنگی کلیسا

۴- بر طبق این درس، یکی از دلایل مربوط به اینکه چرا اجتماعی شدن را به‌عنوان روشی برای تغذیه روحانی به‌کار می‌بریم این است:

- (a) راحت‌ترین روش برای تعلیم دیگران بوده، مستلزم هیچ ساختار رسمی نمی‌باشد.
- (b) این وسیله سریع‌ترین نتایج را برحسب مقدار تلاش به‌کار رفته به‌بار می‌آورد.
- (c) طبیعی‌ترین چیز برای تمام مردم است تا خوب عمل کنند یعنی از زندگی مسیح‌الگوبرداری نمایند.

(d) ارزش‌ها، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای مناسب منطبق با زندگی مسیح از طریق روابط معنی‌دار با دیگران که از آن الگوبرداری می‌کنند جذب می‌شود.

۵- تمام موارد زیر به جز یکی در مورد اجتماعی شدن صحیح می‌باشند. کدام عبارت صحیح «نیست»؟

- (a) ما از طریق فرایند اجتماعی شدن، زیستن به شیوه زندگی مسیح را می‌آموزیم.
- (b) عهدجدید ایمانداران را تشویق می‌کند تا از افراد خدا ترس به‌عنوان الگو تقلید نمایند.

(c) در شرایطی که اجتماعی شدن برای فراگیری رسوم فردی سودمند است، برای تغذیه روحانی مناسب نمی‌باشد.

(d) عیسی به‌هنگام شاگردسازی آن دوازده نفر، فرایند اجتماعی شدن را به‌کار برد.

۶- بر طبق مطالب درس، روابط الگویی در تغذیه روحانی مفید هستند زیرا که مردم به‌طور طبیعی برای حصول لیاقت و کفایت کوشش کرده، در صدد هستند که از اشخاص لایق تقلید کنند؛ بنابراین شخص:

- (a) احساس می‌کند که طبیعی است که زندگی روحانی‌اش را از کسی که خصوصیات مسیح‌گونه از خود نشان می‌دهد، الگوبرداری کند.

(b) بر این باور است که رابطه الگویی به او اجازه می‌دهد که به‌طور طبیعی در تجربیات زندگی روزانه‌اش رشد کند.

(c) گرایش به این عقیده دارد که با پیروی از یک فرد روحانی به‌عنوان الگو و تقلید از رفتار او، بسیاری از تجربیات دشوار رشد روحانی از میان برداشته خواهند شد.

(d) از افراد الگو به‌خاطر تمام دلایل ذکر شده در (a)، (b)، و (c) پیروی می‌کند.

(e) به‌خاطر تمام چیزهای قید شده در (a) و (b) رابطه الگویی برقرار می‌کند.

۷- روابط الگویی، به‌خاطر انتقال ارزش‌ها و روش‌های مربوط به رشد روحانی، روشی پر بار و مفید است. کدامیک از عبارات زیر دلیلی برای این روابط و هدفی برای آن محسوب «نمی‌شود»؟

(a) روابط الگویی پربار می‌باشند: افراد قوی به‌ضعفا کمک کرده، به ایشان مدد رسانده، حمایت می‌کنند تا به کفایت روحانی برسند.

(b) هدف رابطه الگویی برای فرد الگو این است که بکوشد تا برای جلال مسیح زیست نماید. این امر منتهی به تعهد عمیق‌تر یادگیرندگان به مسیح و کار او می‌گردد.

(c) فرد الگو باید رابطه را تماماً کنترل نماید تا زمانی که یادگیرنده در تمام امور روحانی بلوغ و کفایت کامل مسیحی از خود نشان دهد.

(d) رابطه الگویی، رابطه‌ای اختیاری است که بر پایه نحوه زندگی فرد الگو و درک یادگیرنده استوار است.

۸- اگر قرار است که رابطه الگویی موفقیت‌آمیز باشد، یادگیرندگان باید:

(a) بتوانند دقیقاً همانند افرادی که به‌عنوان الگو اختیار کرده‌اند عمل کنند.

(b) این رابطه را دائماً حفظ کنند و ابتکار عمل را به دست افراد الگو بسپارند.

(c) بیشتر بر روی فعالیت‌ها متمرکز باشند تا بر روی هر جنبه دیگری از زندگی‌شان.

(d) این فرصت را داشته باشند تا آنچه را که فرا گرفته‌اند به‌کار برند و رفتارهایی را از خود بروز دهند که در افراد الگو مشاهده کرده‌اند.

۹- در طول درس، چهار عامل اساسی را برای شکوفایی روابط الگویی مؤثر مورد بحث قرار دادیم. ترتیب شکوفایی این روابط در کدام مورد زیر ذکر شده است؟

(a) تقلید، همانندسازی، صمیمیت و ارتباط متقابل.

(b) ارتباط متقابل، صمیمیت، و تقلید.

(c) همانندسازی، ارتباط متقابل، صمیمیت، و تقلید.

(d) صمیمیت، ارتباط متقابل، تقلید، و همانندسازی.

۱۰- طبق مطالب درس، الگوهای مناسبی که شخص می‌تواند درصدد تقلید از

آنان برآید، در کدام مورد زیر ذکر شده است؟

(a) مبشرین بزرگ، شبانان، رسولان گذشته و قهرمانان کتاب مقدس.

(b) کسانی که به‌خاطر رشد روحانی خود را در عزلت‌گاه‌ها از جامعه جدا می‌کنند.

(c) دوستان ارزشمند، اعضای خانواده، معلمین و در اصل تمام مسیحیان.

(d) نسل قدیمی‌تر از افراد بالغ که بر نیروهای شریر فائق آمده‌اند.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۷- a) ۳ پذیرش

b) ۲ همانندسازی

c) ۱ درونی کردن

d) ۳ پذیرش

e) ۲ همانندسازی

۱- a) غلط

b) درست

c) درست

d) غلط

e) درست

f) درست

۸- a) درست

b) غلط

c) درست

d) درست

e) غلط

f) درست

۲- b) ایجاد درکی ارزشمند از جامعهٔ شخص به نحوی که بتوان با کفایت در یک بافت اجتماعی معین ایفای نقش نمود.

۹- a) درست

b) غلط

c) درست

(d) درست

(e) غلط

(f) غلط

(g) درست

(h) درست

(i) درست

(j) غلط

۳- پاسخ خودتان. از میان سایر موارد، می‌توانستید به این امور اشاره کنید: چه غذاهایی را باید خورد و کدام را نخورد، رفتار مقبول و رفتار ناپسند، اهداف مناسب برای زندگی کدامند، کدام ارزش‌ها مناسب می‌باشند، از کدام قواعد اجتماعی انتظار می‌رود که شخص پیروی کند.

۱۰- (a) پاسخ خودتان. به نظر من یک خدای مهربان با فرزندان خود صحبت می‌کند تا به ایشان اطمینان دهد که اگر رابطه خود را با او حفظ کنند، ایشان را برکت خواهد داد.

(b) خطاب به والدین قوم اسرائیل بود.

(c) خدا را با تمام وجود دوست بدار، احکام او را با زیستن بر طبق دستوراتش رعایت کن، آنها را به فرزندان تعلیم ده و البته این امر شامل الگوبرداری نیز می‌شود.

(d) ایشان این احکام را مسئولیت‌هایی پرصلابت و الزام‌آور یافتند. برکت آتی بستگی به اطاعت از آنها داشت.

(e) این توصیه‌ها بر اساس شرطی مطرح شده؛ منظور از آنها این بود که قوم اسرائیل را بر آن دارد که دقیقاً از خداوند پیروی کند تا از برکات او یعنی عمری طولانی و برکات مادی برخوردار شوند.

۴- a) اجتماعی شدن در چارچوب تجربیات مشترک زندگی واقعی صورت می‌پذیرد.

b) یادگیری از طریق اجتماعی شدن مستلزم آموزش به واسطه الگوبرداری است.

c) برقراری روابط نزدیک با دیگران، بخش اساسیِ دیگر اجتماعی شدن می‌باشد.

d) به همان طریق، اجتماعی شدن مستلزم فرصت‌هایی است تا یادگیرنده از الگو تقلید کند.

۱۱- c) قصور در خانواده، جایی که ارزش‌های روحانی می‌بایست نسل به نسل منتقل شود.

۵- پاسخ خودتان.

۱۲- a) درست

b) غلط

c) درست

d) درست

e) غلط

f) درست

g) درست

۶- a) درست

b) غلط

c) درست

d) درست

e) غلط

هدایت کردن روند یادگیری

عمانوئل از رفتن به مدرسه لذت می برد و درس ها برایش سرگرم کننده بود. ابتدا تکالیف بسیار ساده بودند: حفظ کردن حروف الفبا، تشخیص حروف چایی، شمردن از ۱ تا ۱۰ و هجی کردن اسمش. بعداً کارها مشکل تر شد و او خواندن، هجی کردن، نوشتن و حل مسائل ریاضی را یاد گرفت.

وقتی که مریم در یک جلسه اولیاء و معلمین شرکت کرد، دریافت که عمانوئل شاگرد خوبی است و علت آن را نیز فهمید. معلم عمانوئل می دانست که چگونه به یادگیری کودکان کمک کند. او می دانست که چه کند تا تجربه یادگیری جالب تر، جذاب تر، و مؤثرتر گردد.

معلم با نشان دادن مسیر درست یادگیری به دانش آموز، او را در فراگیری مطالب کتاب مقدس یاری می دهد. معلمین به هنگام اداره جلسه تعلیم کتاب مقدس، یادگیرندگان را هدایت می کنند تا آیات کتاب مقدس را تفحص کرده، معانی آنها را بیابند، و آنها را در زندگی خود پیاده نمایند.

در این درس، خدمت تعلیم را مورد بررسی قرار خواهیم داد، خواهیم دید که مطالعه کتاب مقدس به چه یافته هایی منتهی می شود، چگونه می توان مطالعه کتاب مقدس را به صورت استقرایی انجام داد، و یادگیری را چگونه باید برنامه ریزی کرد.

رئوس مطالب

خدمت تعلیم

مطالعه اکتشافی کتاب مقدس

مطالعه استقرایی کتاب مقدس

برنامه ریزی برای برخوردهای یادگیری



اهداف درس

- پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:
- خدمت تعلیم را تعریف کنید.
- دو روش اکتشافی مطالعه کتاب مقدس را توصیف نمایید.
- برنامه‌ریزی یک برخورد یادگیری هدفمند را توصیف کنید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- مطالب درس ۴ را خصوصاً آنچه که مربوط به خدمت تعلیم می‌شود، اجمالاً مرور کنید.
- ۲- مقدمه درس، رئوس مطالب، و اهداف درس را مطالعه کنید. سپس بر طبق روال عادی بر روی متن درس کار کنید. بعد از اتمام درس، به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.
- ۳- بخش ۲ (دروس ۴ تا ۷) خصوصاً اهداف درس و خودآزمایی را به‌دقت مرور نمایید. سپس آزمون میانی شماره ۲ را تکمیل کنید.

خدمت تعلیم

در درس قبل، کاملیت مبتنی بر ایمان را مورد بحث قرار دادیم. دیدیم که کاملیت هنگامی پدید می‌آید که ما دانش کتاب مقدسی به دست می‌آوریم که شامل بسیاری از داده‌های اساسی و حقایق عقیدتی عمیق‌تر می‌باشد. همانطور که غذا برای بدن است، مطالب کتاب مقدس نیز برای حیات روحانی ضروری است. این در واقع، سرچشمه ایمان است (رومیان ۱۰:۱۷). دریافتیم که کاملیت نه تنها مستلزم دانش است، بلکه همچنین کاربرد این دانش را در موقعیت‌های زندگی روزانه اقتضا می‌کند. وقتی در دانش رشد کرده، آن را با ثابت قدمی پیاده کنیم، سبک زندگی ما به گونه‌ای می‌شود که وجه مشخصه آن ایمان است.

ارزش رشد در ایمان چیست؟ چه تغییری در ما پدید می‌آید هنگامی که از لحاظ روحانی رشد کرده، به قامت پری در ایمان می‌رسیم و بسیاری از داده‌های کتاب مقدس را می‌دانیم؟ آیا این رشد به خودی خود یک هدف است؟ هدف بلوغ مسیحی به هیچ وجه این نیست، زیرا که زندگی ما برای این نیست که در انزوا زیست نماییم. به ما امر شده است که در فیض رشد کرده (دوم پطرس ۳:۱۸)، بدل به خدمتگزارانی شویم که به‌طور صحیح کلام خدا را انجام می‌دهند (دوم تیموتاؤس ۲:۱۵) و آماده باشیم که به هر که از ما دلیل امیدمان را سؤال کند جواب بدهیم (اول پطرس ۳:۱۵). ما نجات یافته‌ایم تا در بدن مسیح به دیگران خدمت کنیم، مخصوصاً به کسانی که نوزادان روحانی هستند. تجربیات مربوط به رشد خودمان و دانش ما در باره کلام خدا ما را قادر می‌سازد تا دیگران را تعلیم داده، بدین‌سان بدن مسیح را تقویت نماییم و گسترش آن را امکان‌پذیر سازیم.

در درس ۶ الگوی غیر رسمی پرورش مسیحی را بررسی نمودیم. مشاهده کردیم که در حقیقت یادگیری زیادی به‌طور غیر رسمی در خانه و همسایگی بر طبق فرایند

طبیعی (اجتماعی شدن) صورت می‌پذیرد، لذا در قلمرو روحانی نیز ما زندگی مسیح‌گونه را با تقلید از برخوردها و رفتار مسیحیان بالغ‌تر می‌آموزیم. سرانجام اهمیت رشد شخصیت خودمان را به‌عنوان طریقی برای بدل شدن به آن نوع اشخاصی که دیگران بخواهند از آن تقلید کنند، مورد بحث قرار دادیم.

اکنون الگوهای رسمی پرورش مسیحی را مورد ملاحظه قرار خواهیم داد. در این درس چگونگی تعلیم حقایق کتاب مقدس را از طریق فعالیت‌های تعلیم-یادگیری در چارچوب کلاس درس مطالعه خواهیم کرد.

تعریف خدمت تعلیم

دیدیم که خدمت تعلیم چیزی بیش از انتقال اطلاعات است؛ همچنین چیزی بیش از بازگو کردن و صحبت کردن است. نقل یک حکایت، بیان داده‌ها، توصیف وقایع یا توضیح اطلاعات ممکن است ضرورتاً به‌معنی تعلیم مؤثر نباشند. اگر هیچ کس چیزی نیاموزد، تعلیم ظاهراً بی‌اثر بوده است. در این هنگام، ما باید مسأله را تجزیه و تحلیل نماییم. آیا معلم به‌دلیل اینکه از روش‌های تعلیمی نامناسبی استفاده کرده، نتوانسته است به‌طرزی مؤثر ارتباط برقرار کند؟ آیا او فقط یکی از حواس را تحت تأثیر قرار داده، به دلیل نادیده گرفتن امکانات دیدن، شنیدن و ارتباط متقابل که به تجربه یادگیری غنا می‌بخشد، نتوانسته باعث یادگیری دانشجویان گردد؟ ضرب‌المثلی می‌گوید: «تا مشتری چیزی نخریده باشد، نمی‌توان گفت که فروشنده چیزی فروخته است.» این مثل تا اندازه‌ای در مورد تجربه تعلیم و یادگیری صدق می‌کند. اگر به‌عنوان مثال یادگیرنده به‌طور مؤثر فرا نگیرد، در این صورت تعلیم ما یا غیرمؤثر بوده یا اشتباه. شخص نمی‌تواند صرفاً با یک سخنرانی یا تدریس یک درس چنین انگارد که یادگیری به‌طور اتوماتیک صورت خواهد پذیرفت. تعلیم و یادگیری آنچنان رابطه‌ای حیاتی با هم دارند که اگر یکی شکست بخورد، دیگری نیز ناموفق خواهد ماند. حقیقت را نباید بی‌شور و علاقه عرضه کرد؛ و از طرفی نباید بر

یادگیرنده تحمیل شود. او را نمی‌توان وادار به یاد گرفتن نمود. پس در این صورت خدمت تعلیم چگونه باید انجام شود؟

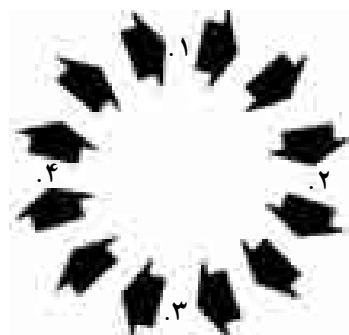
ما باید مطلب قبلی را دوباره مورد تأکید قرار دهیم: برای اینکه تجربه یادگیری برای یادگیرنده معنی‌دار باشد، او باید با مطالب وارد ارتباط متقابل شده، خود حقیقت را کشف نماید. هیچ معلمی نمی‌تواند این کار را به جای یادگیرنده انجام دهد. در عین حال، حقیقت باید تحت هدایت و رهبری معلم کشف شود. بنابراین معلمین در فرایند یادگیری، نقش راهنما را ایفا می‌کنند. خدمت تعلیم یعنی تسهیل یادگیری و کمک به یادگیرندگان برای فراگیری. یادگیرنده باید مطالب جدیدی را که فرا می‌گیرد با آنچه که قبلاً آموخته است، تلفیق کند. او باید رابطه آن را با خودش ملاحظه کرده، آن را در زندگی‌اش پیاده نماید و زندگی‌اش را با حقیقتی که کشف می‌کند، هماهنگ سازد. به همین دلیل است که می‌گوییم «تغییر برای یادگیری اساسی است». بدین‌سان معلم «عامل تغییر» است. وقتی که تغییر در برخوردها، ارزش‌ها و رفتار مشاهده شود، پی می‌بریم که یادگیری صورت پذیرفته است.

معلم و یادگیرنده هر دو در فرایند تعلیم و یادگیری نقش مهمی را ایفا می‌کنند. جدول زیر، نقش هر یک و رابطه آنها را با یکدیگر نشان می‌دهد.

مسئولیت‌های یادگیرنده	مسئولیت‌های معلم
- برقرار کردن ارتباط متقابل با مطالب - کشف حقیقت برای خویشتن - کاربرد حقیقت در زندگی به‌طور شخصی - هماهنگ کردن زندگی با حقیقت	- برانگیختن ارتباط متقابل، تحریک حس کنجکاوی، و تنظیم مطالب - هدایت اکتشافات (یافته‌ها)، تعیین فعالیت‌های مناسب - طرح سؤالات مربوط به زندگی، ارائه مثال‌های مربوط به زندگی، و عنوان کردن مشکلات مربوط به زندگی - حمایت، پیشنهاد، اصلاح، دعا، و اعتماد به خدا

لذا خدمت تعلیم مستلزم ایجاد محیطی است که در آن یادگیری بتواند صورت پذیرد؛ و از سوی دیگر مستلزم انگیزش بخشیدن به یادگیری و هدایت اکتشافات (یافته‌ها) می‌باشد. در خدمت تعلیم باید امکانات را سازماندهی کرد تا یادگیری صورت پذیرد. این امر شامل برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی می‌شود که یادگیرنده را قادر می‌سازد تا با مطالب رو در رو شده، با آن وارد ارتباط متقابل شود؛ همچنین طرح‌ریزی تجربیاتی است که منتهی به تغییر می‌شود. برای متحقق ساختن تغییر یعنی سوق دادن یادگیرندگان از سطح کنونی‌شان به سطح مورد نظر معلم، معلم باید: (۱) مشخص کند که میزان اطلاعات یادگیرندگان چقدر است (این کار را اغلب می‌توان توسط یک تست انجام داد)، (۲) اهداف یادگیری را مشخص کند، (۳) فعالیت‌های یادگیری را که منتهی به تحقق اهداف خواهند شد تجویز نماید، و (۴) پیشرفت را ارزیابی کند.

خدمت تعلیم



- ۱- تست
- ۲- مشخص کردن اهداف
- ۳- تجویز فعالیت‌های یادگیری
- ۴- ارزیابی پیشرفت

۱- بر مبنای بحثی که کردیم، دور حرف مقابل هر عبارتی که به‌طور صحیح یک جنبه از خدمت تعلیم را مشخص می‌کند، دایره‌ای بکشید.

- (a) ایراد سخنرانی
- (b) هدایت فرایند یادگیری
- (c) سازماندهی امکانات و فرصت‌ها برای تحقق یادگیری

(d) گفتن اینکه یادگیرندگان در ارتباط با حقیقت چه باید بکنند

(e) انگیزش بخشیدن به یادگیری

(f) برنامه‌ریزی فعالیت‌ها برای کمک به تغییر یافتن یادگیرندگان

(g) ایجاد یک محیط یادگیری

(h) صحبت در مورد یک موضوع

(i) تسهیل یادگیری

(j) طرح اطلاعات واقعی

۲- بر مبنای درس‌مان در مورد تعریف خدمت تعلیم، می‌توانیم به استنتاجات زیر برسیم. کلمات جا افتاده در متن زیر را که خلاصه‌ای از مبحث خدمت تعلیم است، پر کنید.

(a) برای تسهیل تجربه یادگیری، معلم باید فرایند یادگیری را

(b) در مورد حقایق کتاب مقدس، کار معلم کمک به یادگیرندگان است تا حقایق الهی را و آن را در زندگی‌شان

۳- در دفتر یادداشت‌تان توضیح دهید که چرا تغییر برای یادگیری اساسی است.

اگر شما به عنوان معلم قرار باشد که تجربه یادگیری را به طرز مؤثر هدایت کنید، باید اصل مطالعه اکتشافی کتاب مقدس را درک نمایید. همچنین باید بتوانید یادگیرندگان را در این روش مطالعه راهنمایی کنید.

مطالعه اکتشافی کتاب مقدس

هنگامی که مطالعه بیشتری در مورد روش‌های تغذیه و رشد روحانی می‌کنید، مفید خواهد بود اگر گاه و بی‌گاه خود را به جای یادگیرنده قرار دهید تا ببینید که تجربیات یادگیری چگونه بر او اثر می‌گذارند. به عنوان مثال آیا فعالانه در موقعیت‌های یادگیری شرکت خواهید کرد یا اینکه ترجیح خواهید داد که به طور

منفعل آنچه را که دیگران تهیه می‌کنند بشنوید؟ به‌عنوان یک شرکت‌کننده فعال از ثمره کار خود می‌توانید لذت ببرید و به‌عنوان یک پذیرنده منفعل از کار دیگران فایده خواهید برد. در تجربه یادگیری این بدین معنی است که یا خود شخصاً فکر می‌کنید و یا اجازه می‌دهید که دیگران برای شما فکر کنند. شاید شما نیز همانند من رضایت از انجام شخصی کار را تجربه کرده باشید. در این صورت، احتمالاً تصدیق خواهید کرد که تجربیات شخصی رضایت‌بخش‌ترند.

کشف حقیقت بدین معنی است که شما برای اولین بار نسبت به حقیقتی که قبلاً وجود داشته است، به بصیرت یا دانشی می‌رسید. این کار مستلزم برداشتن حجاب، نمایان ساختن، آشکار کردن یا پرتوافکنی بر روی حقیقتی است که قبلاً نمی‌شناختید. اکتشاف به معنی اختراع یا ترکیب اطلاعات جدید نمی‌باشد. حقیقت قبلاً وجود داشته است اما برای اولین بار به آن پی برده یا آن را کشف می‌کنید. حقایق الهی همواره وجود داشته، و در کتاب مقدس ثبت شده است. کار دانشجوی کتاب مقدس کشف حقایق الهی است و نه اختراع آن.

مطالعه اکتشافی کتاب مقدس، آن روش مطالعه است که یادگیرنده را به سمت مطالعه کتاب مقدس هدایت می‌کند تا حقیقتی را که خدا آشکار کرده است و چگونگی کاربرد آن را در زندگی‌اش کشف نماید. او با این فرض به مطالعه می‌پردازد که باید از حقایق الهی اطاعت کرده، در زندگی‌اش آن را پیاده کند. راستی خدا چیزی بیش از شناخت اطلاعات است. و هنگامی که در زندگی پیاده می‌شود، گواه زنده‌ای است بر قدرت پویا و زنده بودن حیات مسیحی. بدین‌سان یادگیرنده به‌طور فعال در فرایند یافتن آنچه که خدا آشکار کرده است و چگونگی ربط آن با خودش و چگونگی کاربرد آن در زندگی‌اش شرکت می‌کند. در مطالعه اکتشافی کتاب مقدس، یادگیرنده شخصاً در بررسی متن کتاب مقدس برای آموختن آنچه که خدا مکشوف ساخته است دخالت دارد. قصد او پاسخ مطیعانه به خداست. این همان کاری است که مسیحیان «بیریه» انجام دادند: ایشان متون مقدس را تفحص و کاوش نمودند تا بتوانند به‌طور مناسب به حقیقت واکنش نشان دهند.

در مطالعهٔ اکتشافی کتاب مقدس، ابتدا ما با نیازهای واقعی روحانی مان مواجه می‌شویم (که اغلب با علائق غیر روحانی مان و اموری که مربوط به اهداف دنیوی یعنی نیازهای زندگی مان می‌شود تفاوت دارد). دوم، ما در مقابل نگرش خدا در مورد ارزش‌های ابدی قرار می‌گیریم و اینکه چگونه می‌توانیم مورد پسند او واقع شویم و بدین‌سان در آنچه که او تدارک دیده است شرکت نماییم. سوم، در مطالعهٔ اکتشافی کتاب مقدس، ما فعالانه در تفحص کلام خدا دخیل می‌شویم تا بر مضامین آن تسلط یافته، زندگی روزمرهٔ خود را با تعالیم آن هماهنگ سازیم. چهارم، این نوع مطالعهٔ کتاب مقدس، یادگیرنده را هدایت می‌کند تا عمیق‌ترین نیازهای شخصی‌اش را به خدا مربوط ساخته، حیاتی‌ترین موضوعات زندگی را در پرتو مکاشفهٔ خدا تجسس کند و زندگی‌ای بر طبق نقشهٔ خدا و ارادهٔ آشکار شده‌اش داشته باشد. چنین مطالعه‌ای هنگامی که شخص اصول اساسی را فرا گرفته، آنها را در زندگی‌اش پیاده می‌کند، در سطحی بسیار ابتدایی آغاز می‌شود. با گذشت زمان، این مطالعه هنگامی که چشم‌اندازهای جدیدی در برابرمان گشوده می‌شود، حتی چالش‌گرانه‌تر نیز می‌گردد. وقتی تجربهٔ مسیحی مان رشد می‌کند، روح القدس ما را تدریجاً از یک سطح ایمان به سطح دیگری به پیش می‌برد.

ممکن است ندانید که آیا به آن سطح از بلوغ روحانی رسیده‌اید که بتوانید نسبت به حقایق الهی که در کتاب مقدس آشکار شده است بصیرت پیدا کنید یا نه. شاید پیش از دریافت حیات نوین در مسیح به شما گفته شده بود که تنها خادمین، کشیش‌ها یا رهبران مذهبی که تعلیمات خاصی یافته یا اقتدار روحانی فوق‌العاده‌ای دریافت کرده‌اند، می‌توانند کتاب مقدس را درک کنند. اما وسایلی را که خدا برای کمک به درک کلامش در اختیار ما گذاشته است، به‌خاطر آورید. یوحنا ۱۴:۲۶ و ۱۳:۱۶ به ما یادآور می‌شود که روح القدس تمام مسیحیان، از جمله شما، را قادر می‌سازد تا حقایق الهی را درک کنید. باید به یاد آورید که همان مؤلف الوهی که از ابتدا اعطای مکاشفه و نگارش آن را هدایت کرد، در مطالعه اکتشافی کتاب مقدس نیز معلم و راهنمای ماست (دوم پطرس ۱:۱۹-۲۱). اگر بنا باشد که از لحاظ روحانی

رشد کنید، می‌توانید و باید کلام خدا را مطالعه کنید تا آنچه را که او می‌گوید بشنوید. و اگر انتظار دارید که مسیحی بالغی شوید، باید راستی او را در زندگی خود پیاده کنید. هیچ کس نمی‌تواند این کار را برای شما انجام دهد. لذا برای اینکه به دیگران کمک کنید تا به سمت بلوغ روحانی رشد کنند، لازم است که خود چگونگی کشف حقایق کتاب مقدس و چگونگی هدایت دیگران در کشف حقایق الهی را برای کاربرد در زندگی بیاموزید.

۴- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) کشف مستلزم اختراع حقیقتی است که قبلاً وجود نداشته است.

(b) مطالعه اکتشافی کتاب مقدس روش مطالعه‌ای است که به تبع آن یادگیرنده فعالانه در تجسس متون مقدس شرکت می‌کند تا آنچه را که خدا آشکار کرده بیاموزد، تا بدین ترتیب بتواند مطیعانه به او واکنش نشان دهد.

(c) کشف مستلزم پرده برداشتن از حقیقتی است که قبلاً برای یادگیرنده شناخته شده نبوده است.

(d) مطالعه اکتشافی کتاب مقدس محدود به دانستن حقیقت آشکار شده خداست.

(e) تنها کسانی که برای معلم شدن خوانده شده‌اند، باید کتاب مقدس را مطالعه کنند.

(f) مطالعه اکتشافی کتاب مقدس مستلزم یادگیری محتوای کتاب مقدس و هماهنگ ساختن زندگی با آن تعالیم است.

(g) روح القدس تمام مسیحیان را قادر می‌سازد تا حقایق الهی را درک کنند.

روش‌های مطالعه اکتشافی کتاب مقدس

در بخش قبل دیدیم که مطالعه اکتشافی کتاب مقدس مستلزم چهار گام است که می‌تواند به طرز زیر خلاصه شود:

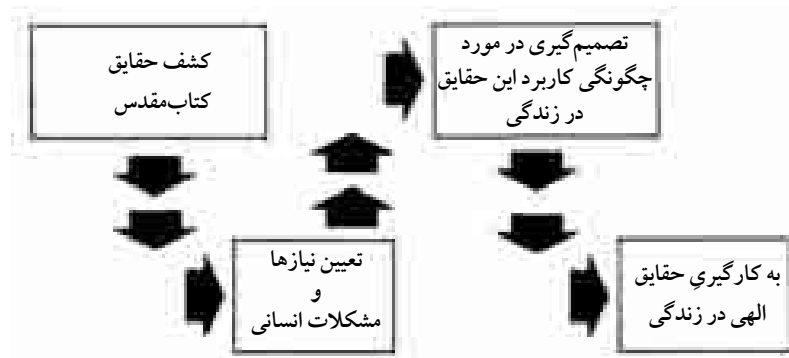
۱- تعریف نیازهای زندگی

۲- کشف حقایق کتاب مقدس

۳- تصمیم در مورد چگونگی کاربرد حقایق کتاب مقدس در زندگی

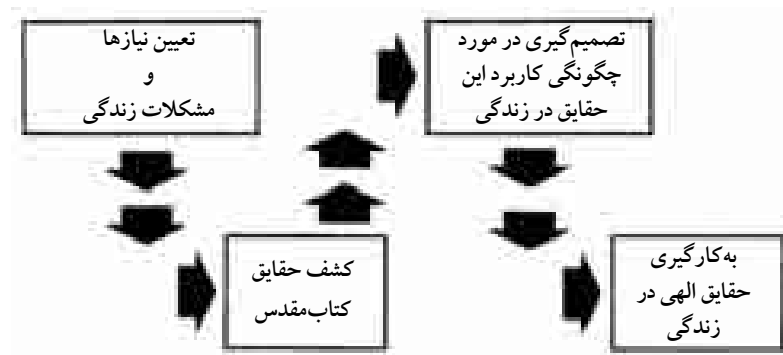
۴- به کارگیری کلام خدا در زندگی واقعی

ترتیب کار بر روی این گام‌ها تعیین می‌کند که چه روشی به کار رفته است. برای هدفی که ما در این کتاب دنبال می‌کنیم، دو روش را مد نظر قرار می‌دهیم: روش سیستماتیک و روش نیازهای زندگی. روش سیستماتیک را می‌توان به صورت دیاگرام زیر در آورد:



این روش از این جهت سیستماتیک نامیده می‌شود که روش انتظام‌یافته‌ای را برای مطالعه کتاب مقدس به کار می‌برد. شما یک کتاب یا متنی از کتاب مقدس را انتخاب کرده، آن را مطالعه می‌کنید تا پی ببرید که خدا چه حقیقتی را در آن متن آشکار کرده است. سپس از خود این سؤال را می‌پرسید: این حقیقت چگونه در مورد نیازهای زندگی‌ام کاربرد پیدا می‌کند؟ سرانجام، کشفیات خود را تکمیل می‌نمایید.

روش نیازهای زندگی اندکی متفاوت است و می‌توان آن را به‌صورت دیاگرام زیر در آورد:



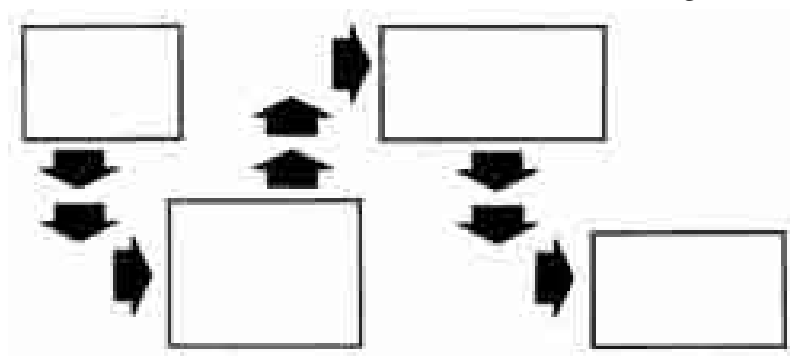
به‌هنگام به‌کارگیری این روش، شما با بررسی مشکلات مربوط به زندگی و مشخص کردن نیازها و علائق‌تان آغاز به کار می‌کنید. گام بعدی، جستجوی تعالیم کتاب مقدس است که به این نیازها مربوط شده، یا پایه‌ای می‌گردد برای حل مشکلات. سپس آنچه را که طی مطالعه کتاب مقدس کشف می‌کنید به نیازهای زندگی‌تان مربوط می‌سازید. این امر پایه حل مشکل زندگی‌تان را تشکیل می‌دهد. در گام نهایی، استنتاجات خود را تکمیل می‌نمایید.

تفاوت اساسی میان دو روش این است که آیا شما از نیازهای‌تان آغاز کرده، به راه حل خدا می‌رسید، یا اینکه نخست با روش سیستماتیک به مطالعه کتاب مقدس پرداخته، سپس به نیازهای زندگی می‌رسید. هر دو روش معتبر بوده، می‌توانند مفید باشند. روش سیستماتیک می‌تواند منتهی به شناخت عمیق‌تر متن مورد مطالعه گردد، اما ممکن است که حاوی تعالیم کامل کتاب مقدس در مورد یک موضوع معین نباشد. روش نیازهای زندگی می‌تواند شما را بر آن دارد که به طیف وسیع‌تری از تعالیم کتاب مقدس در مورد موضوع مورد نظر مراجعه نمایید، اما ممکن است شما را در جهت مطالعه حوزه‌هایی از حقیقت الهی که در مورد آنها مشکل یا نیاز خاصی را

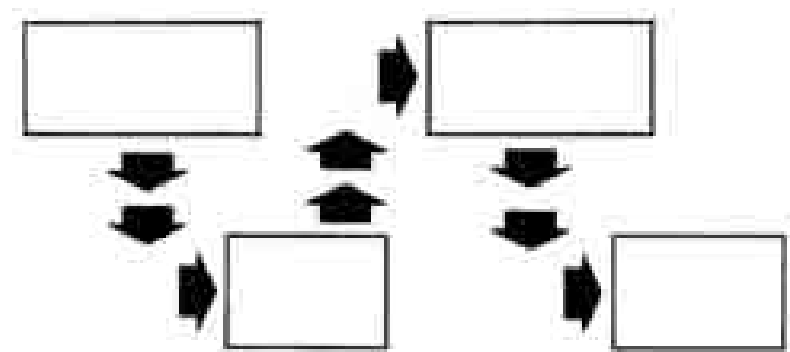
احساس نمی‌کنید، هدایت نکند. به همین دلیل، بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس روش سیستماتیک را ترجیح می‌دهند.

۵- بر پایه بحث‌مان در بخش قبلی، دیاگرام‌های زیر را به‌طور صحیح علامت‌گذاری کنید تا ترتیب صحیح روال برای هر روش مربوط به مطالعه اکتشافی کتاب مقدس، نشان داده شود.

الف) روش سیستماتیک



ب) روش نیازهای زندگی



مطالعه استقرایی کتاب مقدس

کارهای مربوط به مطالعه استقرایی کتاب مقدس

مشاهده کردیم که در دو روش مطالعه اکتشافی کتاب مقدس، فرد باید سعی کند حقایق کتاب مقدس را برای خود کشف کرده، سپس بکوشد دیگران را در جهت کشف حقایق کتاب مقدس برای خودشان هدایت نماید. در تلاش مان برای کمک به دیگران در مسیر کشف حقایق کتاب مقدس، ما از روشی استفاده می‌کنیم که به آن مطالعه استقرایی کتاب مقدس می‌گویید.

مطالعه استقرایی کتاب مقدس، روشی است مبتنی بر بررسی دقیق گفته‌های متن، و درک منظور آن، و کاربرد آن حقایق در زندگی و اوقات امروزی. این کار مستلزم بررسی متن کتاب مقدس، تفسیر مطالب، و کاربرد این حقایق در زندگی مان می‌باشد. مطالعه استقرایی کتاب مقدس ما را به دو کار اساسی سوق می‌دهد: (۱) کشف پیامی که خدا برای خوانندگان اصلی در نظر داشته است، و (۲) تعیین چگونگی کاربرد مناسب آن پیام در زندگی امروزی مان. در کار اول، شما و من در صدد هستیم تا بشنویم که خدا به کسانی که پیام مورد نظر را برای اولین بار دریافت کردند چه گفته است. سده‌ها پیش کتاب مقدس برای مردم بخصوصی که در نقطه خاصی از جهان می‌زیستند و برخی شرایط را درک می‌کردند نوشته شده است. برای شنیدن آنچه که آنان شنیدند، شما و من باید سعی کنیم که آن مردمان، روزگارشان، نحوه زندگی و شرایطشان را درک کنیم. موقعیت تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی آنان کلید مهمی است که به ما کمک می‌کند تا دریابیم که ایشان به‌هنگام خواندن کلام خدا چه می‌دانسته و چه می‌شنیده‌اند. بسیاری از مواقع بدون داشتن شناختی از این عوامل، پیام‌های کتاب مقدس را نه می‌توان به‌طور دقیق درک کرد و نه به‌طرزی مناسب در زندگی مان پیاده نمود.

به عنوان مثال، بدون داشتن شناختی از مضمون متن، فرد ممکن است یک حکم کتاب مقدس را از چارچوب اصلی اش بیرون کشیده، بر طبق آن کاری را انجام دهد که هرگز مورد نظر خداوندان نبوده است. چنین موردی را می توان در گفته عیسی خطاب به یکی از فقها یافت: «برو و تو نیز همچنان کن» (لوقا ۱۰: ۳۷). بدون دانستن مطالب لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷، شخص نخواهد فهمید که مرد فقط سؤال کرده بود که برای یافتن حیات ابدی چه باید بکند. همچنین پی نخواهد برد که این سؤال، عیسی را بر آن داشت که تمثیل سامری نیکو را مطرح کند. بدین سان اگر کسی برای یافتن نوعی توجیه برای سوگند خوردن تصادفاً مرقس ۷: ۱۴ و لوقا ۱۰: ۳۷ (در مورد حکم «رفته و چنین کن») را به نوبت بخواند، ممکن به غلط احساس کند که یک سند کتاب مقدسی محکمی را برای قسم خوردن یافته است. بدیهی است که منظور عیسی از جمله قید شده در لوقا ۱۰: ۳۷ این نبوده است، اما برخی افراد سعی می کنند هر کجا که ممکن باشد مطالب کتاب مقدس را در جهت منافع خود منحرف سازند. برای داشتن رابطه ای درست با کلام راستی (دوم تیموتاؤس ۲: ۱۵)، باید از چنین عملی پرهیز نماییم.

دومین وظیفه، ما را بر آن می دارد که حقایق کتاب مقدس را در شرایط، فرهنگ و موقعیت های خاص زندگی مان پیاده کنیم. باید تصدیق کنیم که ما دریافت کنندگان اولیه پیام کتاب مقدس نیستیم؛ مخاطبین اولیه آن ما نبوده ایم. معنی کتاب مقدس برای ما باید برخاسته از آن چیزی باشد که در اصل معنی می داده است. کتاب مقدس نمی تواند برای ما معنایی بدهد که در اصل هرگز مورد نظر نبوده است. سعی در دادن معنی جدید، عمیق تر یا کامل تر به کتاب مقدس به غیر از آنچه که خدا در اصل منظور نظر داشته است، خطرناک بوده، غالباً منجر به ارتداد گردیده است.

۶- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

- (a) کتاب مقدس در وهله اول خطاب به شما و من بوده است.
- (b) مطالعه استقرایی کتاب مقدس مستلزم کشف پیام اولیه کتاب مقدس و سپس کاربرد مناسب آن در زندگی مان می‌باشد.
- (c) هنگامی که درکی از روزگار و موقعیت مردمی که در ابتدا کلام خدا را دریافت کردند پیدا می‌کنیم، بهتر می‌توانیم پیام خطاب به ایشان را درک کنیم.
- (d) امروزه نباید معنایی به پیام کتاب مقدس بدهیم که در اصل مورد نظر خدا نبوده است.
- (e) مطالعه استقرایی کتاب مقدس مستلزم بررسی مستقیم متن اولیه کتاب مقدس، تعبیر آن، و کاربرد آن در زندگی مان می‌باشد.

گام‌هایی در جهت مطالعه استقرایی کتاب مقدس

روش استقرایی مطالعه کتاب مقدس ما را به درون متن کتاب مقدس هدایت می‌کند تا پیام و معنی آن را کشف نماییم. سه گام اساسی برای این روش وجود دارد: (۱) بررسی، (۲) تفسیر، و (۳) کاربرد.

بررسی ما را دعوت به چندین بار قرائت و بازخوانی متن می‌کند. این گام مستلزم نگرستن، مشاهده و توجه به آن چیزی است که بیان شده است. بررسی نیاز به تمرکز بر روی کلمات، ترتیب منطقی آنها، و کاربرد دستوری‌شان دارد. سؤالات زیر می‌توانند به شما کمک کنند تا حقیقت را در یک متن کشف کنید: نویسنده کیست؟ پیام خطاب به چه کسانی است؟ در مورد این مردم چه می‌دانیم؟ متن در چه زمانی نگاشته شده است؟ شرایط و موقعیت‌های خاصی که نگارش پیام را ایجاب کرد، چه بوده است؟ پیام مرکزی کتاب یا متن چیست؟ نویسنده به‌طور کلی چه می‌گوید؟ به‌طور خاص چه می‌گوید؟ متن را خوانده، آنچه را که می‌گوید مورد دقت قرار دهید.

تفسیر متن یعنی تعیین اینکه منظور نویسنده از آنچه نوشته، چه بوده است. نویسنده قطعاً فکر یا اندیشه یا مفهومی در ذهن خود داشته است. او از طریق نگارش سعی کرده است که پیام را به خوانندگان خود انتقال دهد. کلمات، ناقل اندیشه از ذهن نویسنده به ذهن خواننده می‌باشند. خواننده باید سعی کند که آن اندیشه یا پیام را درک نماید. هر پیام مکتوبی برای آنکه درک شود، باید به درستی تفسیر گردد. تفسیر یعنی تعیین دقیق آن چیزی که منظور نظر نویسنده بوده است.

این دو گام یعنی بررسی و تفسیر، ما را به سمت تحقق اولین کار هدایت می‌کند: یعنی کشف پیامی که خطاب به خوانندگان اولیه آن بوده است. اما فرایند به اینجا ختم نمی‌شود. گام سوم یعنی کاربرد، ما را به کار دوم در مطالعه استقرایی هدایت می‌کند. خدا در کتاب مقدس نه فقط با خوانندگان اولیه سخن گفته است که پیام در وهله نخست خطاب به ایشان بوده است، بلکه با ما نیز سخن می‌گوید. دوم تیموتاؤس ۱۶:۳-۱۷ بیانگر این است که تمامی متون کتاب مقدس کاربرد وسیعی دارد و آن این است که مرد خدا (در همه دوران‌ها) بتواند از لحاظ روحانی رشد و نمو نماید. بنابراین هدف تمام مطالعات کتاب مقدس شنیدن اصول کلی است که خدا بر ما مکشوف ساخته است، و پیاده کردن آنها در موقعیت‌های خاص زندگی مان می‌باشد. این همان کار دوم، یعنی تعیین چگونگی **کاربرد** مناسب آن پیام در زندگی امروزی مان.

ما از طریق به‌کارگیری حقیقت در زندگی و در نیازهای مان، کشف می‌کنیم که خدا در کلامش به ما چه می‌گوید. به‌هنگام کاربرد کتاب مقدس، باید احکام مستقیمی را جستجو کنیم که آن اصول کلی و روحانی را بیان می‌دارد که تمام مسیحیان در تمام دوران‌ها باید از آن اطاعت کنند. ما همچنین باید به دنبال وعده‌های خدا و شرایط تحقق وعده‌ها باشیم. و باید الگوها و نمونه‌های مثبت و منفی را جستجو کنیم که می‌توانند راهنمایی برای ما باشند. گاهی اوقات احکام خدا به‌طور واضح بیان شده‌اند، و در دیگر مواقع شکل اصولی را به خود می‌گیرند که باید به شرایط خودمان مربوط سازیم. برخی متن‌های کتاب مقدس نگرش‌ها و رفتارهای گناه‌آلودی را

مشخص می‌کنند. ما باید از خود سؤال کنیم که این متون چه کاربردی در زندگی ما می‌توانند داشته باشند. اگر این متون، خطاهای ناشایستی را که در زندگی خودمان یافت می‌شوند آشکار کنند، در این صورت باید زندگی خود را بی‌درنگ از آنها بزداییم. و باید سعی در کشف اموری کنیم که باید انجام دهیم، اما از آنها غفلت ورزیده‌ایم. کاربرد حقایق کتاب مقدس در زندگی‌مان مستلزم مربوط ساختن آن به موقعیت‌های زندگی کنونی‌مان می‌باشد.

خلاصه: مطالب فوق را به صورت زیر خلاصه می‌کنیم:

نخستین کار در مطالعه استقرایی، کشف پیامی است که خدا برای خوانندگان اصلی در نظر داشته است. این کار توسط دو گام، یعنی بررسی و تفسیر صورت می‌پذیرد. دومین کار، تعیین چگونگی کاربرد مناسب آن پیام در زندگی امروزی‌مان می‌باشد. این کار توسط گام سوم، یعنی کشف کاربرد پیام کتاب مقدس در زندگی‌مان صورت می‌پذیرد.

۷-۱۱ بر پایه بحثی که در این بخش داشتیم، دور حرف مقابل پاسخ صحیح به هر یک از سؤالات زیر دایره‌ای بکشید.

۷- برای مطالعه استقرایی کتاب مقدس چه تعداد گام وجود دارد؟

(a) دو

(b) سه

(c) چهار

(d) پنج

۸- کدام یک از موارد زیر در امر بررسی دخالت ندارد؟

(a) قرائت

(b) نگریستن

(c) بحث کردن

(d) توجه کردن

۹- هدف از بررسی یک متن کتاب مقدس عبارتست از:

- (a) کشف آنچه که نویسنده می گوید.
- (b) تعیین اینکه آیا حاوی پیامی هست یا نه.
- (c) یافتن طریق کاربرد حقیقت در زندگی مان.
- (d) یافتن خطاها در کار نویسنده.

۱۰- هدف از تفسیر عبارتست از:

- (a) تعیین چگونگی کاربرد پیام.
- (b) کشف اینکه نویسنده چه کلماتی را به کار برده است.
- (c) تعیین اینکه در مورد پیام چه باید کرد.
- (d) تعیین اینکه نویسنده چه منظوری از نوشته خود داشته است.

۱۱- هدف از کاربرد عبارتست از:

- (a) کشف اینکه خدا از بخش مورد نظر در کتاب مقدس، چه پیامی برای «ما» دارد.
- (b) مشخص کردن معنی یک متن کتاب مقدس.
- (c) کشف اینکه یک متن کتاب مقدس چه می گوید.
- (d) تشخیص اینکه چرا نویسنده پیام را نوشت.

۱۲- تکلیف اختیاری - برای اینکه در انجام مطالعه استقرایی کتاب مقدس تمرین

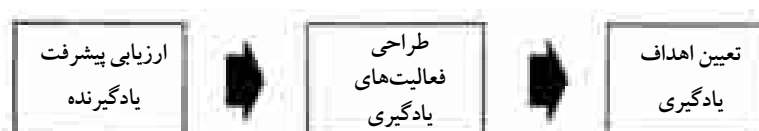
داشته باشید، این تکلیف اختیاری را تهیه کرده ایم. کتاب یونس را دست کم سه بار بخوانید. به سؤالات طرح شده در بحث مربوط به مطالعه پاسخ دهید. سپس دو یا سه عبارت آمده در کتاب را که جنبه ای از ماهیت و خصلت خدا را توصیف می کنند، یافته، در دفتر یادداشت تان بنویسید. این حقایق چه چیزی به شما می گویند؟ ربط آنها با موقعیت خاص زندگی تان چیست؟ این کاربردها را نیز در دفتر یادداشتان بنویسید.

مطالعه استقرایی کتاب مقدس می تواند توسط یک فرد یا گروه انجام شود. هنگامی که مطالب کتاب مقدس را برای تدریس به دیگران آماده می کنید، باید روش

مطالعه استقرایی کتاب مقدس را به کار ببرید. و هنگامی که تعلیم می‌دهید، باید یادگیرندگان را از طریق گام‌های مطالعه استقرایی کتاب مقدس هدایت کنید.

برنامه‌ریزی برای برخوردهای یادگیری

برای کمک به دیگران در جهت کشف حقایق کتاب مقدس از طریق مطالعه استقرایی، لازم خواهد بود که برخوردهای یادگیری مؤثری را برنامه‌ریزی نمایید. برنامه‌ریزی برخوردهای یادگیری که یادگیرندگان را قادر می‌سازد تا با مطالب ارتباط متقابل داشته باشند و حقایق الهی را کشف کنند، به محض اینکه چگونگی انجام آن را درک کردید، مشکل نخواهد بود. دیاگرام زیر سه گام اساسی را نشان می‌دهد که می‌توان برای برنامه‌ریزی برخوردهای یادگیری برداشت:



اهداف یادگیری باید با توجه به علائق و نیازهای یادگیرندگان و محتوای مطالب مورد مطالعه تهیه شود. تعیین اهداف یادگیری در واقع یعنی تعیین پیشاپیش تغییراتی که می‌خواهید در یادگیرندگان ایجاد شود. بر پایه مطالب مورد مطالعه و نیازهای یادگیرندگان، مایلید چه تغییراتی را در ایشان مشاهده کنید؟ اهداف یادگیری باید مشخص کنند که یادگیرندگان پس از دریافت تعلیمات، باید بتوانند چه کاری را انجام دهند که قبلاً نمی‌توانستند. تغییرات باید در هر یک از حوزه‌هایی که در درس ۴ بررسی کردید - یعنی دانش، نگرش‌ها، و رفتار - به‌وقوع بپیوندد.

حتماً توجه کرده‌اید که ما در آغاز کتاب و نیز در آغاز هر درس، اهداف را مشخص می‌کنیم. اینها می‌توانند نمونه‌هایی باشند برای شما تا بدانید که چگونه فعالیت‌های یادگیری را تعیین کنید. آنها را با دقت مطالعه کنید.

یکبار که تعیین کردید که می‌خواهید چه تغییراتی در یادگیرندگان پدید آید، آماده‌اید که فعالیت‌هایی را طراحی کنید که آن تغییرات امکان وقوع یابند. در اینجا کار این است که یادگیرنده را از جایی که هست به جایی هدایت کنید که می‌خواهید به آن برسد - یعنی جایی که در اهداف تعیین شده است. برای این منظور، باید روش‌های تعلیمی مناسبی را انتخاب کرده، تکالیف یادگیرنده را برنامه‌ریزی نموده، تعیین کنید که وقت موجود را چگونه صرف کنید تا تغییرات مطلوب پدید آیند. این فعالیت‌ها باید یادگیرنده را بر آن دارند که به گونه‌ای هدفمند با مطالب آموزشی ارتباط متقابل برقرار نمایند. و باید او را بدین سمت هدایت کنند که پی ببرد حقایق آموخته را در چه مواردی از زندگی‌اش می‌تواند پیاده کند.

از آنجا که یادگیری هدف تعلیم است، همه فعالیت‌ها باید معطوف باشد بر روی آنچه که یادگیرندگان انجام خواهند داد تا بر روی آنچه که معلم خواهد کرد. باید توجه داشته باشیم این یکی از حوزه‌های عمده‌ای است که یادگیرنده باید در آن شخصاً با مطالب آموزشی برخورد داشته، برای خود با آن ارتباط متقابل برقرار کند. نتیجتاً، طرح‌ریزی برخوردهای یادگیری مستلزم برنامه‌ریزی راه‌هایی است که یادگیرنده را برانگیزد تا با مطالب آموزشی برخورد کرده، با آن ارتباط متقابل داشته باشد.

گام نهایی، ارزیابی پیشرفت یادگیرنده است. این کار توسط مقایسه موقعیت فعلی یادگیرنده با پیشرفت مورد نظر انجام می‌گیرد. پیشرفت مورد نظر در اهداف یادگیری تعیین شده است. بنابراین اهداف یادگیری بدل به ضابطه ارزیابی برای پیشرفت یادگیرنده می‌شود. آیا تغییرات مطلوب در او مشاهده می‌شود؟ تغییرات او تا چه حد است؟

طرق چندی وجود دارد برای تعیین اینکه آیا تغییرات مطلوب واقعاً در او ایجاد شده‌اند یا نه. یک راه متداول، به عمل آوردن آزمایش یا تست است. سؤالات تست می‌توانند یا از نوع عینی باشند یعنی پاسخ‌ها یا درست هستند یا نادرست؛ یا اینکه

می‌توانند از نوع ذهنی باشند که در آن یادگیرنده پاسخ‌های خود را با کلمات خاص خود بیان می‌کند. سؤالاتی از نوع درست و غلط، چند گزینه‌ای، و انطباقی، عینی هستند، حال آنکه نوشتن گزارش و سؤالاتی با پاسخهای کوتاه از نوع ذهنی می‌باشند.

راه دیگر برای ارزیابی پیشرفت یادگیرنده، نظارت شخصی بر رفتار او می‌باشد. این امر مستلزم این است که ببینید آیا یادگیرنده در عمل از مطالب آموزشی در موقعیت‌های زندگی واقعی استفاده می‌کند یا نه.

همچنین می‌توانید پیشرفت یادگیرنده را از طریق برخوردهای یادگیری به‌وسیله یک مصاحبه تعیین کنید. هنگامی که با او صحبت می‌کنید، احتمالاً می‌توانید شواهد رشد و تغییر را ببینید. گرچه این امر ممکن است امری ذهنی باشد، اما می‌تواند وسیله معتبری برای تعیین پیشرفت یادگیرنده محسوب شود.

۱۳- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

- (a) نخستین چیزی که در برخورد یادگیری اهمیت دارد، علائق دانشجو می‌باشد.
- (b) برخوردهای یادگیری مؤثر، هم نیازهای یادگیرنده را مد نظر قرار می‌دهد و هم تغییراتی که مایلید وقوع آن را در زندگی‌اش ببینید.
- (c) اهداف یادگیری به ما کمک می‌کند تا فعالیت‌هایی را برنامه‌ریزی کنیم که یادگیرندگان را قادر سازد تا آنگونه که مورد نظر ماست تغییر کنند.
- (d) اهداف یادگیری وسیله‌ای در اختیار ما قرار می‌دهد تا میزان تغییر در یادگیرنده را بسنجیم.

(e) برخوردهای یادگیری، به‌خاطر ماهیت باطنی‌شان مستلزم دخالت اندک یا هیچ دخالتی از سوی یادگیرنده نیست، جز اینکه محتوای مطالب آموزشی را بشنود و درک کند.

۱۴- در طراحی فعالیت‌های یادگیری، تأکید باید بر روی کدام مورد زیر باشد؟

- (a) معلم چه مراحلی را دنبال کرده و چه کار خواهد کرد.
- (b) فعالیت‌ها چه مدت طول خواهند کشید و آیا وقت تعیین شده برای کلاس را پر خواهند کرد یا نه.

(c) یادگیرندگان چه خواهند کرد و چگونه با مواد، ارتباط متقابل خواهند داشت.

۱۵- بر پایه بحث مطرح شده، ما با انجام کدام یک از موارد زیر می‌توانیم پیشرفت یادگیرندگان را ارزیابی کنیم؟

- (a) آزمودن آنها برای اینکه ببینیم که آیا تمام مطالب را کلمه به کلمه می‌دانند یا نه.
- (b) آزمودن آنها برای اینکه پیشرفت واقعی آنان را در مقایسه با پیشرفت مورد نظر مشاهده کنیم.

(c) مقایسه وضعیت کنونی شان با وضعیت شان در آغاز برخوردهای یادگیری.

(d) مقایسه حالت شان با حالت یک فرد مسیحی الگو آنگونه که در نوشته‌های پولس رسول تعریف شده است.

خودآزمایی

سؤالات درست و غلط. در مقابل هر یک از عبارات زیر، درست یا غلط بودن آنها را مشخص کنید.

.... ۱- بر طبق این درس، چهار فعالیتی که به طرز رضایت بخشی خدمت تعلیم را تعریف می کنند عبارتند از: نقل حکایت، بیان داده ها، توصیف رخدادها، و توضیح اطلاعات.

.... ۲- محققین، دیگر به خدمت تعلیم اشاره ای نمی کنند زیرا که یادگیری اکتشافی به معنی این است که دانشجویان می توانند خودشان به تنهایی بیاموزند.

.... ۳- خدمت تعلیم مستلزم ایجاد محیط یادگیری، برانگیختن دانشجویان برای یادگیری، و هدایت دانشجویان در کشف دانش است.

.... ۴- سازماندهی فرصت های یادگیری، برنامه ریزی فعالیت هایی که مستلزم ارتباط متقابل دانشجو با مطالب آموزشی می باشد، و طراحی تجربیات یادگیری که منتهی به تغییر می شود، همگی کارکردهای خدمت تعلیم می باشند.

.... ۵- تغییر در رفتار نشانه این است که یادگیری صورت پذیرفته است.

.... ۶- مطالعه اکتشافی کتاب مقدس متضمن این است که یادگیرنده حقیقتی را کشف کند که قبلاً هرگز وجود نداشته است.

.... ۷- در مطالعه اکتشافی کتاب مقدس، یادگیرنده در کتاب مقدس تفحص می کند تا آنچه را که خدا مکشوف ساخته است فرا گیرد تا بتواند مطیعانه واکنش نشان دهد.

.... ۸- روح القدس یادگیرنده را قادر می سازد تا حقایق الهی را در روش مطالعه اکتشافی درک کند.

.... ۹- یادگیری تنها زمانی طی روش مطالعه اکتشافی به وقوع می پیوندد که چهار گام یادگیری به ترتیب مراعات شده باشد.

.... ۱۰- روش سیستماتیک (انتظام یافته) مطالعه کتاب مقدس مستلزم یادگیری آن چیزی است که دقیقاً در یک متن کتاب مقدس آشکار شده است و نیز کاربرد آن در زندگی و تکمیل اکتشاف.

.... ۱۱- روش «نیازهای زندگی» مستلزم تعیین نیازها و علایق، کشف تعالیم کتاب مقدس که در حل مشکلات کاربرد داشته و پیاده کردن حقیقت می باشد.

.... ۱۲- مطالعه استقرایی کتاب مقدس مستلزم دو کار اساسی است: (۱) کشف آنچه که خدا برای ما در مکاشفه کتاب مقدس در نظر داشته است، و (۲) تعیین اینکه چگونه به طور خاص به ما مربوط می شود.

.... ۱۳- بر طبق درس، برای مطالعه استقرایی کتاب مقدس سه گام اساسی وجود دارد: (۱) بررسی، (۲) تفسیر و (۳) کاربرد.

.... ۱۴- یکبار که علائق و نیازهای یادگیرندگان را تعیین کردید، می توانید برخوردهای یادگیری مؤثر را از طریق تعیین اهداف یادگیری، طراحی فعالیت های یادگیری مناسب، و سپس ارزیابی پیشرفت یادگیرندگان، برنامه ریزی کنید.

.... ۱۵- در یک برخورد یادگیری هدفمند، تأکید باید بر روی این باشد که معلم از چه فرایندهایی پیروی کرده، و چه خواهد کرد.

این آخرین درس از بخش دوم می باشد. بعد از انجام این خودآزمایی، دروس ۴ تا ۷ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۲ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۸- c) بحث کردن

۱- b) هدایت فرایند یادگیری

c) سازماندهی امکانات و فرصت‌ها برای تحقق یادگیری

e) انگیزش بخشیدن به یادگیری

f) برنامه‌ریزی فعالیت‌ها برای کمک به تغییر یافتن یادگیرندگان

g) ایجاد یک محیط یادگیری

i) تسهیل یادگیری

۹- a) کشف آنچه که نویسنده می‌گوید

۲- a) هدایت کند

b) کشف، بکار گیرند

۱۰- d) تعیین اینکه نویسنده چه منظوری از نوشته خود داشته است.

۳- پاسخ شما می‌تواند با پاسخ من تفاوت داشته باشد؛ اما باید مفاهیم مشابهی را در برگیرد. تغییر نشانه این است که یادگیرنده پیام را شنیده، درک کرده و آنچه را که فرا گرفته است به کار می‌برد. تغییر، نشان می‌دهد که یادگیری صورت پذیرفته است.

۱۱- a) کشف اینکه خدا از بخش مورد نظر در کتاب مقدس، چه پیامی برای «ما»

دارد.

۴- a) غلط

b) درست

c) درست

d) غلط

(e) غلط

(f) درست

(g) درست

۱۲- پاسخ‌های خودتان.

۵- (a) کشف حقایق کتاب مقدس

تعیین نیازها و مشکلات انسان

تعیین نحوه کاربرد حقایق در زندگی

انجام حقایق الهی در زندگی

(b) تعیین نیازها و مشکلات زندگی

کشف حقایق کتاب مقدس

تعیین نحوه کاربرد حقایق در زندگی

انجام حقایق الهی در زندگی

۱۳- (a) غلط

(b) درست

(c) درست

(d) درست

(e) غلط

۶- (a) غلط

(b) درست

(c) درست

(d) درست

(e) غلط

۱۴- (c) یادگیرندگان چه خواهند کرد و چگونه با مواد، ارتباط متقابل خواهند داشت.

۷- b) سه

۱۵- b) آزمودن آنها برای اینکه پیشرفت واقعی آنان را در مقایسه با پیشرفت مورد نظر مشاهده کنیم.

c) مقایسه وضعیت کنونی شان با وضعیت شان در آغاز برخوردهای یادگیری.

بخش سوم

رشد کردن به همراه دیگران

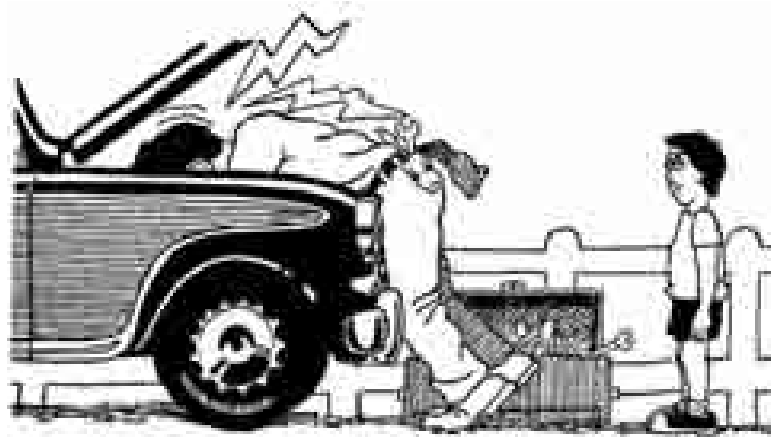


رشد در خانواده

در یک بعد از ظهر گرم، مسعود سخت سرگرم تعمیر اتومبیل بود. عمانوئل در کنار پدر، مشغول نظاره کار او بود. ابزاری که مسعود با آن کار می کرد لغزید و باعث صدمه دستش شد و فریادش از درد بلند شد. عمانوئل روز بعد طی بازی، ادای تعمیر دوچرخه اش را با همان ابزاری که دیده بود پدرش با آن کار می کرد در می آورد. مریم او را زیر نظر داشت و متوجه شد که ابزار از دست او نیز لغزید، و شنید که عمانوئل همان کلماتی را به کار برد که پدرش از شدت درد روز قبل بر زبان رانده بود.

شب هنگام مریم اتفاقی را که برای عمانوئل افتاده بود برای مسعود تعریف کرد. آنها در مورد اهمیت تأثیر شخصی شان بر روی زندگی پسرشان بحث کردند. از آنجا که والدین خواهان این بودند که عمانوئل یک فرد بالغ و مسئول و باتربیتی بار آید، متفقاً دعا کردند که خدا همواره به ایشان کمک کند تا سرمشق درستی برای پسرشان باشند.

شاید شما هم در خانواده تجربه مشابهی داشته اید. آیا به یاد می آورید که از چیزی تقلید کرده باشید که شاهد انجام آن توسط یکی از والدین تان بوده اید؟ یا شاید دیده باشید که یکی از فرزندان تان از رفتار شما نسخه برداری کرده است. این درس در مورد پرورشی است که در خانواده صورت می پذیرد. هدف پرورش کمک به افراد است تا در کاملیت و بلوغ شبیه مسیح شوند. واحد خانواده یکی از مهم ترین مکان هایی است که پرورش تحقق می یابد. کلام خدا مطالب زیادی در مورد این موضوع مهم دارد که می تواند به زندگی و خدمت تان جهت بدهد. باشد که اهمیت آن هنگامی که شما نیز به نوبه خود در صدد بنای بدن مسیح از طریق خدمات گوناگون هستید، بر شما اثر گذارد.



رئوس مطالب

دیدگاه کتاب مقدس در مورد ازدواج
ماهیت خانواده

اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- دیدگاه کتاب مقدس در مورد ازدواج را مورد بحث قرار دهید.
- چگونگی کمک به رشد روابط زناشویی را توصیف نمایید.
- دو وظیفه عمده والدین مسیحی را توصیف کنید.
- دو نوع تجربه را که در تغذیه روحانی و پرورش زندگی خانوادگی دخالت دارند، توصیف نمایید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- درس را بر طبق روال توصیه شده در درس ۱ مطالعه کنید.
- ۲- بعد از اتمام متن درس، به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.

دیدگاه کتاب مقدس در مورد ازدواج

نقشه خدا

دو فصل اول پیدایش کارهای شگفت‌انگیز خدا را در خلقت بازگو می‌کند. این بخش شامل آفرینش آسمان‌ها و زمین است که مقرر خورشید و ماه و ستارگان را در آسمان و هدف این کار را آشکار می‌سازد. پی می‌بریم که خدا زمین را با بسیاری انواع زیبا و متفاوت از گیاهان پر کرد و هر یک قادر به تولید گیاه مشابه خود بود. به علاوه می‌بینیم که خدا زمین، دریا و آسمان را با تنوع مجذوب‌کننده‌ای از مخلوقات مملو ساخت و اعمال خلقت خود را تقریباً به اتمام رساند. سپس خدا تمام آنچه که انجام داده بود مرور نمود و گفت که آن بسیار نیکوست.

آخرین کار خلافت خدا، خلقت آدم بود که تاج آفرینش شمرده شد. آدم می‌بایست شبیه صورت خالق خود می‌شد. تا اینجا خدا هیچ مخلوق یا گیاهی را شبیه خود نساخته بود. به هر حال اکنون خدا از خاک زمین بدنی ساخت و در آن دمید. این مخلوق که از روی خالق الگوبرداری شده بود، آدم بود. او با تمام دیگر مخلوقات تفاوت داشت، زیرا که موجودی اخلاقی بود؛ او قابلیت این را داشت که خیر و شر را بشناسد و انتخاب کند. بدین طریق او شبیه سازنده خود بود؛ همچنین او قابلیت ارتباط داشتن با خدا را داشت.

آدم نه فقط به‌خاطر اینکه موجود اخلاقی بود با دیگر مخلوقات تفاوت داشت، بلکه از این جهت نیز که تنها بود. تمام دیگر مخلوقات جفت بودند یعنی نر و ماده، اما آدم به‌تنهایی در باغ عدن کار می‌کرد. آنگاه خدا گفت: «خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق او بسازم» (پیدایش ۲: ۱۸). بدین‌سان خدا قسمتی از پهلوی آدم را گرفت و زنی را ساخت که رفیق او بشود. او می‌بایست معاون او می‌شد

و در مسئولیت مراقبت از باغ با او سهیم می‌گشت. او قرار بود که تلاش‌های شوهرش را تکمیل کرده او را همراهی می‌نمود و با او زمین را پر از جمعیت می‌کرد. خدا آدم را به‌طریقی بسیار خاص و برای منظوری خاص خلق کرد: او می‌بایست به محبت خدا پاسخ داده، او را جلال می‌داد. به‌علاوه در می‌یابیم که خدا زوج انسانی را با قابلیت برای رابطه‌ای مخصوص ساخت. رابطه زن و شوهر به‌عنوان رابطه اساسی در خانواده طرح‌ریزی گردید یعنی رابطه‌ای که هویت اجتماعی را فراهم می‌کرد. از آنجا که این خدا بود که مرد و زن را برای یکدیگر خلق کرد، پس در واقع، طراح خانواده خود اوست.

شرح آفرینش تأکید می‌کند که رابطه زن و شوهر، رابطه‌ای مبنی بر مدد‌رسانی است. خدا در نظر داشت که زن و شوهر به‌طریقی با هم زندگی کنند که نیازهای یکدیگر برآورده شود. آنان توانایی این را دارند که به‌طور مشترک در تجربیات عاطفی، عقلانی و روحانی زندگی سهیم گردند. به‌علاوه، ازدواج نزدیکترین رابطه جسمانی ممکن را بین یک زوج فراهم می‌سازد. خدا این پیوند را برکت داده، این امکان را به مرد و زن داد تا تولیدمثل کرده، زمین را پر کنند.

سپس می‌بینیم که هدف خدا برای آدم و حوا علاوه بر مراقبت از آفرینش و رسیدگی به نیازهای یکدیگر، داشتن فرزند بود. قابلیت باروری و پرورش فرزندان، عملکرد طبیعی زندگی انسانی است. آدم و حوا نه فقط می‌بایست با یکدیگر نزدیکترین رابطه را داشته باشند، بلکه می‌بایست همین رابطه مهرآمیز را با فرزندان خود داشته باشند. آنان به‌عنوان والدین می‌بایست کانون خانوادگی را مهیا کنند تا بتوانند در آن فرزندان‌شان را در خداترسی و تحت راهنمایی او پرورش دهند. زندگی و تعلیم ایشان می‌بایست جلوه‌ای از محبت‌شان نسبت به خدا و اعتماد به او باشد. به این طریق فرزندان ایشان سرمشق مناسبی پیش روی‌شان داشتند. فرزندان بدین‌سان می‌توانستند بالغ شده، به کمال برسند و کاملاً بر طبق همان اصولی که والدین‌شان را ارشاد کرده بود، کانون‌های خانوادگی خود را اداره کنند.

کتاب مقدس به روشنی نشان می‌دهد که از همان آغاز تاریخ، تربیت و پرورش جزء مهمی از رابطه زن و شوهر و والدین و فرزندان می‌باشد. همچنین آشکار می‌سازد که تربیت در خانواده، نقشه خدا بوده است. از طریق پند و سرمشق، کتاب مقدس الگویی برای زندگی خانوادگی ارائه می‌دهد. این الگو در امثال ۶:۲۲ به خوبی خلاصه شده است: «طفل را در راهی که باید برود تربیت نما و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید.» این امر اشاره به این دارد که خدا خانواده را طرح‌ریزی کرد تا روابط پرورشی سودمندی را مهیا سازد به نحوی که افراد بتوانند به سوی کاملیت رشد کنند و شکوفایی بیابند.

۱ تا ۵: بر پایه مطالب فوق، دور حرف مقابل پاسخ صحیح به هر یک از سؤالات زیر دایره‌ای بکشید.

- ۱- هدف خدا از خلق انسان چه بود؟ (بهترین پاسخ را انتخاب کنید)
 - (a) تعیین موجودی برای سرپرستی نظام خلقت.
 - (b) خلق انسانی که بتواند به رهنمودهای او پاسخ داده، او را جلال دهد.
 - (c) تأمین جمعیت برای زمین.
- ۲- انسان به چه طریق (یا طرقی) با تمام دیگر موجودات مخلوق تفاوت دارد؟
 - (a) از بین تمامی مخلوقات، تنها انسان توانایی اندیشیدن را دارد.
 - (b) انسان شبیه و به صورت خدا خلق شد.
 - (c) انسان فقط از جهت پیچیده‌تر بودن با دیگر مخلوقات تفاوت دارد.
- ۳- همه موارد زیر به جز یکی، دلایلی را برای آفرینش زن ذکر می‌کند. دور حرف مقابل آن دلیلی که در بحث پیشین مطرح «نشده» است دایره‌ای بکشید.
 - (a) زن برای این خلق شد که معاون مرد باشد.
 - (b) خدا زن را برای این آفرید که مکمل قابلیت‌های مرد بوده، به تحقق نقشه خدا برای آفرینش مدد رساند.
 - (c) زن برای این خلق شد که نقش تابع و مادون را در نظام ایجاد شده اشغال کند.

(d) زن از طریق پرورش و سرمشق می‌بایست به تربیت فرزندانِ خداترس کمک کرده، تا بدین‌سان نسل تداوم پیدا کند.

۴- مفهوم مدد‌رسانی در ازدواج این است که:

- (a) زن هنگامی شکوفایی می‌یابد که در رابطه‌اش با مرد، تابع و مطیع باشد.
- (b) هنگامی که زن و شوهر نیازهای یکدیگر را برآورده می‌سازند، منظور خدا در آن رابطه متحقق می‌شود.
- (c) مادامی که یک عضو واحد زناشویی بر روی کمک عضو دیگر اصرار می‌ورزد، نیازهای هر یک برآورده می‌شود.

۵- (دور حرف مقابل کامل‌ترین پاسخ دایره‌ای بکشید.) خدا به چه منظور خانواده را طرح‌ریزی کرد؟
(a) تأمین روابطی که کانون پرورش گردد، پر ساختن زمین از انسان، و مراقبت از زمین.

(b) پر کردن زمین از جمعیت، برخورداری از ثمرات آن و مراقبت از آن.

(c) برقراری نظم اجتماعی و حکومت برای مردمی که خلق کرده بود.

ماهیت ازدواج

رابطه زناشویی آنقدر ویژه است که در تمام جوامع با طرقی خاص به رسمیت شناخته می‌شود. اغلب ازدواج یک زوج یا با مراسم مدنی یا مراسم مذهبی و یا رسومی متداول برگزار می‌شود. مراسم، چه پیچیده و چه ساده، معمولاً نوعی تشریفات به دنبال دارد که زن و مرد را رسماً به عنوان یک واحد خانوادگی پایه اعلام می‌کند.

ازدواج زن و مرد بر پایه برخی انتظارات و تعهدات میان آنها قرار دارد. اگر پیدایش ۲۶:۱-۲۸ و ۲۰:۲-۲۵ را مرور کنید، عواملی را خواهید یافت که وجه مشخصه رابطه زناشویی می‌باشد.

۱- خدا مقرر فرمود که ازدواج رابطه‌ای باشد صرفاً میان یک مرد و یک زن. خدا به طریقی خاص ایشان را برای یکدیگر در نظر گرفته است. این است نظم جنسی طبیعی که منظور نظر خدا بوده است.

۲- ازدواج، رابطه‌ی نزدیکی است که مرد و زن را «یکی» می‌سازد. این امر از نحوه‌ی آفرینش زن از قسمتی از پهلوی مرد به‌خوبی مشاهده می‌شود که تجسم عالی وحدتی است که باید در ازدواج تحقق یابد. آدم دید که حوا جزئی حیاتی از وجود خودش می‌باشد. هنگامی که خدا بدن زن را شکل می‌داد، آن را به‌گونه‌ای متفاوت از بدن آدم طراحی کرد. تفاوت بسیار بدن‌های ایشان، آنان را برای داشتن نزدیکی جسمانی با یکدیگر آماده نمود. خدا به هر طریق هر یک از ایشان را برای داشتن رابطه‌ی محرمانه با دیگری خلق کرد.

۳- ازدواج رابطه‌ای است بر مبنای تک‌همسری. در حالی که بسیاری از فرهنگ‌ها، چند-همسری را مجاز شمرده، آن را به رسمیت می‌شناسند، کتاب مقدس نشان می‌دهد که این امر در مورد آدم و حوا صدق نمی‌کند. تأکید عمده‌ای که در کتاب مقدس مشاهده می‌شود، این است که خدا ازدواج را فقط میان یک زن و یک مرد مقرر نمود.

۴- ازدواج باید رابطه‌ای پایدار باشد. زن و شوهر باید تا زمانی که یکی از ایشان فوت نکرده است، متحد و یگانه باشند. در ازدواج ایشان بر طبق عهده‌ی در پیشگاه خدا به‌صورت یک جسم در می‌آیند و این تعهد آن دو را مادامی که زنده هستند به یکدیگر پیوند می‌دهد.

۵- ازدواج به معنای آغاز یک واحد خانوادگی جدید است. هنگامی که یک مرد و یک زن به‌صورت زن و شوهر با یکدیگر متحد می‌شوند، این امر خانواده‌ی جدیدی را بنیانگذاری می‌کند که هویتش متفاوت است با خانواده‌ای که هر یک از آن دو در آن به دنیا آمده و بزرگ شده‌اند. به علاوه، این واحد جدید مورد تأیید و تصدیق اجتماع

واقع شده، قوانین ازدواج و مالکیت در آن قابل اعمال می‌گردد. در برخی از فرهنگ‌ها زن و شوهر جوان دیگر با والدین خود زندگی نکرده، بلکه واحد خانوادگی جدیدی را به وجود می‌آورند.

۶- ازدواج رابطه‌ای تسلی‌بخش و مملو از اعتماد است. هیچگونه شرمی نباید میان زن و شوهر وجود داشته باشد. کتاب مقدس در پیدایش ۲:۲۵ به این مطلب اشاره می‌کند. آدم و حوا با وجود آنکه برهنه بودند، احساس شرم نمی‌کردند. ایشان متوجه تفاوت‌های‌شان بودند، اما در معصومیت و پاکی تعهدشان نسبت به یکدیگر، کاملاً خشنود بودند.

از روایت کتاب مقدس چنین بر می‌آید که خدا رابطه محبت‌آمیز و صمیمانه و تکامل‌دهنده‌ای را طرح‌ریزی کرد تا زن و شوهر در آن سهیم باشند. در این رابطه می‌بایست طرفین به یکدیگر ابراز محبت کرده، پایه‌ای باشند برای آسایش و مراقبت از یکدیگر. چنین محیطی، کانون طبیعی خواهد بود که در آن فرزندان برای برخورداری از برکات خدا در خانه و در هر جنبه زندگی‌شان بزرگ شوند.

۶- هر یک از کلمات ستون سمت چپ را با تعریف یا معنی مناسب آن از ستون سمت راست انطباق دهید.

.... (a) به طریقی اشاره می‌کند که بر طبق آن یکی از طرفین ازدواج، به نیازهای دیگری توجه داشته، غمخوار دیگری است.

.... (b) به نزدیکی و صمیمیتی اشاره می‌کند که پیوند زناشویی به همراه می‌آورد.

.... (c) به توجه و ملاحظه‌ای اشاره می‌کند که هر یک از طرفین ازدواج نسبت به دیگری نشان می‌دهد. همچنین به تعلیم، انضباط و حمایت از فرزندان اشاره دارد.

.... (d) به پیوستگی، رابطه نزدیک یا تماس اشاره می‌کند؛ و نیز دارای ماهیتی شخصی و خصوصی است.

.... e) به ابراز علاقه، شفقت و فداکاری هر یک نسبت به دیگری اشاره می‌کند.

(۱) تربیت کردن و پرورش دادن

(۲) مراقبت کردن

(۳) محبت کردن

(۴) صمیمیت

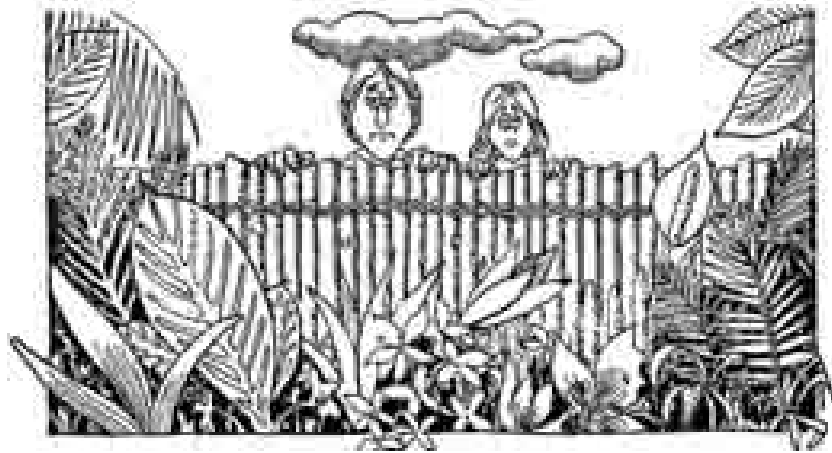
(۵) اتحاد و یکی بودن

تغذیه روحانی (پرورش مسیحی) در ازدواج

رابطه زناشویی که در اصل توسط خدا استقرار یافت و حتی بعد از گناه آدم و حوا نیز مورد تأیید خدا بود، تا به امروز نیز ادامه دارد. پولس رسول تعلیم می‌دهد که شوهر، سر یا رهبر زن و خانواده است (اول قرنتیان ۳:۱۱). او همچنین تأیید می‌کند که شوهران و پدران مسئول برآورده ساختن نیازهای خانواده‌شان می‌باشند. اگر مردی نخواهد از خانواده‌اش حمایت کند، در این صورت حتی از یک بی‌ایمان نیز بدتر است (اول تیموتاؤس ۸:۵). نباید فراموش کنیم که پولس در این آیه، زنان و شوهران مسیحی را مخاطب قرار می‌دهد.

حکایت آدم و حوا که در پیدایش ۱ و ۲ ملاحظه کردیم، در فصل‌های ۳ و ۴ ادامه می‌یابد. هنگامی که این فصل‌ها را می‌خوانید، مشاهده خواهید کرد که آدم و حوا مرتکب خطای جدی شدند که تمام جنبه‌های زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار داد. ایشان دیگر نمی‌توانستند در باغ عدن، جایی که خوراک و گل‌های زیبا به‌وفور یافت می‌شد، بمانند. به‌خاطر گناه‌شان و نافرمانی از احکام خدا، مجبور شدند که باغ را ترک گفته، در جایی کار کنند که مملو از خار بود. اکنون ایشان می‌بایست زمین را شخم زده، زحمت بکشند تا خوراک تهیه کنند و جایی برای زیستن داشته باشند. موضع‌شان در قبال نظم خلقت تغییر کرده بود. بدین‌سان به جای اینکه مسئول آن باشند، برده آن شده بودند. همچنین به‌خاطر این گناه، رابطه‌شان با یکدیگر نیز دچار تغییر شد. حوا خلق شده بود تا معاون شوهرش باشد، اما اکنون خدا آدم را رئیس

خانواده مقرر کرد. به خاطر گناه آدم، خاک نفرین شد و دیگر وفور نعمتی را که در باغ وجود داشت، از دست داد. از این به بعد، می‌بایست سخت کار می‌کرد تا معاش زن و خانواده‌اش را تأمین کند. همچنین گناه، بدل به پایه مشکلاتی گشت که در روابط زناشویی‌شان سر برآورده بود.



رابطه زناشویی، برای خدا رابطه مقدسی تلقی می‌شود. عیسی به رابطه زناشویی به عنوان رابطه‌ای اشاره می‌کند که در آن خدا دو نفر را به هم پیوند داده است (مرقس ۹:۱۰). از آنجا که خدا همه چیز را برای نیکویی آفرید، می‌توانیم نتیجه بگیریم که ازدواج نیز پیوندی نیکو منظور شده بود. خدا نه تنها ازدواج را امر کرده است، بلکه همچنین در کلام خود توصیه‌هایی کرده است به زنان و شوهران در مورد اینکه چگونه با یکدیگر زندگی کرده، و خانواده خود را خوشبخت‌تر کنند.

مخصوصاً مهم است که زن و شوهرها برای داشتن رابطه‌ای محبت‌آمیز و تسلی‌بخش، تعالیم اساسی کلام خدا را در مورد ازدواج بیاموزند. توصیه‌های مخصوصی به زن و شوهر شده است تا بدانند که به عنوان ایماندار چگونه در حضور یکدیگر محترمانه و به طری مؤثر زندگی کنند. اجازه دهید که ابتدا تعالیمی را که به شوهران شده است مورد ملاحظه قرار دهیم.

تعالیمی برای شوهران

پولس رسول، به هنگام صحبت در مورد رابطه خانوادگی، به همه شوهران تذکر می‌دهد که همسر خود را به گونه‌ای محبت نمایند که مسیح کلیسایش را محبت می‌نماید. وقتی که کسی را به راستی دوست می‌دارید، صمیمانه به آن شخص توجه کرده، بهترین‌ها را برای او می‌خواهید. محبت شما باعث خواهد شد که هر آنچه در توان دارید برای مراقبت از او انجام دهید، و رفاه او را مقدم بر رفاه خود بدانید. مسیح محبت خود را نسبت به کلیسا به واسطه مرگ خود نشان داد تا کسانی را که دوست داشته است نجات داده، رستگار کند و آنان را برای خود مهیا و حاضر نماید. شوهران نیز باید همین حالت مراقبت‌آمیز را داشته باشند.

مردی که زن و خانواده خود را دوست دارد، برای تأمین معاش آنان کار می‌کند. او قابلیت و مهارت‌های خود را به کار می‌اندازد تا خوراک و پوشاک و مسکن برای آنان مهیا سازد. یک شوهر پرمهر مسئولیت‌های خود را در قبال خانواده‌اش نه فراموش می‌کند و نه مورد غفلت قرار می‌دهد.

یک شوهر پرمهر، احساسات همسرش را محترم می‌شمارد. شوهری که زنش را دوست می‌دارد، با او نه بد صحبت می‌کند و نه نسبت به او بداندیش است. برعکس چیزهایی می‌گوید و کارهایی را انجام می‌دهد که محبتش را نسبت به او ظاهر سازد. او را به خاطر اشتباهات و خطاهایش مورد اهانت قرار نداده، بلکه در صبر و محبت سعی می‌کند که به زنش در یافتن راه‌حلی برای این مشکلات کمک نماید. فهم و حوصله او محیط مناسبی را ایجاد می‌کند که بهبود وضع را پدید می‌آورد.

شوهری که واقعاً زنش را دوست دارد، به حد کافی به او توجه دارد که نیازهای عاطفی او را درک نماید. او وقت صرف می‌کند تا در مورد مسائلی که همسرش را نگران می‌سازد صحبت نماید. او عشق خود را نسبت به زنش ابراز داشته، تمام تلاش خود را به خرج می‌دهد تا وی در رابطه‌اش با او احساس امنیت کند. او حمایت عاطفی ضروری را از او به عمل می‌آورد تا وی بتواند همسر و مادر بهتری گردد.

کسی که زنش را دوست می‌دارد و بر نقش او در واحد خانوادگی ارج می‌گذارد، سعی می‌کند که او را از لحاظ روحانی تغذیه کند و پرورش دهد. زن باید در شوهرش شخصی را ببیند که خدا را دوست داشته، در خدمت و عبادت خدا سرمشقی برای خانواده‌اش می‌باشد. مرد در دعا‌های خانوادگی پیشگام است، به‌عنوان یک همسایه مسیحی به همسایگان کمک می‌کند، در کلیسا به‌عنوان عضو حیاتی بدن خدمت می‌نماید، و کلام را دائماً در موقعیت‌های زندگی پیاده می‌کند. مهم‌تر از همه، او زن و خانواده‌اش را در دعا تقویت کرده، خدا را به‌خاطر آنان و به‌خاطر امتیاز مباشرت امور الهی شکر می‌کند. خدا از اینکه مردی بدین شیوه، خانواده‌اش را اداره می‌کند، خشنود می‌گردد.

یک زن، هنگامی که در می‌یابد که جزء حیاتی زندگی شوهرش بوده، مورد محبت و عشق او واقع می‌شود، در رابطه زناشویی احساس امنیت می‌کند. به‌علاوه، وقتی که شوهر به‌هنگام تصمیم‌گیری در مورد موضوعاتی که مربوط به او و خانواده می‌شود به نظرات او اعتماد می‌کند، باعث اطمینان بیشتر وی می‌گردد. شوهر هنگامی که زن را به‌عنوان مهم‌ترین شخص زندگی‌اش تلقی می‌کند، باعث تقویت او می‌گردد. آنچه که در رابطه زناشویی بسیار اهمیت دارد، این است که زن بداند که به او نیاز هست و شوهر او را می‌خواهد.

طریق مهم دیگر برای اینکه شوهر از زنش حمایت کرده، او را تقویت کند و عشق را نثارش نماید، این است که به او کمک کند تا نقشش را به‌عنوان مادر به‌خوبی ایفا کند. شوهر و پدر باید به فرزندان‌ش بیاموزد که مادرشان را دوست داشته، به او احترام گذاشته، از وی اطاعت کنند. یک شوهر پرمهر هرگز اجازه نمی‌دهد که همسرش مورد سرزنش و توهین فرزندان واقع گردد. زن باید احساس کند که به‌هنگام وضع قواعد انضباطی برای فرزندان و در خانه، از پشتیبانی شوهرش برخوردار است.

پولس وظیفه شوهر را در رسیدگی به نیازهای جنسی همسرش مورد تأکید قرار می‌دهد. او در اول قرن‌تین ۷:۳-۵ به شوهران تعلیم می‌دهد که خود را از رابطه

جنسی با زنان‌شان باز ندارند مگر بر طبق توافق مشترک و برای مدتی معین. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که نزدیکی جنسی بخشی از قرارداد زناشویی میان زن و شوهر بوده، نباید به طریزی منفی و خودخواهانه به ضرر طرف مقابل مورد استفاده قرار گیرد. اجتناب از نزدیکی جنسی با همسر، درها را به روی شیطان می‌گشاید، طوری که هم زن و هم شوهر در این زمینه زندگی‌شان به گناه وسوسه می‌شوند. به علاوه، جدایی جنسی موجب بروز نارضایتی‌های بی‌مورد و بی‌اساس می‌گردد.

تعالیمی برای زنان

به زن نیز در مورد رابطه با همسرش دستورالعمل‌هایی داده شده است. پولس تعلیم می‌دهد که زن باید مطیع شوهر خود باشد (افسسیان ۵:۲۲). در این مضمون، استلزام این است که شوهر نقش رهبر خانواده را بر عهده داشته باشد. زن از طریق به رسمیت شناختن و پذیرفتن نقش رهبری شوهرش، اطاعت خود را نشان می‌دهد، زیرا به این وسیله از حکم خدا در مورد خانواده اطاعت کرده است، و نهایتاً اطاعت خود را از خودِ خدا نشان داده است. اطاعت بدین معنی نیست که زن مادون شوهرش بوده، یا اینکه شوهر اجازه دارد که با همسرش مستبدانه رفتار کند. اطاعت عبارتست از به رسمیت شناختن نقش‌هایی که خدا برای زندگی خانواده معین کرده است. به شوهر حکم شده است که محبت خود را نثار همسرش نماید، از طرفی اگر قرار است که محبت او در زندگی زن مؤثر واقع شود، زن نیز باید مایل باشد که محبت شوهرش را بپذیرد.

زن به واسطه رابطه‌ای که با شوهرش دارد، نقش تغذیه روحانی و پرورش مسیحی را در زندگی زناشویی داراست. شوهر نیز نیاز دارد که بداند همسرش تلاش‌های او را در تأمین مایحتاج زندگی ارج می‌گذارد. او باید قدردانی خود را از تلاش‌ها، مراقبت و توجه شوهر به طریقی ابراز دارد که به او بفهماند که وی ملزومات رهبری او را درک می‌کند. همچنین او می‌تواند با کاربرد خردمندانه امکانات خانواده، حمایت خود را از خانواده نشان دهد. به علاوه قابلیت او در ایستادن وفادارانه در کنار

شوهر به هنگام مواجهه وی با مشکلات و موانع، آن نوع حمایت محبت‌آمیزی را نثار او می‌گرداند که در سختی‌ها ضروری است.

یک زن پرمهر سعی می‌کند که خانه را برای شوهرش تبدیل به مکانی دلپذیر و آرام‌بخش نماید. یک خانه تمیز، غذای آماده و برخوردی مطبوع و محبت‌آمیز نسبت به مسئولیت‌های خانه، به شوهر نشان می‌دهد که همسرش عمیقاً نسبت به او توجه دارد. زنی که با مسئولیت‌هایش اینگونه برخورد می‌کند، بدون شک درمی‌یابد که شوهرش نیز به شیوه‌ای محبت‌آمیز و پر توجه به او پاسخ می‌دهد.

یک زن مسیحی متعهد، هنگامی که شوهرش خانه و خانواده را در پرستش و خدمت خدا هدایت می‌کند، او را تقویت خواهد کرد. او با والا شمردن امور روحانی در خانه و در کلیسا حمایت خود را از رهبری شوهرش نشان خواهد داد. چنین زنی رابطه‌اش را با خدا آنقدر درست حفظ می‌کند که باعث خواهد شد تا رابطه‌اش با شوهر نیز بهتر گردد. این هماهنگی در خانه گواه صادقی خواهد بود بر عملی بودن و واقعیت زندگی مسیحی حقیقی، چه برای خانواده و چه برای همسایگان. از آنجا که زندگی روزمره ایشان، محبت و سلامتی و شادی خدا را منعکس می‌سازد، خدمت ایشان برای خدا در کلیسای محلی‌شان نیز مؤثرتر خواهد گشت.

یک شوهر دارای نیازهای عاطفی و جسمانی است؛ یک زن مسیحی باید نسبت به آنها توجه داشته باشد. او باید هر آنچه در توان دارد انجام دهد تا حمایتی برای شوهرش بوده، به او نشان دهد که به نیازهایش توجه دارد، طوری که او بتواند بر وی تکیه کند. او در کمال محبت، صمیمیت و نزدیکی ضروری را تأمین خواهد کرد تا رابطه‌اش را با شوهر غنی نماید همانطور که پولس به شوهران توصیه کرده است که نسبت به نیازهای جنسی زن خود توجه نشان دهند، همان توصیه را به زنان نیز در مورد نیازهای جنسی شوهر کرده است (اول قرن‌تین ۷: ۳-۵). زن از طریق صمیمیت جنسی می‌تواند نشان دهد که شوهرش را تماماً پذیرفته و عمیق‌ترین احساسات خود را نثار او می‌کند. در مقابل، هنگامی که او نیازهای شوهر را برآورده می‌سازد، یقیناً پی خواهد برد که شوهر نیز به نیازهای او پاسخ‌گوست.

از بررسی آیاتی از رساله به افسسیان، در می‌یابیم که خدا خواهان این است که زندگی زناشویی و خانوادگی مسیحی، رضایت‌بخش و آکنده از نیک‌بختی باشد. مسئولیت این امور بر دوش هر یک از زوجین می‌باشد. هر یک باید رابطه را با مراقبت و از روی میل و اراده تقویت نماید، طوری که منتهی به یک خانواده خوشبخت و زندگی مشترک کامل گردد.

۷- بر پایه بحث‌مان در این بخش، دور حرف مقابل هر عبارت صحیح در تمرین زیر، دایره‌ای بکشید.

a) شوهران هنگامی که از خانواده حمایت کرده، ضروریات زندگی را فراهم می‌کنند، باعث تقویت آن می‌گردند.

b) هنگامی که یک شوهر نیازهای جسمانی اعضای خانواده‌اش را برآورده می‌سازد، تمام آنچه که برای پرورش آنان در جهت کاملیت لازم است، انجام داده است.

c) پرورش شامل رسیدگی به نیازهای عاطفی، روحانی، عقلانی و اجتماعی خانواده شخص می‌باشد.

d) لزومی ندارد که زنان و شوهران قدردانی خود را از همسر ابراز دارند؛ تغذیه روحانی هنگامی به‌طور کامل متحقق می‌شود که ایشان وظایف خود را بدون نشان دادن عاطفه یا ابراز عشق علنی انجام دهند.

e) هنگامی که یک شوهر از نقش زن در انجام وظائفش به‌عنوان مادر حمایت می‌کند، تغذیه روحانی را به‌انجام می‌رساند.

f) رابطه زناشویی هنگامی مورد تغذیه روحانی و پرورش قرار می‌گیرد که زن نقش رهبری شوهر را پذیرفته، قدردانی خود را از تلاش‌های او ابراز دارد.

g) اگر زن نقش رهبری شوهر را بپذیرد، دیگر اهمیتی ندارد که کار خود را خوب انجام داده، یا خانه را شاداب و تمیز نگاه دارد و امور خانه را به خوبی انجام دهد یا نه.

h) رابطه زناشویی هنگامی تقویت می‌شود که هر یک از زوجین صمیمیت و نزدیکی ضروری برای غنای رابطه را فراهم کنند.

ماهیت خانواده

هنگامی که کلمه خانواده را به کار می‌بریم، بسیاری از افراد ممکن است به خانواده‌ای بیندیشند که در آن به دنیا آمده و پرورش یافته‌اند. اگر اکنون فرد بالغی باشید که با والدین خود زندگی نمی‌کنید، شاید بتوانید برخی پیشامدهای خاص و رسومی را به خاطر آورید که در کودکی توسط والدین تان صورت می‌پذیرفت. در این صورت این رخدادها احتمالاً خاطراتی را همچنان به ذهن تان می‌آورد. واژه خانواده برای بسیاری از افراد مفهومی خاص و گرامی را داراست. خانواده، واحد اجتماعی است که زندگی ما در آن آغاز شده، همواره اثرات مهم خود را بر ما می‌گذارد.

در پیدایش ۲۸:۱ توجه خواهید کرد که خدا خواست که آدم و حوا صاحب فرزند شوند. در کتاب مقدس فرزند به عنوان بخشی از میراث خدا و برکتی در زندگی محسوب شده‌اند. آنها پاداش خدا هستند (مزمور ۱۲۷:۳). در امثال ۱۷:۶ به ما گفته می‌شود که نوادگان برکتی هستند و افتخار فرزندان، «پدران» (یا اجداد) ایشان می‌باشد. نقشه خدا برای خانواده از این قرار است: یک زن و شوهر باید مادر و پدر شوند. این همان چیزی است که او حکم کرده است که نیکو و درست است.

کودک به طور عادی با پدر و مادر و برادران و خواهران خود زندگی می‌کند تا به بزرگسالی برسد. در فرهنگ شما ممکن است در سنینی، فرزندان خانه والدین را ترک گفته، خانه و خانواده خود را تشکیل دهند. از آنان به عنوان بزرگسال انتظار می‌رود که معاش خود را تأمین کرده، نیازهای شان را برآورده سازند. این ترقی و پیشرفت طبیعی در زندگی است.

اما، پیش از آنکه فرزندان به سنی برسند که والدین خود را ترک کنند، در یک خانواده زندگی می‌کنند. برخی فرهنگ‌ها ممکن است ترتیبات متفاوتی برای واحد خانواده بدهند. فرزندان ممکن است تحت مراقبت اشخاصی به غیر از والدین قرار گیرند، مانند عمو و دایی، خاله و عمه و یا پدر بزرگ و مادر بزرگ. کودک خیلی زود در می‌یابد که چه کسی مسئول نیازهای او بوده و بر روی چه کسانی برای خوراک،

پوشاک، خانه و امنیت باید حساب کند. والدین طی سال‌های رشد فرزند، وظائف و مسئولیت‌هایی در قبال او دارند. اما وقتی که کودک بزرگ می‌شود، این مسئولیت‌ها را خود بر عهده می‌گیرد. والدین زمانی که فرزندشان خردسال و نوجوان است، به او می‌آموزند که چگونه از خود مراقبت کرده، مسئولانه عمل نموده، برای نقشش به‌عنوان فرد بالغ آماده شود.

از آنجا که انسان بخش اعظم زندگی خود را در بزرگسالی سپری می‌کند، والدین باید تمام تعالیم لازم را پیش از رسیدن فرزندشان به این دوره، در اختیار او قرار دهند. دروس اساسی در زندگی معمولاً در خانواده آموخته می‌شود. اولین معلمین ما معمولاً والدین مان می‌باشند. باید پیوند محکم محبت و صمیمیت میان والدین و فرزندان رشد کند. این پیوند محبت و مراقبت باید در تمام طول زندگی یک شخص ادامه یابد. رابطه والدین و فرزندان رابطه‌ای بسیار مخصوص است که شخص را در تمام طول عمرش هدایت می‌کند و به زندگی‌اش مفهوم می‌بخشد.

ماهیت خانواده را در همه فرهنگ‌ها مشاهده می‌کنیم. در هر یک از آنها، چرخه‌ای از زندگی قابل ملاحظه است. فرزندان به‌صورت نوزادانی ظریف و بی‌دفاع به دنیا آمده، در اختیار والدین قرار می‌گیرند. مادامی که رشد کرده، به بلوغ می‌رسند، به ایشان دروسی از زندگی آموخته می‌شود که برای سال‌های بزرگسالی مهم می‌باشند. معمولاً در سن معینی، پسر یا دخترِ رشدیافته را بالغ تلقی می‌کنند. اکنون لازم است که هر یک به‌عنوان عضو بالغی از جامعه، مسئولانه رفتار کند. ازدواج این جوانان به‌طور عادی، فرزندان را پدید می‌آورد و چرخه دوباره آغاز می‌شود.

- ۸- بر پایه بحث مان در مورد خانواده، دور حرف مقابل درست‌ترین تعریف از واژه خانواده، دایره‌ای بکشید.
- (a) واژه خانواده به هر گروهی از اشخاص اشاره می‌کند که بر پایه منافع، زمینه‌ها، تعلیم و تربیت و زبان مشترک به یکدیگر پیوسته‌اند.
- (b) واژه خانواده به طبقه‌ای از افراد اطلاق می‌شود که با یکدیگر همکاری می‌کنند تا نفعی مشترک حاصل شود.
- (c) واژه خانواده به بنیادی‌ترین واحد اجتماعی انسانی اشاره می‌کند که هم تولید مثل کرده و هم شخص را برای زندگی مولد و بامفهوم مهیا کرده، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تغذیه روحانی (پرورش مسیحی) در خانواده

شاید بتوانید بحث قبلی در این درس را در مورد اثر گناه بر ازدواج به‌خاطر آورید. عواقب گناه آدم و حوا مشکلات جدی را وارد خانواده ایشان نمود، یعنی هم برای آدم و حوا به‌عنوان والدین و هم برای فرزندان ایشان. نظرات و تعلیم بسیاری در مورد طریق مناسب پرورش فرزندان توسط والدین وجود دارد. اما برای والدین مسیحی، بهترین تعلیم در کتاب مقدس یافت می‌شود. اینها تعلیمی هستند که توسط آن کسی که خانواده را طرح‌ریزی کرد داده شده است. بدین‌سان، این تعلیم باید به‌طور طبیعی بهترین اطلاعات را به‌دست دهند.

در افسسیان ۴:۶ به پدران توصیه شده است که فرزندان خود را «به تأدیب و نصیحت خداوند» تربیت نمایند. تأدیب یا پرورش واژه‌ای است که چندین معنی مربوط به هم دارد. معنی آن تربیت با تعلیم و تربیت نیکو می‌باشد. همچنین به معنی اصلاح انضباطی است به‌عنوان وسیله‌ای برای کمک به فرایند یادگیری.

به‌علاوه به والدین توصیه شده است که فرزندان خود را به «نصیحت خداوند» تعلیم دهند. نصیحت به معنی جلب توجه فرزندان به چیزی مورد نظر می‌باشد. والدین ممکن است مجبور شوند که توبیخ یا هشدار را به‌کار برند تا به امر یادگیری

کودک کمک کنند. نصیحت همچنین مستلزم آن است که فرزندان در تمام جنبه‌های وجود خود، تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند. هنگامی که ایشان مهارت‌های حرکتی خود را در کار و بازی بسط می‌دهند، انضباط جسمانی را فرا می‌گیرند. به ایشان آموخته می‌شود که قابلیت‌های فکری خود را رشد دهند. به کودکان تعلیم لازم برای چگونگی ابراز احساسات داده می‌شود و مطمئناً تعلیم کاملی به ایشان داده می‌شود که باعث رشد روحانی آنان خواهد گردید.

رشد به سمت بلوغ، یک فرایند یادگیری است. کودکان از منابع مختلف درک تازه‌ای حاصل می‌کنند. آنان ممکن است توسط محیط، یا سرمشق، یا با توضیح تأدیب شوند. تمام این حوزه‌های یادگیری مهم هستند و والدین می‌توانند به‌طریقی مؤثر از آنها استفاده کنند تا به‌طور شایسته کودک را تربیت کنند.

کودکان از محیطی که در آن زندگی می‌کنند دروس بسیاری می‌آموزند که ایشان را به سمت بلوغ سوق می‌دهد. والدین باید آن نوع محیط را در خانه به‌وجود آورند تا به فرایند فراگیری ایشان مدد رسانند؛ با این عمل، کیفیت پرورش کودک‌شان را بالا خواهند برد. موسیقی، کتاب، بازی‌های گوناگون و اسباب‌بازی‌ها، و اشکال سالم سرگرمی تعدادی از چیزهایی هستند که بر کودکان اثر گذاشته، نقش تعلیمی در تربیت ایشان دارد. آیا توجه کرده‌اید که یک کودک چگونه از نواهای اطراف خود تقلید می‌کند؟ شاید که او سرودی را در رادیو یا تلویزیون شنیده باشد، و بعداً والدین خواهند شنید که او سعی می‌کند همان آواز را بخواند. اگر والدین محیط را با آن چیزهایی پر کنند که پیام مسیحی را القا کند، نفوذ مسیحی به فوریت، جزئی از زندگی کودک خواهد شد. این چیزها معمولاً اثر مثبتی بر کودک می‌گذارد.

والدین این فرصت خارق‌العاده را دارند که فرزندان خود را به‌واسطه سرمشق زندگی خودشان تربیت کنند. کودکان بسیار تأثیرپذیر هستند. ایشان رفتار و منش والدین‌شان را درست‌ترین شیوه تلقی می‌کنند. ایشان خیلی سریع شروع می‌کنند به تقلید رفتار و اعمال والدین‌شان. والدین مسیحی که فرزندان‌شان را از روی عشق تأدیب می‌کنند، سعی خواهند کرد که با سرمشق شخصی خودشان، حقایق

کتاب مقدس را تعلیم دهند. سرمشق والدین اثر ماندگاری بر فرزندان دارد. اغلب اوقات، فرزندان حتی در سنین بزرگسالی، همچنان تحت تأثیر سرمشقی که والدین شان داده اند می باشند.

والدین مسیحی همچنین این فرصت و وظیفه را دارند که برای فرزندان خود آنچه را که باید بیاموزند، توضیح دهند و تشریح کنند. نشستن با والدین و خواندن حکایت های کتاب مقدس و شنیدن توضیح آنها باعث برکت فرزندان شده، فایده بسیاری برای شان دارد. دروس کتاب مقدس دروس زندگی برای کودکان هستند. آنان به سرعت می آموزند که رفتار خود را با نمونه های کتاب مقدس بسنجند. ذهن ایشان شروع می کند به درک حقایق اساسی و زندگی بخش کلام خدا. این معرفت بدل به پایه ای برای درک احکام اخلاقی خدا می شود. این معرفت رو به رشد کلام خدا که در کودکی آغاز می شود، معمولاً چنان اثری بر کودک می گذارد که تا بزرگسالی همراه او خواهد بود.

تربیت مناسب کودکان مستلزم این است که والدین رفتار ایشان را به شیوه ای محبت آمیز و پر توجه، منضبط و اصلاح کنند. در ضمن اینکه کودک رشد می کند، والدین متوجه می شوند که فرزندشان بیش از پیش از پیش می کوشد که راه و روش مستقل خود را در پیش گیرد. اغلب اوقات، از فرزندان رفتار اشتباهی سر می زند. خدا حکم کرده است که فرزندان باید از والدین شان اطاعت کرده، به ایشان حرمت گذارند (افسسیان ۱:۶). این مسئولیت والدین است که به فرزندان درست و خطا بودن امور را بیاموزند و سپس از ایشان بخواهند که از این تعالیم پیروی کنند. خوب نیست که فرزندان از رهنمودهای والدین سرپیچی کرده، انضباط تأدیبی مناسب را نپذیرند. والدین در قبال خدا وظیفه دارند که فرزندان را با آن نوع انضباطی تربیت کنند که هم ایشان را تعلیم داده و هم اصلاح شان کند. نتیجه این نوع انضباط این است که کودکان هنگامی که بالغ شده، به سن بزرگسالی می رسند، قدرت منضبط کردن خود را به دست آورند.

هدف تربیت در خانواده این است که آن کیفیات از زندگی را در کودکان گسترش دهند که ایشان را به سمت بلوغ و کاملیت سوق دهد. مهم‌ترین نکته این است که معرفت و درک کودک از خدا و کلامش رشد یابد. این امر پایه محکمی خواهد شد برای استدلال و قضاوت اخلاقی. همچنین کودکان باید بیاموزند که چگونه اعضای خوب و مسئول جامعه خود باشند. ایشان باید به طریقی تربیت شوند که آماده باشند تا روزی فرزندان خود را تحت تعلیم و تربیت قرار دهند.

گرچه اساسی‌ترین تربیت باید در چارچوب خانواده انجام پذیرد، تربیت تکمیلی باید در کلیسا، یعنی جایی که خانواده به اتفاق سایر خانواده‌ها عبادت می‌کنند صورت گیرد. لازم است که کودکان مشاهده کنند که هر خانواده‌ای در شاهد بودن و خدمتش به جامعه مسیحی وفادار است، تا به این طریق به ارزش خانواده پی ببرد. ایشان باید طوری هدایت شوند که کلیسا را به عنوان مکان آموزش روحانی، عبادت مشترک، مشارکت و خدمت ببینند. سرمشق بودن والدین در زمینه حضور در کلیسا و پشتیبانی از خدمات آن بدون شک در تمام طول عمر فرزندان اثرگذار خواهد بود.

۹- مقابل هر عبارتی که با امر تربیت در خانواده تناسب دارد شماره (۱) را قرار دهید و مقابل آنهایی که چنین تناسبی ندارند شماره (۲) را.

.... (a) در خانواده‌های مسیحی، تربیت مناسب شامل محبت، تعلیم، سرمشق و هشدار بجا می‌شود، اما انضباط ضرورتی ندارد.

.... (b) اگر تعلیم مناسب، سرمشق خوب والدین و حضور منظم در کلیسا وجود داشته باشد، محیط خانه اهمیت خاصی ندارد.

.... (c) در تحلیل نهایی، تربیت و پرورش، آماده شدن برای زندگی می‌باشد.

.... (d) تربیت مستلزم رشد عقلی، جسمانی، عاطفی و روحانی می‌باشد.

.... (e) والدین مسیحی همانقدر که به واسطه تعلیم آموزش می‌دهند، به واسطه

سرمشق نیز آموزش می‌دهند؛ بنابراین باید در تمام مدت مراقب رفتار خود باشند.

f.... (f) تعالیم و توضیحات کتاب مقدسی که والدین به فرزندان خود می‌دهند، به ایشان کمک می‌کند تا کلام خدا را در مورد رفتار خود پیاده کرده، در مسائل زندگی به کار برند.

g.... (g) یکی از ویژگی‌های مهم محبت والدین مسیحی، قابلیت ایشان در نادیده گرفتن نافرمانی کودکان می‌باشد، یعنی طوری عمل کنند که گویی رفتار عصیان‌گرانه را نه دیده و نه شنیده‌اند.

h.... (h) اگر خانه و خانواده در فعالیت‌های پرورشی‌اش واقعاً مؤثر واقع شود، حضور در کلیسا غیر ضروری و یا اختیاری است.

خاتمه

در کلام خدا تأکید بسیاری بر روی پرورش و تأدیب در روابط خانوادگی شده است. خدا دو رابطه را طراحی کرده است: رابطه زناشویی و رابطه والدین و فرزندان. کلام او در مورد طریق پرورش خانواده‌ای خوشبخت و شادمان، تعالیم شایسته و مهمی به ما ارائه می‌دهد. زنان و شوهران مسیحی متوجه خواهند شد که اگر در صدد باشند که ابتدا خشنودی خدا و سپس طرف مقابل خود را فراهم کنند، زندگی زناشویی‌شان خیلی معنی‌دارتر و لذت‌بخش‌تر خواهد شد. والدینی که برای تعالیم مسیحی ارزش قائل شده، حقایق خدا را از سنین اولیه به تدریج به فرزندان خود می‌آموزند، معمولاً متوجه می‌شوند که ایشان در حین رشد مسئول‌تر شده، در بزرگسالی افراد سازگارتری می‌گردند.

خودآزمایی

سؤالات درست و غلط. در فضای خالی مقابل هر عبارت، صحیح یا غلط بودن آن را مشخص کنید.

.... ۱- تنها تفاوت انسان از سایر مخلوقات این بود که خدا او را تنها و بدون جفت آفرید.

.... ۲- بعد از آنکه خدا حوا را آفرید، آدم برای خانواده نقشه‌ای طرح کرد.

.... ۳- در همان حال که نوع بشر زمین را مملو از جمعیت کرده، از آن مراقبت می‌کند، هدف خانواده این است که روابطی برای تغذیه روحانی و تأدیب و پرورش فراهم سازد.

.... ۴- در کتاب مقدس تأکید عمده‌ای بر روی ازدواج به‌عنوان رابطه‌ای میان یک مرد و یک زن شده است، رابطه‌ای که باید تا زمان مرگ یکی از ایشان ادامه یابد.

.... ۵- به شوهر مسیحی حکم شده است که زن خود را با همان عشق عاری از خودخواهی دوست بدارد که مسیح نسبت به کلیسا نشان داد.

.... ۶- یکی از طرقی که به‌تبع آن زن می‌تواند شوهرش را تقویت کند این است که در مواقع یأس و شکست در کنار او بایستد و او را با ارزش‌های روحانی خود تشویق نماید.
.... ۷- تأدیب کردن یک کودک بدین معنی است که وقتی از او اشتباهی سر می‌زند، او را توبیخ کنید.

.... ۸- والدین از طریق مهیا کردن یک جوّ مسیحی به کمک موسیقی، اسباب‌بازی، بازی، نقاشی و اشکال سالم سرگرمی، می‌توانند به‌طرز مؤثرتری فرزندان را پرورش دهند.

.... ۹- آن فرد مسیحی که قوی‌ترین اثر را به‌عنوان سرمشق برای فرزندان می‌گذارد، رئیس مشایخ کلیساست.

.... ۱۰- هدف اولیه از منضبط کردن فرزندان، داشتن خانه‌ای آرام است.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۵- a) تأمین روابطی که کانون پرورش گردد، پر ساختن زمین از انسان، و مراقبت از زمین.

۱- b) خلق انسانی که بتواند به رهنمودهای او پاسخ داده، او را جلال دهد.

۶- a) ۲) مراقبت کردن

b) ۵) اتحاد و یکی بودن

c) ۱) تربیت کردن و پرورش دادن

d) ۴) صمیمیت

e) ۳) محبت کردن

۲- b) انسان شبیه و به صورت خدا خلق شد.

۷- a) صحیح

b) غلط

c) صحیح

d) غلط

e) صحیح

f) صحیح

g) غلط

h) صحیح

۳- c) زن برای این خلق شد که نقش تابع و مادون را در نظام ایجاد شده اشغال کند.

۸- c) واژه خانواده به بنیادی‌ترین واحد اجتماعی انسانی اشاره می‌کند که هم تولید مثل کرده و هم شخص را برای زندگی مولد و بامفهوم مهیا کرده، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴- b) هنگامی که زن و شوهر نیازهای یکدیگر را برآورده می‌سازند، منظور خدا در آن رابطه متحقق می‌شود.

۹- a) ۲ نامتناسب

b) ۲ نامتناسب

c) ۱ متناسب

d) ۱ متناسب

e) ۱ متناسب

f) ۱ متناسب

g) ۲ نامتناسب

h) ۲ نامتناسب

رشد در گروه‌های مشارکتی

مسعود همواره از صحبت با همکارانش لذت می‌برد. مریم نیز به همان ترتیب از ملاقات‌های گروهی با دیگر بانوان برای گفتگو در مورد فرزندان و رد و بدل کردن دستورات آشپزی و خانه‌داری لذت وافر می‌برد. از طرفی پدر بزرگ عمانوئل نیز خیلی متعجب نشد وقتی که عمانوئل در پاسخ به سؤال او گفت که بیشترین لذت او در رفتن به مدرسه، بازی با دیگر کودکان است.

ما انسان‌ها موجودات اجتماعی هستیم و به یکدیگر نیاز داریم. ما به یکدیگر کمک کرده، از هم پشتیبانی می‌کنیم. ما در چارچوب گروه می‌آموزیم و رشد می‌کنیم. رشد روحانی نیز به واسطه مشارکت و رفاقت با سایر مسیحیان تقویت می‌شود. کلیسای محلی نیاز به این رفاقت و پیوند را از طریق عبادت دسته‌جمعی، مشارکت، تعلیم، و خدمت برآورده می‌سازد. اما به غیر از کلیسا که گروه مشارکتی بزرگی است، گروه‌های مشارکتی کوچکتر پایه غیررسمی‌تری را برای رفاقت فراهم می‌آورد و ایمانداران را به گونه‌ای شخصی‌تر در فرایند تغذیه روحانی دخیل می‌سازد. اما هر دو شکل مشارکت و تجمع مورد نیاز است، و گروه کوچکتر همواره باید خدمت کلیسای محلی را تکمیل کند.

در این درس، مفهوم گروه‌های مشارکتی، چگونگی رسیدگی آنها به نیازهای مردم، و چگونگی سازماندهی و هدایت جلسات مشارکتی را بررسی خواهیم کرد. هنگامی که به یک گروه مشارکتی ملحق می‌شوید، مشاهده خواهید کرد که این گروه برای شما فرصت‌هایی را مهیا می‌سازد تا از دیگران بیاموزید و به ایشان کمک کنید تا به سمت مسیح‌گونه‌گی رشد کنند.



رئوس مطالب

سهیم شدن در حیات مسیح در گروه‌های کوچک
تشخیص اصول کارآیی گروه
هدایت گروه‌های مشارکتی

اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- هدف گروه‌های مشارکت مسیحی را بیان کنید.
- چهار نیاز مربوط به روابط افراد را که از طریق شرکت در گروه‌های مشارکت مسیحی برآورده می‌شوند، مورد بحث قرار دهید.
- برخی اصول کارآیی گروه را توضیح دهید.
- برخی از جنبه‌های سازماندهی و هدایت گروه‌های مشارکت مسیحی را تشخیص دهید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- متن درس را بر طبق روال توصیه شده در درس ۱ مطالعه نمایید.
- ۲- پس از مطالعه درس، به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل کنید.

متن درس

سهیم شدن در حیات مسیح در گروه‌های کوچک

هدف گروه‌های مشارکتی

همهٔ مسیحیان یک وجه مشترک دارند: همگی حیات روحانی تازه، یا حیات عیسی را دریافت کرده‌اند. در حین مطالعهٔ این کتاب، متوجه شده‌اید که هر مسیحی نیاز به تغذیه و پرورش حیات روحانی‌اش دارد. این درس، عامل دیگری را معرفی می‌کند که در رشد روحانی دخیل است. از آنجا که ما مسیحیان در حیات عیسی سهیم هستیم، به یکدیگر مربوط می‌شویم. تمام کسانی که در این حیات سهیم هستند، اعضای بدن او می‌باشند (اول قرنتیان ۱۲:۱۲ و ۲۷). این بدین معنی است که تمام مسیحیان به‌طرزی حیاتی و فعال به یکدیگر مربوطند. این رابطه اگر رشد نکند، ممکن است غیر شخصی و بی‌معنی گردد. این رابطه باید رشد و نمو کند زیرا چنانکه دیدیم، ماهیت بدن چنین است.

ما نه تنها مسئول رشد شخصی یکدیگر هستیم، بلکه همچنین مسئول رشد تجربهٔ مشترک‌مان نیز می‌باشیم. کلیسا به‌واسطهٔ رشد و سرزندگی تک‌تک اعضایش، قوی و مولد می‌گردد. تمام این اعضای منفرد متفقاً در جهت مقصود کلی بدن کار می‌کنند. بدن انسان زمانی به‌طرز سالم و مولد ایفای نقش می‌کند که هر عضو آن وظیفهٔ خاص خود را به‌جا آورد. در مفهوم روحانی، بدن مسیح زمانی به‌طرزی مؤثر عملکرد خود را نشان می‌دهد که تک‌تک اعضای در حال رشد سهم خود را به‌جا آورد. یکی از مؤثرترین طرق پدید آورندهٔ این رشد، گروه‌های مشارکتی است. خواهیم دید که چه

اتفاقی می‌افتد وقتی که اعضای گروه‌های مشارکت، تعهد و نیرو و کار خود را نثار کلیسا می‌کنند. گروه‌های مشارکتی می‌توانند کارکردهای کلیسای محلی را ترقی دهند: یعنی جلال دادن خدا، گسترش ملکوتش و بنا و رشد دادن اعضای بدن. بنابراین مسیحیان باید با یکدیگر ملاقات کنند تا در حیات مسیح و مشارکت بدنش سهیم گردند.

یکی از طرق مهم برای ترقی دادن رشد و نمو روحانی، تشکیل گروه‌های کوچک مشارکتی است. گروه‌های کوچک مشارکتی متشکل از ۱۰ تا ۱۲ نفر، خود را وقف مشارکت، دعای شفاعتی برای یکدیگر، برکت دادن یکدیگر با کلام خدا، و در میان گذاشتن امکانات روحانی می‌کنند. ایشان محیط مناسبی را پدید می‌آورند که رشد روحانی می‌تواند در آن اتفاق افتد. روابطی که در چنین گروه‌هایی پدید می‌آید، منبع ارزشمندی برای پرورش حیات مسیح در هر عضوی می‌گردد که به سوی بلوغ روحانی گام برمی‌دارد. این روابط گروهی این امکان را برای هر عضو فراهم می‌آورد که از سایر اعضا نیرو و حمایت کسب کرده، در رشد روحانی دیگران مؤثر باشد. اعضای گروه‌های مشارکتی کوچک می‌توانند یکدیگر را تأیید کنند طوری که هر یک بتواند از لحاظ روحانی رشد کند؛ در طی این فرایند، تجربه مشترک گروه نیز غنی می‌گردد.

اینگونه مشارکت پر بار، روابط متقابل افراد، تعهد عمیق نسبت به یکدیگر و سهیم شدن صمیمانه در حیات عیسی، همگی نشانه‌های بارز کلیسای مسیحی می‌باشد. این نشانه‌ها وجوه مشخصه کلیسایی است که مورد نظر عیسی بود. هر چیزی کمتر از این ویژگی‌ها کمتر از آن چیزی خواهد بود که او برای «بدن» خود آرزو داشت. خداوند کلیسا برای رشد و بلوغ بیشتر بدنش، عطایای گوناگون خدمت را از طریق روح القدس به کلیسا داده است تا مشارکت متقابل و تغذیه روحانی اعضا را تسهیل نماید.

۱ تا ۵: بر پایه مطالبی که هم اینک مورد ملاحظه قرار دادید، دور حرف مقابل بهترین پاسخ به هر یک از سؤالات زیر دایره‌ای بکشید.

۱- هدف اولیه گروه‌های مشارکتی عبارتست از:

- (a) تبادل دیدگاه‌ها در مورد تعالیم کتاب مقدس.
- (b) بدل شدن به جزوی از بدن مسیح.
- (c) سهیم شدن در حیات مسیح با دیگران در سطحی شخصی‌تر.
- (d) دریافت زندگی تازه‌ای که عیسی عطا می‌کند.

۲- ویژگی گروه‌های مشارکت مسیحی عبارتست از:

- (a) میل به داشتن ثروت مادی مساوی.
- (b) تعهد هر عضو نسبت به بهزیستی روحانی دیگر اعضا.
- (c) احساس همدردی که هر عضو نسبت به مشکلات دیگران دارد.
- (d) حس مواجه شدن با همان مشکلات.

۳- روابط در چارچوب گروه‌های مشارکت مسیحی، برای هر شرکت‌کننده منفرد گروه، کدام مورد زیر را تأمین می‌کند؟

- (a) کمک به ایشان برای تأیید یکدیگر تا رشد روحانی تسهیل گردد.
- (b) تدارک پایه‌ای برای مقایسه زندگی متقیانه.
- (c) کمک به ایشان در جهت احتراز از تماس‌های «دنیوی».
- (d) تشکیل گروهی که هر کس بتواند ایمانش را بر او شهادت دهد.

۴- نشانه‌هایی که عیسی می‌خواست وجوه مشخصه کلیسایش باشند، کدام است؟

- (a) سهیم شدن در مشارکت نزدیک و روابط متقابلِ پربار.
- (b) بخشیدن تمام دارایی‌های مادی و دوری جستن از امور غیر روحانی.
- (c) منزوی زندگی کردن از دیگران و انجام بسیاری کارهای نیک.
- (d) پرهیز کردن از غیر مسیحیان و نظر انتقادی داشتن نسبت به مسیحیان ضعیف‌تر.

۵- عیسی عطایای روحانی خدمت را به کلیسایش عطا فرمود تا.....

- (a) هر عضوی بتواند نوعی وظیفه مهم را بر عهده گیرد.
- (b) مردم بتوانند به طریقی در دنیایی پر از شرارت به بقای خود ادامه دهند.
- (c) مسیحیان گرفتارتر از آنند که در مورد امور دنیوی بیندیشند.
- (d) تسهیل مشارکت و تغذیه روحانی.

گروه‌های مشارکتی از دیدگاه تاریخی

اندیشه جمع شدن مسیحیان در گروه‌های کوچک برای شرکت در حیات عیسی مقوله تازه‌ای نیست. عیسی اهمیت مشارکت نزدیک را که تجربه گروه کوچک را همراهی می‌کند می‌دانست. عیسی از بین پیروان بسیارش، دوازده عضو نزدیک را برگزید و از ایشان گروه کوچک کارآمدی را تشکیل داد. رابطه عیسی و دوازده نفر شامل بسیاری عوامل پویایی گروهی است که دانشمندان اجتماعی امروز آن را برای تجربه گروهی هدفمند ضروری می‌دانند. در این تجربه گروهی، هر فردی به سمت بلوغ روحانی حرکت می‌کند. به علاوه، خود گروه از لحاظ تعهد، مقصود و معرفت، آنگونه که مورد نظر خداوند بود به طرز قوی‌تری رشد و نمو می‌کرد. بنابراین عیسی به دوازده نفر مأموریت داد که به کار موعظه انجیل پردازند.

رهبران اولیه مسیحیت همواره از این استراتژی گروه کوچک در خدمت استفاده کرده‌اند. کتاب اعمال وجود گروه‌های کوچک گوناگونی را طی این دوره اولیه تاریخ مسیحیت مورد اشاره قرار می‌دهد. اعمال ۴۱:۲-۴۲ مشخص می‌کند که مسیحیان اولیه با یکدیگر ملاقات می‌کردند تا در تبشیر، تعلیم، مشارکت، پرستش و دعا سهمی داشته باشند. دیگر بخش‌های اعمال مشخص می‌کند که مسیحیان قرن اول به طور منظم در خانه‌های ایمانداران مختلف گرد می‌آمدند. این جلسات به ایشان فرصت می‌داد تا به مشارکت نزدیک، مطالعه کتاب مقدس و دعای مؤثر در مورد نیازهای خودشان و نیازهای دیگر مسیحیان پردازند. باید تأکید کنیم که به غیر از ایامی که مسیحیان اورشلیم در هیکل عبادت می‌کردند، مسیحیان به طور کلی، به مدت چند

قرن، مکان عمومی برای عبادت نداشتند تا به‌عنوان یک بدن متشکل یکدیگر را ملاقات کنند. علیرغم این مشکل، گروه‌های گوناگون به هنگام جمع شدن در خانه‌ها (اعمال ۱۲:۱۲؛ رومیان ۵:۱۶ و ۲۳؛ کولسیان ۴:۱۵؛ فلیمون ۱-۴) و در تالارهای عمومی مدارس (اعمال ۹:۱۹) و در کنیسه (اعمال ۱:۱۴ و ۳؛ ۱:۱۷، ۴:۱۸) تا آنجا که اجازه داشتند، همان اهداف را به‌طور مشترک به پیش برده، منتقل می‌کردند. با وجود این کار، اعلام پیام انجیل به‌طرزی مؤثر به پیش می‌رفت و بر تمام موانع فائق می‌آمد. الگوی جلسات گروهی کوچک که در دوره رسولان مستقر گردید، تا مدتی ادامه یافت. در دوره‌های آزار و اذیت رسمی از سوی حکومت، جلسات گروهی کوچک، یک امتیاز دیگر، یعنی امن بودن را به‌همراه داشت. در این چارچوب نوایمانان حقایق اساسی ایمان مسیحی را می‌آموختند. بسیاری از نوایمانان مسیحی از مذاهب بت‌پرستی آمده بودند. ایشان برای برخورداری از زندگی مسیحی مؤثر نیاز به ارشاد نوینی به‌سوی حیات و حقیقت داشتند. به‌واسطه تجربیات آموزش گروهی، هزاران نفر تعلیم مورد نیاز را دریافت کردند تا هم مسئولیت‌ها و مزایای مسیحی بودن را درک کنند و هم باعث رشد روحانی خودشان شوند.

طی قرن‌ها از تاریخ مسیحیت، گروه‌های کوچک با یکدیگر ملاقات کردند و در نتیجه این امکان برای مسیحیان فراهم شد تا با یکدیگر مشارکت داشته، یکدیگر را تقویت کنند و زندگی و تجربه مشترک‌شان را در اختیار یکدیگر بگذارند. گاهی اوقات پویایی زندگی و خدمت مسیحی فقط به برکت تعداد اندکی از مسیحیان که در چنین گروه‌های کوچک گردهم می‌آمدند، حفظ می‌شد. در مواردی دیگر، گروه‌های مشارکتی کوچک نقش مهمی در ایجاد بیداری روحانی در کلیساها ایفا کرده‌اند. به‌عنوان مثال، جان وسلی (John Wesley) جلساتی را سازماندهی کرد که «انجمن» نامیده می‌شد و جزئی از استراتژی او برای حفظ ثمرات بیداری روحانی در سراسر انگلستان در قرن هجدهم بود. در اوائل قرن بیستم، جلسات گروه‌های کوچک در خانه مسیحیان در نقاط مختلف دنیا برگزار می‌شد. در ایالات متحده این جلسات گروه‌های کوچک به‌عنوان «جلسات دعای کلبه» معروف شد. در نقاط دیگر،

گروه‌های کوچک در فضای باز کالج‌های کتاب مقدس، در مراکز دعا، و در هر جایی که می‌توانستند نیازهای روحانی خود را مطرح سازند و مخصوصاً خود را به‌طور کامل‌تر تسلیم کنترل روح‌القدس نمایند، با یکدیگر ملاقات می‌کردند. این جلسات، بسط و انتشار نهضت‌های تقدس و پنطیکاستی را تسهیل می‌کردند و تأکید نوینی بر زندگی مقدس شخصی و بر کار و خدمت روح‌القدس در زندگی مسیحیان داشت.

امروزه در بسیاری از نقاط جهان، گروه‌های مشارکت مسیحی کوچک وجود دارد. گاهی اوقات این گروه‌ها بر پایه‌ای غیر رسمی جمع می‌شوند و دیگر گروه‌ها به‌طور رسمی‌تری سازمان می‌یابند. مسیحیان از قشرها و سطوح اجتماعی مختلف و با باورهای عقیدتی گوناگون و نیز سازمان‌های مذهبی گردهم می‌آیند تا در مشارکت، پرستش، مطالعه کتاب مقدس و دعا، تشریک مساعی کنند. گاهی اوقات این گروه‌های کوچک در اتاق‌های ساختمان‌های اداری یا کارخانه‌ها در اوقات ناهار یا بعد از ساعات کاری جمع می‌شوند. بعضی مواقع نیز در یک سالن کنفرانس، یک رستوران یا هتل جلسه تشکیل می‌دهند. غالباً در کلاس یک مدرسه و اکثر اوقات در خانه‌ها جمع می‌شوند. این گروه‌ها چه ساختار غیررسمی داشته باشند و چه رسمی، چه محل تجمع آنها ناهارخوری، کلاس، اداره یا انبار باشد، نکته مهم این است که آنها در حیات عیسی سهیم گردیده، بنا می‌شوند.

برخی از انجمن‌های بزرگ مسیحی در جهان، افراد خود را در گروه‌هایی سازماندهی می‌کنند که معمولاً گروه‌های سلولی، گروه‌های مشارکت همسایگان، یا نظایر اینها نامیده می‌شوند. رهبران این کلیساهای وسیع بر جلسات این گروه‌های کوچک تکیه دارند تا مشارکت صمیمانه و خدمت شخصی را فراهم سازند که هر مسیحی برای تغذیه روحانی و رشد شخصی‌اش بدان نیاز دارد.

در هر دوره از تاریخ مسیحیت، هدف این گروه‌های کوچک یکی بوده است و آن سهیم شدن به‌صورت جمعی در حیات مسیح می‌باشد. بدین ترتیب، مشارکت روحانیِ پرباری پدید آمده و مسیحیان منفرد پاسخ نیازهای خود را می‌یابند. به‌علاوه،

هر ایمانداری در این چارچوب این فرصت را دارد تا عطایایش را برای خدمت دیگران در بدن مسیح و نیز در بین کسانی که هنوز ایماندار نیستند به کار ببرد. شما نیز همانند تمام مسیحیان از ایام عیسی تا به امروز، متوجه خواهید شد که شرکت منظم در فعالیت مشارکتی گروه‌های کوچک به رشد روحانی خودتان کمک خواهد کرد. شما از طریق چنین روابطی ملاحظه خواهید کرد که نیازهای خودتان نیز برآورده شده است و همچنین در خواهید یافت که این روابط به شما این امکان را می‌دهد تا در تغذیه روحانی سایر مسیحیان شرکت داشته باشید.

۶- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

(a) جلسات گروه‌های کوچک مسیحیان ابداعی جدید است.

(b) عیسی دوازده شاگرد را به صورت یک گروه مشارکت تشکیل داد.

(c) گروه‌های کوچک مشارکت برای مسیحیان قرن اول ناشناخته بود.

(d) کتاب اعمال مشخص می‌کند که مسیحیان قرن اول به طور منظم در جلسات خانگی حضور می‌یافتند.

(e) هزاران نفر از نوایمانان مسیحی در قرون اولیه تاریخ کلیسا در چارچوب گروه‌های کوچک به سوی زندگی مسیحی ارشاد شدند.

(f) در سراسر تاریخ مسیحیت، گروه‌های کوچک نقش اندکی در اشاعه بیداری روحانی داشته‌اند.

(g) امروزه، گروه‌های کوچک مشارکت مسیحی در بسیاری از نقاط جهان عمومیت دارند.

(h) وسیع‌ترین انجمن‌های کلیسایی در جهان پی برده‌اند که گروه‌های کوچک به کار ایشان نمی‌آیند.

(i) در تمام دوره‌های تاریخ مسیحیت، هدف گروه‌های کوچک مشارکتی، سهیم شدن دسته‌جمعی در حیات مسیح بوده است.

j) شرکت در یک گروه مشارکت کوچک به احتمال زیاد، فایده‌اندکی در زندگی روحانی‌تان به‌بار خواهد آورد.

برآورده شدن نیازهای فردی در گروه‌های مشارکت

روانشناسان دریافته‌اند که مردم چند نیاز اساسی دارند: نیازهای فکری، اجتماعی، جسمانی، روان‌شناختی، و روحانی. برای مسیحیان، گروه‌های مشارکت کوچک در تمام زمینه‌های نیاز انسانی مفید واقع می‌شوند، اما نیازهای روحانی و اجتماعی را بهتر از سایر نیازها برآورده می‌سازند. این دو مورد همواره در کنار یکدیگر گام برمی‌دارند زیرا که حیات مسیح، حیاتی است که به‌طور مشترک می‌توان از آن برخوردار شد. تمام مسیحیان آن را بین خود تقسیم می‌کنند. اجازه بدهید که اکنون توجه خود را معطوف چهار نیاز اساسی که بین تمام مردم مشترک است، بنماییم.

۱- هر شخصی نیاز به تعلق به یک گروه دارد. ما هویت و حس فردیت خود را از طریق تعلق به یک گروه می‌یابیم. ما حس عزت نفس و ارزش شخصی‌مان را از وراء کنش متقابل با افرادی که به‌خاطر مسیح ما را پذیرفته و دوست می‌دارند بدست می‌آوریم. گرچه این نوع رابطه در کلیسا امکان‌پذیر است، محتمل‌الوقوع بودن آن در گروه‌های کوچک خیلی بیشتر است، زیرا که می‌توانیم دیگران را خیلی از نزدیک بشناسیم. به‌عنوان مثال، یک کودک، هویت شخصی را از طریق تعلق به خانواده‌اش بدست می‌آورد.

به‌همان طریق، نوایمانان هویت خود را به‌عنوان فرزند خدا و عضو بدن مسیح از طریق تعلق به گروه مشارکت مسیحیان کسب می‌کنند. همگان نیاز دارند که مورد محبت و پذیرش قرار گرفته، به حساب آمده و به یک گروه از افراد تعلق داشته باشند. شرکت در یک گروه مشارکت مسیحی این فرصت را فراهم می‌آورد که نیاز مزبور به‌گونه‌ای عمیق برآورده شود.

۲- هر یک از ما نیاز دارد که با دیگران ارتباطی متقابل داشته باشد. انسان به‌طور

کلی موجودی اجتماعی است. از اینرو، در هر نقطه‌ای از جهان که باشد، یا گروهی از افراد را می‌یابد و خود را با آن سازگار می‌سازد، یا چنین گروهی را خلق می‌کند. فقط تعداد اندکی از افراد، زندگی در انزوا را بر می‌گزینند. ما اجتماعات و شهرها را بنا می‌کنیم و با سایرین ارتباط برقرار می‌کنیم. این باور وجود دارد که هر چه یک جامعه پیچیده‌تر باشد، مردم آن به یکدیگر وابسته‌تر می‌شوند. ما به یکدیگر نیاز داریم و محتاجیم که در سطحی شخصی‌تر با دیگران ارتباط داشته باشیم. و هنگامی به بهترین وجه رشد می‌کنیم که اثر زندگی خود را بر روی زندگی دیگری ببینیم. دادن و گرفتن متقابل در روابط متقابل اشخاص برای رشد سالم شخصیت ضروری است. به همان شیوه، دادن و گرفتن متقابل در روابط اشخاص در بدن مسیح، برای رشد و نمو روحانی ضروری است. گرچه ممکن است در ابتدا نوعی انطباق لازم باشد تا با دیگران ارتباط برقرار سازیم، اما لازم است که به آنان اعتماد کنیم. این امر ثبات واقعی و تعهد نسبت به گروه و خدمت آن را در بدن مسیح پدید می‌آورد.

۳- هر انسانی نیاز دارد با دیگران سهیم شود. از آنجا که ما خود را دارای ارزشی

ذاتی می‌دانیم، احساس نیاز می‌کنیم که کشفیات خود را با دیگران تقسیم کرده، دیگران را در دانسته‌ها و افکار و احساسات خود شریک سازیم. چون به یکدیگر تعلق داریم، احتیاج به ارتباط و کنش متقابل داریم. ما نیاز داریم که عقاید و نگرش‌های دیگران را دریافت کرده، نگرش‌های خود را نیز با کسانی که ممکن است از آنها بهره‌گیرند، در میان بگذاریم. این نیاز به شراکت، ناشی از درک ما از اشتراک، فردیت و رابطه می‌باشد. به‌خاطر کار عیسی در زندگی‌مان، ما طی رشد روحانی، تجربیاتی کسب می‌کنیم که برای کسانی که با موقعیت‌های مشابهی مواجه می‌شوند ارزشمند و مفید خواهد بود. با تقسیم کشفیات خود با دیگران، از لحاظ روحانی رشد می‌کنیم و این رشد به دیگران کمک می‌کند تا ایشان نیز به نوبه خود رشد کنند.

۴- هر شخصی نیاز دارد در امور شراکت داشته باشد. ما نیاز داریم بدهیم، در کمک به دیگران سهیم شویم، و در امور اجتماعی نقشی ایفا کنیم. هیچ یک از ما واقعاً نمی‌تواند صرفاً با دریافت از دیگران راضی و خشنود گردد. ما احتیاج داریم که در کارها سهمی داشته باشیم، به حساب آییم و تا آنجا که می‌توانیم کمک کنیم. احتیاج داریم که جزوی از آنچه که جریان دارد باشیم، دخالت کنیم و از دیگران دریافت نماییم و همچنین از منابع خود به دیگران بدهیم. شرکت در کار بشارت، شناساندن عیسی به دیگران، کمک به دیگران تا به سمت مسیح‌گونگی رشد کنند، اینها همگی فرصتهایی هستند در اختیار مسیحیان تا جلوه‌ی فعالی به ایمان خود ببخشند. امکان انجام این کار مخصوصاً از طریق شرکت در گروه‌های مشارکت مسیحی میسر است.

لذا گروه‌های کوچک مشارکت، چارچوبی را فراهم می‌آورد که در آن مسیحیان می‌توانند برآورده شدن نیازهایشان را مشاهده کنند و نیز به برآورده شدن نیازهای دیگران کمک کنند. نزدیکی و اشتراکی که در چنین گروه کوچکی پدید می‌آید، این امکان را فراهم می‌آورد که شخص قابلیت‌های خود را در اختیار دیگر افراد گروه قرار دهد، طوری که هر یک متقابلاً از رابطه فایده ببرد. هدف این گروه‌های کوچک این است که چارچوبی را فراهم آورد که این امر بتواند در آن به وقوع بپیوندد. فعالیت‌ها و کارکردهای گروه باید سازمان داده شود طوری که کمک بتواند شامل حال تمامی شرکت‌کنندگان گردد. یک فضای پر از محبت، اعتماد، دلسوزی نسبت به دیگران، باز بودن در برابر نیازها و مشکلات فرد و میل به کمک به هر طریق ضروری، در گروه مشارکتی کوچک اساسی است. به‌طرزی ویژه، این همان نوع فضایی است که شخص در این چارچوب گروهی می‌یابد.

۷- هر یک از چهار نیاز ارتباط متقابل فردی را با شیوه‌ای که برآورده می‌شود انطباق دهید.

.... (a) رشد و نمو از طریق کنش متقابل با دیگر مسیحیان در چارچوبی دوستانه و صمیمی پرورش می‌یابد.

.... (b) برای مسیحیان، امکان بروز دادن ایمان‌شان از طریق شرکت فعال فراهم می‌شود.

.... (c) حس هویت هنگامی رشد می‌کند که شخص جزوی از مشارکت مسیحیان گردد.

.... (d) تجربیات ما می‌توانند به کسانی که با موقعیت‌های مشابهی روبرو می‌شوند فایده رساند؛ به آنان کمک می‌شود و ما نیز رشد پیدا می‌کنیم.

(۱) نیاز به تعلق

(۲) نیاز به ارتباط متقابل

(۳) نیاز به سهیم شدن

(۴) نیاز به شراکت

کارکردهای گروه مشارکت

یک مسیحی بالغ کسی است که مسئولیت‌های مسیحی خود را درک کرده، می‌داند که منابعی را که خدا برای تحقق آنها تدارک دیده است، چگونه به کار برد. این مسئولیت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) نسبت به خدا، (۲) نسبت به خود، و (۳) نسبت به دیگران. نخست، مسئولیت‌های او نسبت به خدا شامل عبادت، پرستش و جلال دادن او می‌شود. خدا بی‌همتاست و می‌خواهد که ما شایستگی او را تصدیق کرده، او را جلال دهیم. این امر از طریق دعا و مشارکت با او و تسبیح او به‌خاطر آنچه که انجام داده است تحقق می‌پذیرد. همچنین ما هنگامی که می‌آموزیم که به‌خاطر برآورده شدن تمام نیازهای مان و سبک شدن از بارمان بر او تکیه کنیم، شایستگی او را تصدیق می‌نماییم. دوم، مسئولیت‌های مسیحی بالغ نسبت به خود،

شامل رسیدن به درکی سالم از خود و اینکه به عنوان فرزند خدا کیست، می شود؛ او همچنین مسئول است که رشد روحانی بیابد و ایمانش را به نحوی بروز دهد. بسیار اساسی است که فرد مسیحی درکی متعادل از نقاط قوت و ضعف خود داشته باشد؛ او باید ارزش های درست و اولویت ها را تشخیص دهد. تغذیه و پرورش حیات روحانی شخصی برای رشد و کاملیتی که قبلاً در مورد آن بحث کردیم اساسی است. سوم، مسیحی بالغ در قبال دیگران دارای مسئولیت هایی است، چه در قبال دیگر اعضای بدن مسیح و چه در قبال کسانی که هنوز زندگی نوین در مسیح را دریافت نکرده اند. این مسئولیت های متقابل میان افراد، شامل دریافت حمایت، قوت و کمک از دیگران و دادن همین موارد به عده ای دیگر می شود. مابین اعضا در درون بدن مسیح وابستگی متقابل وجود دارد.

گروه های مشارکت مسیحی هنگامی که به طرزی مناسب سازماندهی شوند، به افراد کمک می کنند تا در هر یک از این سه حوزه مسئولیت رشد کنند. نقش گروه های مشارکت مسیحی عبارتست از مشارکت، مطالعه کتاب مقدس، دعا و تبشیر. مشارکت بر مبنای توجه متقابل و حس تعلق به یکدیگر بنا می شود. کسانی که از مشارکت برخوردار می شوند، در نوعی آگاهی سهیم می شوند و پی می برند که به واسطه زندگی مشترک در مسیح، به طرزی حیاتی به یکدیگر پیوند خورده اند. این امر کارکرد عمده گروه های مشارکت مسیحی است. باید مکان هایی وجود داشته باشد تا کسانی که نسبت به یکدیگر توجه دارند جمع شوند تا در شادی، یأس، رشد، دل آزرده گی، بصیرت روحانی، سؤالات، مشکلات، محبت، نگرانی، اندوه و گرانباری یکدیگر سهیم شوند. وقتی که این امور تقسیم می گردند، به طور مشترک توسط دیگر اعضا گروه تحمل می شوند. مشارکت مستلزم اعمال محبت واقعی مسیحی است که عمیق ترین نیاز انسانی را بر آورده می سازد: یعنی احاطه شدن توسط افرادی پر از مهر و توجه و دلسوزی. مشارکت یعنی با هم بودن و متفقاً سهیم شدن، و از این طریق است که تغذیه و پرورش روحانی تحقق می یابد.

مطالعه کتاب مقدس در گروه‌های مشارکت باید در وهله اول شرکت در حقایق کتاب مقدسی را در بر گیرد. این امر اکثر اوقات شکل بحث را به خود می‌گیرد تا صرفاً قرائت. به طور ایده‌آل، گروه، متفقاً کتاب مقدس را تفحص می‌کند تا آنچه را که خدا می‌گوید و معنی آن در زمانی که نوشته شده بود و چگونگی انطباق حقیقت آن با زندگی خودشان در جهت پاسخ به نیازهای روز به روزشان را کشف کنند. مطالعه گروهی کتاب مقدس الزاماً به معنی سهیم شدن در بی‌اطلاعی و نادانی متقابل نمی‌باشد. بر عکس، هر شرکت‌کننده‌ای باید از قبل متن مورد نظر را به دقت مطالعه کرده، با سؤالات و نظرات فکر شده‌ای در جلسه حاضر شود. مطالعه دسته‌جمعی کتاب مقدس با آن شکل آموزشی که در درس ۷ مطرح کردیم، به رشد روحانی کمک می‌کند. هنگامی که بصیرت و روشن‌بینی مشترک به طور فردی و شخصی پیاده می‌شود، هر شرکت‌کننده‌ای به واسطه فعل و انفعال با کلام و با دیگر اعضای گروه رشد می‌کند. به علاوه، او می‌آموزد که نقطه‌نظرات متفاوتی را که به اندازه نقطه‌نظرهای خودش معتبر می‌باشند، بپذیرد. و او با این کار نسبت به احساسات دیگران حساس می‌شود. اما بهتر از همه این است که اعضای گروه تعالیم کلام خدا و چگونگی انطباق آنها با موقعیت‌های زندگی را فرا می‌گیرند.

پرستش مستلزم تکریم، احترام، تعظیم به کسی است که سزاوار می‌باشد. در پرستش مسیحی ما تعظیم و تکریم خود را به خدا به‌خاطر آنچه که هست ابراز می‌داریم. این ابراز ممکن است به صورت سرودخوانی، شکرگزاری، تسبیح، دعا و شهادت نشان داده شود. بسیاری مواقع خواندن متون مناسبی از کتاب مقدس، خواندن دقیق سرودهای منتخب و دست زدن به تفاسیر معنی‌دار در مورد خصلت و فعالیت خدا، الثفات حضور قدوس او و تصدیق محبت و قدرت الوهیتش را بر می‌انگیزد. جلسات گروه‌های کوچک، چارچوب طبیعی برای اینگونه فعالیت‌های روحانی فراهم می‌کند. غالباً می‌توان وقت بیشتری را به این فعالیت‌ها در جلسات گروه‌های کوچک اختصاص داد تا در جلسات منظم کلیسایی. فعالیت‌های پرستشی باید بخش عادی جلسات گروه‌های کوچک باشد.

گروه‌های مشارکتی، محلی عالی برای سبک کردن گرانباری و نیازها در دعا فراهم می‌آورد و این حکم کتاب مقدس را که «بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید» (غلاطیان ۲:۶) متحقق می‌سازد. باید به مردم این فرصت داده شود که مشکلات و نیازهای خود را مطرح سازند، طوری که دیگر شرکت‌کنندگان گروه بتوانند واقعاً در این بارها سهیم گشته، آنها را در دعا به طرز معنی‌داری نزد خدا ببرند. در دعا ما با خدا ارتباط برقرار می‌کنیم و عمیق‌ترین نیازهای قلبی خود را به او ابراز می‌داریم. در یک تشکل گروهی کوچک می‌توان از الگوهای مختلف دعا پیروی کرد. به‌عنوان مثال، ممکن است کل گروه با هم دعا کرده، نیازهای گوناگون خود را به خدا ابراز کنند، یا اینکه یک نفر ممکن است گروه را در دعا هدایت کرده، نیازها و تقاضاهای گروه را مطرح سازد. اوقات دعا در سکوت به هر کس فرصت می‌دهد که در سکوت آنچه را که در دل دارد به خدا ابراز کند. دعای گفتگویی نیز در چارچوب گروه مشارکتی امکان‌پذیر است. دعای دسته‌جمعی یکی از بهترین و رضایت‌بخش‌ترین روش‌ها برای تحمل بار یکدیگر بوده، و یکی از کارکردهای اساسی جلسات گروه کوچک می‌باشد.

تبشیر عبارتست از معرفی انجیل به بی‌ایمانان به واسطه قدرت روح القدس، طوری که بتوانند مسیح را به‌عنوان نجات‌دهنده شخصی‌شان پذیرفته، از او به‌عنوان خداوندشان پیروی کنند. یکی از نقش‌های گروه‌های مشارکت مسیحی آشنا کردن مردم به‌طور ساده، روشن و متقاعدکننده با مسیح می‌باشد. کسی که در هدایت دیگران به‌سوی مسیح تجربه دارد، باید این امکان را داشته باشد که حقایق اساسی پیام انجیل را در چارچوب گروه‌های کوچک عرضه نماید. شرکت‌کنندگان گروه اغلب در کمال آزادی دوستان خود را به چنین جلسه‌ای دعوت می‌کنند. میهمانان معمولاً راحت‌تر در چنین جلسه‌ای شرکت می‌کنند تا در یک جلسه رسمی کلیسا. شرکت‌کنندگان گروه باید تشویق شوند که دوستان نجات‌نیافته خود را به جلسات گروه کوچک دعوت کنند با این اطمینان که دوستان نجات‌نیافته‌شان در تماس با اهداف روشن و معنی‌دار انجیل قرار خواهند گرفت.

- ۸- دور حرف مقابل هر فعالیت در فهرست زیر که به‌عنوان یکی از کارکردهای گروه‌های مشارکت مسیحی مورد بحث قرار دادیم، دایره‌ای بکشید.
- (a) گذراندن دسته‌جمعی وقت در مشارکت
 - (b) توضیح چگونگی پذیرفتن مسیح به‌عنوان نجات‌دهنده
 - (c) بحث کردن در مورد یک خط‌مشی سیاسی
 - (d) بحث در مورد چگونگی پیاده کردن حقایق کتاب مقدس در زندگی روزمره
 - (e) ابراز حس احترام و تکریم به خدا
 - (f) سخنرانی در دوره‌های طولانی در مورد موضوعات کتاب مقدس
 - (g) رد و بدل کردن دستورات آشپزی برای تهیه خوراک مورد پسند
 - (h) نشان دادن محبت مسیحی در سهم شدن در نیازهای دیگران
 - (i) خواندن سرودهایی که عظمت خدا را ابراز می‌دارد
 - (j) مورد بحث قرار دادن وقایع و امور جاری
 - (k) دعا برای نیازهای عضوی از گروه
 - (l) دعوت کردن مردم به پذیرفتن مسیح به‌عنوان نجات‌دهنده‌شان

تشخیص اصول کارآیی گروه

هر گاه که دو یا تعداد بیشتری از افراد متفقاً برای هدف مشترکی کار می‌کنند، نیروهای پویایی به فعالیت می‌افتند. این نیروها شامل اموری می‌شوند نظیر (۱) مقصود و پیشینه گروه، (۲) شخصیت و پیشینه افرادی که گروه را تشکیل می‌دهند، و (۳) اهداف شرکت‌کنندگان. روابط متقابل افراد، الگوهای ارتباطی، و فرایندهای تصمیم‌گیری، همگی تحت تأثیر پویایی گروه قرار دارند.

برخی اصول از همین پویایی ناشی می‌شود که به کارآیی گروه کمک می‌کند. هم شرکت‌کنندگان و هم رهبران گروه باید نسبت به این اصول هشیار باشند تا حداکثر سودمندی گروهی را متحقق سازند.

اولین اصلی که باید مورد ملاحظه قرار گیرد، شرکت گروهی است. تمام اعضا باید در فرایند گروه شرکت کنند. ایشان باید آزادانه و به طور آشکار به تبادل نظر پرداخته و در نتیجه گیری ها و تصمیمات گروه سهیم گردند. کسانی که گرایش به تسلط بر عملکردهای گروه را دارند باید اهمیت شرکت دادن دیگران را نیز درک کنند. کسانی که گرایش به خجالتی و محجوب بودن و شرکت نکردن دارند باید مورد کمک قرار گیرند تا بدل به شرکت کنندگان فعال در فرایندهای گروهی شوند.

اصل دیگر کارآیی گروه، برقراری ارتباط میان اعضای گروه است. این امر شامل آنچه که گفته شده است، چگونگی گفتن آن و اثرات آن می شود. ارتباط مؤثر مستلزم دست کم سه جنبه عمده می باشد: (۱) پیام لفظی، یا کلمات ادا شده؛ (۲) تأکید صوتی، یا لحن بیان کلمات؛ و (۳) تأکید بصری، یا حرکات بدنی و قابل رؤیت که گوینده برای انتقال پیامش به کار می برد. برای اینکه ارتباط مؤثر واقع شود، تمام این سه عامل باید در هماهنگی باشند. بیان مطلبی با کلمات اگر با حرکات بدنی مناسب همراه نباشد، باعث گیجی می شود.

در فرایندهای ارتباطی، شخص قصد دارد مفهوم یا تصویری را آنگونه که در ذهن خود دریافته است، منتقل سازد. هدف این است که دیگران، مفاهیمی را که او در اصل دریافته است به روشنی درک کنند. این امر مستلزم صحبت و گوش فرا دادن است. در فرایند گروهی، ضروری است که به روشنی مطلب را انتقال داد، طوری که هر کسی بتواند آنچه را که مورد نظر بوده است درک کند.

اصل دیگر کارآیی گروهی، فضای گروه است. این امر به احساساتی اشاره دارد که شرکت کنندگان نسبت به یکدیگر دارند. فضای گروهی می تواند میان پذیرش کامل افراد تا حالت دفاعی میان آنها در نوسان باشد. برای اینکه گروه کارآیی داشته باشد، لازم است که شرکت کنندگان بدون ترس از رد شدن، احساسات شخصی واقعی شان را آزادانه ابراز کنند. گروه باید حالت حمایت گرانه داشته باشد، طوری که هیچ کس به واسطه حضور دیگران احساس حجب یا تهدید نکند. لازم است که هر عضوی در تطابق با نیازهای دیگران و با وظایف مختلف گروه، حالتی انعطاف پذیر داشته باشد.

- ۹- هر موقعیت را با اصل مناسب مربوط به کارآیی گروه انطباق دهید.
- (a) یک نفر تمام رشته سخن را بدست می‌گیرد.
- (b) جمشید به خاطر حضور شبان احساس ترس می‌کند.
- (c) یک خانم به هنگام صحبت حرکاتی با چشمانش در می‌آورد.
- (d) پرویز با وجود آنکه تحصیل نکرده است، همه نظرات او را می‌پذیرند.
- (e) رهبر گروه مطمئن می‌شود که همه فرصت ابراز نظراتشان را یافته‌اند.
- (f) رهبر گروه همه را تشویق می‌کند تا به روشنی و به‌طور دقیق در مورد آنچه که می‌اندیشند صحبت کنند.
- (g) نرگس چندان به آنچه که گفته می‌شود توجه نمی‌کند.
- (h) رهبر گروه، تبادل آشکار عقاید و احساسات را برمی‌انگیزد.
- (i) خانم منصوری محبوب‌تر از آن است که نظراتش را ابراز کند.
- (۱) شرکت گروهی
- (۲) ارتباط گروه
- (۳) فضای گروه

هدایت گروه‌های مشارکت

شاید تاکنون در فعالیت گروه‌های کوچک شرکت کرده باشید، چه به صورت خدمت در یک کمیته، یا حضور در یک کلاس یا شاید به طریقی غیر رسمی. شاید در یک گروه مسیحی مشابه آنچه که در این درس در مورد آن خواندید، شرکت کرده باشید. ممکن است بتوانید موقعیت‌هایی را به خاطر آورید که چه به صورت مثبت و چه منفی بسیاری از نکات مورد بحث در این درس را مجسم کنند. و ممکن است که در یک گروه مشارکت مسیحی، شرکت‌کننده منظمی بوده‌اید. در این صورت مطمئن هستم که این تجربه، اثر پرورشی و تعلیمی بر زندگی روحانی شما داشته است. امیدوارم که متوجه شده باشید که خدا نه تنها می‌خواهد که شما از لحاظ روحانی

رشد کنید، بلکه همچنین خواهان این است که به دیگران کمک کنید تا به سمت مسیح‌گونه‌گی رشد کنند. در امر کمک به رشد دیگران ممکن است که به سازماندهی و هدایت گروه‌های مشارکتی بپردازید. بخش پایانی این درس برای پاسخ به برخی از رایج‌ترین و عملی‌ترین ملاحظات مربوط به این وظیفه طرح‌ریزی شده است. اطمینان داریم که به هنگام پرداختن به امر سازماندهی و هدایت گروه‌های مشارکتی، فهرست زیر را سودمند خواهید یافت.

۱ - محل تجمع کجا باید باشد؟ یکی از ملاحظات اولیه در سازماندهی یک گروه مشارکتی، محل تجمع آن است. تنها پاسخ مناسب این است که گروه می‌تواند در هر جا جمع شود و اهداف خود را به پیش برد. من با چنین گروه‌هایی در رستوران‌ها یا هتل‌ها، در سالن کنفرانس ساختمان‌های اداری و در ناهارخوری‌های کارخانجات گردهمایی داشته‌ام. برخی گروه‌ها در کلاس‌های مدارس جمع می‌شوند، اما به احتمال زیاد، بیشتر گروه‌های مشارکتی در خانه شرکت‌کنندگان جمع می‌شوند تا در جای دیگر. به‌طور کلی جلسه خانگی هر کجا که میسر باشد باید تشویق شود. این چارچوب، جو غیر رسمی به جلسه داده و شرکت‌کنندگان در این محیط راحت‌تر خواهند بود تا در محیط یک اداره، هتل، یا ناهارخوری کارخانه. برخی گروه‌ها به‌طور منظم در یک خانه جمع می‌شوند و گروه‌های دیگر به نوبت در خانه‌های شرکت‌کنندگان مختلف گرد هم می‌آیند.

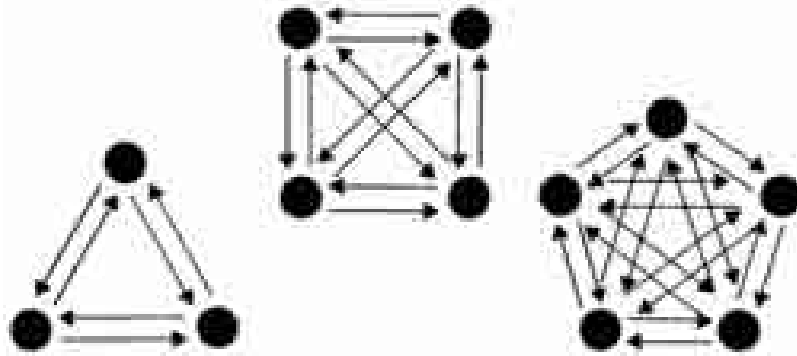
۲ - تجمع به چه هنگام و چند بار و به چه مدتی باید صورت پذیرد؟ موضوع قابل توجه دیگر، وقت تجمع است. پاسخ این است: هر گاه که برای شرکت‌کنندگان گروه مناسب‌تر باشد. من با چنین گروه‌هایی در جلسات قبل از صبحانه، موقع ناهار و در ساعات شب ملاقات داشته‌ام. برخی گروه‌ها را می‌شناسم که قبل از ظهر یا هنگام غروب جمع می‌شوند. بهترین روز هفته نیز باز آن روزی است که برای همه مناسب باشد. معمولاً این گروه‌های مشارکتی حدود یک بار در هفته به مدت یک یا دو ساعت جلسه دارند. با این حال، تعداد دفعات و طول مدت جلسه باید بر پایه نیازها

و خواست شرکت‌کنندگان و امکان ایشان برای آمدن تنظیم شود. در جلسات گروه‌های مشارکتی انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی همیشه ضروری است، اما این امر مخصوصاً در مراحل اولیه رشدشان باید رعایت شود.

۳- چه کسانی باید شرکت کنند؟ این موضوع که چه کسانی در چنین گروهی شرکت می‌کنند می‌تواند بدل به یک نگرانی گردد. برخی گروه‌ها به‌صورت گروه‌های تبشیری شروع به کار می‌کنند که در آن بی‌ایمانان اکثریت شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند. وقتی که انجیل در زندگی این افراد شروع به کار می‌کند، بسیاری زندگی نوین در مسیح را دریافت می‌کنند و ترکیب گروه تغییر می‌نماید. برخی گروه‌ها فقط برای زنان هستند و برخی دیگر برای مردان، یا برای گروه مختلطی از زنان و مردان سازماندهی می‌شوند. برخی گروه‌ها نیز برحسب سن سازمان می‌یابند، نظیر: (۱) گروه نوجوانان، (۲) گروه جوانان، (۳) گروه میانسالان، و (۴) گروه سالخوردگان. بسیاری از گروه‌ها بر پایه منافع و علائق مشترک تشکیل می‌شوند؛ بنابراین کسانی که در یک اداره کار می‌کنند، یا به یک مدرسه می‌روند، یا به‌طور معمول‌تر در همسایگی یکدیگر یا در یک ناحیه جغرافیایی زندگی می‌کنند، غالباً با کسانی که با ایشان علائق مشترک دارند جمع می‌شوند. گروه‌های مشارکت مسیحی می‌توانند در هر کجا و در بین هر گروهی از مردم که مایل به مشارکت مسیحی بوده و می‌خواهند که خود را وقف پرورش اعضای منفرد به سمت رشد روحانی کنند، متشکل شود.

۴- برای حصول بهترین نتایج، بهترین تعداد نفرات به چه میزان باید باشد؟ تعداد نفرات گروه که به‌طرز تنگاتنگی به هدف پرورش رشد روحانی مرتبط است، موضوع حیاتی دیگری است. برخی مردم گرایش دارند که بگویند: «هر چه بیشتر، بهتر.» این امر ممکن است در مورد بازی‌ها، مسابقات یا میهمانی‌ها صحت داشته باشد؛ اما در مورد گروه‌های مشارکتی صادق نیست. اجازه بدهید ببینیم که علت چیست. این یک واقعیت است که هر چه یک گروه بزرگتر باشد، روابط اعضا غیر شخصی‌تر می‌شود. یعنی وقت کمتری برای کنش متقابل با هر عضو وجود داشته، و

فرصت کمتری برای شراکت واقعاً شخصی باقی می‌ماند. هنگامی که گروه‌های مشارکتی خصلت شخصی خود را از دست می‌دهند و برای شرکت‌کنندگان مفهوم کمتری می‌یابند، ممکن است به‌عنوان «صرفاً یکی دیگر از فعالیت‌های وابسته به کلیسا» تلقی شود. افراد معمولاً می‌توانند فقط تعداد محدودی روابط متقابل را خوب اداره کنند. فراتر از آن تعداد، روابط دیگر حائز اهمیت نبوده و فقط حالت تصادفی و احتمالاً اجباری را خواهند داشت. بدین‌سان، وقتی که یک گروه از لحاظ تعداد افراد، از یک حد فراتر می‌رود، تلاش‌های آن، جنبه کارآیی خود را از دست می‌دهد. لحظه‌ای به این امر بیندیشید.



چنانکه در نمودار بالا مشاهده می‌کنید، یک گروه سه نفری مستلزم شش رابطه متقابل می‌باشد؛ و یک گروه چهار نفری، دوازده رابطه متقابل را ایجاب می‌کند؛ و یک گروه پنج نفری بیست رابطه را. بدیهی است که هر چه افراد گروه بیشتر باشند، تعداد روابطی که هر شخص باید برقرار کند و حفظ نماید بیشتر می‌شود. به‌خاطر همین عامل، بسیاری از رهبران باتجربه گروه‌ها پی برده‌اند که حد مطلوب برای یک گروه، حدود هشت تا دوازده نفر می‌باشد. بیشترین حد برای اینکه یک گروه بتواند خصلت گروه کوچک خود را همواره حفظ کند، در حدود پانزده نفر است. بنابراین، هنگامی که یک گروه متشکل از پانزده نفر می‌شود، باید به‌صورت دو گروه کوچکتر از نو سازماندهی شود. هنگامی که این گروه‌ها دوباره به همین حد می‌رسند، باید از

نو سازماندهی جدیدی کرد. کسانی که به‌طور منظم در زمینه رهبری گروه‌های کوچک کار می‌کنند متوجه می‌شوند که گروه‌های کوچکتر معمولاً سریع‌تر از گروه‌های بزرگتر از لحاظ نفرات افزایش پیدا می‌کنند. لذا، برای حصول مطلوب‌ترین نتایج، گروه کوچک باید شامل حدود ده نفر و نه بیشتر از پانزده نفر گردد.

۵- چه کسی باید رهبری کند؟ نکته دیگر کسانی که می‌خواهند گروه‌های مشارکت مسیحی را سازماندهی نمایند، موضوع رهبری است. طرق متفاوتی وجود دارد برای اینکه رهبرانی در یک گروه سر بر آورند. اکثر اوقات، شبانان کسانی را منصوب می‌دارند که به‌عنوان رهبران اولیه گروه بتوانند خدمت کنند. ایشان کسانی را مقرر می‌نمایند که سلامت شخصیت، عمق بصیرت روحانی و حساسیت نسبت به روح‌القدس را از خود نشان داده باشند. بعداً هنگامی که گروه تجاربی کسب کرد، برخی افراد به‌خاطر شخصیت جاذب‌شان رهبر می‌شوند. ایشان ظاهراً کیفیاتی را دارا هستند که دیگران را جذب می‌کند و می‌توانند به دیگران در رسیدن به اهداف‌شان الهام بخشند. عده‌ای نیز به‌خاطر داشتن دانش یا مهارت خارق‌العاده در زمینه مورد نظر گروه به رهبری می‌رسند. به‌عنوان مثال، شخصی ممکن است به‌عنوان رهبر یک گروه از معلمان انتخاب شود زیرا که به نسبت دیگر معلمان از تعلیمات و تجربه بیشتری برخوردار است. گاهی اوقات رهبران به‌روش دموکراتیک انتخاب می‌شوند، یعنی گروه به ایشان رأی داده و انتخاب می‌کند زیرا که بین دیگر اعضا گروه دارای محبوبیت است. اما مواقعی نیز وجود دارد که اشخاصی با اراده‌ای بسیار نیرومند سعی می‌کنند که از طریق تبلیغات، خودشان کارکردهای گروه را تحویل بگیرند. و اگر اعضای گروه نتوانند به درستی قضاوت کنند، در آن صورت گروه می‌تواند با دشواری‌های روحانی مواجه شود. این یکی از بهترین دلایل است برای اینکه چرا باید گروه‌های مشارکتی به کلیسای محلی متصل باشند.

به‌طور ایده‌آل، یک رهبر خوب باید الهام‌بخش، دارای جاذبه و دانش و مهارت‌های ویژه باشد. دیگران، به‌خاطر محبت او نسبت به خدا و مردم، خواهند

خواست که از او پیروی کنند. همچنین اگر سطح بلوغ روحانی و عمق بصیرت روحانی‌اش از دیگران بیشتر باشد، خواهد توانست به رشد روحانی ایشان کمک کند. به علاوه، اگر او بین مردم محبوبیت داشته باشد، شانس او برای انتخاب شدن به عنوان رهبر عالی است. خیلی خوب خواهد بود که شما کوشش کنید که آن نوع شخصی باشید که می‌تواند دیگران را به سوی رشد روحانی هدایت کند.

وظیفه رهبر در گروه مشارکت مسیحی، ارشاد فرایند گروه و تشویق کنش متقابل با کلام خدا و با یکدیگر می‌باشد. رهبر می‌تواند مطالعه کتاب مقدس را هدایت کرده یا درسی در مورد بشارت ارائه دهد. اما در برخی موارد، او می‌تواند عقب نشسته، هنگامی که دیگران تدریس کرده یا بحث را هدایت می‌کنند، گوش فرا دهد و یا در بحث شرکت کند. نقش رهبر، تسهیل کنش متقابل گروه و هدایت فعالیت‌ها و فرایندهای آن به سوی رسیدن به هدف گروهی می‌باشد. در مورد گروه‌های مشارکت مسیحی، هدف تغذیه و پرورش روحانی هر شرکت‌کننده می‌باشد. علت وجودی اولیه گروه‌های مشارکت مسیحی، ماهیتاً روحانی است تا اجتماعی. اگر قرار است که گروه به اهداف خود برسد، این واقعیت باید در مد نظر قرار گیرد.

چنانکه قبلاً ذکر شد، نقش مهم دیگر رهبر، هماهنگ ساختن فعالیت‌های گروه با فعالیت‌های گروه بزرگتر، یعنی کلیسایی که جزو آن است می‌باشد. همانطور که در مورد بدن انسان صادق است، بدن روحانی نیز هنگامی قوی و سالم است که اعضا متفقاً کار کنند یعنی هر عضوی بر طبق نقشه و منظور خدا ایفای نقش نماید. چنانکه گروه‌های منفرد، کار بدن مسیح را انجام دهند، کار تبشیر متحقق شده، ثمرات تبشیر حفظ گردیده، و رشد روحانی به سمت بلوغ آشکار می‌گردد. اعضای منفرد کلیسا از طریق گروه‌های مشارکتی، این امکان را دارند که عطایای خود را به کار گرفته، به دیگران کمک کرده، و بلوغ مسیحی را پدید آورند. در چارچوب گروه بزرگتر، ایشان در عین حال که نتایج تلاش‌های دسته‌جمعی خود را تشخیص می‌دهند، می‌توانند چه در حوزه خود و چه از وراء اقدامات میسیون‌های خارجی، مورد تشویق افزون‌تری واقع شوند. رهبر هشیار هر تلاشی را خواهد کرد تا فعالیت‌های گروه را در سمت مناسبی نگاه دارد. او به عنوان یک

خادم مسئول مسیح، نه فقط در قبال شبان اعظم گله جوابگو خواهد بود، بلکه باید به شبان محلی که خداوند بر سر گله‌اش مقرر نموده است حساب پس بدهد. او همچنین باید هر نوع گرایشی نسبت به انحراف از اهداف روحانی گروه در جهت فعالیت‌های شخصیت‌محوری را تشخیص دهد. گروه‌های مشارکتی نقش مؤثری در کلیسا ایفا خواهند کرد، به شرط اینکه مسیح‌محور و جلال‌دهنده مسیح باشند. هر نوع دنباله‌روی گروهی که در جهتی کمتر از بنای بدن مسیح حرکت کند، از حصول ثمرات پایدار و موفقیت به‌طور کلی قاصر خواهد ماند.

۱۰- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

- (a) گروه‌های مشارکتی غالباً در مکان‌هایی بیرون از خانه اعضا گروه جمع می‌شوند.
- (b) یک گروه مشارکتی باید در مناسب‌ترین وقت برای همه اعضا و مناسب‌ترین مدت و به دفعاتی که عملی باشد، گرد هم آیند.
- (c) این موضوع که چه کسانی باید جمع شوند به قسمی بستگی به علائق و منافع گروه دارد.
- (d) در مورد تعداد افراد گروه‌های مشارکت، قاعده خوب این است که «هر چه بیشتر بهتر».
- (e) یکی از عوامل عمده در تعیین تعداد مطلوب افراد یک گروه مشارکت، تعداد روابط متقابل است که یک شخص می‌تواند برقرار سازد.
- (f) رهبری به‌طور کلی در اثر قابلیت شخص در تسلط بر دیگران و کنترل افکارشان سر بر می‌آورد.
- (g) رهبر ایده‌آل گروه، گاهی اوقات فعالیت‌های گروه را هدایت می‌کند و در مواقع دیگر می‌تواند به‌عنوان یک شرکت‌کننده، فرایند گروه را هنگامی که دیگران فعالیت‌ها را هدایت می‌کنند، تسهیل نماید.
- (h) رهبر هشیار درصدد خواهد بود تا فعالیت‌های گروه را با فعالیت‌های بدن یعنی کلیسا که جزئی از آن به شمار می‌رود، هماهنگ سازد.

۱۱- بر حسب بحثی که داشتیم، یکی از دلایل مهم اینکه چرا رهبران باید سعی کنند فعالیت‌های گروه‌شان را با فعالیت‌های گروه بزرگتر هماهنگ سازند این است که:

(a) بدن مادر یعنی کلیسا ممکن است گروه را در صورتی که تمام قواعد کلیسا را رعایت نکند، تأیید ننماید.

(b) شبانان کلیسا عموماً از هر نوع فعالیتی که نتوانند شخصاً بر آن نظارت و کنترل داشته باشند منزع‌جند زیرا از این می‌ترسند که نتیجه آن عقاید غلط باشد.

(c) کارکرد بدن هنگامی به بهترین وجه متحقق می‌شود که هر عضو سهم خود را به‌جا آورد.

۱۲- تمام موارد زیر به جز یکی، موضوعات قابل توجه رهبران گروه مشارکت می‌باشد. کدام یک به‌عنوان موضوع مشروعی در متن قید «نشده» است؟

(a) رهبر گروه باید نگران محل جلسات گروه باشد.

(b) رهبر گروه باید مراقب مناسب‌ترین وقت برای تجمع، طول مدت هر جلسه و دفعات جلسات باشد.

(c) رهبر گروه باید حد مطلوب نفرات گروه مشارکت را مورد ملاحظه قرار دهد.

(d) رهبر گروه باید مراقب موضع قدرت خود بوده، آن را برای تحقق برنامه خاص خود به‌کار برد.

خودآزمایی

- ۱- در عبارات زیر هدف گروه‌های مشارکت مسیحی بیان شده، مگر در یکی از آنها. کدام عبارت هدف گروه‌های مشارکتی را بیان نمی‌کند؟
 - a) گروه‌های مشارکت جمع می‌شوند تا حیات عیسی را با دیگر مسیحیان تقسیم کنند.
 - b) گروه‌های مشارکت مسیحی نسبت به رشد و نمو اعضای گروه تعهد دارند.
 - c) عطایای خدمت که خداوندان داد، به‌منظور تسهیل مشارکت و تغذیه و پرورش روحانی بود.
 - d) گروه‌های مشارکت، عامل اولیه در امور اجتماعی و تفریح بوده، وسیله‌ای است که به‌واسطه آن باید جامعه را تغییر داد.
- ۲- هدف گروه‌های مشارکتی، از نقطه‌نظر کل تاریخ کلیسا عبارتست از:
 - a) ارائه راه حلی دیگر برای جلسات گروه بزرگ که کمتر روحانی هستند.
 - b) اعضای ناراضی بدن مسیح را قادر می‌سازد که جایی برای ابراز نگرانی‌ها و محرومیت‌های‌شان داشته باشند.
 - c) تقسیم کردن حیات عیسی با دیگر اعضا و برانگیختن یکدیگر به کارهای نیکو، رشد و نمو روحانی.
 - d) مکانی را پدید می‌آورد که در آن «آبر مقدسین» بتوانند مستقل از بقیه اعضای کمتر روحانی بدن، رشد کنند.
- ۳- گروه‌های مشارکتی از طریق فراهم آوردن کدام مورد زیر، به نیاز «تعلق به گروه» شخص پاسخ می‌دهد؟
 - a) آماده ساختن افرادی خاص که می‌آموزند ما را به‌خاطر مسیح شناخته، دوست بدارند و بپذیرند.
 - b) فراهم ساختن سازمانی که شرایط عضویت نداشته و هدفش معاش از طریق کار شخصی است.

(c) فراهم کردن مکانی که بتوانیم حرف‌های خود را در مورد نادرست بودن سیستم مذهب سازمان یافته بزنیم.

(d) تجمعی از دیگر افرادی که دارای همان مشکلات بوده، می‌خواهند تمام فلاکت‌های مشترکی که توسط هم‌مسلمان مسیحی‌شان بازگو شده است بشنوند.

۴- بر طبق این درس، نیاز به برقراری ارتباط متقابل با افراد به‌واسطه گروه‌های مشارکت مسیحی، از طریق کدام مورد زیر به بهترین وجه برآورده می‌شود؟
(a) جنبه مشارکتی تجمع استراحت‌آمیز که در آن می‌توانیم مشکلات خود را از دیگر اعضا پنهان نماییم.

(b) کنش متقابلی که از سوی دیگر مسیحیان در جایگاهی دوستانه و مراقبت‌آمیز فراهم می‌آید و در آن بده و بستان رشد و نمو می‌تواند به وقوع بپیوندد.
(c) اقرار دائمی تمام گناهان و خطاهای مان به کسانی که مشکلات ما را درک می‌کنند.
(d) فرصت‌هایی که شخص برای ملاقات و کنش متقابل با دیگران دارد بی‌آنکه مستلزم هر نوع تعهد طولانی‌مدت نسبت به یک سازمان رسمی باشد.

۵- دیدیم که نیاز به مشارکت در چارچوب گروه‌های مشارکتی به بهترین وجه در چه هنگام برآورده می‌شود؟

(a) اعضای منفرد با بازگو کردن مشکلات‌شان، تنش را تخفیف می‌دهند.
(b) پاکی روحانی با اقرار علنی به وقوع می‌پیوندد.
(c) به دلیل اشتراک، فردیت و رابطه، به دیگران کمک کرده، طی فرایند، خود نیز به سمت بلوغ رشد می‌نماییم.

(d) در چارچوب گروه‌های کوچک، هر عضوی فرصت می‌یابد تا دل خود را در حضور دیگران باز کرده، تحلیل گروه را در مورد مشکلاتش و راه حل‌های مؤثر پیشنهادی را دریافت کند.

۶- نیاز افراد به شراکت به‌طور خاص توسط گروه‌های مشارکتی برآورده می‌شود زیرا که:

(a) اعضا مجبورند که بدون توجه به احساسات‌شان بخشی از فعالیت‌های گروه باشند.

(b) ماهیت گروه‌های مشارکت، افراد را قادر می‌سازد که در دادن و گرفتن از دیگر اعضا شرکت کنند.

(c) ساختار گروه به نحوی است که تمام اعضا باید گاهی اوقات رهبر شوند.

(d) هر عضوی، برای داشتن کارکردی مؤثر، باید در جستجوی یک نقش مسلط باشد.

۷- آموختیم که یکی از اصول کارآیی گروه، یعنی شرکت گروهی، برای کارکرد فرایند گروه مهم است زیرا که:

(a) گروه فقط هنگامی می‌تواند به نیازهای افراد پاسخ دهد که اعضا به تبادل آزاد افکار و نظرات پرداخته، در نتیجه‌گیری و تصمیمات گروه سهیم گردند.

(b) بدون شرکت ۱۰۰ درصد اعضا در تمامی موضوعات هیچ راه حلی حاصل نخواهد شد.

(c) همواره، اجتماع سالمی را پدید می‌آورد که برای گروه خوبست.

(d) همه اعضا را خشنود نگاه داشته، نتیجه موفقیت‌آمیزی را تضمین می‌کند.

۸- بر طبق این درس، دومین اصل مهم کارآیی گروهی، برقراری ارتباط میان اعضای گروه است. اهمیت آن در چیست؟

(a) تنها مسأله عمده‌ای است که مانع از این می‌شود که اعضا کمک دریافت کنند.

(b) برای درک گروه اساسی تلقی می‌شود و بدون آن کار گروه بی‌اثر می‌باشد.

(c) شامل آنچه که گفته شده است و چگونه گفتن آن و تأثیر آن می‌باشد.

(d) رشته حیاتی گروه است در رابطه‌اش با بدن کلیسای مادر.

۹- فضای گروه، بر طبق مطالعه‌ای که داشته‌ایم، سومین اصل مهم برای کارآیی گروه است که برای فرایند گروه اهمیت دارد زیرا که تعیین‌کننده کدام مورد زیر است؟

- (a) میزان پذیرشی که اعضا برای یکدیگر دارند.
- (b) برخوردی که اعضا با جلسات گروهی دارند.
- (c) میزان تعهدی که هر عضوی نسبت به گروه خواهد داشت.
- (d) نگرش‌های اساسی که بر سراسر زندگی گروه مستولی خواهد شد.

۱۰- تمام موارد زیر جنبه‌های عملی هستند که در سازماندهی و هدایت گروه‌های مشارکت مسیحی دخالت دارند مگر یکی از آنها. کدام یک جزو جنبه‌هایی نیست که در این درس مورد ملاحظه قرار دادیم؟

- (a) مهم است که گروه در کجا جمع شود و چگونه به گروه بزرگتر مرتبط گردد.
- (b) برای سازمان‌دهندگان گروه، موضوع وقت، تعداد دفعات، و طول مدت اهمیت بسیاری دارد.

- (c) چه کسانی باید شرکت کنند و حد اعلا‌ی سودمندی گروه با چه تعداد افراد تأمین می‌شود؛ این دو، موضوعات مهم برای رهبران گروه می‌باشند.
- (d) نوع سرگرمی اجتماعی و فعالیت‌های تفریحی و اینکه چگونه می‌توانند مشارکت، آموزش و جنبه‌های عبادی فرایند گروه را تکمیل کنند، موضوعات عمده رهبری می‌باشند.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۷- (a) نیاز به ارتباط متقابل

(b) نیاز به شراکت

(c) نیاز به تعلق

(d) نیاز به سهیم شدن

۱- (c) سهیم شدن در حیات مسیح با دیگران در سطحی شخصی‌تر

۸- باید (a)، (b)، (d)، (e)، (h)، (i)، (k)، (l)، را علامت‌گذاری کرده باشید.

۲- (b) تعهد هر عضو نسبت به بهزیستی روحانی دیگر اعضا.

۹- (a) ۱) شرکت گروهی

(b) ۳) فضای گروه

(c) ۲) ارتباط گروه

(d) ۳) فضای گروه

(e) ۱) شرکت گروهی

(f) ۲) ارتباط گروه

(g) ۲) ارتباط گروه

(h) ۳) فضای گروه

(i) ۱) شرکت گروهی

۳- (a) کمک به ایشان برای تأیید یکدیگر تا رشد روحانی تسهیل گردد.

۱۰- (a) غلط

(b) درست

(c) درست

(d) غلط

(e) درست

(f) غلط

(g) درست

(h) درست

۴- a) سهیم شدن در مشارکت نزدیک و روابط متقابلِ پربار

۱۱- c) کارکرد بدن هنگامی به بهترین وجه متحقق می‌شود که هر عضو سهم خود را به جا آورد.

۵- d) تسهیل مشارکت و تغذیه روحانی.

۱۲- d) رهبر گروه باید مراقب موضع قدرت خود بوده، آن را برای تحقق برنامه خاص خود به کار برد.

۶- a) غلط

(b) درست

(c) غلط

(d) درست

(e) درست

(f) غلط

(g) درست

(h) غلط

(i) درست

(j) غلط

رشد در کلیسا

مسعود و مریم سعی می‌کردند که خانه خود را بدل به مکان ایده‌آلی بنمایند که در آن امانوئل بتواند به سمت بلوغ رشد نماید. ایشان می‌خواستند که او تجربیات خوش و به‌یادماندنی از دوران کودکی و رو به رشد خود داشته باشد. آنان می‌دانستند که روزی پسرشان باید مسئولیت‌های یک فرد بالغ را بپذیرد. زمانی خواهد رسید که او شغلی انتخاب کرده، همسری بر خواهد گزید؛ فرزندی را تربیت خواهد کرد و در امور اجتماعی فعال خواهد شد. آنان از اینکه می‌دیدند رشد و پرورش شخصیت او، فعالیت‌ها و علائق سالمی را نیز شامل می‌شود بسیار خوشحال بودند، به‌ویژه اینکه این امر خود را در قالب رفتار بالغ‌تری در شخصیت او نمایان می‌ساخت.

به همان طریق، پدر آسمانی ما می‌خواهد که فرزندان با کلیسا یعنی مشارکت ایمانداران یکی شوند، طوری که بتوانند به سمت بلوغ روحانی پرورش یافته و برای شرکت فعال در خدمت مسیحی مجهز شوند. کلیساها هم رشد و نمو مسیحی را پرورش داده و هم برای خدمت مجهز می‌گرداند.

در آخرین درس این کتاب درسی، چشم‌اندازی از خدمت پرورشی و تعلیمی کلیسا را خواهید داشت. به‌هنگام مطالعه این درس، پی خواهید برد که مشارکت با یک کلیسا چگونه به شما کمک خواهد کرد تا به سمت بلوغ روحانی رشد کنید و چگونه شما را مجهز خواهد کرد تا به رشد روحانی دیگران مدد رسانید.

رئوس مطالب

کلیسا: محلی برای تغذیه و پرورش روحانی
تدارک ساختارهای خدمت
تربیت خادم
کارکنان لازم برای خدمت تغذیه و پرورش روحانی

اهداف درس

پس از مطالعه این درس، باید بتوانید:

- توضیح دهید که کلیساها برای تسهیل رشد روحانی به سمت مسیح‌گونه‌گی چه می‌کنند.
- سه اصل خدمت تغذیه روحانی و پرورشی کلیسای محلی را توصیف نمایید.
- مفهوم خدمت در کتاب مقدس و چگونگی ارتباط آن را با مجهز کردن تمامی مسیحیان برای خدمت مسیحی توضیح دهید.
- نقش شبانان و معلمان را در خدمت تغذیه و پرورش روحانی کلیسا مورد بحث قرار دهید.

فعالیت‌های یادگیری

- ۱- بر طبق روال معمول، بر روی متن درس کار کنید. بعد از اتمام درس، به خودآزمایی پرداخته، پاسخ‌های خود را کنترل نمایید.
- ۲- بخش ۳ (دروس ۸ تا ۱۰)، خصوصاً اهداف درس و خودآزمایی‌ها را با دقت مرور نمایید. سپس آزمون میانی بخش ۳ را تکمیل کرده، آن را برای معلم‌تان ارسال دارید.

متن درس

کلیسا: مکانی برای تغذیه و پرورش روحانی

کلیسا در وسیع‌ترین مفهوم خود، شامل تمام ایماندارانی می‌شود که زندگی نوین در عیسی را دریافت کرده‌اند. وقتی که از نو مولود شدید، حیات عیسی را دریافت کردید و از لحاظ روحانی به او و به تمام کسانی که در حیات او سهیم هستند، پیوستید. بدین‌سان بدل به عضوی از کلیسا یعنی بدن روحانی گشتید. هنگامی که به کلیسا در مفهوم

عهدجدیدی آن اشاره می‌کنیم، به کسانی می‌اندیشیم که متفقاً فرا خوانده شده‌اند تا از عیسی پیروی کنند. این بدن پیروان مسیح به‌درستی کلیسا نامیده شده است.

کلیسای مسیح دو جنبه دارد: جهانی و محلی. جنبه جهانی، به کلیسا در مفهوم وسیع آن اشاره می‌کند و متشکل از تمام کسانی است که به برکت تولد تازه، در حیات عیسی سهیم هستند. جهانی است زیرا که شامل تمام ایمانداران مسیحی در همه نقاط در سراسر تاریخ کلیسا می‌شود. کلیسای محلی به تجمع یا انجمن محلی مسیحی اشاره می‌کند. کلیسای محلی، تجلی کلیسای جهانی است در یک محل خاص. بدون کلیسای محلی، کلیسای جهانی نمی‌توانست متجلی شود. لذا، کلیسای محلی، عبارتست از مشارکت افراد نجات‌یافته‌ای که در یک جای معین با یکدیگر متحد می‌شوند تا اهداف و مأموریت کلیسای جهانی را به‌انجام رسانند. کلیسای محلی بدن مسیح است در یک مکان ویژه.

مسیح که سر کلیساست، خود را از طریق کلیسا بر روی زمین متجلی می‌سازد. بدین‌سان مأموریت کلیسا ادامه مأموریت خود عیسی است. او کلیسا را به چالش طلبیده است تا کاری را که خود شروع کرده است، ادامه دهد (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ مرقس ۱۶:۱۵؛ لوقا ۲۴:۴۶-۴۹). کلیساهای محلی به‌عنوان جزئی از کلیسای جهانی، به‌طور مشترک مسئولیت دارند تا این مأموریت را متحقق سازند. هر ایمانداری جزئی از آن است و نقشی برای ایفا کردن بر عهده دارد! افرادی که به‌واسطه تولد تازه به مسیح پیوسته‌اند، باید به‌واسطه پیوند با تجمع محلی ایمانداران، به بدن او متصل شوند. در اینجا حیات روحانی‌شان می‌تواند به‌سوی مسیح‌گونه‌گی پرورش یابد و فرصت‌هایی را می‌یابند تا در رشد روحانی دیگر مسیحیان سهیم گردند. این دو اندیشه را می‌توان به‌صورت گفته زیر خلاصه کرد: «کلیسا مکانی است که تغذیه و پرورش روحانی باید در آن صورت پذیرد.»

این مقدمه کوتاه در مورد ماهیت کلیسا توجه را به دو نکته عمده جلب می‌کند: (۱) هر مسیحی جزئی از بدن جهانی مسیح است و بنابراین باید با زندگی، شهادت و مشارکت بدن محلی ایمانداران متحد شود؛ و (۲) مأموریت مسیح، مأموریت ما نیز

می‌باشد. هدف او رهایی بخشیدن جمعی از ایمانداران از هر قومی و تبدیل آنان به شباهت خود می‌باشد. ما به‌عنوان بخشی از بدن او، دعوت شده‌ایم تا مأموریت او را به‌انجام رسانیم. اگر در معرفت کلام او رشد کرده، عطایای روحانی را که او بخشیده است به‌کار ببریم، می‌توانیم در این مأموریت مؤثرتر واقع شویم. رشد روحانی که مستلزم بصیرت نسبت به کاربرد کلام خدا در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره می‌باشد، همچنین از طریق شهادت به بی‌ایمانان و مشارکت با کسانی که کمتر از ما رشد یافته‌اند متحقق می‌شود. برای اینکه حتی‌الامکان در کار مسیح سودمند باشیم، لازم است که به‌سمت بلوغ روحانی رشد نماییم.

برخی از مطالبی که در این کتاب درسی مطالعه کرده‌اید، بیشتر به جنبه جهانی کلیسا تعلق دارد، اما این درس بر روی جلوه محلی کلیسا متمرکز است. بخشی از وظیفه کلیساهای محلی تغذیه روحانی ایمانداران و هدایت ایشان به‌سمت بلوغ می‌باشد. به‌واسطه خدمت کلیسای محلی، کمک لازم برای رشد روحانی را خواهید یافت. همچنین فرصت‌های فراوانی برای کمک به دیگران برای رشد به‌سوی مسیح‌گونه‌گی را خواهید یافت.

هنگامی که قوم خدا در کلیسای محلی متفقاً و در هماهنگی کار می‌کنند، نیازهای بدن برای رشد برآورده شده و افراد بی‌ایمان به‌سوی مسیح جذب می‌شوند. به‌علاوه، ایماندارانی که بدن مسیح را تشکیل می‌دهند، برای شرکت هدفمند در خدمت به دیگران پرورش یافته، مجهز می‌گردند.

خدمت کلام خدا در کلیساهای دو هدف اساسی دارد: (۱) دعوت از نجات‌نیافتگان برای ایمان به مسیح، و (۲) پرورش ایمان ایمانداران و تعلیم به ایشان برای زیستن زندگی که مطبوع خدا بوده، او را جلال دهد. گرچه این خدمت ممکن است به‌صورت‌های مختلف متجلی شود، نظیر تعلیم، تشویق، نصیحت، و اصلاح، اما هدفش تغییر نمی‌کند. در مورد تغذیه روحانی ایمانداران، دو موضوع مهم برجسته می‌شوند: (۱) تعلیم برای بلوغ، و (۲) تجهیز برای شرکت در خدمت. اینها نتایج خدمت کلیسا برای کلام خدا می‌باشند.

همگان تصدیق می‌کنند که برای کمک به رشد کودک به سمت بلوغ، تعلیم و تربیت عاملی حیاتی است. باید به کودک تعلیم داده شود که مثلاً خود لباس به تن کرده، غذا بخورد، بخواند و به طرزی شایسته با دیگران ارتباط برقرار کند و هیجانانش را کنترل کند. والدین و معلمین با یکدیگر همکاری می‌کنند تا به کودک کمک شود که این تغییرات در او پدید آیند. به همان ترتیب، کلیسا نیز فرصت‌هایی برای خدمت عرضه می‌کند که برای تغذیه روحانی و رشد به سمت بلوغ طرح‌ریزی شده‌اند.

از نقطه نظر کتاب مقدس، هدف نهایی رشد روحانی، مسیح‌گونی است. هنگامی که از لحاظ روحانی رشد می‌کنیم، تدریجاً به سمت بلوغ روحانی گام برمی‌داریم. یکی از مقیاس‌های سنجش بلوغ روحانی در خدمت مسیحی است. اشتیاق ما برای مسیح‌گونه بودن ما را به سمت خدمت آنگونه که او خدمت کرد و شرکت در رشد روحانی دیگران هدایت می‌کند. جلوه دیگر بلوغ مسیحی، رشد بصیرت روحانی عمیق، حس تشخیص، و خصائل مسیحی می‌باشد.

در اینجا، آنچه را که در درس ۲ در بخش «شش سطح نیاز» مطالعه کردید، مرور نمایید. پیشرفت از مرحله طفولیت روحانی به بلوغ روحانی را به دقت مورد ملاحظه قرار دهید. همچنین توجه داشته باشید که رشد روحانی مستلزم متعهد شدن به خدمت مسیحی می‌باشد. زندگی مسیحی چیزی بیش از شنیدن است، یعنی شامل انجام دادن نیز می‌شود (یعقوب ۱: ۲۲). افسسیان ۴: ۱۱-۱۶ مشخص می‌کند که تمامی افراد قوم خدا باید خدمت مسیحی را انجام دهند. این آیه‌ها همچنین می‌آموزند که رهبران کلیسا باید قوم خدا را مجهز کنند که خدمت خود را برای او انجام دهند. به علاوه، آیه ۱۶ اشاره می‌کند که یک مسیحی بلوغ خود را در مسیح از طریق اشغال مناسب جایگاه خود در بدن مسیح، قوت گرفتن از بدن و به کار بردن قابلیت‌ها و عطایایش برای بهزیستی و رشد دیگران، به اثبات می‌رساند. این امر هنگامی متحقق می‌شود که کلیسا از طریق اعضا و رهبران، زندگی روحانی اعضای خود را پرورش داده، آنان را برای خدمت مسیحی مؤثر مجهز می‌گرداند. کلیسا از وراء خدمت پرورشی‌اش، اعضای خود را متوجه مسئولیت‌های‌شان نموده، آنان را تشویق می‌کند

که از مهارت‌ها و استعدادهای خود برای جلال خدا استفاده کنند و فرصت‌هایی را برای خدمت فراهم می‌کند.

۱- دور حرف مقابل هر عبارت صحیح دایره‌ای بکشید.

- (a) کلیسای محلی، جلوه‌ای است از بدن جهانی مسیح در مکانی خاص.
- (b) بدن جهانی مسیح مشتمل است بر مسیحیان بالغ و با انجمن محلی ایماندارانی که اعضای آن اساساً نابالغ هستند تفاوت دارد.
- (c) اینکه یک مسیحی با یک کلیسای محلی متحد شود یا نه، بر عهده خود اوست و بستگی به انتخابش دارد، زیرا که کتاب مقدس در این زمینه چیزی به ما نمی‌گوید.
- (d) از آنجا که هر مسیحی جزئی از کلیسای جهانی است، باید به بدن محلی ایمانداران بپیوندد.
- (e) خدمت کلیسای محلی در وهله اول به سمت تبشیر هدایت شده است و دغدغه اندکی نسبت به کمک به رشد ایمانداران به سمت بلوغ روحانی دارد.
- (f) مسیحیان در حال رشد می‌توانند انتظار داشته باشند که کمک مورد نیاز برای رشد روحانی را در خدمت کلیسای محلی بیابند.
- (g) کلیسای محلی مکانی است که در آن مسیحیان در حال بلوغ می‌توانند مطالبی در مورد مسئولیت‌های‌شان آموخته، برای انجام خدمت مسیحی مجهز شوند.
- (h) رشد به سمت بلوغ روحانی ندرتاً خود را به طرق قابل مشاهده متجلی می‌سازد.
- (i) هدف غایی رشد روحانی، مسیح‌گونگی است که در آن ایماندار برای شرکت در خدمت مسیح مجهز می‌شود.
- (j) هنگامی که یک کلیسای محلی خدمات خدادادی‌اش را پیاده می‌کند، ایمانداران منفرد به سمت رشد روحانی پرورش یافته، برای خدمت مسیحی مؤثر مجهز می‌شوند.

تدارک ساختارهای خدمت

کلیساهای محلی برای کمک به خدمات تبشیری و بیرونی‌شان، برنامه‌های خدمتی را طرح‌ریزی می‌کنند. این برنامه‌ها بر پایه اصول خدمت مسیحی قرار دارند، نظیر همان‌هایی که در این دوره درسی آموختید. برنامه‌هایی که کلیساهای محلی تدارک می‌بینند، تلاشی است برای پیاده کردن باورهای مسیحی، طوری که اهداف‌شان را برای خدمت متحقق سازد.

کلیساهای محلی در تلاش برای طرح‌ریزی برنامه‌های خدمتی هدفمند، می‌کوشند نیازهای رشد روحانی تمامی اشخاص را بدون در نظر گرفتن مرحله رشد روحانی یا گروه سنی‌شان، برآورده سازند. کلیساهای محلی در فراهم آوردن فرصت‌هایی برای خدمت، ایمانداران در حال بلوغ را قادر می‌سازند تا آنچه را که فرا گرفته‌اند، برای کمک به دیگران پیاده کنند. این روش خدمت، به نوایمانان کمک می‌کند، و کاربرد استعدادها و مهارت‌های ایمانداران رو به رشد و نیز رشد به سوی مسیح‌گونگی و بلوغ مسیحی را امکان‌پذیر می‌سازد. کلیساهای محلی، به دلیل نیازهای متنوع نوایمانان و مسیحیان بالغ، در صدد هستند برنامه‌هایی را عرضه کنند که متعادل، درجه‌بندی شده و سازمان یافته باشند.

خدمت تغذیه روحانی کلیسای محلی هنگامی متعادل است که طیف کاملی از امکانات مورد نیاز برای کمک به افراد به رشد روحانی در تمام زمینه‌های زندگی‌شان عرضه کند. کلیسای عهدجدید، خدمت‌هایی نظیر بشارت، تعلیم، مشارکت، پرستش و دعا را مورد تأکید قرار می‌دهد (اعمال ۴۱:۲-۴۲). تمام این فعالیت‌ها برای رشد کامل روحانی اساسی هستند. بدین‌سان، کلیساهای محلی باید برنامه‌های خدمتی خود را مورد ملاحظه قرار دهند تا مطمئن شوند که فرصت‌های متعادلی را در هر یک از این پنج حوزه عرضه کرده‌اند. یک کلیسای محلی باید فعالیت‌هایی را طرح‌ریزی کند که به هر یک از این حوزه‌های خدمت مربوط شود. همچنین باید

برنامه تعادل یافته‌ای را عرضه کند که به همه افراد در جماعت امکان دهد که از این خدمات بهره ببرند.

۲- در دفتر یادداشت‌تان جدولی مشابه نمونه زیر تهیه کنید. در سمت چپ پایین صفحه، فهرست تمام برنامه‌های خدمت را که کلیسای محلی‌تان تقبل می‌کند بنویسید. سپس ستونی را که به بهترین وجه، تأکید خدماتی عمده هر برنامه را نشان می‌دهد، کنترل کنید. وقتی که این کار تکمیل شد، آن را تحلیل کنید تا ببینید که آیا در هر یک از این حوزه‌های خدمت مورد نیاز تعادلی وجود دارد یا نه. شاید بخواهید که چهار عدد از این جدول‌ها را تهیه کنید: یکی برای سطح سنی طفولیت اولیه، یکی برای طفولیت میانی، یکی برای سطح نوجوانی و دیگری برای بزرگسالان. این کار به شما کمک خواهد کرد تا ببینید که آیا یک برنامه خدمت متعادل برای هر سطح سنی در کلیسای شما عرضه شده است یا نه. (تذکر: در حالی که ایده‌آل این است که هر کلیسایی برای اعتلای رشد روحانی، تمام ساختارهای مورد نیاز را داشته باشد، اکثراً کلیساها برای شروع برنامه‌های درجه‌بندی شده به‌طور کامل فاقد پرسنل می‌باشند. در واقع کلیساهای کوچکتر می‌توانند به‌خاطر مشکل پرسنل، برنامه‌ها را تلفیق کنند. در هر حال، ما باید همواره در برخوردمان با رهبران کلیسا در مورد روش عمل‌شان، مدبرانه رفتار کنیم، چه در غیر این صورت ایشان احساس خواهند کرد که از تلاش‌های‌شان انتقاد می‌کنیم. شاید به موقع خود، بتوانیم این پیشنهادات را در خدمات خاص خودمان به اجرا در آوریم. در این راستا، اجازه ندهیم که غیرت ما برای دانش و برنامه‌های پرورشی مؤثر، ما را نسبت به نیاز به محبت در رابطه‌مان با دیگر کارکنان مسیحی کور سازد.

برنامه‌های خدمت	بشارت	تعلیم	مشارکت	پرستش	دعا

از آنجا که جماعات مسیحی، متشکل از طیف وسیعی از افراد، از کودکان خردسال گرفته یا سالخوردگان می‌باشند، یک برنامه متعادل باید شامل خدمتی باشد که به همه این پنج حوزه برای تمامی سنین مربوط شود. این امر ما را به نیاز به یک برنامه درجه‌بندی شده می‌رساند. اینکه تعلیم باید درجه‌بندی شده باشد، واقعیتی است که به خوبی پذیرفته شده است. به عنوان مثال، شاگرد مدرسه‌ها به خاطر سن و تفاوت‌های یادگیری‌شان باید درجه‌بندی شوند. دانشجویان کالج باید بر پایه تجربه یادگیری قبلی و کارهای انجام شده درجه‌بندی شوند. کلیساها که بر مبنای همان اصل عمل می‌کنند، امکانات یادگیری متفاوتی برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان عرضه می‌دارند. همچنین برخی از کلیساها ضروری می‌دانند که یادگیرندگان خود را به طرق دیگری گروه‌بندی نمایند تا سطوح مختلف تحصیلات رسمی، علائق، و مراحل رشد روحانی را تنظیم نمایند. بدیهی است که نیازهای دو مرد جوان، که یکی فارغ‌التحصیل کالج از یک شهر بزرگ بوده و دیگری کشاورزی است با تحصیلات رسمی اندک و تجربیاتی محدود به دهکده خود، بسیار متفاوت خواهد بود. این تفاوت‌ها بر تجربه یادگیری ایشان اثر خواهد گذاشت. به همان ترتیب، دو بزرگسال همسن ممکن است موقعیت‌های خانوادگی بسیار متفاوتی داشته باشند. اگر یکی از ایشان ازدواج کرده، فرزندی نوجوان داشته باشد، درگیر روابط والدین-نوجوانان خواهد بود. حال آنکه فرد دیگری در همان سن، ممکن است در حال بزرگ کردن فرزندان خردسالی باشد. یک کلیسا برای پاسخ به نیازهای تمامی اعضایش، باید فرصت‌های یادگیری را بر پایه‌ای درجه‌بندی شده سازمان دهد. بنابراین، منظور از برنامه درجه‌بندی شده، تهیه برنامه‌ای است متشکل از امکانات تعلیم و تربیتی برای گروه‌های یادگیرنده‌ای که دارای ویژگی‌های مشابهی هستند که بر یادگیری‌شان اثر خواهد گذاشت. ثابت شده که برنامه‌های درجه‌بندی شده باعث یادگیری مؤثرتر بوده است. بنابراین یک کلیسا برای کمک به یادگیری و رشد اعضایش به سمت بلوغ روحانی، باید برنامه‌های درجه‌بندی شده‌ای را تهیه کند.

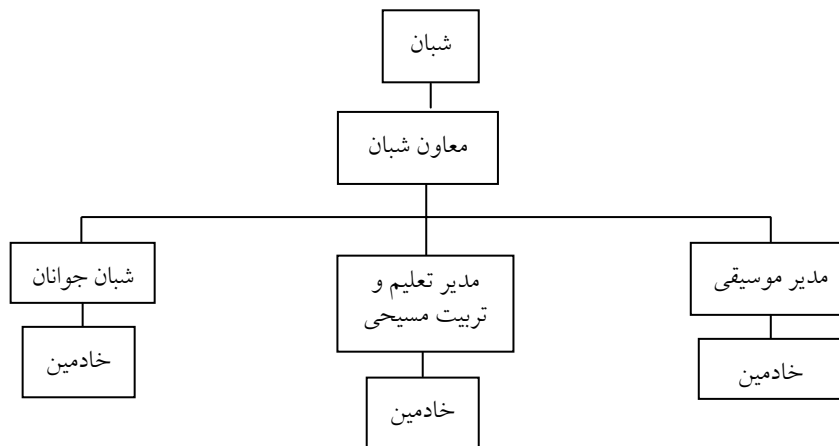
۳- برنامه تعلیم و تربیتی کلیسای محلی را که در آن حضور می‌یابید مورد ملاحظه قرار دهید. به چگونگی درجه‌بندی آن توجه نمایید و آن را به اندازه کافی مورد مشاهده قرار دهید تا ببینید که آیا ساختار درجه‌بندی شده مراعات شده است یا نه و پایه درجه‌بندی بر چه مبنایی بوده است. آیا نیازهایی وجود دارد که به آنها پاسخ داده نشده است، نیازهایی که با یک سیستم درجه‌بندی بهتری قابل حل می‌بود؟ چه چیزی به نظرتان سودمند می‌آید؟ در چه زمینه‌هایی توصیه می‌کنید که تغییری باید صورت پذیرد؟ مشاهدات و پاسخ‌های خود را در دفتر یادداشت‌تان نوشته، اموری را که در تذکرات سؤال ۲ به آن اشاره کرده‌ایم به‌خاطر بسپارید.

۴- فرض کنید در یک صبح یکشنبه، به بازدید از کلیسایی در شهر دیگری رفته‌اید. هنگامی که وارد محل تجمع می‌شوید، مشاهده می‌کنید که جلسه مطالعه کتاب مقدس شامل تمام افراد کلیسا است، یعنی کودکان، جوانان و بزرگسالان. می‌بینید که یک رهبر مقابل جمعیت ایستاده و مشغول تدریس است. طی جلسه متوجه می‌شوید که والدین بچه‌های خود را ساکت می‌کنند، نوجوانان گاه و بی‌گاه به پیچ می‌پردازند و برخی از بزرگسالان نیز با بی‌علاقگی تماشا می‌کنند. معلم گاهی سخنرانی خود را متوقف می‌سازد تا سؤالاتی را طرح کند. برخی از بزرگسالان نیز وارد بحث مربوط به این سؤالات می‌شوند. در دفتر یادداشت‌تان توضیح دهید که پیشنهاد شما کدام یک از این موارد است: (۱) تعداد بیشتری از افراد شرکت کنند، (۲) ایجاد علاقه نماید، (۳) مشکلات انضباطی را حل کند و (۴) برای افراد این کلیسا موقعیت‌های یادگیری سالمی را ترغیب کند.

برنامه‌ای که دارای فعالیت‌ها و جنبه‌های مختلف می‌باشد، نیاز به سازماندهی دارد. تحقیقات نشان می‌دهند که وظایف متعدد هنگامی می‌توانند به بهترین وجه متحقق شوند که به‌طور انتظام یافته‌ای به تعداد محدودتری از وظایف تقسیم شوند. این ماهیت یک سازمان می‌باشد. سازماندهی هنگامی کارآیی را بالا می‌برد که وظایف مشابه را یکجا گروه‌بندی کرده، و وظیفه را تحت نظارت فردی قرار دهد که بتواند یک جنبه از کل کار را به‌طور تخصصی بر عهده گیرد. یک سیستم سازمانی

چارچوبی را فراهم می‌آورد که فعالیت‌ها در آن انجام گیرند. این کار، بخش‌های متنوع یک برنامه را به یک کل متحد مربوط ساخته و هماهنگی بخش‌های گوناگون را مهیا می‌سازد. همچنین یک برنامه سازمانی، ارتباط میان گروه‌های متفاوت و رهبران‌شان را فراهم کرده، روابط میان بخش‌ها را تعریف می‌کند. به‌علاوه، محدوده مسئولیت‌ها و اختیار و مسئولیت را تعیین می‌نماید.

کلیساهایی که فعالیت‌های متعددی در زمینه تغذیه و پرورش روحانی دارند، باید اقدامات خود را سازماندهی کنند تا مطمئن شوند که در جهت نیل به هدف خود حرکت می‌کنند؛ برنامه‌های‌شان باید اهداف مورد نظر را متحقق سازد. همچنین سازماندهی به ایشان کمک می‌کند تا از دوباره‌کاری در حوزه‌های مهم اجتناب کنند. الگوهای سازمانی عموماً به‌صورت نمودار نمایانده می‌شوند که به‌طور بصری نشان می‌دهند که ارتباطات چگونه هم به‌طور عمودی و هم به‌طور افقی جریان می‌یابد. همچنین نمودارها به‌شکلی بصری نشان می‌دهند که یک وظیفه معین چگونه به کل برنامه مربوط می‌شود و ناظران و معاونین چه کسانی هستند. در یک نمودار بالاترین سطوح اختیار و مسئولیت در بالای آن نشان داده می‌شود و سایر فعالیت‌ها به ترتیب اهمیت در سطوح پایین‌تر می‌آید. در اینجا نمونه‌ای از یک نمودار سازمانی برای یک کلیسا آمده است:



در نمودارهای سازمانی وظایف مشابه در یکجا گردآوری می‌شوند. در برنامه‌های پرورشی کلیسا، تشکیلات عموماً یا بر حسب تشابه خدمت یا بر حسب سطح سنی سازماندهی می‌شوند. در نمونه اول یعنی تشابه خدمت، یک نفر بر تمام امور مربوط به آن خدمت خاص (مثلاً کانون شادی، یا آموزشگاه کتاب مقدس، یا اردوی سالیانه) نظارت می‌کند. در سازماندهی بر حسب سن، تمام خدمت‌های روحانی به‌طور دسته‌جمعی برای یک سطح سنی ویژه گروه‌بندی می‌شوند. هر یک از این سطوح سنی تحت رهبری شخصی است که بر امر خدمت به آن گروه سنی نظارت دارد. هر دو این سیستم‌ها از سوی کلیساهای محلی به کار می‌روند.

۵- ساختار سازمانی کلیسای محلی خود را مورد ملاحظه قرار دهید. ممکن است لازم باشد که در این مورد با شبان، یکی از رهبران یا مدیران صحبت کنید. اگر کلیسا قبلاً برای برنامه‌های پرورشی‌اش یک نمودار سازمانی را تهیه کرده باشد، این نمودار را به دقت مطالعه کنید. اگر چنین نموداری تهیه نشده باشد، در دفتر یادداشت‌تان یکی از این نمودارها را که برای این کلیسای خاص مناسب است، تهیه نمایید.

۶- بر طبق این مبحث، کلیساهای محلی برنامه‌های خدمت را تدارک می‌بینند تا کدام مورد زیر را ترغیب نمایند؟

- (a) جایگاه و اعتبار خود را در کلیساهای مربوطه ترغیب نمایند.
- (b) خدمات بشارتی و پرورشی خود را ترغیب نمایند.
- (c) رشد پرسنل خود و افزایش حضور ایشان را ترغیب نمایند.

۷- بر طبق بحثی که داشتیم، خدمت پرورشی یک کلیسای محلی هنگامی متعادل است که:

- (a) به نیازهای عاطفی، فکری و ارادی افراد پاسخ دهد.
- (b) اکثریت افراد شرکت‌کننده را راضی نگاه دارد.
- (c) فرصت‌های ضروری برای کمک به رشد روحانی مردم در همه زمینه‌های زندگی‌شان را فراهم آورد.

۸- برنامه‌های درجه‌بندی شده به کدام دلایل ترتیب داده می‌شوند؟

(a) نیاز به تقسیم تعداد افراد به‌طور درهم و برهم در کلاس‌های مساوی تا معلمین بتوانند یادگیرندگان را بهتر اداره کنند.

(b) گروه‌های یادگیرندگانی که دارای ویژگی‌های یادگیری مشابهی هستند، به‌طرزی مؤثرتر می‌آموزند تا گروه‌هایی که دارای ویژگی‌های یادگیری متفاوتی می‌باشند.

(c) لازم است که همه افراد را به‌طور دقیق بر حسب سن، جایگاه اجتماعی، تعلیم و تربیت، جنسیت و درجه بلوغ روحانی گروه‌بندی نمود.

۹- سازمان‌ها به‌واسطه گروه‌بندی دسته‌جمعی وظایف مشابه ساختار پیدا می‌کنند. در برنامه‌های پرورشی کلیسا، سازمان‌ها عموماً بر حسب کدام مورد زیر ساختار می‌یابند؟

(a) تشابه خدمت یا سطح سنی

(b) قابلیت‌ها یا علایق

(c) ویژگی‌ها یا استعدادهای رشد روحانی

بنابراین، یک جماعت محلی خدمات پرورشی کلیسا را بر پایه‌ای وسیع امکان‌پذیر می‌سازد. کلیسای محلی از طریق ساختارهای سازمانی‌اش، می‌تواند به نیازهای رشد عمومی تعداد زیادی از ایمانداران به‌صورت مؤثر و هدفمند خدمت نماید. در مقابل، گروه مشارکت کوچک می‌تواند به‌گونه‌ای شخصی و غیررسمی، نیازهای افرادی را تأمین کند که سن، علایق، شغل، یا تحصیلات مشابهی دارند. هر خدمتی مکمل خدمت دیگر است.

تربیت خادم

تربیت خادم و رهبر جزو حیاتی خدمت تغذیه و پرورش روحانی در کلیسای محلی می‌باشد. پیش از این دریافتید که هر مسیحی باید فعالانه در خدمت مسیحی شرکت جوید. اما به‌راستی که جای تأسف است که در طول تاریخ کلیسا، تمایزی مصنوعی میان خادمین استخدامی و غیراستخدامی قائل شده است. این تصور غلط که فقط رهبران استخدامی خادم هستند عمومیت دارد، لیکن این فکر با عهدجدید بیگانه است. بر طبق کتاب مقدس، هر ایماننداری مسئول خدمت به مسیح است.

خدا برخی از رهبران را در کلیسا مقرر کرده، به ایشان مسئولیت مخصوص تربیت و تجهیز بقیه بدن را برای خدمت داده است. این تعلیم روشن افسسیان ۴:۱۱-۱۲ می‌باشد. مقدسین یعنی تمام قوم خدا، باید کار خدمت را انجام دهند، در حالی که رسولان، انبیا، مبشرین و شبانان معلم باید مقدسین را برای خدمت آماده کنند (تعلیم دهند یا مجهز نمایند).

احتمالاً اولین باری که با این اندیشه آشنا شدید، دچار احساس ترس یا بی‌کفایتی شدید. بسیاری از مسیحیان چنین احساساتی را تجربه می‌کنند. آنچه را که تجربه کردید نوعی هشجاری بود نسبت به نیازتان به تعلیم. شما خود را برای چنین وظیفه‌ای ناقابل و نامجهز احساس کردید. به همین دلیل است که خدا رهبرانی را برای کمک به شما تعیین کرده است. هنگامی که تعلیمات رهبران بالغ‌تر کلیسا را دریافت می‌دارید، این میل در شما رشد می‌کند که به مسیح خدمت کنید و دیگران را نزد او هدایت کنید تا به شباهت مسیح در آیند و بالغ شوند.

خدا تجهیز اولیه هر مسیحی برای خدمت را مورد توجه خود قرار داده است. او به وسیله روح القدس، هر عضو کلیسا را به گونه‌ای اساسی برای کار خدمت مجهز می‌کند. حضور روح القدس در کلیسا و در زندگی ایماندار، باعث تقویت زندگی روحانی فرد و خدمت او می‌گردد. به علاوه، خدا به هر ایماننداری نوعی عطیه (یا عطایایی) داده است تا او را برای خدمت در بدن مسیح مجهز نماید. چهار متن در

عهد جدید مشخص می‌کند که هر مسیحی چنین قابلیت‌هایی را برای خدمت دریافت کرده است: رومیان ۱۲:۳-۸؛ اول قرنتیان ۱۲:۱-۱۱؛ افسسیان ۴:۱۱-۱۶؛ اول پطرس ۴:۱۰-۱۱. گرچه تمامی اعضا عطیه یا عطایایی را دریافت می‌دارند، اما همه عطایای یکسانی نصیب‌شان نمی‌شود. تنوعی از عطایا در بین اعضا بدن توزیع شده است. هر عطیه، عطیه دیگری را تکمیل می‌کند. هنگامی که همه آنها در عمل به کار بروند، بدن کامل می‌شود.

بخش عمده مسئولیت کلیسا در تربیت اعضایش برای خدمت، این است که به افراد در کشف عطایای‌شان کمک کند. اگر یک مسیحی نسبت به عطیه‌اش آگاهی نداشته باشد، چگونه می‌توان به او کمک کرد تا کشف کند که خدا چه کاری از او انتظار دارد؟ یک نقطه شروع خوب، میل به کار برای خداوند است، یعنی اینکه شخص مجذوب نوعی از خدمت شود و احساس کند که به طرف آن کشیده می‌شود. گاهی اوقات این امر هنگامی شروع می‌شود که با دیدن خدمت خاص یکی از خادمین، خود را به جای او می‌انگارد یا از تصور انجام همان خدمت، احساس شکوفایی می‌کند. به محض اینکه شخص احساس کشیده شدن به سوی جنبه‌ای خاص از خدمت مسیحی را می‌نماید، باید به دنبال فرصت‌هایی بگردد تا در آن شرکت کند. او باید به هنگام انجام این خدمت، اگر واقعاً عطیه خدا به او باشد، احساس شکوفایی و رضایت به او دست دهد. در این فرایند، مسیحیان باید همچنین کشف کنند که خدا ایشان را برای چه وظایفی دعوت نکرده است. این امر کشف سالم و درستی است. شاید یکی از بهترین نشانه‌های عطیه خدمت یک ایماندار، تصدیق و تأیید آن توسط ایمانداران بالغ‌تر باشد. ایشان با مشاهده نحوه کاربرد آن عطیه و واکنش روحانی مردم نسبت به آن، اغلب می‌توانند تشخیص دهند که آیا این آغاز یک خدمت مسح شده توسط روح القدس هست یا نه. روح درون آنها بر راستین بودن عطیه شهادت می‌دهد. آنگاه ایشان می‌توانند فرد را به ادامه شکوفاسازی عطیه تشویق کنند، درست همانطور که پولس تیموتاؤس را تشویق نمود (دوم تیموتاؤس

۶:۱). بنابراین، بخش عمده تربیت مسیحی برای خدمت، کمک به ایشان برای کشف عطیه‌ای است که خدا بدیشان داده است.

کافی نیست که شخص عطیه خود را کشف کند. عطایا در آغاز به صورت غنچه ظاهر می‌شوند. آنها را باید از طریق تمرین و کاربرد شکوفا ساخت. حتی با استعدادترین نوازندگان موسیقی نیز ضروری می‌دانند که برای شکوفایی و رشد استعدادهای بالقوه‌شان ساعت‌های سخت و طولانی را به تمرین بپردازند. به همین دلیل است که کلیسا در خدمت تربیت و پرورش مسئولیت دارد. رهبران کلیسا مقدار زیادی از وقت و انرژی خود را در کار تربیت اعضای کلیسا برای خدمت روحانی صرف می‌کنند. کلیسا با کمک به افراد از طریق رهبرانش در جهت رشد عطایایی که خدا به ایشان داده است، مسیحیان را برای خدمت تربیت می‌کند. همچنین فرصت‌هایی را برای کاربرد دروس فراگرفته‌شده مهیا می‌سازد.

۱۰- دور حرف مقابل هر عبارتی که یک اصل کتاب مقدسی تعلیمی برای خدمت مسیحی را بیان می‌دارد، دایره‌ای بکشید.

(a) تنها رهبرانی که باید از سوی کلیسا برای خدمت جدا شوند عبارتند از رسولان، انبیا، مبشرین و شبانان- معلم.

(b) هر ایماننداری مسئول انجام خدمت مسیحی می‌باشد.

(c) خدا برخی رهبران را در کلیسا مقرر کرده است تا اعضای بدن را برای خدمت تربیت و تجهیز نمایند.

(d) تفاوت میان رهبران روحانی و دیگر اعضای بدن به ما اجازه می‌دهد که تشخیص دهیم چه کسی در برنامه خدا مهم‌ترین است.

(e) خدا توجه زیادی نسبت به مجهز کردن هر مسیحی برای زندگی و خدمت مؤثر نشان داده است؛ این امر میل او را برای خدمت مسیحی پرثمر ثابت می‌کند.

(f) هنگامی که هر عضوی، عطیه روحانی خود را اعمال می‌کند، بدن مسیح بنا می‌شود، زیرا که عطایا یکدیگر را کامل گردانده، به کل نیازهای بدن مسیح خدمت می‌کنند.

g) شخص باید عطیه‌اش را در تنهایی رشد دهد. و فقط هنگامی باید از آن به‌طور علنی استفاده کند که بتواند آن را به‌طور کامل به‌کار برد.

h) رهبران روحانی، از طریق ادای سخنان تشویق‌آمیز، می‌توانند به افراد کمک کنند تا عطایای خود را به‌کار برند.

کارکنان لازم برای خدمت تغذیه و پرورش روحانی

برای اینکه یک کلیسای محلی در خدمت پرورشی خود موفق شود، باید رهبری آن متشکل از افرادی باکفایت و وقف‌شده باشد. هر گروهی که در این برنامه دخیل است، نیاز به یک رهبر وقف‌شده دارد. بنابراین، هر کلیسای محلی نیازمند افرادی است که برای برنامه‌های پرورشی آن قبول مسئولیت کنند. در کتاب مقدس، از دو دسته خاص از رهبران کلیسا نام برده شده که در کار تغذیه و پرورش روحانی خدمت می‌کنند: (۱) شبانان و (۲) معلمان. بدون اینکه بخواهیم از اهمیت سایر خادمین بکاهیم، فقط نقش‌های این دو گروه را که در کتاب مقدس آمده است، مورد ملاحظه قرار خواهیم داد، چون مربوط به موضوع این درس می‌باشد.

شبانان عطیه خاص خدا برای خدمت به کلیسا می‌باشند. معمولاً ایشان تعلیم خاصی برای این خدمت دیده‌اند. غالباً ایشان تمام یا قسمت اعظم وقت‌شان را به خدمت کلیسایی اختصاص می‌دهند. ایشان مسئول رهبری روحانی تمام جنبه‌های کار کلیسا می‌باشند. این امر، هم شامل مسئولیت‌های کلی و هم مسئولیت‌های خاص برای خدمت پرورشی کلیسا می‌شود.

اگر افسسیان ۴:۱۱-۱۲ را یک بار دیگر با دقت بخوانید، مشاهده خواهید کرد که شبانان و معلمین به‌طرز تنگاتنگی به یکدیگر مربوط می‌شوند. در زبان اصلی عهدجدید (یونانی)، دستور زبان به‌کار رفته در متن چنین اشاره می‌کند که این دو نقش قابل تلفیق در یک شخص می‌باشند. این نقش‌ها معرف دو عملکرد متفاوت اما مربوط به هم می‌باشند که در کلیسا توسط همان افراد متحقق می‌شوند. به دلیل این

رابطه نزدیک، این عبارت گاهی اوقات به صورت شبان- معلم یا شبانان معلم نوشته می شود تا پیوستگی نزدیکشان را نشان دهد.

نقش شبانی به وظیفه مراقبت از گله اشاره می کند. این نقش با نقش چوپانی مقایسه شده است که بر گله و گوسفندان نظارت داشته، از آن مراقبت می کند. کار تعلیم مستلزم تغذیه، تربیت و رشد دادن افرادی است که به ایشان خدمت می شود. کار شبان (چوپان) گله و شبان کلیسا در واقع خیلی دور از هم نمی باشند. چوپان، گوسفندان را به چراگاه هایی می برد که در آن علف نیکو و آب خنک به وفور یافت شود. معلم، کلام خدا را تعلیم می دهد که خوراک روحانی است و مردم را به سوی عیسی راهنمایی می کند که آب زندگانی است. شبان- معلم مسئول نظارت و مراقبت از جماعت مسیحی و تعلیم و تربیت اعضا برای خدمت مؤثر و بلوغ نهایی است. تعلیم بخشی اساسی از خدمت شبانی می باشد.

مسیحیان برای تعلیم به شبان خود نگاه می کنند. ایشان باید مشورت و رهنمودهای او را دریافت داشته، بر آن ارج گذارند. بسیاری از موعظه های او تعلیمی می باشند. از آنجا که او بیشتر وقت خود را برای تعلیم مردم صرف می کند، آنان باید وقتی را که او برای مطالعه صرف می کند، محترم بشمارند و رعایتش کنند. این بخش بسیار مهمی از کار و خدمت اوست.

کار شبان مستلزم نظارت بر تمام خدمات کلیسا است. یکی از حوزه های کلی تحت نظارت او، حوزه برنامه تغذیه و پرورش است. او می تواند نظارت خاص بر بخش های مختلف برنامه را به دیگران تفویض نماید، اما مدیریت کلی تمامی برنامه های خدماتی بر عهده اوست. او باید در این نقش، معلم ارشد در میان سایر معلمین باشد که با او همکاری می کنند. در این مقام، او بر کل برنامه های پرورشی نظارت خواهد داشت و در بسیاری موارد نیز تعلیم خواهد داد.

بر طبق متن افسسیان، شبانان مسئولیت ویژه تعلیم را برای آماده کردن قوم خدا به منظور کارهای خدمت بر عهده دارند. آنان مخصوصاً مسئول مجهز کردن دیگران می باشند طوری که بدن مسیح در معرفت بنا شده، در ایمان وحدت یافته، و در مسیح

به بلوغ برسد. تربیت رهبری و گسترش خدمت بخش مهمی از کل مسئولیت شبان برای خدمت کلیسا می‌باشد. او باید به‌عنوان خادم ارشد در هیأت خادمین ایفای نقش نماید. وظیفه ویژه او تشخیص و رشد دادن استعداد رهبری و تربیت و تجهیز قوم خدا برای خدمت می‌باشد. این وظیفه شامل کمک به افراد است تا کشف کنند که در چه جاهایی می‌توانند عطایای خود را برای جلال خدا و رشد بدن مسیح به‌کار ببرند. در واقع این سنگین‌ترین وظیفه یک شبان است. شکوفایی استعدادهای بالقوه انسان‌ها تحت نظارت خدا، و مجهز کردن افراد برای شرکت در خدمت مسیحی، هم مسئولیتی پر هیبت است و هم فرصتی عظیم. عیسی از بین توده‌های مردمی که او را پیروی می‌کردند، افراد خاصی را برگزید. از بین جمعی کثیر، او دوازده شاگرد را برای تربیت انتخاب کرد. پولس نیز اشخاص مخصوصی را برگزید تا برای خدمت رهبری تربیت‌شان کند. تیموتاؤس نخستین نمونه چنین الگویی است. این وظیفه خاص شبان- معلم می‌باشد.

۱۱- اگر وقت یک شبان بسیار محدود باشد و لازم ببیند که یکی از کارهای زیر را انجام دهد و دیگری را نادیده انگارد، به‌نظر شما، کدام یک را باید انجام دهد؟ این کارها ذیلاً به‌صورت جفت آمده است. در هر جفت، دور حرف مربوط به کاری که فکر می‌کنید باید انجام دهد، دایره‌ای بکشید: او باید:

- (a) برای تبشیر به ناحیه جدیدی برود.
- (b) به گروهی از مردم تعلیم دهد که چگونه بشارت دهند.
- (c) شخصاً به ملاقات بیماران برود.
- (d) کارکنان را برای خدمت ملاقات آماده سازد.
- (e) در کلاسی از معلمینی که برای خدمت آماده می‌شوند، تدریس کند.
- (f) مقاله‌ای در یک روزنامه محلی بنویسد.
- (g) در تأسیس کلیسایی در دهکده مجاور پیشقدم شود.
- (h) تعدادی از خادمین غیراستخدامی را برای بنای کلیساها تربیت کند.
- (i) شخصاً در امر بشارت شرکت کند.

- j) پنج نفر را برای شرکت در تبشیر شخصی تربیت نماید.
- k) برنامه تغذیه و پرورش مسیحی را طوری ترتیب دهد که بسیاری از افراد جدید به طور استوار در ایمان پا بر جا شوند.
- l) به طرزی گسترده بر روی برنامه‌های مربوط به بنای یک کلیسای جدید کار کند.

گرچه شبان، معلم ارشد کلیساست، نباید یگانه معلم کلیسا باشد. جنبه‌های متنوع برنامه پرورشی مستلزم این است که بسیاری از افراد مسئولیت‌های تعلیمی را بر عهده بگیرند؛ خدا با دادن معلمین به کلیسا، به این نیاز پاسخ داده است. کلیساهای محلی باید تمام تلاش خود را بکنند تا کسانی را برای تدریس و تعلیم برگزینند که خدا عطیه معلم بودن را به ایشان داده است. تعلیم خدمت مهمی است که مسئولیت عظیمی را در بر دارد (یعقوب ۱:۳). معلمین باید اهمیت وظیفه خود را تشخیص دهند، زیرا که فرصت گرانبهایی به ایشان داده شده است تا بر سرنوشت ابدی مردم اثر گذارند.

بسیاری از افرادی که در برنامه‌های پرورشی کلیسا تدریس می‌کنند، از تحصیلات رسمی مورد نیاز برای تدریس که معمولاً معلمین مدارس عمومی دارند، برخوردار نمی‌باشند. از طرفی ضروری نیز به نظر نمی‌آید که ایشان چنین تحصیلاتی داشته باشند؛ اما آنان به خصوصیات نیاز دارند که برای انتقال مؤثر حقیقت به دانشجویان‌شان ضروری است. از آنجا که بخش عمده تعلیم در کلیسا کمک به رشد روحانی افراد می‌باشد، معلمین کلیسا باید خود مسیحیانی زنده و در حال رشد باشند که تعالیم کتاب مقدس را می‌دانند. علاوه بر تجربه تولد تازه‌شان، باید رابطه زنده و رو به رشدی با خداوند داشته، پر از روح القدس باشند. رفتار ایشان باید خاصیت زندگی را که عیسی می‌بخشد منعکس سازد، زیرا که آنان باید نمونه‌های زندگی مسیح باشند.

معلمین وقف شده به حکم کتاب مقدس در مورد رشد کردن در فیض واکنش نشان داده (دوم پطرس ۱:۳) و به بشارت انجیل پاسخ مثبت می‌دهند (دوم

تیموتاؤس ۱۵:۲). ایشان اشتیاق و عطش روزافزونی برای کلام خدا و خدمت مسیحی دارند. این بدین معنی نیست که معلمین کلیسا باید تمام امور مربوط به این حوزه‌ها را بدانند. مسلم است که هیچ کس تمام چیزهای قابل دانستن را نمی‌داند. معنی آن این است که ایشان باید بر برخی تعالیم اساسی کتاب مقدس مسلط باشند. همچنین باید بینشی انتقادی نسبت به تعالیم کلام خدا و کاربردهای آن در زندگی روزمره داشته باشند. به علاوه این معلمین کلیسا باید نوعی درک از طبیعت انسان و ترکیب روانی شاگردانشان داشته باشند. همچنین باید برخی واقعیت‌های اساسی در مورد فرایند تعلیم و یادگیری و چگونگی پیاده کردن دانش‌شان در موقعیت‌های تعلیمی را درک کنند. پولس به تیموتاؤس آموخت که کارکنان مسیحی باید اشخاص امینی باشند که توانایی تعلیم به دیگران را داشته باشند (دوم تیموتاؤس ۲:۲).

شاید شما مایل باشید که در کلیسای محلی‌تان عهده‌دار یک خدمت تعلیم گردید. شاید احساس کنید که خدا به شما عطیه تعلیم را داده است. در این صورت باید در صدد باشید که آن عطیه را هر گاه که فرصت پیش آمد، به کار ببرید. شما می‌توانید با تلاش در فراگیری بیشتر در حوزه‌هایی که در پاراگراف قبلی مورد بحث قرار دادیم، خود را برای خدمت مؤثرتر آماده سازید. ما در این کتاب درسی کوشیده‌ایم بسیاری از چیزهایی را که به دیگران کمک کرده است تا مهارت‌ها و دانش ضروری برای پر بار شدن در خدمت پرورشی را رشد دهند، مطرح سازیم. مطمئن هستم که این پیشنهادات، مادامی که به پرورش استعدادهای خدادادی‌تان ادامه می‌دهید شما را در تلاش‌های‌تان اکنون و به طرز فزاینده در آینده، راهنمایی خواهد کرد.

همین واقعیت که شما این کتاب درسی را به اتمام رسانده‌اید، نشان می‌دهد که بسیاری از مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای این خدمت مقدس و هیجان‌انگیز را کسب کرده‌اید. اکنون شما را تشویق می‌کنیم که آنچه را که فرا گرفته‌اید به کار ببرید. با این کار، شما از لحاظ روحانی رشد کرده، به دیگران کمک خواهید کرد که آنان نیز به سمت مسیح‌گونه‌گی رشد نمایند.

۱۲- در تمرین زیر، خدمات‌های مذکور در ستون چپ را با کارکردهای توصیف شده در ستون سمت راست انطباق دهید.

a.... مسئول رهبری روحانی تمام جنبه‌های کار و خدمت کلیسایی.
b.... مسئول بخشی از خدمت بلوغ که در آن تمام اعضای بدن برای خدمت مجهز می‌شوند.

c.... در صدد رشد دادن استعداد بالقوه انسان‌ها تحت نظارت خدا و مجهز کردن مردم برای شرکت در خدمت.

d.... مسئول اعلام پیام انجیل در تمام دنیا از طریق خدمات بدن مسیح.
e.... خادم ارشد در هیأت خادمین.

(۱) شبانان

(۲) معلمین

(۳) هم شبانان و هم معلمین

(۴) مسیحیان به‌طور کلی

خودآزمایی

درست یا غلط بودن عبارات زیر را در فضای مقابل هر یک مشخص کنید.

- ۱- برای داشتن یک خدمت پرورشی متعادل، یک کلیسا باید از طریق تبشیر، تعلیم، مشارکت، پرستش و دعا به مردم کمک کند تا از لحاظ روحانی در همه حوزه‌های زندگی‌شان رشد کنند.
- ۲- ثابت شده است که برنامه‌های درجه‌بندی شده، مستلزم وجود معلمین بسیار است و این امر برای اکثر کلیساها غیر عملی است.
- ۳- یک برنامه درجه‌بندی شده، برنامه‌ای است که فرصت‌های تعلیم و تربیتی را برای گروه‌های یادگیرنده که دارای ویژگی‌های مشابهی هستند فراهم می‌سازد، ویژگی‌هایی که بر یادگیری‌شان اثر می‌گذارد.
- ۴- نمودارهای سازمانی برای کلیساها یا بر حسب شباهت خدمت تهیه می‌شوند و یا بر حسب سطح سنی.
- ۵- در عهدجدید کلمه «خدمت»، فقط به رهبران استخدامی کلیسا اشاره می‌کند.
- ۶- اگر یک مسیحی نابالغ نتواند بگوید که عطیه‌اش (یا عطایایش) برای کلیسا چیست، باید علایق، بار قلبی، و نوع خدمتی را که از آن احساس شادی و رضایت می‌کند بررسی کند تا نشانه‌ای از عطیه یا عطایایش بیابد.
- ۷- هنگامی که مسیحیان بالغ می‌شوند، نه تنها متوجه عطیه یا عطایای‌شان می‌شوند، بلکه همچنین پی می‌برند که برخی وظایف هست که خدا آنان را برای انجام آنها دعوت نکرده است.
- ۸- اگر شبانی مطمئن شود که معلمین خوبی در هیأت کلیسایی‌اش وجود دارند، دیگر ضرورتی ندارد که او خود یک معلم باشد.

.... ۹- یکی از وظایف شبان این است که استعداد بالقوه رهبری را از طریق کمک به افراد برای کشف جایگاه خدمتی که می‌توانند در آن عطایای روحانی خود را رشد داده، پیاده کنند، تشخیص و رشد دهد.

.... ۱۰- برای یک معلم برنامه‌پرورشی کلیسا، خصوصیت اساسی این است که از تحصیلات رسمی برای تدریس و تعلیم برخوردار باشد.

این آخرین درس از بخش سوم و نیز آخرین درس این کتاب است. بعد از اتمام این خودآزمایی، درس‌های ۸ تا ۱۰ را مرور کرده، به سؤالات آزمون میانی شماره ۳ پاسخ دهید. از رهنمودهای داده شده پیروی کنید.

پاسخ صحیح تمرین‌ها

۷- c) فرصت‌های ضروری برای کمک به رشد روحانی مردم در همه زمینه‌های زندگی‌شان را فراهم آورد.

۱- a) درست

b) غلط

c) غلط

d) درست

e) غلط

f) درست

g) درست

h) غلط

i) درست

j) درست

۸- b) گروه‌های یادگیرندگانی که دارای ویژگی‌های یادگیری مشابهی هستند، به‌طرزی مؤثرتر می‌آموزند تا گروه‌هایی که دارای ویژگی‌های یادگیری متفاوتی می‌باشند.

۲- پاسخ خودتان.

۹- a) تشابه خدمت یا سطح سنی

۳- پاسخ خودتان

۱۰- می‌بایست دور b)، c)، e)، f)، h)، دایره‌ای بکشید.

۴- پاسخ شما می‌تواند با پاسخ ما تفاوت داشته باشد، اما باید شامل اصولی باشد که ما در این دوره درسی مورد بحث قرار دادیم. اولاً، برای شرکت دادن بیشتر افراد، می‌توانیم بدن را به گروه‌های درجه‌بندی شده بر حسب سن، علائق، و نیازهای روحانی تقسیم کنیم. ثانیاً، با رفتن به یک سیستم درجه‌بندی شده، بدون شک کار زیادی برای ایجاد علاقه انجام خواهیم داد، مخصوصاً اگر معلمین تصمیم بگیرند که یادگیرندگان را در فعالیتهای یادگیری شرکت داده، آنها را در فرایند یادگیری‌شان هدایت نمایند. مشکل سوم یعنی انضباط، بدون شک از طریق دسته‌بندی کردن یادگیرندگان در کلاس‌هایی با افراد گروه‌های مشابه خود، تا حد زیادی حل خواهد شد. با دخالت مناسب در موقعیت تعلیم و یادگیری، قسمت اعظم، اگر نگوییم همه ناآرامی و بی‌علاقگی که در گروه منفرد ظاهر می‌شد، از بین می‌رود. سرانجام با شرکت یادگیرنده و کشف هدایت شده، فضای مناسبی برای یادگیری سالم ایجاد می‌شود. در اینجا نیز کاربرد دروس فراگرفته شده را می‌توان مورد تأکید قرار داد.

۱۱- می‌بایست دور (b)، (d)، (e)، (h)، (j)، (k)، دایره‌ای می‌کشیدید.

۵- پاسخ خودتان.

۱۲- (a) ۱) شبانان

(b) ۲) معلمین

(c) ۳) هم شبانان و هم معلمین

(d) ۴) مسیحیان به‌طور کلی

(e) ۱) شبانان

۶- (b) خدمات بشارتی و پرورشی خود را ترغیب نمایند.

پاسخ خودآزمایی‌ها

درس ۱

d-۱

e-۲

b-۳

c-۴

a-۵

d-۶

c-۷

b-۸

d-۹

a-۱۰

c-۱۱

b-۱۲

c-۱۳

a-۱۴

b-۱۵

درس ۲

b-۱

a-۲

c-۳

d-۴

c-۵

a-۶

d-۷

c-۸

b-۹

d-۱۰

درس ۳

d-۱

b-۲

c-۳

a-۴

c-۵

a-۶

b-۷

c-۸

d-۹

b-۱۰

درس ۴

b-۱

d-۲

b-۳

a-۴

c-۵

e-۶

b-۷

c-۸

a-۹

b-۱۰

d-۱۱

a-۱۲

c-۱۳

d-۱۴

d-۱۵

۱۶- a) یادگیری انتقالی

c) تشخیص.

حمید احتمالاً روش مؤثری را برای چنین کلاس بزرگی به کار می‌برد. او با استفاده از وسائل بصری، سخنرانی خود را مؤثرتر می‌سازد و بدین‌سان به امر یادگیری علاقه نشان می‌دهد. یادگیرندگان از دو حس خود در کلاس استفاده می‌کنند؛ اما واکنش مورد انتظار چندان مطلوب نیست، زیرا شاگردان با مطالب ارتباط متقابل برقرار نمی‌کنند. تدریس او مؤثرتر واقع می‌شد اگر از دانشجویان می‌خواست که با درس ارتباط برقرار کنند، و آن را در زندگی روزمره خود به کار برند، و از آنها می‌خواست که مطالب جدید را با دانش قبلی خود ادغام نمایند، و اجازه دهند که این مطالب تغییری در زندگی‌شان ایجاد نماید.

۱۷- b) یادگیری اکتشافی

f) کاربرد.

روش ماندانا امکان کمی را برای انتقاد منفی فراهم می‌سازد. او شاگردان را در فرایند یادگیری دخیل می‌سازد تا ایشان هم با شنیدن و هم با انجام دادن بیاموزند. فراگیری ایشان بیشتر عملی است تا نظری، و هم به دانش قبلی‌شان چیزهایی

می‌افزاید و هم به زندگی روزمره‌شان کمک می‌کند. به‌علاوه، عادت کردن به استفاده از ابزارهای مربوط به مطالعه کتاب مقدس برای دانشجویانی که مایلند بعدها تحصیلات خود را به‌تنهایی ادامه دهند، بسیار مهم است. ماندانا باید مواظب باشد که نحوه عملش را هر از گاهی تغییر دهد تا کسل‌کننده نشود.

(c-۱۸)

(d-۱۹)

(a-۲۰)

درس ۵

۵ (a-۱)

۲ (b)

۶ (c)

۷ (d)

۹ (e)

۱ (f)

۴ (g)

۸ (h)

۳ (i)

۲- غیر جسمانی

۳- سالم

۴- روحانی، زندگی مسیح‌محور، موقتی

۵- خودبه‌خودی (اتوماتیک)، تغذیه

۶- عدم تعادل

۷- شخصیت

۸- وراثت، قابلیت‌ها، هوش

۹- محیط، فرهنگ، ارزش‌ها، رفتار

۱۰- اراده، انتخاب‌ها

درس ۶

d-۱

b-۲

a-۳

d-۴

c-۵

e-۶

c-۷

d-۸

b-۹

c-۱۰

درس ۷

۱- غلط

۲- غلط

۳- درست

۴- درست

۵- درست

۶- غلط

۷- درست

۸- درست

۹- غلط

۱۰- درست

۱۱- درست

۱۲- غلط

۱۳- درست

۱۴- درست

۱۵- غلط

درس ۸

۱- غلط

۲- غلط

۳- درست

۴- درست

۵- درست

۶- درست

۷- غلط

۸- درست

۹- غلط

۱۰- غلط

درس ۹

d-۱

c-۲

a-۳

b-۴

c-۵

b-۶

a-۷

c-۸

a-۹

d-۱۰

درس ۱۰

۱- درست

۲- غلط

۳- درست

۴- درست

۵- غلط

۶- درست

۷- درست

۸- غلط

۹- درست

۱۰- غلط

کمک به رشد مسیحیان

(تعلیم و تربیت مسیحی)

آزمون‌های میانی

دانشجوی گرامی

این آزمون‌های میانی به منظور یادگیری بهتر تمامی جزئیات این کتاب درسی تهیه شده است. هر آزمون مربوط به چند درس می‌باشد. لطفاً پس از مطالعه درس‌های مشخص شده، آزمون مربوط به آنها را بگذرانید.

پاسخ‌های صحیح را در ورقه پاسخنامه علامت بزنید. پس از گذراندن هر سه آزمون میانی، ورقه پاسخنامه را جهت تصحیح برای ما بفرستید.

در صورتی که مایلید این درس را به صورت رسمی امتحان دهید و یک واحد دانشگاهی کسب کنید، لطفاً جهت ثبت نام و انجام تشریفات امتحان با ما تماس حاصل فرمایید.

با آرزوی موفقیت

آزمون میانی شماره ۱

مربوط به درس‌های ۱ تا ۳

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.
- ۱- خدمت تغذیه و تعلیم و تربیت مسیحی در وهله اول زندگی مسیحی را آسان می‌سازد.
 - ۲- ماهیت زندگی روحانی به گونه‌ای است که برای مجرب شدن، باید رشد کرد و به بلوغ رسید.
 - ۳- هدف رشد روحانی ایمانداران، مسیح‌گونه‌گی است.
 - ۴- نقش تغذیه و تعلیم و تربیت مسیحی این است که به انسان‌ها کمک کند تا از اخلاقیات درستی برخوردار گردند.
 - ۵- شاگردسازی، رشد روحانی را از طریق تشویق شاگردان به تقلید از اندیشه‌ها و نظرات معلم‌شان، تغذیه می‌کند.
 - ۶- کلیسا با حمایت، تقویت و تأمین سلامتی هر بخش از بدن، به رشد روحانی ایمانداران کمک می‌کند.
 - ۷- برای کمک به رشد روحانی افراد، استفاده از روش غیررسمی بهتر است از استفاده از روش رسمی.

بخش دوم - سؤالات چندگزینه‌ای

صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب نمایید و علامت بزنید.

۸- زندگی مسیحی که با تولد نوین آغاز می‌شود،.....

- (a) با توجه و تغذیه‌ای اندک یا بدون آن، خودبه‌خود رشد می‌کند.
- (b) به‌گونه‌ای نامنظم رشد می‌کند و مستلزم زمان و صبر بسیار است.
- (c) باید رشد کند و به بلوغ برسد.

۹- رشد روحانی در زندگی فرد به چه دلیل ضروری است؟

- (a) تا اطاعت کامل خود را از خدا نشان دهد.
- (b) تا قابلیت ثمردهی خود را در مسیر مسیح‌گونه‌گی افزایش دهد.
- (c) تا از یکنواختی و بی‌علاقه بودن نسبت به امور روحانی اجتناب شود.
- (d) تا احساس شکوفایی و ترقی به شخص دست دهد.

۱۰- هر یک از جملات زیر بیانگر سطحی از روحانیت و خصوصیات آن

می‌باشد، به‌جز یک جمله. آن جمله کدام است؟

- (a) کمال روحانی در کسی دیده می‌شود که زندگی‌اش بی‌عیب است.
- (b) مشخصه بلوغ روحانی، تشخیص نیک و بد است.
- (c) نشانه مرگ روحانی، ناتوانی در دریافت حقیقت است.
- (d) دنیادوستی نشانه طفولیت روحانی طولانی است.

۱۱- رشد روحانی مربوط می‌شود به.....

- (a) آگاهی شخص از مسئولیت روحانی‌اش.
- (b) قابلیت کشف اراده خدا برای سایرین.
- (c) امکانات شخص و محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی او.
- (d) واکنش شخص به کلام خدا، روابط او و کاربرد دانشش در زندگی.

۱۲- هدف نهایی رشد روحانی چیست؟

- (a) تبدیل ایمانداران به مقدسین بی‌عیب.
 - (b) به‌کار بردن دانش در زندگی برای اثبات سرسپردگی به مسیح.
 - (c) شکل‌گیری تدریجی مسیح‌گونه‌گی در هر ایماندار.
- ۱۳- نقش تغذیه روحانی و تعلیم و تربیت مسیحی در ایجاد افراد کامل این است که.....

- (a) به ایمانداران الهام بخشد تا برای رشد بیشتر تلاش کنند.
 - (b) ایشان را برانگیزد که کارهای نیک انجام دهند تا ایمان‌شان را به ثبوت برسانند.
 - (c) امکانات بالقوه هر فرد را برای جلال خدا تقویت کند.
 - (d) به افراد کمک کند تا نظر مثبتی در خصوص ارزش‌های روحانی داشته باشند.
- ۱۴- پیشرفت در زندگی جدید در مسیح به‌سمت بلوغ مستلزم.....
- (a) پیشرفت سریع در آغاز، و پیشرفت کندتر در مراحل بعدی است.
 - (b) مراحل مختلف رشد و سطوح گوناگون بلوغ می‌باشد.
 - (c) تغییر تدریجی از دنیادوستی به‌سوی کمال و بی‌گناهی است.
 - (d) مدت زمان ثابتی در هر مرحله از بلوغ روحانی است.
- ۱۵- در تغذیه روحانی و تعلیم و تربیت مسیحی، هدف، ترغیب رشد روحانی است،.....

- (a) از طریق تشویق ایمانداران به اجرای حکم مأموریت بزرگ.
- (b) که در زندگی ایماندارانی متجلی می‌شود که به کمال رسیده‌اند.
- (c) در تمام تجربیات زندگی به‌سمت بلوغی که در مسیح‌گونه‌گی متجلی می‌شود.
- (d) در ایمانداران تا اینکه بتوانند روی پای خود بایستند.

۱۶- مفهوم شاگردسازی در کتاب مقدس به چه نحو به تغذیه روحانی برای رشد مربوط می‌شود؟

(a) به طور مستقیم، زیرا زندگی روحانی زمانی تغذیه می‌یابد که شاگردان شبیه معلم‌شان گردند.

(b) به طور غیرمستقیم، زیرا یکی مربوط می‌شود به ابتدای زندگی روحانی، و دیگری به رشد روحانی در مراحل بعدی.

(c) فقط از این طریق که هر دو به زندگی روحانی مربوط می‌شوند.

۱۷- هدف شاگردسازی این است که به افراد کمک کند که رشد روحانی داشته باشند تا.....

(a) به مسیح‌گونی برسند.

(b) کفایت اجتماعی برسند.

(c) بلوغ عاطفی برسند.

(d) کمال فکری برسند.

۱۸- کلیسا و عطایای خدمت، از چه طریق رشد روحانی را تغذیه می‌کنند؟

(a) تشویق ایمانداران به روحانی بودن.

(b) فراهم ساختن راهی برای تجلی عطایا و استعدادهای هر ایماندار.

(c) تأمین امنیت برای هر فرد که در آن بتواند رشد کند.

(d) به هر بخش از بدن، حمایت و قوت و سلامت لازم را بدهد.

۱۹- وجه مشخصه روش‌های غیررسمی در تغذیه و پرورش روحانی چیست؟

(a) استفاده از روش‌های سنتی آموزش.

(b) مشارکت‌ها و رفاقت‌های شخصی.

(c) ساختار انعطاف‌ناپذیر موقعیت کلاسی.

آزمون میانی شماره ۲

مربوط به درس‌های ۴ تا ۷

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.
- ۱- آن نوع آموزش و فراگیری که دانش و نگرش و رفتار یادگیرنده را تغییر می‌دهد، مستلزم این نیست که یادگیرنده با درس رابطه متقابل داشته باشد یا آن را در موقعیت‌های واقعی زندگی به کار ببرد.
 - ۲- درس‌هایی که واکنش یادگیرنده را ایجاد می‌کند، بیشتر به یاد می‌ماند تا درس‌هایی که چنین ارتباط متقابلی را طلب نمی‌کند.
 - ۳- شخصیت انسان در وهله اول تأثیر وراثت است، نه محیط او.
 - ۴- اطلاعات کتاب مقدسی اساس ایمان است زیرا این حکم رسولان بوده است.
 - ۵- از طریق فرایند اجتماعی شدن است که می‌آموزیم مانند مسیح زندگی کنیم.
 - ۶- خدمت تعلیم به‌خاطر فراگیری اکتشافی، امروزه از اهمیت کمتری برخوردار است.
 - ۷- «سیستماتیک» و «نیازهای زندگی» دو روش از مقوله مطالعه اکتشافی کتاب مقدس می‌باشد.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب نمایید.

۸- آن نوع یادگیری که دانش و نگرش و رفتار یادگیرنده را تغییر می‌دهد، مستلزم این است که شخص درس‌ها را در موقعیت‌های واقعی زندگی‌اش به‌کار ببرد زیرا.....

(a) درس‌هایی که مستلزم عمل هستند، بهتر به‌یاد می‌مانند تا درس‌هایی که مستلزم عمل نیستند.

(b) «یادگیری» بدون «عمل کردن» کاملاً بی‌ارزش است.

(c) آنچه شخص فرا می‌گیرد فقط زمانی ارزش دارد که به‌کارش ببرد.

۹- روش اکتشافی یادگیری در وهله اول بر کدام مورد زیر تأکید می‌گذارد؟

(a) محتوای درس

(b) نحوه تدریس معلم

(c) کنش متقابل یادگیرنده

(d) محیط

۱۰- موفقیت روش انتقالی یادگیری را بر اساس این قابلیت دانشجویان می‌توان

سنجید که ایشان اطلاعات را دقیقاً آن‌طور که دریافت کرده‌اند، به‌یاد بیاورند. چنین

واکنشی مستلزم چه نوع یادگیری است؟

(a) بازگو کردن

(b) حافظه تکرار

(c) ادراک

(d) کاربرد

- ۱۱- با علم به اینکه انسان با حواس شنوایی و بینایی بهتر فرا می‌گیرد، کسی که در تعلیم و تربیت مسیحی خدمت می‌کند، باید.....
- (a) در تعلیم، از روش سخنرانی استفاده کند.
 - (b) در تعلیم فقط از وسایل بصری استفاده کند.
 - (c) برای تشویق یادگیری، از روش‌های جدید استفاده کند.
 - (d) تعلیم خود را با وسایل بصری تقویت کند.
- ۱۲- همه موارد زیر به جز یکی، جزو دوره‌های مهم زندگی انسان است. کدام مورد زیر جزو دوره‌های مهم «نیست»؟
- (a) طفولیت
 - (b) بزرگسالی
 - (c) بزرگسالی جوانی
 - (d) نوجوانی یا بلوغ
- ۱۳- شخصیت انسان عمدتاً تحت تأثیر کدام مورد زیر قرار دارد؟
- (a) جایگاه اجتماعی‌اش
 - (b) عوامل وراثتی و محیطی
 - (c) جایگاه اجتماعی
 - (d) نژاد
- ۱۴- از «اجتماعی شدن» به عنوان روشی برای تغذیه و پرورش مسیحی استفاده می‌کنیم زیرا.....
- (a) ارزش‌ها و رفتار مسیحی از طریق روابط هدفمند جذب می‌شود.
 - (b) اجرای آن ساده است و نیاز به برنامه‌های پرهزینه ندارد.
 - (c) اکثر اوقات، نتایج فوری و بلندمدت دارد.
- ۱۵- اگر می‌خواهیم که روابط الگوگیری موفق باشند، یادگیرندگان باید.....
- (a) دخالت کمی در تجربه یادگیری خود داشته باشند.
 - (b) فرصت این را داشته باشند که آموخته‌های خود را به کار ببرند.

- (c) در تمام اوقات شدیداً درگیر و دخیل نگاه داشته شوند.
- (d) بتوانند از الگوی خود در تمام جنبه‌های زندگی تقلید کنند.
- ۱۶- خدمت تعلیم نیاز به تمام موارد زیر دارد به جز یکی از آنها. آن مورد کدام است؟
- (a) ایجاد فضای یادگیری
- (b) انگیزش دادن به شاگردان برای یادگیری
- (c) مشغول نگه داشتن شاگردان
- (d) هدایت دانشجویان به سوی اکتشاف دانش و آگاهی
- ۱۷- یکی از بهترین نکات که نشان می‌دهد یادگیری صورت گرفته است، این است که.....
- (a) یادگیرندگان کلمه به کلمه سخنرانی معلم را به خاطر آورند.
- (b) دانشجویان معلم خود را دوست داشته باشند.
- (c) تمام مطالب درس تدریس شده باشد.
- (d) رفتار یادگیرندگان تغییر کرده باشد.
- ۱۸- مطالعه اکتشافی کتاب مقدس مستلزم یادگیری آن چیزی است که دقیقاً در متن کتاب مقدس مکتوف شده، و نیز مستلزم به کارگیری آن و.....
- (a) به خاطر آوردن آن چیزی است که فرا گرفته شده است.
- (b) تعلیم آن به دیگران است.
- (c) به موقع اجرا گذاشتن آن اکتشاف است.
- (d) درک اهمیت آن است.
- ۱۹- برخوردهای هدفمند یادگیری مستلزم آگاهی از علائق و نیازهای یادگیرندگان، تهیه اهداف درست یادگیری، و.....
- (a) برخورداری از تسهیلات مناسب تدریس می‌باشد.
- (b) طرح فعالیت‌های مناسب یادگیری می‌باشد.
- (c) وجود کارکنان بسیار آموزش دیده برای تدریس می‌باشد.

آزمون میانی شماره ۳

مربوط به درس‌های ۸ تا ۱۰

بخش اول - سؤالات صحیح و غلط

- جملات صحیح را با حرف a و جملات غلط را با حرف b مشخص نمایید.
- ۱- کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خدا خانواده را طرح کرد تا روابطی برای تغذیه روحانی و تعلیم و تربیت مسیحی فراهم آورد.
 - ۲- روابط زناشویی زمانی بهتر رشد می‌کند که هر یک از طرفین اول در پی خشنودی خدا و بعد خشنودی خودش باشد.
 - ۳- گروه‌های مشارکتی برای تقسیم کردن حیات مسیح تشکیل می‌شوند.
 - ۴- گروه وسیله‌ای است موفق زیرا نیاز اعضای خود را تأمین می‌کند.
 - ۵- یکی از جنبه‌های مهم و عملی گروه‌های مشارکتی، قابلیت آنها در فراهم ساختن سرگرمی‌های اجتماعی و تفریح می‌باشد.
 - ۶- برای ایجاد تسهیل در رشد روحانی، کلیساها باید در یکی از زمینه‌های نیازهای انسان‌ها تخصص بیابند.
 - ۷- یکی از وظایف شبان در امر تعلیم و تربیت مسیحی، تشخیص رهبران بالقوه و تربیت آنان است.

بخش دوم - سؤالات چند جوابی

- صحیح‌ترین پاسخ را انتخاب نمایید.
- ۸- خدا خانواده را طرح‌ریزی کرد تا کدام مورد زیر را تأمین کند؟
 - a) روابط مبتنی بر پرورش، همزمان با پر شدن زمین از انسان
 - b) نظارت بر مخلوقات و پر شدن زمین از انسان
 - c) نظم اجتماعی و حکومت برای انسانی که خلق کرده بود

- ۹- ازدواج زمانی رشد و شکوفایی می‌یابد که.....
- (a) هر یک از طرفین نخست بر حق و حقوق خود تأکید کند.
- (b) روابط طرفین به کمک مشاورین متخصص تقویت شود.
- (c) هر یک از طرفین بکوشد با دقت روابط را پرورش دهد.
- (d) شوهر اصرار داشته باشد که حاکم مطلق خانه باشد.
- ۱۰- زندگی خانواده مسیحی توسط تمام موارد زیر تغذیه و پرورش می‌یابد، جز یک مورد. کدام مورد زندگی خانواده مسیحی را پرورش «نمی‌دهد»؟
- (a) تعلیم و الگودهی مناسب از سوی والدین
- (b) حضور مرتب در کلیسا و محیط گرم خانوادگی
- (c) انضباطی که باعث تعلیم و اصلاح فرزندان می‌شود
- (d) محبت والدین که ناطاعتی فرزندان را نادیده می‌گیرد
- ۱۱- از آنجا که الگوی والدین به‌اندازهٔ تعلیم شفاهی‌شان آموزنده است، ایشان باید.....

- (a) مراقب باشند که احساسات واقعی خود را چگونه ابراز می‌دارند.
- (b) همیشه مراقب رفتارشان باشند.
- (c) مراقب باشند که فقط در خفا با یکدیگر مخالفت کنند نه در جمع.
- ۱۲- گروه‌های مشارکتی مسیحی با چه هدفی تشکیل می‌شوند؟
- (a) بنا و گسترش تشکیلات خود
- (b) بنای یکدیگر از طریق شراکت در حیات مسیح
- (c) فراهم ساختن فرصت‌های اجتماعی و تفریحی برای ایمانداران
- ۱۳- گروه‌های مشارکتی کدام دسته از نیازها را برآورده می‌سازد؟
- (a) نیاز به اجتماعی شدن، پذیرفته شدن، تعلق، فعال بودن
- (b) نیاز به همانندسازی، ارتباط با دیگران، تعلق، و مشمول شدن
- (c) نیاز به مشارکت، ابراز نفرت، انتقاد، و اعتراض
- (d) نیاز به تعلق، سهیم شدن، شراکت، و ارتباط با دیگران

۱۴- گروه‌ها موفقند زیرا.....

(a) همیشه تصمیماتی به اتفاق آراء می‌گیرند.

(b) محیطی برای بحث ایجاد می‌کنند.

(c) همه اعضا را تشویق می‌کنند که در فرایند گروه شرکت جویند.

۱۵- برقراری ارتباط میان اعضای گروه مهم است زیرا شامل.....

(a) آنچه که گفته شده، نحوه گفتن آن، و اثر آن می‌باشد.

(b) رابطه گروه با کلیسای حامی‌اش می‌باشد.

(c) شاد نگه داشتن اعضای گروه در تمام اوقات می‌باشد.

۱۶- برخی از جنبه‌های مهم و عملی تشکیل و اداره گروه‌های مشارکت مسیحی

در کدام یک از موارد زیر آمده است؟

(a) چه کسی باید رهبری کند، چرا و به چه مدت؟

(b) گروه کی، کجا، و به چه مدت باید تشکیل شود؟

(c) چه کسی باید گروه را تشکیل دهد و کنترل کند و بر چه اساسی؟

۱۷- کلیساها رشد به سوی مسیح‌گونگی را از چه طریقی تسهیل می‌کنند؟

(a) از طریق تأمین مکانی برای مشارکت و مقداری خوراک روحانی

(b) از طریق دور نگاه داشتن ایمانداران از دنیا و دخیل ساختن‌شان در فعالیت‌ها

(c) تعلیم دادن ایمانداران برای بلوغ و تجهیز ایشان برای خدمت

۱۸- مفهوم خدمت در کتاب مقدس در کدام مورد زیر ذکر شده است؟

(a) همه ایمانداران مسئولند که خدمت مسیحی را انجام دهند.

(b) فقط خادمین تعلیم‌دیده و دستگذاری شده می‌توانند خدمت مسیحی را انجام

دهند.

(c) خدمت مسیحی اشاره دارد به تأمین نیازهای اجتماعی، اما خدمت تمام وقت

یعنی رسیدگی به نیازهای روحانی مردم.

۱۹- نقش و وظیفهٔ شبانان و معلمان در امر تعلیم و پرورش مسیحی،.....

(a) انحصاری است: یکی رهبری می‌کند، و دیگری فقط خدمتی مطیعانه انجام می‌دهد.

(b) فراگیر است: هر دو معمولاً تمام نیازهای مربوط به رشد ایمانداران را برآورده می‌سازند.

(c) مکمل است: هر دو می‌کوشند قابلیت‌های بالقوهٔ انسان را تحت نظارت خدا شکوفا سازند و افراد را برای خدمت مسیحی مجهز نمایند.